



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نقش و رسالت زن

۴

جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و مجتهد

مرکز تحقیقات معصومین آیت‌الله العظمی خاتمی و دست‌اندرکاران
و همکاران انقلاب اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه و مسایل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد

نویسنده:

امیر حسین بانکی پور فرد

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	جایگاه و مسایل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد
۲۰	مشخصات کتاب
۲۱	اشاره
۲۵	پیشگفتار
۲۷	فهرست مطالب
۵۳	مقدمه
۵۷	فصل اول اهمیت و ریشه یابی مسائل زنان
۵۷	اشاره
۵۹	۱-۱ - ضرورت توجه به مسائل زنان
۵۹	توجه و عنایت ویژه ی امام (ره) به زنان
۵۹	حصار محکم فکر امام (ره) در مورد نقش زنان
۶۰	بیش از ۴۰ سال دغدغه ی مقام معظم رهبری نسبت به مسائل زنان
۶۰	حل نشدن مسأله ی زن در دنیا
۶۱	عدم حلّ مسائل زنان بخاطر زیاده رویها، کجرویها و بدفهمیها
۶۲	لزوم توجه به ویژگیهای زنان در جامعه ی انقلابی ایران
۶۲	خسارات بی توجهی به نقش زن
۶۲	عدم پیشرفت متناسب با نیاز و توقع و امکانات در مسائل زنان
۶۳	زن و خانواده؛ جزو راهبردی ترین مسائل فکری جامعه
۶۳	سرمایه گذاری پژوهشی نظام در حوزه ی زن و خانواده
۶۴	لزوم تبلیغ و فعالیت بسیار برای رفع محرومیت از زنان
۶۴	تصحیح و تسریع حرکت به سوی جایگاه شایسته ی زن
۶۴	لزوم توجه به زن بعنوان عامل فساد یا صلاح مردان و اجتماع
۶۵	پرورش انسانهای بافضیلت یا بی شخصیت در دامن زن

- ۶۵ وضع آینده و اهمیت نقش زن در آن
- ۶۶ تجلیل عملی از زن در خانه و جامعه
- ۶۶ ۱-۲ - اولویت مسائل زنان
- ۶۶ ضرورت بازنگری جدی ارزشهای سازنده ی شخصیت زن در دنیا
- ۶۷ برخی مسائل نیازمند به پیگیری در حوزه ی زنان
- ۶۸ مسائل مطرح در سبک زندگی درمورد رابطه ی زن با خانواده و اجتماع
- ۶۸ تصحیح فرهنگ عمومی جامعه در نگرش سیاسی به زنان
- ۶۸ فاصله ی قوانین و حقوق اجتماعی زنان در ایران با خواسته ی اسلام
- ۶۹ شناساندن حقوق و تکالیف و مسؤلیت متقابل با رجوع به فطرت
- ۶۹ کمبود فرصتها و میدانها برای علم و معرفت زنان در همه ی جوامع
- ۷۰ عدم حلّ مشکلات زنان با کثرت حضور در دانشگاهها و مسؤلیت‌ها
- ۷۰ بحران زنان؛ محصول نگاه غلط به زن و خانواده
- ۷۱ اداره ی کانون گرم خانواده؛ اولین مسؤلیت زن
- ۷۲ احساس آرامش و امنیت؛ مسأله ی اساسی زنان
- ۷۲ عدم اولویت مسائل شخصی برای زنان
- ۷۳ پرهیز از دام رقابتها و چشم و هم چشمیها در محافل زنان
- ۷۳ مقایسه ی ظلم به زن در غرب و کشورهای اسلامی
- ۷۴ ۱-۳ - ظلم به زن
- ۷۴ ستم تاریخی و طبیعی و دائمی نسبت به زنان
- ۷۴ مظلومیت زن در طول تاریخ، مگر در موارد استثنایی
- ۷۵ طبیعت جاهل بشر؛ عامل ظلم به زن در طول تاریخ
- ۷۵ نقش نظامهای دیکتاتوری در ظلم به زن
- ۷۶ نظام اجتماعی استبدادی؛ مهمترین عامل تاریخی ظلم به زن
- ۷۷ ستم مردان به زنان بخاطر ضعف جسمانی در طول تاریخ
- ۷۷ حالت وحشیگرانه نسبت به زن بخاطر قویتر بودن ترکیب جسمانی مرد
- ۷۸ استعمار تاریخی زن بخاطر ظرافت بیشتر نسبت به مرد

۷۹	مظلومیت تاریخی زن بخاطر نادیده گرفتن وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی
۸۰	برداشتهای غلط بشری درباره ی جایگاه زن
۸۰	ندانستن قدر و جایگاه زن؛ ریشه ی ظلمهای تاریخی
۸۱	تحقیر زن در طول تاریخ در دو شکل خصومت و دوستی
۸۲	نگاه امپراطوری روم به زن در اشباع غریزی مرد
۸۲	حرمسراها؛ نماد اهانت به زن
۸۳	اسارت فرهنگی زن؛ مانع اساسی رشد زنان
۸۳	شرح مظلومیت زن
۸۴	خانواده؛ بالاترین محیط ظلم به زن
۸۴	بررسی عوامل تاریخی و جامعه شناسی مظلومیت زن در خانواده
۸۵	کمبودها و کم کاریهای زیاد در عرصه خانواده
۸۶	بی عدالتی در ارتباطات خانوادگی در جوامع غربی و اسلامی
۸۶	طبیعی بودن آزار زن در داخل خانه، بین نژادهای وحشی غربی و لزوم دوری از آن در محیط اسلامی
۸۷	عدم حساسیت دنیا در ظلم به زن در خانواده
۸۷	سست بنیادی بنیان خانواده در غرب؛ مصداق ظلم به زن
۸۸	مشکل اصلی زن در دنیای امروز، ناکامی زن در نیاز مادری و همسری
۸۸	خلأهای قانونی، عادت و سنتی در حوزه ی زن و خانواده
۸۹	دیدن محرومیت و مشکلات زنان بلوچ در گذشته
۸۹	لزوم توجه به حفظ حرمت و کرامت زن در همه ی مناطق ایران
۹۰	ظلم به زن در صورت عدم نزاکت و دقت و تقوای لازم
۹۰	حرام بودن بی توجهی به زن قبلی در تعدد زوجات
۹۱	ازدواجهای تحمیلی زودرس
۹۱	نادیده گرفتن خواست دختران؛ خلاف خواست اسلام
۹۱	تأثیر وجود عادات جاهلی در ظلم به زن در مناطقی از ایران
۹۲	انواع ظلمهای فرهنگی به زنان
۹۳	سرگرم کردن زن به جلوه گری؛ عامل انحطاط شخصیت زن

- ۹۴ ----- محرومیت زن از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه
- ۹۴ ----- عدم توجه به نقش زنان در تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی
- ۹۵ ----- عقب ماندن زنان نسبت به مردان
- ۹۵ ----- تحلیل اجتماعی علی (ع) از عقب ماندگی فکری - فرهنگی زن
- ۹۷ ----- وضعیت زنان جامعه ی زمان علی (ع)
- ۹۷ ----- کم بهرگی زن در نظر علی (ع)؛ واقعیت دوران انحطاط و اسارت زن
- ۹۸ ----- محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص العقل خواندن آنها
- ۹۸ ----- بیگانگی دختران تحصیلکرده از خانواده
- ۹۹ ----- ۱-۴ - نحوه ی احقاق حقوق زنان
- ۹۹ ----- بازگشت زن و مرد به طراز اسلام
- ۱۰۰ ----- هدف؛ رسیدن زن به کمال، نه رقابت با مردان
- ۱۰۰ ----- اول فرهنگ، بعد حق
- ۱۰۱ ----- تلاش فرهنگی دلسوزانه ی هوشمندانه نه ساده لوحانه و عجولانه
- ۱۰۳ ----- کار فرهنگی بزرگ به کمک احکام قرآنی برای رفع ستم از زنان
- ۱۰۳ ----- رفع کمبود میدانها و فرصتها برای علم، معرفت، اخلاق و شکوفایی استعدادها
- ۱۰۳ ----- باز شدن گرههای زندگی زنان با قوانین اسلامی
- ۱۰۴ ----- حقوق زن بعنوان پرورش دهنده ی انسانهای والا
- ۱۰۵ ----- استفاده ی خردمندان از تجربه ی دیگران در مورد زنان
- ۱۰۵ ----- حرکت بر اساس بینش خردمندان و شناسایی طبیعت زن
- ۱۰۶ ----- توجه به واقعیتهای آفرینش زن و مرد برای حل مشکلات
- ۱۰۶ ----- لزوم توجه به سه مقوله ی تکریم زن، وظیفه زن و رفتار با زنان؛ در برنامه ریزیها
- ۱۰۷ ----- اندیشه ی شهید مطهری؛ مستدلترین اندیشه ی زمان خود در مورد زن
- ۱۰۷ ----- همسان دانستن ارزشها و شناسایی تکالیف ویژه ی زن
- ۱۰۸ ----- شناخت وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد؛ عامل رفع ظلم به زن
- ۱۰۹ ----- روش محترمانه، مصلحت اندیشانه و عاقلانه ی اسلام نسبت به زن
- ۱۰۹ ----- بازگو کردن تعالیم اسلام در مورد زن

- ۱۰۹ ----- تبیین نظر اسلام در باب آزادی
- ۱۱۰ ----- آگاهی و عمل به حقوق اسلامی؛ مانع ظلم به زن در خانواده
- ۱۱۰ ----- دنبال کردن روش اسلامی با جدیت و اهتمام کامل
- ۱۱۱ ----- بحث نکردن در مورد تمایزات مسلم در فقه اسلامی
- ۱۱۱ ----- دوری از بحثهای انحرافی از قبیل دیه در مورد زن
- ۱۱۲ ----- امکان تغییر احکام با شیوه ی فقهی توسط فقیه ماهر و مسلط
- ۱۱۳ ----- لزوم جلوگیری از ضعف و ستم زدگی زن در سطوح مختلف با تدوین قوانین و تحقق خلیات و آداب و سنن لازم
- ۱۱۳ ----- اهمیت اصلاح قوانین در موضوع زنان
- ۱۱۴ ----- لزوم اصلاح بعضی قوانین
- ۱۱۴ ----- حلّ تدریجی و هوشمندانه مشکلات زنان با وضع قوانین
- ۱۱۴ ----- احساس امنیت زن در خانه ی شوهر در پرتو قانون
- ۱۱۵ ----- روشهای حلّ مشکلات بانوان مسلمان در خانواده
- ۱۱۶ ----- برخورد قانونی و اخلاقی با متعدیان به زن در خانواده
- ۱۱۷ ----- حلّ مسائل زن در خانواده؛ عامل فائق آمدن بر مسائل اجتماع
- ۱۱۷ ----- لزوم پشتوانه ی قانونی و ضمانت اجرایی در حمایت از زنان در خانواده
- ۱۱۸ ----- دفاع اخلاقی، قانونی و منطقی از زن
- ۱۱۸ ----- تهذیب و اخلاق؛ راه چاره ی زورگویی به زن
- ۱۱۸ ----- سواد و قانون؛ ابزارهای اقتدار زن
- ۱۱۹ ----- لزوم پختگی در مبارزه با ستم تاریخی علیه زن
- ۱۱۹ ----- حلّ معضلات با ارائه ی راهکار اجرایی توسط خود زنان
- ۱۲۰ ----- دوری از جلب نظر غربیها
- ۱۲۱ ----- ضرورت زدودن گرایش به فرهنگ غربی در دفاع از حقوق زن
- ۱۲۱ ----- دفاع غلط از حقوق زن با الگو قرار دادن زن غربی
- ۱۲۲ ----- روش غلط غربیان و پیروانشان در دفاع از حقوق زن
- ۱۲۳ ----- موفق نبودن روشهای دنیای متمدن علیرغم بعضی ظواهر
- ۱۲۳ ----- لزوم طرح گفتمان «زن حقیقی» مد نظر اسلام بصورت تهاجمی و نه دفاعی

- ۱-۵ - نقش نهادها و سازمانها در ارتباط با زنان ----- ۱۲۴
- لزوم ایجاد یک مرکز عالی و ثابت با چشم انداز بلندمدت در حیطه ی همه ی فعالیتهای مربوط به زنان ----- ۱۲۴
- لزوم کار عملی و تشکیل کار گروههای تخصصی درمورد مسائل زنان ----- ۱۲۵
- لزوم محاسبه و مشخص کردن هدف در فعالیتهای مربوط به زنان ----- ۱۲۶
- ایجاد سازمانهای اسلامی زنان ----- ۱۲۷
- سازمانها به دنبال احیای حقوق عرفی زن ----- ۱۲۷
- تأمین حقوق مدنی و خانوادگی زن ----- ۱۲۸
- گره گشایی از کار زن در خانواده ----- ۱۲۸
- لزوم مبنا بودن نقش مادری و همسری در طرح ریزیها برای خانواده ----- ۱۲۸
- انگیزه ی تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان ----- ۱۲۹
- شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ مرکزی برای تدارک پشتیبانی معنوی و قانونی ----- ۱۲۹
- انجام سفرهای خارجی حساب شده و با هدف ----- ۱۳۱
- نیاز دنیا به مبانی کارگشا در حوزه ی زن و عقب ماندگی ما در بیان این مبانی ----- ۱۳۱
- سهم دستگاههای اجرایی در تعلیم زنان ----- ۱۳۲
- نقش صددرصدی صدا و سیما در فرهنگسازی و تکریم زن با خصوصیات اسلامی ----- ۱۳۳
- تبیین دیدگاه اسلام در زمینه ی روابط زن و مرد ----- ۱۳۳
- ارائه ی نقش زن با گوهر عفت و تأثیر او در خانواده، جامعه و انقلاب ----- ۱۳۴
- دوری از نقشهای پست کننده برای زنان در برنامه های صدا و سیما ----- ۱۳۴
- ارائه ی زن بعنوان جاذبه ی جنسی حتی با پوشش مجاز در بعضی فیلمها ----- ۱۳۴
- مخدوش کردن جایگاه زن بعنوان عنصر جنسی در فیلمها ----- ۱۳۵
- کمبود کار فرهنگی ----- ۱۳۶
- کار فرهنگی؛ کار اولی، لازمتر و فوریت در مورد زنان ----- ۱۳۶
- برکت کار فرهنگی عمیق درباره ی مبانی اسلام نسبت به مادران ایثارگر ----- ۱۳۷
- کمک به ایستادگی زنان در مقابل هجوم دشمن ----- ۱۳۸
- آمادگی نظامی زنان ----- ۱۳۹
- رعایت جهات ارزشی تأمین کننده ی آینده ی زنان ----- ۱۴۰

- ۱۴۰ تسلط قدرتهای جهانی؛ عامل گرسنگی و مرگ زنان و کودکان
- ۱۴۰ کار قوی و باکیفیت در مسأله ی زنان؛ خدمت حقیقی به زنان عالم
- ۱۴۱ کار متین و عمیق و قابل عرضه و بدون شتابزدگی
- ۱۴۱ گفتمان سازی در حوزه ی زن و خانواده
- ۱۴۳ فصل دوم زن در فرهنگ غرب
- ۱۴۳ اشاره
- ۱۴۵ ۱-۲ - جایگاه زن در فرهنگ غرب
- ۱۴۵ زن؛ موجود درجه ی دوم در ادبیات غرب
- ۱۴۵ نگرش ظالمانه ی غرب به زن در عرصه ی کار، هنر و ادبیات
- ۱۴۶ بزرگترین حقیقتی؛ مطرح شدن زن برای انتفاع مرد
- ۱۴۷ محرومیت زنان از اخذ مدرک تحصیلی در گذشته ی نزدیک غرب
- ۱۴۸ محرومیت زن از حق رأی و مالکیت حقیقی در غرب
- ۱۴۸ عدم حق رأی زنان در دموکراسی غربی
- ۱۴۹ عقب افتادگی غرب در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زن
- ۱۵۰ از نداشتن حق رأی و مالکیت تا بی پناه و رها شدن در جامعه
- ۱۵۰ تنته دیر هنگام، شتابزده و جنجالی اروپا در مسأله ی زن
- ۱۵۱ ظرفیتترین و مؤثرترین نقش در سیر بشریت بسوی کمال
- ۱۵۲ متهم بودن غرب در برخورد ذلیلانه با زن
- ۱۵۲ مسائل اصلی زندگی؛ تحت الشعاع سرگرمی مبتذل روابط زن و مرد
- ۱۵۳ مخالفت فرهنگ غرب با خویشننداری جنسی
- ۱۵۳ پاسخگویی غرب درباره ی حقوق و حفظ کرامت زن
- ۱۵۴ هدف غرب؛ هرزه شدن و عرضه شدن زن
- ۱۵۴ فقدان آزادی و حجاب در حال و گذشته ی اروپا
- ۱۵۵ سلب آموزش و تحصیل زنان در غرب به جرم حجاب
- ۱۵۵ اشتباه دنیای استکبار درباره ی ارزش زن
- ۱۵۶ هوچیگریهای غرب در مورد مسأله ی زن

- ۱۵۶ ----- بی توجهی غرب به شخصیت و حرمت واقعی زن
- ۱۵۷ ----- نگاه غرب به زن؛ نگاه منحط، ناقص و گمراه کننده
- ۱۵۷ ----- ظلم به زن در تمدن غرب، علیرغم تبلیغات فریبگر
- ۱۵۷ ----- مفاهیم انسانی زن؛ تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی
- ۱۵۸ ----- تداوم ستم تاریخی به زن، در جوامع متمدن
- ۱۵۸ ----- تعدی و اهانت به زن امریکایی، علیرغم شعار دفاع از حقوق زن
- ۱۵۸ ----- آمار وحشتناک خشونت علیه زنان در غرب
- ۱۵۹ ----- سکوت مدعیان حقوق بشر در قبال تعرض به زنان در بوسنی
- ۱۵۹ ----- نبود اخلاق و تهذیب؛ عامل بیشتر شدن ظلم به زن
- ۱۶۰ ----- ارتباطات مبتذل؛ عامل دوری زن از مسائل اخلاقی و صحنه های سیاسی و فرهنگی
- ۱۶۰ ----- زنان شکنجه گر در زندان ابوغریب؛ نشانگر فراموشی معنویت در فرهنگ غرب
- ۱۶۱ ----- زنان جوان شکنجه گر؛ نشانه ی وحشیگری تمدن غرب
- ۲-۲ - التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب -----
- ۱۶۱ ----- جوابگویی غرب به اهل اندیشه بخاطر حرکت به سمت برهنگی
- ۱۶۲ ----- تلقیهای متناقض از شعار آزادی زن
- ۱۶۳ ----- مفهوم آزادی زن در غرب
- ۱۶۳ ----- نگاه التذاذی به زن؛ ریشه در فرهنگ اروپایی
- ۱۶۴ ----- افزایش زن آزاری با جوشش شهوت جنسی در غرب
- ۱۶۵ ----- الگوی اروپایی زن؛ ابزار التذاذ مرد
- ۱۶۵ ----- بساط آزادی غربی؛ قراردادن زن بعنوان ابزار لذت جویی مردان
- ۱۶۵ ----- سلب حجاب و عفاف به اسم آزادی
- ۱۶۶ ----- ظلم و تحقیر زن در غرب به اسم آزادی
- ۱۶۷ ----- آزادی زن برای انتفاع و التذاذ مردان
- ۱۶۷ ----- نام دروغین آزادی بر نگاه اهانت آمیز غرب به زن
- ۱۶۸ ----- نگاه ابزاری به زن؛ چشم نواز بودن برای مرد
- ۱۶۸ ----- بهره برداری نفسانی و سوء استفاده از جاذبه ی فیزیکی زن

- ۱۶۹ حرفهای جذاب بر مبنای جنس زن؛ وسیله ی التذاذ برای جنس مرد
- ۱۶۹ بزرگترین ضربه و اهانت به زن در سیاستهای غربی
- ۱۷۱ وسیله ی التذاذ و شهوترانی؛ بزرگترین اهانت به زن
- ۱۷۱ بالاترین اهانتها به زن در تمدن غرب
- ۱۷۲ اهانت در شکل تکریم
- ۱۷۲ جلوه گری زن؛ تجلیل یا تحقیر
- ۱۷۲ خیانت آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان
- ۱۷۳ تشویق به آرایش و تبرج در مقابل مرد؛ نشانه ی مردسالاری غربی
- ۱۷۳ جلوه گری و زیبایی فروشی زن؛ مقبولتر از تفکر، علم و اخلاق او
- ۱۷۴ تنزل زن در حدّ یک وسیله التذاذ با تحمیل فرهنگ برهنگی
- ۱۷۴ خیانت و ضرر فرهنگ غرب؛ بی بند و باری و ابتذال زنانه
- ۱۷۵ حاصل سیاست غرب؛ ابتلاء به همجنس گرایی و سوءاستفاده جنسی از زن
- ۱۷۶ ارتباط راحت زن و مرد در اجتماع؛ بزرگترین ضربه برای زن
- ۱۷۶ معاشرت یکسان زن و مرد در غرب؛ عملی فریبنده و نادرست
- ۱۷۷ التذاذ از زن در جامعه؛ عامل تزلزل خانواده و بی حرمتی به زن
- ۱۷۷ تلذذ از زن در اجتماع و زن آزاری در خانواده
- ۱۷۷ ۲-۳ - سوءاستفاده ی اقتصادی از زن در غرب
- ۱۷۷ صدور ادعاینامه علیه غرب پول پرست در اهانت به زن
- ۱۷۸ زن؛ قربانی تمدن صنعتی غرب
- ۱۷۹ نداشتن حقّ مالکیت زنان در غرب تا اوایل قرن بیستم
- ۱۷۹ نیاز به کارگر ارزان؛ عامل اعطای حقّ مالکیت به زن در غرب
- ۱۸۰ غرب و ممنوعیت حقّ تصرف زنان در اموال خود
- ۱۸۱ زن؛ وسیله ی سوداگری سرمایه داری غرب
- ۱۸۱ ارزشگذاری به آرایش، مد و تفاخرها جهت جذب منافع مادی شرکتها
- ۱۸۱ گزارش تکان دهنده ی رشد تجارت و قاچاق زنان
- ۱۸۲ ۲-۴ - موقعیت خانوادگی زن در فرهنگ غرب

- خانواده؛ نقطه ی ضعف غرب ----- ۱۸۲
- ناکامی زن در اساسیترین و فطریترین نیازهایش ----- ۱۸۲
- عدم امنیت جانی، اخلاقی و جنسی در خانواده ----- ۱۸۳
- ضرب و شتم، خشونت و وحشت همسر در جامعه ی امریکا ----- ۱۸۳
- آمار وحشت آور از خانواده های امریکایی ----- ۱۸۴
- آمار حیرت انگیز شکایت زنان از شوهران در امریکا ----- ۱۸۴
- مظلومیت زن در طول تاریخ ----- ۱۸۵
- تشریفات ظاهری و دروغین غرب بعنوان تکریم مقام زن ----- ۱۸۵
- مظلومیت خانگی زن در دنیای بظاهر آزاد ----- ۱۸۶
- ظلم به زن در خانه با وجود بی پروایی در جامعه ----- ۱۸۶
- آزادی بی قید و شرط در ارتباط با نامحرم و اسارت شوهر ----- ۱۸۷
- تصویر مظلومیت زن در ادبیات غرب ----- ۱۸۷
- شوهر؛ مالک مال و جان زن ----- ۱۸۸
- مقایسه ی ازدواج دو زن اشرافی در اسلام و غرب ----- ۱۸۸
- تغییر نام خانوادگی زن در خانه ی شوهر در فرهنگ غرب ----- ۱۸۹
- تغییر نام به نام شوهر؛ ریشه در بی اعتنایی به شخصیت زن ----- ۱۹۰
- آزادی بی قید و شرط معاشرت؛ عامل متلاشی شدن خانواده در غرب ----- ۱۹۰
- غربت خانواده در غرب بر اثر بی اعتنایی ----- ۱۹۱
- پیامدهای ازدواجها در غرب ----- ۱۹۱
- زندگیهای قراردادی فاقد انس و گرمی خانوادگی ----- ۱۹۲
- عدم تبادل عاطفی و زندگی رقت بار در مقیاس خانواده ----- ۱۹۲
- تزلزل بنیان خانواده در غرب ----- ۱۹۳
- از هم پاشیدگی خانواده؛ نتیجه ی راه غلط زنان غربی ----- ۱۹۳
- متلاشی شدن خانواده ها؛ مشکل بزرگ امروز دنیای غرب ----- ۱۹۴
- مایه ی التذاذ مرد شدن به نام آزادی زن، عامل ویرانی خانواده ----- ۱۹۴
- آزادی جنسی و بی عفتی؛ عامل تزلزل بنیان خانواده ----- ۱۹۵

- ۱۹۶- نابودی خانواده؛ دستاورد فساد غرب
- ۱۹۶- بی هویتی فرهنگی و فساد؛ نتیجه ی تزلزل خانواده
- ۱۹۶- تزلزل بنیان خانواده؛ عامل نابودی تدریجی جامعه
- ۱۹۶- تحوّل منجر به سست شدن روابط خانوادگی؛ نشانه ی پسرفت
- ۱۹۷- غرب؛ تشنه ی پیام مربوط به خانواده
- ۱۹۷- تنهایی، غریبی و ولگردی؛ حاصل نبود خانواده
- ۱۹۸- گسستگی اعضای خانواده از هم
- ۱۹۸- اضطراب در غرب و فرو پاشی خانواده
- ۱۹۹- فرو ریختن تمدن غرب با جدایی زن از خانواده
- ۱۹۹- دامن زدن به شهوت؛ چاله ی خطرناک و گریز ناپذیر پیش روی تمدن غرب
- ۲۰۰- زوال تمدن غرب بخاطر قوانین ابلهانه ی جنسی
- ۲۰۱- نادیده گرفتن نقش مادری و تضعیف نقش خانواده؛ خیانت بزرگ غرب به زنان
- ۲۰۱- محرومیت زن از بروز مهر و عطوفت مادری
- ۲-۵- ۲۰۱- ترویج فرهنگ غرب در روابط زن و مرد
- ۲۰۱- مردواره کردن و وسیله ی التذاذ جنسی قرار دادن زن؛ دویخش برجسته ی گفتمان غرب درمورد زن
- ۲۰۲- انفعال در برابر گفتمان غربی مرد واره کردن زن
- ۲۰۳- فرهنگ برهنگی و فساد، مخالفت با فضایل و ارزشها
- ۲۰۴- ترویج عدم واسطه و فاصله بین زن و مرد در معاشرتها
- ۲۰۵- ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی رویه ی زن و مرد؛ سلاح غرب برای تباهی کشورها
- ۲۰۶- به انحراف کشاندن و تشدید غرایز؛ سیاست استعمار فرهنگی
- ۲۰۶- نقش صهیونیسم در اشاعه ی فساد و فحشا
- ۲۰۷- نفوذ و رشد تعلیمات غربی در بعضی خانواده ها
- ۲۰۷- شکست در ترویج فرهنگ منحط غرب
- ۲۰۹- فصل سوم منزلت و جایگاه زن در اندیشه ی اسلامی
- ۲۰۹- اشاره
- ۳-۱- ۲۱۱- نگاه جامع و کامل اسلام به موضوع زن

- ۲۱۱ لزوم درک صحیح نظر اسلام در مسائل زنان
- ۲۱۱ دید جامع و کامل اسلام به زن
- ۲۱۲ نگاه اسلام؛ اول حیث انسانیت بعد جنسیت
- ۲۱۲ درک دیدگاههای اسلام بدون افراط و تفریط
- ۲۱۳ نظریه پردازی در موضوع زن، بر مبنای آیات قرآن
- ۲۱۳ نظریه پردازی در زمینه ی الگوی مترقی زن و خانواده
- ۲۱۳ طبیعت الهی زن؛ مملو از لطافت و زیبایی و به دور از نقش تشریفاتی
- ۲۱۴ محدودیتهای اسلامی؛ عامل رشد فکری، علمی و عملی زنان
- ۲۱۴ معنای واقعی تکریم، توجه به بعد خانوادگی و اجتماعی زن
- ۲۱۵ هویت زن؛ چشمه جوشان عاطفه و صبر برای تربیت انسان
- ۲۱۶ حرکت به سمت آرمانگرایی با دید واقع بینانه نسبت به زن
- ۲۱۷ اعطای حقوق و شخصیت کامل به زن در اسلام
- ۲۱۷ مقایسه ی رفع ابهام و حلّ مسائل در سه قلمروی حضور زن از نظر اسلام
- ۲۱۹ حلّ مشکلات زنان با مواعظ و نمونه سازی پیام وحی
- ۲۲۰ نظر اسلام مبتنی بر آفرینش زن و نیازهای او برای رسیدن به کمال
- ۲۲۰ ۳-۲ - مبارزه ی اسلام با ظلم تاریخی به زن
- ۲۲۰ غلبه ی خورشید معرفت اسلام بر جاهلیت حاکم بر جهان
- ۲۲۱ اسلام و تحوّل در شخصیت زن
- ۲۲۲ ارزشگذاری اسلام در مورد زن
- ۲۲۳ برخورد اسلام با سنتهای غلط نسبت به زنان
- ۲۲۳ دلیل اظهارات پرجوش پیامبر (ص) در مورد زن
- ۲۲۴ پاسخ دادن به برداشت غلط و مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن
- ۲۲۴ مبارزه با عادات و آداب غلط خرافی بعضی از اقوام نسبت به زن
- ۲۲۵ مقابله با نگاه انحرافی و تحقیرآمیز نسبت به زن
- ۲۲۶ کوبیدن اندیشه های جاهلی با بالا کشیدن زن نسبت به مرد در قرآن
- ۲۲۶ ۳-۳ - شأن انسانی زن از نظر اسلام

- ۲۲۶ نگاه انسانی اسلام به زن
- ۲۲۷ زنان؛ پیشگامان حرکت معنوی انسان
- ۲۲۸ اسلام؛ پیشگام در دفاع از حقوق زن
- ۲۲۸ رازهای طرح دو زن بعنوان نمونه‌ی ممتاز در صحنه‌ی انسانیت
- ۲۳۰ پیامبر اسلام (ص) و حقوق انسانی زنان
- ۲۳۰ ارزشگذاری به اصالت زن
- ۲۳۱ پرهیز از سطحی نگری به احکام اسلامی در مورد زنان
- ۲۳۲ حق مالکیت زن با وجود عدم رضایت شوهر و پدر
- ۲۳۲ ۳-۴ - برابری و تفاوت میان زن و مرد
- ۲۳۲ عدم تفاوت بین زن و مرد در طی مراتب معنوی و حقوق اجتماعی و فردی
- ۲۳۳ عدم تفاوت زن و مرد در تقرب الی الله و کمالات
- ۲۳۳ عدم تفاوت در ارزش انسانی زن و مرد
- ۲۳۴ عدم تفاوت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی
- ۲۳۴ عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری
- ۲۳۵ عدم تفاوت زن و مرد در عروج و سقوط انسانی
- ۲۳۵ عدم تفاوت مرد و زن در ارزشهای معنوی و اسلامی
- ۲۳۶ برابری فرصتهای عروج برای زن و مرد
- ۲۳۷ برابری زن و مرد از جنبه‌ی الهی و تکامل انسانی
- ۲۳۷ برابری زن و مرد در ارزشهای معنوی و معرفتی
- ۲۳۸ برابری زن و مرد در پیمودن مراحل تکامل معنوی و مادی
- ۲۳۸ برابری زن و مرد در فرایض دینی
- ۲۳۹ همردیفی مقامات معنوی و درجات انسانی زن و مرد
- ۲۴۰ عدم تفاوت در عرصه‌ی تعالی روحی و رشد معنوی
- ۲۴۰ ابعاد گوناگون جهاد و مبارزه‌ی زن
- ۲۴۱ ایفای نقش یکسان در پیشرفتهای علمی و اجتماعی
- ۲۴۱ امکان پرش بینهایت برای زن و مرد

- ۲۴۲ اقتضای نظام اتم خلقت در خصوصیات زن و مرد
- ۲۴۲ رعایت عدالت محض میان زن و مرد از نظر اسلام
- ۲۴۲ زن و مرد؛ دو جنس مکمل یکدیگر
- ۲۴۳ توجه اسلام به زن و مرد از منظر انسانی و حقوقی
- ۲۴۴ برجستگیها و امتیازات و برتری متقابل زن و مرد نسبت به هم و برابری کلی آنها
- ۲۴۵ مسؤولیتهای مشترک زن و مرد با وجود قلمروهای اختصاصی
- ۲۴۵ برابری در ارزشهای انسانی، تفاوت در وظایف تخصصی
- ۲۴۵ توجه به تفاوت طبیعت زن و مرد
- ۲۴۶ تفاوت طبیعی زن و مرد
- ۲۴۶ تفاوت اندیشه و احساسات زن و مرد
- ۲۴۷ تفاوتهای جسمانی، عاطفی و اخلاقی؛ نشانه ی وظایف مختلف
- ۲۴۷ حکمت الهی در تفاوت آفرینش زن و مرد
- ۲۴۸ تفاوت حقوق زن و مرد بر اساس طبیعت، فطرت و مصالح جامعه
- ۲۴۸ تفاوت وظایف زن و مرد بر اساس خلقت
- ۲۴۹ فلسفه ی تفاوت زن و مرد در کار و اشتغال
- ۲۵۰ ارزش زن؛ زن کامل بودن، نه کپی مرد شدن
- ۲۵۰ فلسفه ی «مردانگی» گفتن و «زنانگی» نگفتن
- ۲۵۱ غلبه ی ضمیرمذکر بخاطر نقش ظاهری و بیرونی مرد
- ۲۵۲ تقسیم کار بین زن و مرد بر حسب تفاوت امکانات و زمینه ها
- ۲۵۲ کسب مقامات عالی کشوری برای زنان بجز رهبری، ریاست جمهوری و قضاوت
- ۲۵۴ تفاوت احکام مربوط به زن و مرد بر اساس مصالح
- ۲۵۴ عامل تفاوت دیه ی زن و مرد
- ۲۵۶ حکمت و معرفت عظیم در تفاوت دیه ی مرد با زن
- ۲۵۷ منابع مفید در زمینه ی تفاوتهای حقوقی زن و مرد
- ۲۵۷ تجدیدنظر در بعضی مسائل فقهی
- ۲۵۸ ۳-۵ - خصوصیات زن مسلمان

- ۲۵۸ ایمان آگاهانه؛ در صدر شخصیت زن
- ۲۵۸ پاسداران واقعی اسلام در همه ی ابعاد
- ۲۵۹ عبادت، سیاست و خانه داری؛ عناصر شخصیت زن کامل
- ۲۵۹ پیشرفت در ارزشهای معنوی، مسائل اجتماعی و سکونت در خانواده
- ۲۶۰ مجموعه صفات با ارزش برای زن مسلمان
- ۲۶۱ رسالت زن ایرانی در برابر نفهمیدن و کتمان حقایق
- ۲۶۱ نشان دادن هویت و حقیقت فرهنگی زن مسلمان
- ۲۶۱ دلیل برتری زن ایرانی؛ تربیت اسلامی
- ۲۶۲ زن مسلمان؛ فراتر از اسارت زر و زیور
- ۲۶۲ دوری از اختلاط و جلب نگاه مردان
- ۲۶۲ زن ایرانی؛ پاکتر از راهبه و شجاعتر از سرباز
- ۲۶۵ فهرست آیات قرآن کریم
- ۲۶۶ فهرست روایات
- ۲۶۷ فهرست اسامی اشخاص
- ۲۶۹ فهرست مکانها
- ۲۷۱ درباره مرکز

جایگاه و مسایل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآور : جایگاه و مسایل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد [کتاب] : برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی / به کوشش امیرحسین بانکی پورفرد.

مشخصات نشر : تهران : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی"، 1393.

مشخصات ظاهری : 238 ص.

فروست : نقش و رسالت زن؛ 4.

شابک : 85000 ریال : 3-83-2951-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : این کتاب در سال های 1393-1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت : چاپ هشتم: 1400.

یادداشت : چاپ نهم: 1401.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- دیدگاه درباره زن

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- پیام ها و سخنرانی ها

شناسه افزوده : بانکی پورفرد، امیرحسین، 1349 - ، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره : DSR1692 / از 9 ج 2 1393

رده بندی دیویی : 955/0844

شماره کتابشناسی ملی : 3437078

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

جایگاه و مسایل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش امیرحسین بانکی پورفرد.

ص: 4

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظم‌له با موضوع «جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدّد» است و مطالب آن در سه محور «اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان»، «زن در فرهنگ غرب» و «منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی» گردآوری و تنظیم شده است.

این اثر جلد چهارم از مجموعه‌ی پنج جلدی باعنوان «نقش و رسالت زن» درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای معظم‌له منتشر میشود.

ومن الله التوفیق

فصل اول: اهمیت و ریشه یابی مسائل زنان 25

1-1 - ضرورت توجه به مسائل زنان 27

توجه و عنایت ویژه ی امام (ره) به زنان 27

حصار محکم فکر امام (ره) در مورد نقش زنان 27

بیش از 40 سال دغدغه ی مقام معظم رهبری نسبت به مسائل زنان 28

حل نشدن مسأله ی زن در دنیا 28

عدم حلّ مسائل زنان بخاطر زیاده رویها، کج رویها و بدفهمیها 29

لزوم توجه به ویژگیهای زنان در جامعه ی انقلابی ایران 30

خسارات بی توجهی به نقش زن 30

عدم پیشرفت متناسب با نیاز و توقع و امکانات در مسائل زنان 30

زن و خانواده؛ جزو راهبردی ترین مسائل فکری جامعه 31

سرمایه گذاری پژوهشی نظام در حوزه ی زن و خانواده 31

لزوم تبلیغ و فعالیت بسیار برای رفع محرومیت از زنان 32

تصحیح و تسریع حرکت به سوی جایگاه شایسته ی زن 32

لزوم توجه به زن بعنوان عامل فساد یا صلاح مردان و اجتماع 32

پرورش انسانهای بافضیلت یا بی شخصیت در دامن زن 33

وضع آینده و اهمیت نقش زن در آن 33

تجلیل عملی از زن در خانه و جامعه 34

1-2 - اولویت مسائل زنان 34

ضرورت بازنگری جدی ارزشهای سازنده ی شخصیت زن در دنیا 34

برخی مسائل نیازمند به پیگیری در حوزه ی زنان 35

مسائل مطرح در سبک زندگی در مورد رابطه ی زن با خانواده و اجتماع 36

تصحیح فرهنگ عمومی جامعه در نگرش سیاسی به زنان 36

فاصله ی قوانین و حقوق اجتماعی زنان در ایران با خواسته ی اسلام 36

شناساندن حقوق و تکالیف و مسؤولیت متقابل با رجوع به فطرت 37

کمبود فرصتها و میدانها برای علم و معرفت زنان در همه ی جوامع 37

عدم حلّ مشکلات زنان با کثرت حضور در دانشگاهها و مسؤولیتها 38

بحران زنان؛ محصول نگاه غلط به زن و خانواده 38

اداره ی کانون گرم خانواده؛ اولین مسؤولیت زن 39

احساس آرامش و امنیت؛ مسأله ی اساسی زنان 40

عدم اولویت مسائل شخصی برای زنان 40

پرهیز از دام رقابتها و چشم و هم چشمیها در محافل زنان 41

مقایسه ی ظلم به زن در غرب و کشورهای اسلامی 41

3-1 - ظلم به زن 42

ستم تاریخی و طبیعی و دائمی نسبت به زنان 42

مظلومیت زن در طول تاریخ، مگر در موارد استثنایی 42

طبیعت جاهل بشر؛ عامل ظلم به زن در طول تاریخ 43

نقش نظامهای دیکتاتوری در ظلم به زن 43

نظام اجتماعی استبدادی؛ مهمترین عامل تاریخی ظلم به زن 44

ستم مردان به زنان بخاطر ضعف جسمانی در طول تاریخ 45

حالت وحشیگرانه نسبت به زن بخاطر قویتر بودن ترکیب جسمانی مرد 45

استثمار تاریخی زن بخاطر ظرافت بیشتر نسبت به مرد 46

مظلومیّت تاریخی زن بخاطر نادیده گرفتن وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی 47

برداشتهای غلط بشری درباره ی جایگاه زن 48

ندانستن قدر و جایگاه زن؛ ریشه ی ظلمهای تاریخی 48

تحقیر زن در طول تاریخ در دو شکل خصومت و دوستی 49

نگاه امپراطوری روم به زن در اشباع غریزی مرد 50

حرمسراها؛ نماد اهانت به زن 50

اسارت فرهنگی زن؛ مانع اساسی رشد زنان 51

ص: 8

شرح مظلومیت زن 51

خانواده؛ بالاترین محیط ظلم به زن 52

بررسی عوامل تاریخی و جامعه شناسی مظلومیت زن در خانواده 52

کمبودها و کم کاریهای زیاد در عرصه خانواده 53

بی عدالتی در ارتباطات خانوادگی در جوامع غربی و اسلامی 54

طبیعی بودن آزار زن در داخل خانه، بین نژادهای وحشی غربی... 54

عدم حساسیت دنیا در ظلم به زن در خانواده 55

سست بنیادی بنیان خانواده در غرب؛ مصداق ظلم به زن 55

مشکل اصلی زن در دنیای امروز، ناکامی زن در نیاز مادری و همسری 56

خلأهای قانونی، عادت و سنتی در حوزه ی زن و خانواده 56

دیدن محرومیت و مشکلات زنان بلوچ در گذشته 57

لزوم توجه به حفظ حرمت و کرامت زن در همه ی مناطق ایران 57

ظلم به زن در صورت عدم نزاکت و دقت و تقوای لازم 58

حرام بودن بی توجهی به زن قبلی در تعدد زوجات 58

ازدواجهای تحمیلی زودرس 59

نادیده گرفتن خواست دختران؛ خلاف خواست اسلام 59

تأثیر وجود عادات جاهلی در ظلم به زن در مناطقی از ایران 59

انواع ظلمهای فرهنگی به زنان 60

سرگرم کردن زن به جلوه گری؛ عامل انحطاط شخصیت زن 61

محرومیت زن از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه 62

عدم توجه به نقش زنان در تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی 62

عقب ماندن زنان نسبت به مردان 63

تحلیل اجتماعی علی (ع) از عقب ماندگی فکری - فرهنگی زن 63

وضعیت زنان جامعه ی زمان علی (ع) 65

کم بهرگی زن در نظر علی (ع)؛ واقعیت دوران انحطاط و اسارت زن 65

محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص العقل خواندن آنها 66

بیگانگی دختران تحصیلکرده از خانواده 66

1-4 - نحوه ی احقاق حقوق زنان 67

بازگشت زن و مرد به طراز اسلام 67

هدف؛ رسیدن زن به کمال، نه رقابت با مردان 68

ص: 9

تلاش فرهنگی دلسوزانه ی هوشمندانه نه ساده لوحانه و عجولانه 69

کار فرهنگی بزرگ به کمک احکام قرآنی برای رفع ستم از زنان 71

رفع کمبود میدانها و فرصتها برای علم، معرفت، اخلاق و شکوفایی استعدادها 71

باز شدن گرههای زندگی زنان با قوانین اسلامی 71

حقوق زن بعنوان پرورش دهنده ی انسانهای والا 72

استفاده ی خردمندانه از تجربه ی دیگران در مورد زنان 73

حرکت بر اساس بینش خردمندانه و شناسایی طبیعت زن 73

توجه به واقعیتهای آفرینش زن و مرد برای حلّ مشکلات 74

لزوم توجه به سه مقوله ی تکریم زن، وظیفه زن و رفتار با زنان؛ در برنامه ریزیها 74

اندیشه ی شهید مطهری؛ مستدلترین اندیشه ی زمان خود در مورد زن 75

همسان دانستن ارزشها و شناسایی تکالیف ویژه ی زن 75

شناخت وظایف مشترك و اختصاصی زن و مرد؛ عامل رفع ظلم به زن 76

روش محترمانه، مصلحت اندیشانه و عاقلانه ی اسلام نسبت به زن 77

بازگو کردن تعالیم اسلام در مورد زن 77

تبیین نظر اسلام در باب آزادی 77

آگاهی و عمل به حقوق اسلامی؛ مانع ظلم به زن در خانواده 78

دنبال کردن روش اسلامی با جدیت و اهتمام کامل 78

بحث نکردن در مورد تمایزات مسلم در فقه اسلامی 79

دوری از بحثهای انحرافی از قبیل دیه در مورد زن 79

امکان تغییر احکام با شیوه ی فقهی توسط فقیه ماهر و مسلط 80

لزوم جلوگیری از ضعف و ستم زدگی زن در سطوح مختلف... 81

اهمیت اصلاح قوانین در موضوع زنان 81

لزوم اصلاح بعضی قوانین 82

حلّ تدریجی و هوشمندانه مشکلات زنان با وضع قوانین 82

احساس امنیت زن در خانه ی شوهر در پرتو قانون 82

روشهای حلّ مشکلات بانوان مسلمان در خانواده 83

برخورد قانونی و اخلاقی با متعدیان به زن در خانواده 84

حلّ مسائل زن در خانواده؛ عامل فائق آمدن بر مسائل اجتماع 85

لزوم پشتوانه ی قانونی و ضمانت اجرایی در حمایت از زنان در خانواده 85

ص: 10

- دفاع اخلاقی، قانونی و منطقی از زن 86
- تهذیب و اخلاق؛ راه چاره‌ی زورگویی به زن 86
- سواد و قانون؛ ابزارهای اقتدار زن 86
- لزوم پختگی در مبارزه با ستم تاریخی علیه زن 87
- حلّ معضلات با ارائه‌ی راهکار اجرایی توسط خود زنان 87
- دوری از جلب نظر غریبها 88
- ضرورت زدودن گرایش به فرهنگ غربی در دفاع از حقوق زن 89
- دفاع غلط از حقوق زن با الگو قرار دادن زن غربی 89
- روش غلط غربیان و پیروانشان در دفاع از حقوق زن 90
- موفق نبودن روشهای دنیای متمدن علیرغم بعضی ظواهر 91
- لزوم طرح گفتمان «زن حقیقی» مدّ نظر اسلام بصورت تهاجمی و نه دفاعی 91
- 1-5 - نقش نهادها و سازمانها در ارتباط با زنان 92
- لزوم ایجاد يك مركز عالی و ثابت با چشم انداز بلندمدت... 92
- لزوم کار عملی و تشکیل کار گروههای تخصصی در مورد مسائل زنان 93
- لزوم محاسبه و مشخص کردن هدف در فعالیتهای مربوط به زنان 94
- ایجاد سازمانهای اسلامی زنان 95
- سازمانها به دنبال احیای حقوق عرفی زن 95
- تأمین حقوق مدنی و خانوادگی زن 96
- گره‌گشایی از کار زن در خانواده 96
- لزوم مبنا بودن نقش مادری و همسری در طرح ریزیها برای خانواده 96
- انگیزه‌ی تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان 97

شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ مرکزی برای تدارك پشٲتیانی معنوی و قانونی 97

انجام سفرهای خارجی حساب شده و با هدف 99

نیاز دنیا به مبانی کارگشا در حوزه ی زن و عقب ماندگی ما در بیان این مبانی 99

سهام دستگاههای اجرایی در تعلیم زنان 100

نقش صددرصدی صدا و سیما در فرهنگسازی و تکریم زن با خصوصیات اسلامی 101

تبیین دیدگاه اسلام در زمینه ی روابط زن و مرد 101

ارائه ی نقش زن با گوهر عفت و تأثیر او در خانواده، جامعه و انقلاب 102

دوری از نقشهای پست کننده برای زنان در برنامه های صدا و سیما 102

ارائه ی زن بعنوان جاذبه ی جنسی حتی با پوشش معجز در بعضی فیلمها 102

ص: 11

مخدوش کردن جایگاه زن بعنوان عنصر جنسی در فیلمها 103

کمبود کار فرهنگی 104

کار فرهنگی؛ کار اولی، لازمت و فوریت در مورد زنان 104

برکت کار فرهنگی عمیق درباره ی مبانی اسلام نسبت به مادران ایثارگر 105

کمک به ایستادگی زنان در مقابل هجوم دشمن 106

آمادگی نظامی زنان 107

رعایت جهات ارزشی تأمین کننده ی آینده ی زنان 108

تسلط قدرتهای جهانی؛ عامل گرسنگی و مرگ زنان و کودکان 108

کار قوی و باکیفیت در مسأله ی زنان؛ خدمت حقیقی به زنان عالم 108

کار متین و عمیق و قابل عرضه و بدون شتابزدگی 109

گفتمان سازی در حوزه ی زن و خانواده 109

فصل دوم: زن در فرهنگ غرب 111

1-2 - جایگاه زن در فرهنگ غرب 113

زن؛ موجود درجه ی دوم در ادبیات غرب 113

نگرش ظالمانه ی غرب به زن در عرصه ی کار، هنر و ادبیات 113

بزرگترین حقیقت؛ مطرح شدن زن برای انتفاع مرد 114

محرومیت زنان از اخذ مدرک تحصیلی در گذشته ی نزدیک غرب 115

محرومیت زن از حق رأی و مالکیت حقیقی در غرب 116

عدم حق رأی زنان در دموکراسی غربی 116

عقب افتادگی غرب در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زن 117

از نداشتن حق رأی و مالکیت تابی پناه ورها شدن در جامعه 118

تنبیه دیرهنگام، شتابزده و جنجالی اروپا در مسأله ی زن 118

ظریفترین و مؤثرترین نقش در سیر بشریت بسوی کمال 119

متهم بودن غرب در برخورد ذلیلانه با زن 120

مسائل اصلی زندگی؛ تحت الشعاع سرگرمی مبتذل روابط زن و مرد 120

مخالفت فرهنگ غرب با خویشتنداری جنسی 121

پاسخگویی غرب درباره ی حقوق و حفظ کرامت زن 121

هدف غرب؛ هرزه شدن و عرضه شدن زن 122

فقدان آزادی و حجاب در حال و گذشته ی اروپا 122

سلب آموزش و تحصیل زنان در غرب به جرم حجاب 123

ص: 12

اشتباه دنیای استکبار درباره ی ارزش زن 123

هوچیگریهای غرب در مورد مسأله ی زن 124

بی توجهی غرب به شخصیت و حرمت واقعی زن 124

نگاه غرب به زن؛ نگاه منحط، ناقص و گمراه کننده 125

ظلم به زن در تمدن غرب، علیرغم تبلیغات فریبگر 125

مفاهیم انسانی زن؛ تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی 125

تداوم ستم تاریخی به زن، در جوامع متمدن 126

تعدی و اهانت به زن امریکایی، علیرغم شعار دفاع از حقوق زن 126

آمار وحشتناک خشونت علیه زنان در غرب 126

سکوت مدعیان حقوق بشر در قبال تعرض به زنان در بوسنی 127

نبود اخلاق و تهذیب؛ عامل بیشتر شدن ظلم به زن 127

ارتباطات مبتذل؛ عامل دوری زن از مسائل اخلاقی و صحنه های سیاسی و فرهنگی 128

زنان شکنجه گر در زندان ابوغریب؛ نشانگر فراموشی معنویت در فرهنگ غرب 128

زنان جوان شکنجه گر؛ نشانه ی وحشیگری تمدن غرب 129

2-2 - التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب 129

جوابگویی غرب به اهل اندیشه بخاطر حرکت به سمت برهنگی 129

تلقیهای متناقض از شعار آزادی زن 130

مفهوم آزادی زن در غرب 131

نگاه التذاذی به زن؛ ریشه در فرهنگ اروپایی 131

افزایش زن آزاری با جوشش شهوت جنسی در غرب 132

الگوی اروپایی زن؛ ابزار التذاذ مرد 133

بساط آزادی غربی؛ قراردادن زن بعنوان ابزار لذت جویی مردان 133

سلب حجاب و عفاف به اسم آزادی 133

ظلم و تحقیر زن در غرب به اسم آزادی 134

آزادی زن برای انتفاع و التذاذ مردان 135

نام دروغین آزادی بر نگاه اهانت آمیز غرب به زن 135

نگاه ابزاری به زن؛ چشم نواز بودن برای مرد 136

بهره برداری نفسانی و سوء استفاده از جاذبه ی فیزیکی زن 136

حرفهای جذّاب بر مبنای جنس زن؛ وسیله ی التذاذ برای جنس مرد 137

بزرگترین ضربه و اهانت به زن در سیاستهای غربی 137

ص: 13

وسیله ی التذاذ و شهوترانی؛ بزرگترین اهانت به زن 139

بالاترین اهانتها به زن در تمدن غرب 139

اهانت در شکل تکریم 140

جلوه گری زن؛ تجلیل یا تحقیر 140

خیانت آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان 140

تشویق به آرایش و تبرج در مقابل مرد؛ نشانه ی مردسالاری غربی 141

جلوه گری و زیبایی فروشی زن؛ مقبولتر از تفکر، علم و اخلاق او 141

تنزل زن در حدّ يك وسیله التذاذ با تحمیل فرهنگ برهنگی 142

خیانت و ضرر فرهنگ غرب؛ بی بند و باری و ابتذال زنانه 142

حاصل سیاست غرب؛ ابتلاء به همجنس گرایی و سوءاستفاده جنسی از زن 143

ارتباط راحت زن و مرد در اجتماع؛ بزرگترین ضربه برای زن 144

معاشرت یکسان زن و مرد در غرب؛ عملی فریبنده و نادرست 144

التذاذ از زن در جامعه؛ عامل تزلزل خانواده و بی حرمتی به زن 145

تلذذ از زن در اجتماع و زن آزاری در خانواده 145

3-2 - سوءاستفاده ی اقتصادی از زن در غرب 145

صدور ادعاینامه علیه غرب پول پرست در اهانت به زن 145

زن؛ قربانی تمدن صنعتی غرب 146

نداشتن حق مالکیت زنان در غرب تا اوایل قرن بیستم 147

نیاز به کارگر ارزان؛ عامل اعطای حق مالکیت به زن در غرب 147

غرب و ممنوعیت حق تصرف زنان در اموال خود 148

زن؛ وسیله ی سوداگری سرمایه داری غرب 149

ارزشگذاری به آرایش، مد و تقاخرها جهت جذب منافع مادی شرکتها 149

گزارش تکان دهنده ی رشد تجارت و قاچاق زنان 149

4-2 - موقعیت خانوادگی زن در فرهنگ غرب 150

خانواده؛ نقطه ی ضعف غرب 150

ناکامی زن در اساسیترین و فطریترین نیازهایش 150

عدم امنیت جانی، اخلاقی و جنسی در خانواده 151

ضرب و شتم، خشونت و وحشت همسر در جامعه ی امریکا 151

آمار وحشت آور از خانواده های امریکایی 152

آمار حیرت انگیز شکایت زنان از شوهران در امریکا 152

ص: 14

مظلومیت زن در طول تاریخ 153

تشریفات ظاهری و دروغین غرب بعنوان تکریم مقام زن 153

مظلومیت خانگی زن در دنیای بظاهر آزاد 154

ظلم به زن در خانه با وجود بی پروایی در جامعه 154

آزادی بی قید و شرط در ارتباط با نامحرم و اسارت شوهر 155

تصویر مظلومیت زن در ادبیات غرب 155

شوهر؛ مالک مال و جان زن 156

مقایسه ی ازدواج دو زن اشرافی در اسلام و غرب 156

تغییر نام خانوادگی زن در خانه ی شوهر در فرهنگ غرب 157

تغییر نام به نام شوهر؛ ریشه در بی اعتنایی به شخصیت زن 158

آزادی بی قید و شرط معاشرت؛ عامل متلاشی شدن خانواده در غرب 158

غربت خانواده در غرب بر اثر بی اعتنایی 159

پیامدهای ازدواجها در غرب 159

زندگیهای قراردادی فاقد انس و گرمی خانوادگی 160

عدم تبادل عاطفی و زندگی رقت بار در مقیاس خانواده 160

تزلزل بنیان خانواده در غرب 161

از هم پاشیدگی خانواده؛ نتیجه ی راه غلط زنان غربی 161

متلاشی شدن خانواده ها؛ مشکل بزرگ امروز دنیای غرب 162

مایه ی التذاد مرد شدن به نام آزادی زن، عامل ویرانی خانواده 162

آزادی جنسی و بی عفتی؛ عامل تزلزل بنیان خانواده 163

نابودی خانواده؛ دستاورد فساد غرب 164

بی هویتی فرهنگی و فساد؛ نتیجه ی تزلزل خانواده 164

تزلزل بنیان خانواده؛ عامل نابودی تدریجی جامعه 164

تحوّل منجر به سست شدن روابط خانوادگی؛ نشانه ی سرفت 164

غرب؛ تشنه ی پیام مربوط به خانواده 165

تنهایی، غریبی و ولگردی؛ حاصل نبود خانواده 165

گسستگی اعضای خانواده از هم 166

اضطراب در غرب و فروپاشی خانواده 166

فرو ریختن تمدن غرب با جدایی زن از خانواده 167

دامن زدن به شهوت؛ چاله ی خطرناک و گریز ناپذیر پیش روی تمدن غرب 167

ص: 15

زوال تمدن غرب بخاطر قوانین ابلهانه ی جنسی 168

نادیده گرفتن نقش مادری و تضعیف نقش خانواده؛ خیانت بزرگ غرب به زنان 169

محرومیت زن از بروز مهر و عطوفت مادری 169

2-5 - ترویج فرهنگ غرب در روابط زن و مرد 169

مردواره کردن و وسیله ی التذاذ جنسی قرار دادن زن... 169

انفعال در برابر گفتمان غربی مرد واره کردن زن 170

فرهنگ برهنگی و فساد، مخالفت با فضایل و ارزشها 171

ترویج عدم واسطه و فاصله بین زن و مرد در معاشرتها 172

ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی رویه ی زن و مرد... 173

به انحراف کشاندن و تشدید غرایز؛ سیاست استعمار فرهنگی 174

نقش صهیونیسم در اشاعه ی فساد و فحشا 174

نفوذ و رشد تعلیمات غربی در بعضی خانواده ها 175

شکست در ترویج فرهنگ منحط غرب 175

فصل سوم: منزلت و جایگاه زن در اندیشه ی اسلامی 177

1-3 - نگاه جامع و کامل اسلام به موضوع زن 179

لزوم درك صحيح نظر اسلام در مسائل زنان 179

دید جامع و کامل اسلام به زن 179

نگاه اسلام؛ اول حیث انسانیّت بعد جنسیّت 180

درك دیدگاههای اسلام بدون افراط و تفریط 180

نظریه پردازی در موضوع زن، بر مبنای آیات قرآن 181

نظریه پردازی در زمینه ی الگوی مترقی زن و خانواده 181

طبیعت الهی زن؛ مملوّ از لطافت و زیبایی و به دور از نقش تشریفاتی 181

محدودیت‌های اسلامی؛ عامل رشد فکری، علمی و عملی زنان 182

معنای واقعی تکریم، توجّه به بعد خانوادگی و اجتماعی زن 182

هویت زن؛ چشمه جوشان عاطفه و صبر برای تربیت انسان 183

حرکت به سمت آرمانگرایی با دید واقع بینانه نسبت به زن 184

اعطای حقوق و شخصیت کامل به زن در اسلام 185

مقایسه ی رفع ابهام و حلّ مسائل در سه قلمروی حضور زن از نظر اسلام 185

حلّ مشکلات زنان با مواعظ و نمونه سازی پیام وحی 187

نظر اسلام مبتنی بر آفرینش زن و نیازهای او برای رسیدن به کمال 188

ص: 16

2-3 - مبارزه ی اسلام با ظلم تاریخی به زن 188

غلبه ی خورشید معرفت اسلام بر جاهلیت حاکم بر جهان 188

اسلام و تحوّل در شخصیت زن 189

ارزشگذاری اسلام در مورد زن 190

برخورد اسلام با سنتهای غلط نسبت به زنان 191

دلیل اظهارات پرجوش پیامبر (ص) در مورد زن 191

پاسخ دادن به برداشت غلط و مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن 192

مبارزه با عادات و آداب غلط خرافی بعضی از اقوام نسبت به زن 192

مقابله با نگاه انحرافی و تحقیرآمیز نسبت به زن 193

کوبیدن اندیشه های جاهلی با بالا کشیدن زن نسبت به مرد در قرآن 194

3-3 - شأن انسانی زن از نظر اسلام 194

نگاه انسانی اسلام به زن 194

زنان؛ پیشگامان حرکت معنوی انسان 195

اسلام؛ پیشگام در دفاع از حقوق زن 196

رازهای طرح دو زن بعنوان نمونه ی ممتاز در صحنه ی انسانیت 196

پیامبر اسلام (ص) و حقوق انسانی زنان 198

ارزشگذاری به اصالت زن 198

پرهیز از سطحی نگری به احکام اسلامی در مورد زنان 199

حق مالکیت زن با وجود عدم رضایت شوهر و پدر 200

3-4 - برابری و تفاوت میان زن و مرد 200

عدم تفاوت بین زن و مرد در طی مراتب معنوی و حقوق اجتماعی و فردی 200

عدم تفاوت زن و مرد در تقرّب الی الله و کمالات 201

عدم تفاوت در ارزش انسانی زن و مرد 201

عدم تفاوت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی 202

عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری 202

عدم تفاوت زن و مرد در عروج و سقوط انسانی 203

عدم تفاوت مرد و زن در ارزشهای معنوی و اسلامی 203

برابری فرصت‌های عروج برای زن و مرد 204

برابری زن و مرد از جنبه‌ی الهی و تکامل انسانی 205

برابری زن و مرد در ارزشهای معنوی و معرفتی 205

ص: 17

برابری زن و مرد در پیمودن مراحل تکامل معنوی و مادی 206

برابری زن و مرد در فرایض دینی 206

همردیفی مقامات معنوی و درجات انسانی زن و مرد 207

عدم تفاوت در عرصه ی تعالی روحی و رشد معنوی 208

ابعاد گوناگون جهاد و مبارزه ی زن 208

ایفای نقش یکسان در پیشرفتهای علمی و اجتماعی 209

امکان پرش بینهایت برای زن و مرد 209

اقتضای نظام اتم خلقت در خصوصیات زن و مرد 210

رعایت عدالت محض میان زن و مرد از نظر اسلام 210

زن و مرد؛ دو جنس مکمل یکدیگر 210

توجه اسلام به زن و مرد از منظر انسانی و حقوقی 211

برجستگیها و امتیازات و برتری متقابل زن و مرد نسبت به هم و برابری کلی آنها 212

مسئولیتهای مشترك زن و مرد با وجود قلمروهای اختصاصی 213

برابری در ارزشهای انسانی، تفاوت در وظایف تخصصی 213

توجه به تفاوت طبیعت زن و مرد 213

تفاوت طبیعی زن و مرد 214

تفاوت اندیشه و احساسات زن و مرد 214

تفاوتهای جسمانی، عاطفی و اخلاقی؛ نشانه ی وظایف مختلف 215

حکمت الهی در تفاوت آفرینش زن و مرد 215

تفاوت حقوق زن و مرد بر اساس طبیعت، فطرت و مصالح جامعه 216

تفاوت وظایف زن و مرد بر اساس خلقت 216

فلسفه ی تفاوت زن و مرد در کار و اشتغال 217

ارزش زن؛ زن کامل بودن، نه کپی مرد شدن 218

فلسفه ی «مردانگی» گفتن و «زنانگی» نگفتن 218

غلبه ی ضمیر مذکر بخاطر نقش ظاهری و بیرونی مرد 219

تقسیم کار بین زن و مرد بر حسب تفاوت امکانات و زمینه ها 220

کسب مقامات عالی کشوری برای زنان بجز رهبری، ریاست جمهوری و قضاوت 220

تفاوت احکام مربوط به زن و مرد بر اساس مصالح 222

عامل تفاوت دیه ی زن و مرد 222

حکمت و معرفت عظیم در تفاوت دیه ی مرد با زن 224

ص: 18

منابع مفید در زمینه ی تفاوت‌های حقوقی زن و مرد 225

تجدیدنظر در بعضی مسائل فقهی 225

3-5 - خصوصیات زن مسلمان 226

ایمان آگاهانه؛ در صدر شخصیت زن 226

پاسداران واقعی اسلام در همه ی ابعاد 226

عبادت، سیاست و خانه داری؛ عناصر شخصیت زن کامل 227

پیشرفت در ارزشهای معنوی، مسائل اجتماعی و سکونت در خانواده 227

مجموعه صفات با ارزش برای زن مسلمان 228

رسالت زن ایرانی در برابر نفهمیدن و کتمان حقایق 229

نشان دادن هویت و حقیقت فرهنگی زن مسلمان 229

دلیل برتری زن ایرانی؛ تربیت اسلامی 229

زن مسلمان؛ فراتر از اسارت زر و زیور 230

دوری از اختلاط و جلب نگاه مردان 230

زن ایرانی؛ پاکتر از راهبه و شجاعتر از سرباز 230

فهرست آیات قرآن کریم 233

فهرست روایات 234

فهرست اسامی اشخاص 235

فهرست مکانها 237

در مصاف بین تمدن اسلامی و تمدن غرب یکی از موضوعاتی که هم در فضای عمومی و هم در نگاه نخبگان مورد توجه و چالش می‌باشد نوع نگاه دو تمدن به جایگاه و مسائل زنان است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه ای دیگر یافت. از جنبه ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان در سرنوشت جامعه نقش آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه ی دفاع مقدس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده ای یافت. در حقیقت میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیات همواره در قالب طرح دیدگاههای متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از يك سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نو پا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاههای اصیل اسلامی، برای عموم جامعه ی بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و

اجرای کشور نیز مشتبه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را باز مینمایاند.

بدین منظور، باید به دنبال کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) دست یافتنی است. بی تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی را در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد؛ اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.

ضرورت توجه به مسائل زنان از دیرباز مورد توجه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بوده است. ایشان در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (66/12/13) فرموده‌اند: «آن مقداری که بنده راجع به مسائل زن در ایران در طول این ده - بیست سال رنج برده‌ام و ناراحت شده‌ام، خیلی از زنان حتی گوشه‌ای از آن را نفهمیدند و ناراحت هم نبودند.» با احتساب این 25 سال اخیر، بیش از 40 سال ایشان دغدغه‌ی مسائل زنان را داشته‌اند. ایشان در مسائل زنان معتقد به اولویت یابی هستند تا بتوان با یک حرکت اساسی مظلومیت تاریخی زن را برطرف کرد؛ مظلومیتی که در خانواده و اجتماع، در شرق و غرب و در گذشته تا کنون برای زن بوده است و وضعیت خطرناکتری که امروزه در غرب به خود گرفته است و آن التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب و تزلزل موقعیت خانوادگی و سوءاستفاده‌ی اقتصادی از زن میباشد. در مقابل، با ارائه‌ی نگاه جامع و کامل اسلام در مورد زن، میتوان زن را به آن جایگاه والا و شأن انسانی خود رساند. در اسلام ضمن

به رسمیت شناختن تفاوت‌های زن و مرد، برابری آنها در عرصه‌های کمال انسانی مورد تأکید قرار گرفته است.

در این کتاب، با ارائه‌ی موضوعی و عنوانی فرمایشات رهبری، در سه فصل، اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان، زن در فرهنگ غرب، منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی، میتوان با ریشه‌یابی مسائل زنان، تفاوت نگاه غرب و نگاه اسلام را در موضوع زن بازشناسی کرد.

در استخراج، گردآوری و دسته‌بندی سخنان معظّمه و ارائه‌ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره‌ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال 1392، حتی سخنانی که رسانه‌ی نشده است - مانند توصیه‌هایی که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد به جوانان داشته‌اند - اما در مخزن اسناد دفتر معظّمه موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده‌ی آنها، توجه و اهتمام رهبر معظّم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان میدهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایت‌های دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عنوانین تشکر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف السّادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش زن و فاطمه دهقانی که در جمع‌آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته‌اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه سنایی که مسؤولیت گروه خواهران محقق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

امیرحسین بانکی پور فرد(1)

ص: 23

فصل اول اهميت و ريشه يابی مسائل زنان

اشاره

ص: 25

توجه و عنایت ویژه ی امام (ره) به زنان

امام يك روح بزرگ است، يك مغز بزرگ است، يك انسان بسیار باعاطفه است و قهری است که در نگاه تیزبین خود در سطح جامعه و مسائل جامعه به مسأله ی زن هم توجه و عنایتی بکند. اگر علّت خاصی را برای این توجه ما بخواهیم جستجو کنیم، علّتش شاید همین باشد که ایشان نگاه میکنند میبینند زنها علیرغم نقش عظیمی که در ساختن جامعه همواره دارند و در انقلاب به خصوص داشتند و در جنگ داشتند، و این همه مادر شهید و همسر شهید، بهای لازم در عین حال به آنها داده نمیشود. شاید ایشان میخواهند جبران این ظلم را بکنند و يك مقداری توجه و عنایت ویژه ای مبذول بشود. (1)

حصار محکم فکر امام (ره) در مورد نقش زنان

اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد؛ و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم همچنان که امام نقش مردم را فهمید.

ص: 27

به نظر من الآن هم هرچه ما داریم پیش میرویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست میشود. امام در زمینه ی زن هم همینجور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و الا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطر جمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابدین بر این مرد بزرگ باد. (1)

بیش از 40 سال دغدغه ی مقام معظم رهبری نسبت به مسائل زنان

آن مقداری که بنده راجع به مسائل زن در ایران در طول این ده - بیست سال رنج برده ام و ناراحت شده ام، خیلی از زنان حتی گوشه ای از آن را نفهمیدند و ناراحت هم نبودند. یعنی این نشاندهنده، باید دیده باشد کسی بفهمد چه دارد میگذرد و چه باید باشد. زن بودن مسأله ی مؤثر نیست. (2)

حل نشدن مسأله ی زن در دنیا

درباره ی مسائل زن که امروز همچنان در دنیا يك مسأله است حرفهای فراوانی گفته شده و گفته میشود. وقتی ما به نقشه ی انسانی عالم و جوامع بشری نگاه میکنیم، هم جوامع اسلامی مثل کشور خودمان و سایر کشورهای اسلامی، هم جوامع غیراسلامی و از جمله جوامع به اصطلاح متمدن و پیشرفته، مبینیم که در همه ی این جوامع، متأسفانه مسأله ای به نام مسأله ی زن همچنان وجود دارد؛ این نشاندهنده ی نوعی کج بینی و کجروی و حاکی

ص: 28

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (66/12/13)

از نوعی کوته نظری نسبت به مسائل انسانی است. معلوم میشود که بشر با همه ی ادعاهایش، با همه ی تلاشهایی که مخلصان و دلسوزان کرده اند، با همه ی کارهای فرهنگی وسیعی که به خصوص در مورد مسأله ی زن انجام گرفته است، هنوز نتوانسته درباره ی مسأله ی دو جنس و مسأله ی زن که به تبع او، مسأله ی مرد هم به شکل دیگری مطرح میشود به يك صراط مستقیم و راه درستی دست پیدا کند. (1)

عدم حلّ مسائل زنان بخاطر زیاده رویها، کجرویها و بدفهمیها

شاید در بین شما خانمها کسانی باشند که آثار ادبی و هنری زنان هنرمند دنیا را که بعضی هم به فارسی ترجمه شده و بعضی هم به زبانهای اصلی اش وجود دارد دیده یا خوانده باشند. همه ی اینها حاکی از همین مسأله ای است که فرض شد؛ یعنی هنوز بشر نتوانسته مسأله ی زن را، و به تبع این مسأله، مسأله ی دو جنس یعنی زن و مرد را، و قهراً مسأله ی انسانیت را، حلّ کند. به عبارت دیگر، زیاده رویها و کجرویها و بدفهمیها، و به تبع اینها، تعدیها، ظلمها، نارساییهای روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه ی اختلاط و امتزاج و ارتباطات دو جنس، هنوز جزو مسائل حلّ نشده ی بشریت است.

یعنی بشری که در زمینه های مادّی، در زمینه های اجرام آسمانی، در اعماق دریاها، این همه کشفیات انجام داده و این همه دم از ریزه کاریهای روانشناسی و روانکاو و مسائل اجتماعی و مسائل اقتصادی و سایر چیزها میزند و واقعاً هم در خیلی از این رشته ها پیشرفت کرده، در این مسأله در مانده است. اگر من بخواهم این نارساییها را حتّی فهرست وار بیان کنم، زمان زیادی میطلبد و شما خودتان هم واقفید. (2)

ص: 29

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (70/10/4)

2- . همان

در جامعه ی انقلابی ما اگر شأن زن از مرد بیشتر نباشد، کمتر نیست و روی این اصل باید ویژگیهای زن در زمینه های گوناگون؛ مانند آموختن، علم، جهاد، ارتباط با مرد، نقش مادری که در تمام اینها زندگی حضرت (1) يك نمونه است، مورد بررسی قرار گیرد. (2)

خسارات بی توجهی به نقش زن

مسأله ی زن و ارتباط زن و مرد هم مهم است. اولاً به نظر من، نقش زن هرچه برجسته شود، خیلی بهتر است. زنهای ما مظلومند. من راجع به زن، حرفهای زیاد و بحثهای فراوانی دارم. مسأله ی زن واقعاً مسأله ی مهمی است. يك عدّه توجه نمیکنند و بعنوان يك مسأله ی نمایشی که حالا مد روز است، حرف میزنند. خوب؛ گرایشهای فمینیستی و گرایش خاصّ غربی در مورد زن هم که به جای خود محفوظ است؛ اما اصل نقش زن در خانواده، در اجتماع، ارزش و اهمیّت زن و اموری از این قبیل، چیزهایی است که ما حقیقتاً به آنها کم پرداخته ایم و از این کم پرداختن خسارت هم میبینیم. خود این، يك مسأله است. (3)

عدم پیشرفت متناسب با نیاز و توقع و امکانات در مسائل زنان

بحمدالله ما در زمینه ی مسائل زنان در نظام جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم، منتها این پیشرفتها متناسب با نیاز، متناسب با توقع، متناسب با آن امکانی که در اسلام وجود دارد نیست؛ عقب ماندگی داریم. این عقب ماندگی را - ان شاء الله - شما خانمها بایستی به بهترین وجهی جبران کنید. (4)

ص: 30

1- حضرت زهرا (س)

2- در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (64/12/10)

3- در دیدار با مدیران صدا و سیما (81/11/15)

4- در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

مسأله ی زن و خانواده، با همه ی کاری که شده است - شما کرده اید، دیگران کرده اند - همچنان يك مسأله ی مهم و قابل بحث و قابل توسعه در اندیشه ورزی است. این موضوع یکی از نشستهای اندیشه های راهبردی است که ان شاء الله در آینده آن را خواهیم داشت. نشستهای اندیشه های راهبردی که تاکنون دو نشست آن انجام گرفته و کارهای آن از لحاظ فکری و ان شاء الله، بعداً برنامه ریزی و عمل دنبال خواهد شد، متکفل بررسی اساسیترین و راهبردیترین مسائل فکری جامعه است. یکی از این مسائل، مسأله ی زن و خانواده است که در فهرست این مسائل پیش بینی شده و در آینده برگزار خواهد شد. من همینجا از بانوان محترم، اندیشه ورزان زن - که امروز نمونه هایی از آن را بحمدالله اینجا دیدیم - درخواست میکنم که در این کار مشارکت جدی بکنید؛ بحث کنید، فکر کنید، مطالعه کنید؛ فصول مربوط به مسأله ی زن را بطور جداگانه، بطور تخصصی، به شکل علمی، با تکیه به منابع اسلامی و فکر ناب انقلابی - که خوشبختانه در شما هست - در نشست مربوط به این موضوع بررسی کنید؛ مطرح بشود، بحث بشود و - ان شاء الله - برای برنامه ریزی و عمل دنبالگیری شود. (1)

سرمایه گذاری پژوهشی نظام در حوزه ی زن و خانواده

ما باید در این زمینه، خلأهای نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه گذاری پژوهشی در حدّ طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق میکنیم. ما با مراجعه ی به مقاله های دوستان - که چکیده ی مقاله ها و خود مقاله ها را قبلاً به من دادند، من هم يك مروری کرده ام - به این نتیجه میرسیم که بایستی مجموعه ی نظام، سرمایه گذاری مهمی در حدّ طاقت و امکانات خود در زمینه ی پژوهش در این مسأله بکند. (2)

ص: 31

1- . در دیدار جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

2- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

لزوم تبلیغ و فعالیت بسیار برای رفع محرومیت از زنان

حقیقت این است که اسلام و نظام اسلامی، زن را همچنان در نظامهای گوناگون عالم و در میان عادات و سنن و روشها و شکل‌های گوناگون زندگی، از بسیاری از حقوق الهی و انسانی خود، دور و محروم احساس میکند. ما معتقد هستیم که نظام جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند در جامعه‌ی اسلامی و قرآنی ما، زن را در جایگاه حقیقی خود قرار بدهد، باید هنوز تلاش، تبلیغ و فعالیت بسیاری انجام دهد و انجام بگیرد. (1)

تصحیح و تسریع حرکت به سوی جایگاه شایسته‌ی زن

از اقدام شما جوانان مؤمن و انقلابی در ترتیب این مجمع سپاسگزارم و امید و انتظار دارم که محصول آن، در تصحیح و تسریع حرکت به سمت جایگاه و منزلت شایسته‌ی زن انقلابی و مسلمان مؤثر و سودمند افتد. (2)

شما در چنین سمینارها و اجتماعاتی، باید روشهای درست برای ادامه‌ی خط امام و انقلاب در باب زن را تدوین کنید و تداوم این راه را تضمین نمایید. (3)

لزوم توجه به زن بعنوان عامل فساد یا صلاح مردان و اجتماع

وقتی زن فاسد شد، مردها هم فاسد میشوند. حالا، مردهای این نسل هم فاسد میشوند، هم آن نسل همزمان، چون جاذبه‌ای که وجود دارد برای زن و در زن، مرد را میکشاند به طرف فساد، اگر مرد فاسد بشود زن میتواند خودش را نگه دارد، اگر زن فاسد شد مرد نمیتواند خودش را نگه دارد، بدانید این را. در میان این دو طبیعت، مقاومترین و سختترین طبیعت زن است، مرد يك قدرتهای دیگری دارد. در مقابله‌ی زن و مرد اگر بخواهند

ص: 32

1- . در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

2- . در پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (68/8/3)

3- . همان

باهم مقابله کنند، آنی که میتواند بیشتر مقاومت کند، بیشتر استقامت کند، آن زن است. زن يك طبيعت عجيب، پيچيده و ممتاز و عجيبی است. اگر مرد فاسد شد، زن میتواند فاسد نشود، اگر زن فاسد شد مرد نمیتواند فاسد نشود؛ مرد را به دنبال خودش خواهد کشاند. حالا دست بالا- این است که مرد این نسل را نتواند، مردهای نسل بعد را فاسد خواهد کرد. آنها کی اند؟ بچه های او، تربیت شده های او؛ لذاست که روی این نقطه، فرهنگ غربی انگشت گذاشت و اسلام درست به عکس. (1)

پرورش انسانهای بافضیلت یا بی شخصیت در دامن زن

اگر زن يك نسل فاسد شد، هیچ لازم نیست که سرمایه گذاری کنند که مردهای آن نسل را فاسد کنند؛ نه، يك ده سال دیگر، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر تمام آن نسل فاسد خواهد شد؛ اهمیت زن هم از این جهت است. برای خاطر اینکه این زن است که تربیت کننده است، این زن است که پرورنده است. حالا یا پرورنده ی انسانهای بافضیلت است، انسانهای شجاع است، به قول خانم سپیده کاشانی پرورنده ی گردان است، یا پرورنده ی انسانهای بی شخصیت، بی حیثیت، بی ارزش، طماع، شکم چران، به دنیا چسبیده، بی ایده آل، این جوری است دیگر. پس ببینید که روی زن کار کردن و زن را به فساد کشاندن که تمدن کنونی غرب و فرهنگ غربی بر این اساس است چقدر حساب شده است. (2)

وضع آینده و اهمیت نقش زن در آن

مسأله ی زن، يك مسأله ی بسیار مهم، خیلی جدی و بسیار مؤثر در وضع آینده است و با وجود اینکه در این چند سال، راجع به قضیه ی زن در جمهوری اسلامی، زن ایرانی و اساسا در دیدگاه اسلام، خیلی بحث شده

ص: 33

1- . در دیدار با گروهی از بانوان کشور (63/12/21)

2- . همان

است - به خصوص امام - رضوان الله عليه - که معلوم بود اصلاً به مسأله ی زن، يك توجه خاص و يك حالت دفاعی دارند - هنوز کارهای نشده بسیار است؛ بلکه کارهای شده، بسیار کم است. (1)

تجلیل عملی از زن در خانه و جامعه

قصد ما این بود که از روز زن به این صورت تجلیل بشود؛ الحمدلله به بهترین وجهی تجلیل شد. زیرا که بهترین تجلیل، تجلیل عملی است. با حضور شما خانمهای آگاه، عالم و فرزانه، در بخشهای مختلف، روشن شد که بحمدالله زن ایرانی در يك سطح راقی قرار دارد؛ این مهم است. (2)

1-2 - اولویت مسائل زنان

ضرورت بازنگری جدی ارزشهای سازنده ی شخصیت زن در دنیا

این اندیشه که جایگاه زن در نظامهای اجتماعی و در محیط زندگی، آنچنانی که شایسته ی بانوان است تبیین بشود، یکی از ضروریترین کارهای دوران ماست. چرا روی این مطلب با این تأکید حرف میزنیم؟ چون به اعتقاد ما و در بینش ما این کار انجام نشده و علیرغم جنجال بزرگ که در سطح جهان به پرچمداری سردمداران فرهنگ تمدن غربی در هفتاد، هشتاد سال اخیر درباره ی مقام زن و شخصیت زن و احیای این شخصیت و سپردن نقش شایسته به وی در سطح جهان به راه افتاده علیرغم این همه، ما اعتقادمان بر این است که شخصیت والای زن همچنان در دنیا مورد اهمال و بی توجهی است. آنچه من امروز میخواهم عرض بکنم، عبارتست از لزوم بازنگری بر ارزشهای سازنده ی شخصیت زن.

ما در این ادعا میخواهیم این را بیان کنیم که آنچه امروز در جهان بعنوان

ص: 34

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/8/14)

2- . به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) (77/7/18)

عناصر اصلی شخصیت والای زن ارائه میشود که بطور عمده هم گرفته از فرهنگ غربی است، محتاج يك بازنگری جدی و عمیق است. بسیاری از چیزها امروز در سطح دنیا بعنوان يك ارزش شناخته میشود، در حالی که شاید ارزش بودن آن بشدت مورد تردید باشد. و بسیاری از چیزها مورد توجه و عنایت قرار نمیگیرد که بی گمان باید در ردیف ارزشهای طراز اول آن را قرار داد، برای تکوین شخصیت زنان. (1)

برخی مسائل نیازمند به پیگیری در حوزه ی زنان

مسائل مهم دیگری هم وجود دارد: مسأله ی ازدواج و نجات از تجرد. موانع ازدواج احصاء بشود. همین کارهایی که خانمها اشاره کردند که دارند انجام میدهند و من واقعاً خرسند شدم که بحمدالله به این مسائل پرداخته میشود. مسأله ی پوشش، مسأله ی معاشرت، واقعاً يك کار مبنایی ای در این زمینه انجام بگیرد. مسأله ی حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسأله ی دادگاهها را که یکی از دغدغه های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه ها و از نگرانیهای بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود. مسأله ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد (2).

ص: 35

1- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

مسائل مطرح در سبک زندگی در مورد رابطه ی زن با خانواده و اجتماع

اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بنابراین باید آسیب شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیبهایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسأله را تمام شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم.

چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. (1)

تصحیح فرهنگ عمومی جامعه در نگرش سیاسی به زنان

یکی از مهمترین مسائل اصلی در خصوص مشکلات زنان، تصحیح دیدگاه فرهنگ عمومی جامعه در نگرش به مسائل سیاسی زنان است. (2)

فاصله ی قوانین و حقوق اجتماعی زنان در ایران با خواسته ی اسلام

آنچه که در گذشته، در فرهنگهای شرقی و غربی و ایرانی و غیر ایرانی، بر زنان رفته است، لزومی ندارد که من آنها را تکرار کنم؛ بر همه ی شما

ص: 36

1- . در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (91/7/23)

2- . در دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

معلوم است. اسلام واقعاً حیات دوباره ای به زن بخشید؛ منتهای مراتب، نکته ای که شما هم اخیراً به آن اشاره کردید، نکته ی مهمی است و من همیشه روی آن تکیه دارم. آن نکته این است که با وجود همه ی اینها، زن در جامعه ی ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی، نه از لحاظ تمکن و قدرت تصرف فردی، نه از لحاظ قوانینی که به اینها ارتباط پیدا میکند، هنوز در آن حدّ و سطحی که اسلام خواسته است، قرار ندارد. (1)

شناساندن حقوق و تکالیف و مسؤولیت متقابل با رجوع به فطرت

امروز زنهای جوان مسؤولیت سنگینی بر عهده دارند، مادرهایشان را هم باید اصلاح کنند. این راز را باید باز کنیم، من يك جمله فقط میگویم و اینگونه اجتماعات اسلامی که شما زنان اندیشمند مسلمان آن را بوجود آوردید، باید در پیرامون این مطلب تلاش کند و کار کند. من میگویم راز مسأله این است که؛ به فطرت رجوع نشده، حقیقت تکلیف و وظیفه و مسؤولیت زن و مرد شناسانده نشده و تلاش نشده تا شناخته بشود. اینجا اسلام راهنماست، اسلام میان زن و مرد برابری را از لحاظ ارزشهای انسانی کامل میکند، یعنی؛ يك ذره بین زن و مرد از لحاظ ارزشهای انسانی فاصله نیست. هر کس غیر از این تصوّر بکند، معارف اسلام را درست نشناخته از لحاظ وظایف چرا. اسلام به زن اهانت نمیکند و اجازه ی اهانت هم نمیدهد. (2)

کمبود فرصتها و میدانها برای علم و معرفت زنان در همه ی جوامع

زن در همه ی جوامع - از جمله در جامعه ی ما - دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل میشود، اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی بندوباری نیست. این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم

ص: 37

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (69/10/16)

2- . در کنگره ی بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام در تالار تئاتر شهر (67/11/8)

و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست؛ این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است. (1)

عدم حل مشکلات زنان با کثرت حضور در دانشگاهها و مسؤولیتها

میبینیم که مسؤولین گزارش میدهند - مثلاً تعداد زنها در دانشگاه بیشتر شده است. زنها مسؤولیتهایی دارند. حضورشان در اجتماع اینطوری است - اینها يك سلسله از بحثهایی است که میشود انجام بگیرد و انجام هم میگیرد و خوب هم هست. ایرادی ندارد که این بحثها بشود. هم مشوق است؛ هم مبین حقایقی است؛ هم بالاخره دیدگاه جمهوری اسلامی را در این زمینه نشان میدهد؛ لیکن در آینده ی مسأله ی زن، خیلی تأثیر نمیگذارد. (2)

بحران زنان؛ محصول نگاه غلط به زن و خانواده

درباره ی مسأله ی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ دو نقطه ی اساسی است که اگر درباره ی این دو نقطه بشود فکری کرد، طرحی نو در انداخت و کار پیگیر و مستمری انجام داد، میتوان امیدوار بود که در طول زمان میان مدت یا بلندمدت - آن چیزی که امروز میتوان آن را بحران مسأله ی زن در دنیا دانست، حل شود. آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بد فهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه دار نیست. آن کسانی که مدعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسأله وجود داشته، میشود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، میبینیم این نگاه غلط، این کج فهمی و بدفهمی در زمینه ی شأن زن در جامعه، شاید در حدود صد سال، صد و پنجاه سال بیشتر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع

ص: 38

1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/8/14)

نقطه ی دّوم که اساس مشکل است، بد فهمیدن مسأله ی خانواده و بد عمل کردن در رفتارهای داخل خانواده است. این دو تا مشکل است که به نظر ما بحران مسأله ی زن را - که امروز يك مشکل اساسی در دنیاست - بوجود آورده. شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب آوری باشد. امروز مسأله ی بحران آب و هوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، بعنوان مسائل اصلی بشریت مطرح میشود؛ اما هیچکدام از اینها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمیگردد به مسائلی که ارتباط پیدا میکند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسانها با یکدیگر؛ که یکی از آنها مسأله ی زن و مرد، جایگاه زن، مسأله ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً يك بحران است، منتها به رونمی آورند، مطرح نمیکند و سیاستهای مسلط در دنیا به صرفه ی خودشان میدانند و شاید برخلاف راهبردهای اصلی خودشان میدانند که این مسأله را مطرح کنند. (1)

اداره ی کانون گرم خانواده؛ اولین مسؤلیت زن

ما معتقدیم زن در نگاه نخستین، بزرگترین و اولین مسؤلیت اداره ی کانون گرم خانواده را که ما آن را پایه ی تشکّل اجتماعی خودمان میدانیم بر عهده دارد که این به عهده مرد نیست و از مرد اصلاً برنمی آید. ما معتقدیم ترکیب آفرینش زن، او را برای برداشتن مسؤلیت و مأموریت آماده میکند. ما معتقدیم برای زن این افتخار نیست که وزیر یا نخست وزیر باشد بلکه افتخار این است که بتواند کانون محیط خانوادگی خودش را گرم اداره کند که البته اگر در آن حال توانست وزیر و نخست وزیر هم باشد، هیچ اشکالی ندارد و این هم شرفی و افتخاری بالاتر و مضاعف خواهد بود. و هرگز زن را مجبور نمیکنیم که تو باید بروی شوهر کنی، بچه هایت را اداره کنی و یا

ص: 39

خانواده ای را حفظ کنی. لذا اگر خود زن ترجیح داد خانواده نداشته باشد و خانه اداره نکند یا بچه هایش را به دایه یا پرورشگاه بسپارد و به شوهرش دستور دهد که از رستوران غذا بیاورد و خودش بیاید برود مدیر کل فلان اداره و وزیر فلان وزارتخانه، یا مسؤول فلان گوشه کشور بشود، دولت جمهوری اسلامی به او فشار نمی آورد که تو حق نداری این کار را بکنی، بلکه حق دارد. اما بعنوان يك ارزش در نظام ارزشی جمهوری اسلامی ترجیح را می‌دهیم به آن کار اصلی زن یعنی حفظ کانون خانواده و گرم نگاه داشتن آن و از نظر ما این از ارزش بالاتری برخوردار است. (1)

احساس آرامش و امنیت؛ مسأله ی اساسی زنان

مسأله ی اصلی زن این نیست که آیا شغلی دارد یا ندارد. مسأله ی اصلی زن، آن مسأله ی اساسی است که امروز در غرب متأسفانه از بین رفته است، و آن همان احساس آرامش و احساس امنیت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه ی شوهر و در خانه ی پدر و امثال اینهاست. کسانی که در خصوص مسأله ی زن تلاش میکنند، باید در این زمینه ها تلاش کنند. (2)

عدم اولویت مسائل شخصی برای زنان

بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن بعنوان عضوی از جامعه و همچنین بعنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است و وظیفه ی مادری و همسری و امثال اینها خیلی بهتر از گذشته است. هر چند در گذشته، برخی از زنان کشور نه اکثریت آنها از جنبه ی شخصی نه از آن دو جنبه ای که اشاره کردم شاید وضعیتشان بد نبود و زنان خاصی، از مقداری از تنعمات عمومی جامعه برخوردار بودند؛ لیکن مسأله ی شخصی برای زن، مسأله ی درجه يك

ص: 40

1- . در مصاحبه با سردبیران مجلات وزارت ارشاد (60/12/4)

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

نیست. اگر ما به ابعاد زندگی زن نگاه کنیم، واقعاً مهمترین جهات و حیثیات وجود او، آن مسائل شخصی محض نیست. (1)

پرهیز از دام رقابتها و چشم و هم چشمیها در محافل زنان

مواظب باشید در دام رقابتها و چشم و هم چشمیهای که متأسفانه در بعضی از محافل زنانه رایج است، نیفتید. رقابت برای تجملات، رقابت برای به رخ کشیدن و بعضی از زیاده طلبیها کوچکتر از این است که بتواند زنهای شایسته و والا را اسیر خود کند. هر انسانی - چه مرد و چه زن - اگر به دام زواید زندگی بیفتد و اسیر اینها شود، بتدریج معنویات با ارزش در وجود او افول خواهد کرد و ضعیف و کم خواهد شد. (2)

مقایسه ی ظلم به زن در غرب و کشورهای اسلامی

شما زنها باید بروید دنبال اینکه کار جدی و اساسی بکنید، اصلاً بروید ریشه یابی بکنید ببینید آن جامعه ای که در آن به زن ظلم میشده کجا بوده است در دنیا. شاید کمتر کسی تصوّر کند که زن در کشورهای اسلامی يك دهم مظلومیّتی را که در کشورهای اروپایی داشته تا مثلاً اواسط قرن نوزدهم شاید، تا اوایل قرن بیستم نداشته. توجه کردید؟ این را کمتر کسی میداند که چنین چیزی است. ما وقتی که نگاه میکنیم کتابهای مربوط به مسائل اجتماعی و زمینه های اجتماعی و اوضاع و احوال اجتماعی همین قرن نوزده و اوایل قرن بیست را در اروپا، در فرانسه، در انگلیس، در فلان نگاه میکنیم میخوانیم آن وقت میفهمیم که زن ایرانی در همان روزگار، يك خانمی بوده برای خودش و آن ظلمی که بر زن میرفته، آنجا میرفته، و شعارهای رفع ظلم از زن بیشتر مال آنجاست. اینجا هم هست البته، اما خیلی کمتر از آنجا. حالا من گفتم يك دهم، نمیدانم این نسبت چقدر دقیق است و صحیح است،

ص: 41

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (69/10/16)

2- . در دیدار با کارکنان سپاه حفاظت ولی امر (81/7/18)

به هر حال خیلی کمتر بوده اینجا این مسائل تا آنچه که در آن جاها وجود داشته. بروید اینها را پیدا کنید، اطرافش يك خرده کار کنید، کار بنیادی - ان شاء الله - شروع کنید. (1)

3-1 - ظلم به زن

ستم تاریخی و طبیعی و دائمی نسبت به زنان

میبینیم که زن، امروز هم همچنان در زیر بار تحمیل ستم تاریخی قرار دارد. چون زن در تاریخ مظلوم است، در طول تاریخ مگر در بخشهایی از زمان و قطعه هایی از عالم. امروز هم میبینیم همان مسأله هست؛ در داخل خانواده، در محیط کار، در سطح جامعه و خلاصه در مقابله با جنس مرد مورد ستم طبیعی است. منظورم از ستم طبیعی این است که؛ اگر جایی این ستم مشاهده نمیشود، بخاطر این است که وضعیتی بطور خاص وجود دارد، یا مرد پابیند به اخلاقیات است یا زن برجستگی خاصی دارد یا شرایط و محیط، جوری است که مانع میشود که این بسیار کم است. ستم تاریخی و عمومی بر زن که شرق و غرب نمیشناسد و فقیر و غنی نمیشناسد و امروز و دیروز نمیشناسد، همچنان در بحبوحه ی حوادث چشمگیری که به نفع زن در دنیا به وجود آمده وجود دارد. (2)

مظلومیت زن در طول تاریخ، مگر در موارد استثنایی

من به شما بگویم زن يك موجود مظلومی بوده در طول تاریخ، مگر در يك موارد استثنایی خیلی کم؛ در يك جوامع ابتدایی بوده که زنان در آن جاها صاحب اختیار مثلاً قبيله زن بوده، رؤسا را از زنان انتخاب میکردند، حالا يك چیزهای خیلی کمی آب و نادر و قبيله ای است. (3)

ص: 42

1- . در خصوص جایگاه زن در جمهوری اسلامی ایران (63/12/4)

2- . در کنگره ی بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (67/11/8)

3- . در دیدار با گروهی از بانوان کشور (63/12/21)

عقیده من این است که در طول تاریخ، در جوامع مختلف به جنس زن ظلم شده است. يك وقت هم اشاره کردم؛ گفتم که این ظلم، از چه چیز نشأت میگیرد. این بخاطر جهل بشر است. طبیعت بشر جاهل این است که در آنجایی که زور و اجبارکننده ای بالای سر نباشد؛ یا از درون خود انسان که این خیلی کم است! یعنی همان ایمان قوی و روشن و صریح؛ یا از بیرون او، یعنی قانون چنانچه شمشیر و تازیانه قانون نباشد. معمولاً اینگونه است که قوی به ضعیف ظلم میکند. (1)

نقش نظامهای دیکتاتوری در ظلم به زن

شما میدانید که توی مملکت ما این جور نیست که جریانات و آن کانالهای اجرایی روی يك نظم و میزان خاصی باشد این بی قانونیهایی که ما اینقدر با آن برخورد میکنیم، بخاطر همین است که يك تعیین عامل مهمتر و قدری مشکل است، لکن به نظرم میرسد که عامل نظام اجتماعی و نوع رابطه ی حکومتها با مردم که اختصاصی هم به زن نداشته، یکی از مهمترین عاملهاست. نظامهای دیکتاتوری و ظالمانه طبیعتش جوری است که بر همه ی حقهای جامعه ستم روا داشته میشود. یکی اش هم مسأله ی زن است. همانطور که شما در نظامهای ظالمانه ملاحظه میکنید که انسانها بسیاری از استعدادهایشان بروز نمیکند، و گل نمیکند شاید آن کسانی که این نظام ظالمانه را هم اداره میکنند با آن استعداد یا با آن اشخاص، دشمنی خاصی هم ندارند، حتی اگر چنانچه عقلشان برسد و بفهمند که آن استعداد آنجا وجود دارد، درصدد بر بیایند به نفع خودشان از او استفاده هم بکنند، استخراج هم بکنند، لکن خاصیت و طبیعت نظام ظالمانه ی اجتماعی این است، این استعدادها شناخته نمیشود و پایمال میشود و در تندباد روشها و تصمیمها و تدبیرهای استکباری و ظالمانه اصلاً پایمال میشود. یکی از

ص: 43

اینها مسأله‌ی زن است. در همین نظامها شما برخی از زنها را میبینید که به همه چیز رسیده اند، نه به چیزهای بد، حتی گاهی به چیزهای خوب؛ فرض بفرمایید که عالم شدند. به مقامات عالی سیاسی رسیدند، به همان چیزهایی رسیدند که بطور طبیعی ما آن را برای خانمها میخواهیم. برای زن میخواهیم. مصادیقی را ما در آن نظامها پیدا میکنیم که همینطور مقاماتی را پیدا کردند و به همین فعلیتهای رسیدند، این نشان میدهد که این به معنای دشمنی با زن نبوده، اما طبیعت نظام ظالمانه آنچنان طبیعی است که رابطه‌ی بین دستگاه حاکم و همه‌ی آنچه که در حیطه‌ی نفوذ و اقتدار اوست، یک رابطه‌ی نادرست و مبتنی بر ناآگاهی، عدم میل به آگاهی و معرفت واقعیات و عدم اعتنای به حقایق است. این موجب شده است که در این خلال به زن که عضو ضعیفتر هم بوده ستم شده. در این خلال آن وقت سنتهای غلط یا برداشتهای نادرست از مفاهیم اسلامی هم کمک کرده و اصلاً مجال نداده که زنها بتوانند تکان بخورند. (1)

نظام اجتماعی استبدادی؛ مهمترین عامل تاریخی ظلم به زن

آن روزی که بنا بر پرده نشینی زن بود، این نظامها تأثیر گذاشتند و به زنان ظلم شد. آن روزی هم که بنا بر پرده‌گریزی زن، حجاب‌گریزی زن بود یعنی در دوران پنجاه سال اخیر قبل از انقلاب باز به زنان ظلم شد. شما باز میبینید که زنان از پشت پرده بیرون آمدند تا در میدانهایی که به نفعشان نبود و به ضررشان بود حاضر بشوند؛ تا حق طبیعی یک انسان جنس زن را دریابند. باز هم در خانواده‌ها مردها به زنها ظلم کردند، باز هم در خانه‌ها فرزندان پسر به مادرها ظلم کردند، باز هم در خانواده‌ها، برادرها به خواهرها ظلم کردند، باز تعداد زنها در دانشگاهها کمتر از مردها بود، باز مدرسه‌ی دخترانه کمتر از مدرسه‌ی پسرانه بود. عرض کنم که باز در یک جاهایی به زن کارهای جسمی داده شد و این کارها همه انجام گرفت. علت نیز نظام

ص: 44

اجتماعی غلط و ناعادلانه‌ی مبتنی بر استبداد و استکبار بود. این مهمترین عامل تاریخی بود که وجود داشته است. (1)

ستم مردان به زنان بخاطر ضعف جسمانی در طول تاریخ

قضیه‌ی حقوق زن مسأله‌ی نیست که حالا مخصوص ایران یا مخصوص جمهوری اسلامی باشد، یا خیال کنیم که ما داریم با جامعه‌ی خودمان می‌جنگیم؛ نه، این یک مبارزه‌ی تاریخی است.

یعنی در طول تاریخ به دلیل واضحی، زنان مورد ستم مردان قرار گرفتند. دلیل واضحش هم این است که زن از لحاظ جسمانی، ضعیفتر از مرد است. این چیز روشنی است.

صدای مرد، کلفتتر از صدای زن، قد او بلندتر از قد این و استخوان او درشتتر از استخوان زن است. خصوصیات خلقت مرد هم، خصوصیات مسلط و فعال است. خصوصیات زن، خصوصیات نرمش و انعطاف و انجذاب است. (2)

حالت وحشیگرانه نسبت به زن بخاطر قویتر بودن ترکیب جسمانی مرد

به نظر من، ما در یک برهه‌ی طولانی از زمان، کمبود کار و انگیزه و توجه داشتیم؛ شرایط هم بگونه‌ای بوده که اقتضای همان غفلت و بی‌توجهی را میکرده است. سالهای متمادی - شاید بشود گفت قرن‌ها - گذشته، اما به نکته‌ی قرآنی درباره‌ی زن و مرد توجه نشده است. در معارف اسلامی، مسأله‌ی دو جنس، واقعاً یک مسأله‌ی خیلی ساده و معمولی است؛ مثل اینکه دو نفر از یک جنس، یکی قدش بلندتر است، یکی قدش کوتاهتر است. در اسلام هیچ دوگانگی بین حقوق اساسی و اصلی و مسائل جاری

ص: 45

1- . در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (67/2/28)

2- . در دیدار با نمایندگان زن در مجلس (76/4/30)

زندگی برای زن و مرد وجود ندارد؛ اما به این نکته توجه نشده و نتیجه این شده است که زنها در مدّتی طولانی در جامعه ی ما مورد ستم قرار گرفتند؛ مخصوص اینجا هم نبوده؛ در همه جای دنیا اینگونه بوده است؛ منتها توقّع این بوده که در محیط اسلامی، با توجه به معرفت اسلامی درباره ی زن و مرد، آن حالت رایج و حشیگرانه که بین مردم غیر مسلمان در دنیا مطرح بوده، وجود نداشته باشد. آن حالت و حشیگرانه ای، همین چیزی است که من بارها گفته ام: چون جنس مرد از لحاظ ترکیب جسمانی بطور غالب قویتر از جنس زن است و در معارضه ای بر سر منافع بین قوی و ضعیف همیشه قوی حقّ ضعیف را پایمال میکند، همین حالت بطور عموم بین زنها و مردها در طول تاریخ وجود داشته است. این حالت در همه ی کشورها وجود داشته است؛ در اروپا هم وجود داشته، در جاهای دیگر هم وجود داشته، در کشورهای اسلامی هم وجود داشته است. توقّع ما این بوده است که در کشورهای اسلامی، با توجه به نگرش درستی که اسلام به مسأله ی جنسیت دارد، این حالت وجود نمیداشت. (1)

استثمار تاریخی زن بخاطر ظرافت بیشتر نسبت به مرد

براساس آفرینش الهی، زن در ساختمان وجودی خود از ظرافت بیشتری نسبت به مرد برخوردار است، بنابراین در يك محیط بی قانون و یا در محیطی که در آن حاکمیت عقل و منطق ضعیف باشد، آنکه قدرت و خشونت جسمانی اش بیشتر است، ضعیفتر را مورد ستم قرار خواهد داد و او را استثمار خواهد کرد این همان ضایعه ای است که متأسفانه از آغاز در محیط زندگی بشر پیش آمده است و امروز در دنیا این مسأله ی تلخ و زشت در ارتباط زن و مرد مشاهده میشود. (2)

ص: 46

1- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

2- . در دیدار گروهی از خواهران مسؤول، متخصص و هنرمند (74/8/22)

جواب(1): هر دو تأثیر دارد. اگرچه شاید دشوار باشد که ما بخواهیم مشخص کنیم که کدام بیشتر تأثیر داشته است. عوامل دیگری هم خارج از این دو هست که یکی از عمده ترین آنها عامل خارج از فرهنگ این ملت و عامل مظلومیت تاریخی و جهانی زن است که این دیگر مربوط به ملت خاصی و ملت ما بخصوص نیست تا ما در داخل جامعه ی خودمان دنبال عاملش بگردیم. و من خیال میکنم این عامل سوم، مادر و اصل در مظلومیت زن در جامعه ی ماست. به تاریخ نگاه کنید، به فرهنگهای امروز رایج دنیا نگاه کنید، خواهید دید آن چیزی که من به عنوان مظلومیت زن یاد کردم، مخصوص کشور ما نیست. يك چیز دیگری در این بین وجود دارد که اگر بخواهیم تحلیل بکنیم - در يك جمله ی خلاصه مطلب را میگویم در مقام توضیح شاید بحث طولانی داشته باشد - اشتباه و مخلوط شدن شرایط طبیعی، اعم از جسمی و روحی زن که به او نوع خاصی از وظایف زندگی را پیشنهاد میکند. اشتباه این وضع طبیعی با اقتدار جسمی در مقابل ضعف جسمی زن که همیشه بوده، امروز هم هست و به اعتقاد من علت عمده ی فشار بر شخصیت زن این است. آن کسانی هم که خواستند به زن آن وظایفی و آن شخصیتی را که لازمه ی وضع روحی و جسمی طبیعی اوست بدهند، آن مرز درست را شناختند و به اشتباه يك مقداری به منطقه ی حق زن، منطقه ی طبیعی ای که منطبق با حق زن است تجاوز کردند. متقابلاً کسانی که خواستند حق زن را به او برگردانند، آن عنصر اول را نتیجه

ص: 47

1- . سؤال: جنابعالی در مصاحبه ای فرموده اید که مظلومیت عمومی زن در جامعه ی ما هنوز هم عین واقعیت است و اینکه خواهرهای ما در جامعه، خودشان را بعنوان يك موجود درجه دو تصور میکنند. حالا ما میخواهیم بدانیم که به اصطلاح این مظلومیت از نظر شما تا چه حد معلول عاداتهای گذشته است که در جامعه ی ما وجود دارند مثل عوامل فرهنگی به لحاظ به اصطلاح حکومت ارزشهای مربوط به جنسیت و تا چه حدی معلول به اصطلاح بینشهایی است که به نام مذهب و بینش، با قضیه ی فرهنگی زن برخورد میکند؟

گرفتند؛ یعنی وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی را نادیده گرفتند، این خلاصه‌ی مطلب است(1).

برداشتهای غلط بشری درباره‌ی جایگاه زن

چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد کج فکر کرده است و میخواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشتها و تحلیلهای و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد جایگاه غلطی است و نسبت به زن و مرد، نسبت غلطی است. حتی در تمدنهای خیلی بلندپایه‌ی دنیای باستان مثل تمدن روم یا ایران برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمیخواهم جزئیات و تفصیلات را بیان کنم و لابد خودتان میدانید و میتوانید هم مراجعه کنید(2).

ندانستن قدر و جایگاه زن؛ ریشه‌ی ظلمهای تاریخی

بر بخشی از جامعه‌ی ما، اخلاق بدی نسبت به زن حاکم است، که البته مخصوص ایران هم نیست. اگر آدم نگاه کند، میبیند که متأسفانه در طول تاریخ، همواره یک ستم تاریخی بر زن رفته است؛ که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته اند. البته هر جای دیگر چنین بوده، به هر شکلی بوده و هست، به ما ربطی ندارد؛ ولی در جامعه‌ی ما بایستی به آن شکلی باشد که اسلام خواسته است. زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نبایستی بخاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به او بشود. این، چیز بسیار بدی است. چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستمهایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی

ص: 48

1- . در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (1367/2/28)

2- . در دیدار با جمع کثیری از زنان (68/10/27)

بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را به کلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف میکنند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم مینمایند. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته میشد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه ریزی کرد. (1)

تحقیر زن در طول تاریخ در دو شکل خصومت و دوستی

زن در میان دو ستم قرارگرفت در طول تاریخ، که این هر دو ستم در يك جمله با هم اشتراك داشتند و او تحقیر بود، تحقیر زن. يك ستم، ستم آن کسانی که برای زن حق حیات، حق اظهارنظر، حق تلاش، قائل نشدند و به شکلهای مختلف زن را از صحنه های فعالیت زندگی، فعالیت اجتماعی، عقب راندند و کنار زدند. مثل پدرهایی که با دخترهایشان در گذشته بد کردند، در جاهلیت کشتند، در غیر جاهلیت با آنها با تبعیض رفتار کردند، مثل شوهرهایی که با همسرانشان بصورت دو رفیق، دو عنصر همراه، همخانه، همسر، رفتار نکردند؛ مثل آن کسانی که برای زن حق تعلیم و تعلم قائل نشدند، به زن نیاموختند، زن را رشد ندادند؛ این يك دسته، این يك جریان ستم که برمیگردد به تحقیر زن؛ يك جریان ستم آن جریانی است که در طول تاریخ ریشه هم دارد، مخصوص قرن اخیر هم نیست، جریان روی صحنه آوردن زن و زن را وسیله ای برای عشرت قرار دادن در شکل زشت و وقیحش. منتها با نامهای مختلف، آنچه که در اروپا اتفاق افتاد در قرنهای هجدهم و نوزدهم به بعد از این قبیل بود نسبت به زن، آنچه که در این دهه های اخیر در ایران اتفاق افتاد از این قبیل بود، آنچه که با کشف حجاب زن تعقیب میشد از این قبیل بود، آنچه که در روم قدیم امپراطوریهای قدیم روم، نسبت به زنان اشرافی و درباری و زیبارویان آن

ص: 49

روزگار انجام میشد هم از این قبیل. همه ی اینها بر میگردد باز به تحقیر زن، این تحقیر است برای يك عنصر که میتواند معلّم جامعه باشد، میتواند يك حرکت عظیمی را در جامعه به وجود بیاورد، میتواند انسانهایی، عناصری، مثل شیرزنان تاریخ بشر، مخصوصاً تاریخ اسلام ارائه بدهد، این را به شکل عروسك در بیاورند و با او برخورد عروسك وار بکنند، بزرگترین تحقیر این است. این دو جریان، آن اّولی در شکل خصومت، این دوّمی در شکل دوستی، اما هر دو در واقع تحقیر، خصومت، حق ناشناسی، نادیده گیری زن. چون در طول تاریخ حتّی در محیطهای اسلامی متأسّفانه این دو حرکت تحقیرآمیز نسبت به زن انجام گرفته بود. (1)

نگاه امپراطوری روم به زن در اشباع غریزی مرد

پایه ی تمدّن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آنچه که بر سر تا پای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آنها فرهنگ امریکایی و خرده ریزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراطوری روم وجود داشته؛ همانهاست که امروز ملاك و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام می رساندند، احترامشان میکردند و به آرایشها و زیورها تزئینشان میکردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکیتیرین و مادّی ترین خصلتهای بشری در مرد! این، چقدر توهین و چقدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است! (2)

حرمسراها؛ نماد اهانت به زن

در ایران هم عیناً همینطور بود. از حرمسراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده اید. حرمسراداری یعنی چه؟ حرمسراداری یعنی همان اهانت به زن. يك مرد چون قدرت دارد، به خودش حقّ میدهد که هزار نفر زن

ص: 50

1- . در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (61/11/14)

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (70/10/4)

در حرمسرای خودش نگه دارد! اگر همه ی ملت آن پادشاه هم همانطور قدرت داشتند، هر کدام بقدر خودشان هزار نفر، پانصد نفر، چهارصد نفر یا دویست نفر زن نگه میداشتند! این حاکی از چه نگرشی به زن است؟! (1)

اسارت فرهنگی زن؛ مانع اساسی رشد زنان

حرف این است که جنس زن از لحاظ طبیعت یا از لحاظ خصلت ذاتی هیچگونه کمبود و کسری ندارد اما اگر چنانچه این جنس را در زندان، در زنجیر گذاشتند و مانع از رشدش شدند، چی؟ رشد نکرد چی؟ فرض کنیم دو نفر رفیق یکی را ده سال بگذارند در يك سلول و نگذارند از سلول بیرون بیاید، ده سال توی يك تبعیدگاه نگهش دارند و نگذارند هیچگونه استفاده ای بکند و آن یکی دیگر همان ده سال را برود درس بخواند، مطالعه کند، مسافرت کند، دنیا را ببیند، رجال را ببیند، اندیشمندان را ببیند، خب اینها مثل هم هستند؟ نه دومی کاملتر از آن یکی است. اما آیا تقصیر آن برادری است که در زندان یا در سلول یا تبعیدگاه مانده و نتوانسته، او تقصیری دارد؟ نه تقصیری ندارد، اما این واقعیت است. (2)

شرح مظلومیت زن

میتوان برای شرح این مظلومیت مفصل حرف زد و واقعاً جوانب و ابعادی دارد این مظلومیت که محتاج شرح و بیان است، اما من يك نمونه ی روشن را عرض میکنم، نمونه های مظلومیت بسیار آشکار را میگوییم، مثلاً: زن در رابطه ی با شوهر خودش و در محیط خانوادگی مظلوم است، یعنی؛ مرد چون جسمش قویتر هست و گردنش کلفتتر است زنی را که از لحاظ جسمی ضعیفتر است کتک میزند، این يك نمونه ی مظلومیت بسیار پیش پا افتاده و روشن است. این در کشورها هم البته در گذشته بوده، الآن هم تا

ص: 51

1- . همان

2- . شناخت موضوعات نهج البلاغه (59/4/11)

حدودی هست البته خیلی کمتر اما من به شما بگویم شاید تعجب کنید در کشورهای پیشرفته ی دنیا پدیده ی کتک زدن زن، يك پدیده ی بسیار رایج و معمولی است. (1)

خانواده؛ بالاترین محیط ظلم به زن

به نظر من بالاتر از همه مناطق مورد نظر که انسان احساس میکند زن در آن مورد ستم قرار گرفته، منطقه ی خانواده است داخل خانواده هر چه میتوانید روی این تکیه کنید. اینکه زنها فلائن مقامات را به دست بیاورند، درجه ی بعدی است؛ خیلی چیز قابل توجهی نیست. مهمترین نقطه، نقطه ی تعامل زن و شوهر با همدیگر است. (2)

بررسی عوامل تاریخی و جامعه شناسی مظلومیت زن در خانواده

يك سلسله عوامل بسیار زیادی است که به زن جرأت و شهامت این را نمیداده که در داخل خانه مثل يك موجود مستقل و برابر با مرد رفتار کند. گاهی گستاخی میکرده اما مثل موجود فرودستی که حالا خودش را لوس کرده و گستاخی میکند؛ نه مثل يك عنصر برابری که دو نفر آدمند و دو نفر شریکند و با هم بصورت برابر برخورد میکنند، با هم حرف میزنند، گاهی دعوا و گاهی آشتی میکنند. بنده از وضع زنان و مظلومیت آنان چیزها دیده ام که مربوط به حالا- نیست، بلکه در سالیان طولانی من این را تجربه کرده و همواره معتقد بودم که زن در جامعه ی ما يك عنصر مظلوم است که البته بعد از انقلاب هم این مسأله خیلی فرق کرده است. اگر چه حالا، هم وضع دادگاهها بهتر است و هم وضع جدا شدن مرد و زن از همدیگر بهتر است. خب، اخلاق اسلامی است. خانمها به میدان آمدند و قدری بیشتر از گذشته قدرت و شهامت و جاذبه ی روحی پیدا کردند؛ اما هنوز مظلومیت عمومی زن در جامعه ی ما يك واقعیت است. آن وقت رژیم گذشته با کمال

ص: 52

1- . در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (67/11/8)

2- . در دیدار با زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی (76/4/30)

سفاهت میخواست این را از آن طریقی که خودتان میدانید و همه دیدیم برطرف کند. با فرهنگ عریانگری زن که این صددرصد غلط بود و اصلاً قضیه این نبود که زن چون حجاب دارد مقهور است خیر، چقدر خانمهای بی حجاب و بسیار آلوده به فرهنگ غربی که از دست شوهرشان به همان وضعیّت قدیم حرمسرای و روابط آنچنانی مثل يك كلفت و مثل يك اسیر و يك برده كتك میخوردند؛ مگر زن سر برهنه ی اروپایی از دست شوهرش كتك نمیخورد؟ بنابراین مشکل حجاب نبود، بلکه مشکلی بود که ناشی از مشکل چندین قرنی کشور ما میشد که اگر کسی بخواهد جامعه شناسی کرده و از لحاظ تاریخی بررسی کند، باید کار مفصّل و طولانی انجام گیرد تا درست شناخته بشود. به هر حال يك چنین وضعی در جامعه ی ما وجود دارد. من اعتقادم این است که اگر این وضع بخواهد درست شود، احتیاج به تعلیم و تربیت دارد، احتیاج به کار فرهنگی دارد و این در بلندمدت میسر است. منتها اگر کار فرهنگی انجام نگیرد، هیچ وقت درست نخواهد شد. همچنانی که احتیاج به قوانینی دارد که اگر این قوانین در مجلس شورای اسلامی تصویب نشود، باز آن اصلاح به طول خواهد انجامید. لذاست که وجود نمایندگان زن در مجلس میتواند مؤثر باشد و نیز مجمعی مثل آن شورای اجتماعی فرهنگی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی. (1)

کمبودها و کم کاریهای زیاد در عرصه خانواده

بنده آمارهای زیادی دارم، این خانم محترم هم آمارهایی را ذکر کردند؛ وضع داخلی خانواده های غربی از لحاظ مظلومیّت زن و از لحاظ عدم رعایت حقوق زن، از وضع خانواده های اسلامی و ایرانی و شرقی یقیناً بدتر است؛ بهتر نیست، اگر بدتر نباشد؛ در مواردی حتماً بدتر است. ما به آنها که نگاه نمیکنیم، آنها که الگوی ما نیستند. ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین

ص: 53

اجرایی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسأله از جمله ی عرصه ها و میدانهایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود. (1)

بی عدالتی در ارتباطات خانوادگی در جوامع غربی و اسلامی

امروز شما خانمها می توانید در این زمینه نقش ایفا کنید؛ هم تحقیق کنید، هم بنویسید، هم ترویج کنید، هم عملاً نشان بدهید. البته این را من بارها گفته ام، الآن هم میگویم؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی يك بی عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلویش گرفته شود. يك مقداری با نصیحت امکانپذیر است؛ يك مقداری اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلویش گرفته شود. زنان، مظلوم واقع میشوند. (2)

طبیعی بودن آزار زن در داخل خانه، بین نژادهای وحشی غربی و لزوم دوری از آن در محیط اسلامی

اگر چنانچه فرض کنیم در يك خانواده ای، در يك خانه ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهینها، از توهینهای رفتاری تا زبانی تا وحشی گری یدی که متأسفانه يك جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربیها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست - غربیها، یعنی بخصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی اند؛ اینها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات زده و ادکلن زده و اینها ایند اما همان باطن وحشیگری ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در اینها هست؛ راحت آدم میکشند، خونسرد جنایت میکنند؛ بنابراین کتک زدن زن در داخل خانه به وسیله ی آنها و بعد به وسیله ی امریکاییها، بُعدی

ص: 54

1- . در دیدار با بانوان قرآن پژوه (88/7/28)

2- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (13/4/86)

ندارد - اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نبایستی تصوّر بشود؛ ولی متأسفانه هست. بنابراین این دو نقطه، دو نقطه ی اصلی است؛ به نظر من هر چه در این زمینه ها برنامه ریزی بشود، جا دارد. (1)

عدم حساسیت دنیا در ظلم به زن در خانواده

امروز در دنیا، روی چیزهای خاصی حساسیت هست. امروز در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و امریکانه همه ی آنان خیلی راحت زنانشان را کتک میزنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه میکنند، نشاندهنده این است که پدران و شوهران در خانواده های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم میکنند. در دنیا روی این مسأله، خیلی هم جنجال نیست؛ اما روی پوشش زن حساسیت هست! اگر کسی، شخصیتی، فیلسوفی، نظامی، سیاسی، با عریان بودن زن مخالفت کند، این را در دنیا هو میکنند! روی بسیاری از فسادها و روشها و عادات، حساسیتی نیست. اگر کشوری بعنوان يك سیاست، با مشروبات الکلی مخالفت بکند، این را در دنیا هو میکنند، لبخند تمسخر میزنند، او را مرتجع مینامند! این، فرهنگ کجاست؟ این عریانی زن بعنوان يك سنت، این رواج مسکرات بعنوان يك رسم رایج، متعلق به کجاست؟ این، متعلق به اروپاست و از فرهنگ قدیمی این کشورها ناشی شده است. حالا این رسمها در جاهای دیگر دنیا هم حجیت پیدا کرده است و اگر کسی با آن مخالفت کرد، کانه مرتکب گناه کبیره ای شده است! (2)

سست بنیادی بنیان خانواده در غرب؛ مصداق ظلم به زن

مسأله ی اصلی برای زن این است که ساختمان وجود زن مانند ساختمان

ص: 55

1- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

2- . در دیدار با روحانیون و ائمه ی جمعه و جماعات استان مازندران (69/2/22)

وجود مرد، هر کدام برای ادای مقصود خاصّی تعبیه شده اند، مسأله ی اصلی زن این است که آن هدف و مقصود واقعی و اصلی و محوری در وجود زن برآورده شده و تأمین شده نیست. فریاد خانواده های غربی مخصوصاً امریکایی از بی بنیادی خانواده ها بلند است. سست بنیادی بنیان خانواده یعنی؛ آن چیزی که برای زن نه مهر و محبّت مادری را اجازه میدهد که اشباع بشود، و نه عشق و پیوند همسری را. این رازی است که باید حلّ بشود. اگر کسی انکار کند این را، واقعیتی را انکار کرده و انکار هیچ واقعیتی و انکار هیچ مشکلی، کمک به حلّ آن مشکل و اصلاح آن واقعیت نخواهد کرد. (1)

مشکل اصلی زن در دنیای امروز، ناکامی زن در نیاز مادری و همسری

مشکل اصلی زن این نیست که چرا نمیگذارند در منظر مردان دیوانه جلوه گری و دلربایی کند، مشکل اصلی زن این است که در اساسیترین و فطریترین نیازهایش، یعنی؛ نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبّت نسبت به نزدیکانش اینطور دچار ناکامی و وحشیگری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در آن دنیا وجود دارد. حالا - شما ملا - حظه کنید آیا دنیای غرب که زنها را تشویق کرده بتدریج که پوشیدگی را و حفاظ و حجاب عفت میان او و بیگانگان را از او بگیرد آیا به او خدمت کرده؟ زن را در حدّ يك کالا پایین آوردند و به او اهانت کردند. (2)

خلأهای قانونی، عاداتی و سنتی در حوزه ی زن و خانواده

نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - يك نگاه فوق العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی،

ص: 56

1- . در کنگره بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (67/11/8)

2- . در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (67/11/8)

یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. (1)

دیدن محرومیت و مشکلات زنان بلوچ در گذشته

من میدانم زن بلوچ، زن محرومی است. بنده از دیدن بعضی از منظره ها خیلی رنجها کشیده ام؛ چون خودم تا توی کپرها رفته ام. وقتی سیل آمد، جماعتی برای کمک به ما آمدند، اما خیلی از جاها هم خودم میرفتم و به خاطر دیدن يك منظره، اشکها از چشمم جاری شده است. عمده ی محرومیتها هم برای زن است. شوهر شرارت میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر قاچاق فروشی میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر تنبلی و بیکارگی میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر به اعتیاد دچار میشود، زن بدبخت میشود؛ بچه ها مشکلی درست میکنند، پدر یا رفته قطر یا رفته به يك نقطه ی دیگر، مادر دچار مشکلات است. (2)

لزوم توجه به حفظ حرمت و کرامت زن در همه ی مناطق ایران

در بعضی از مناطق کشور ما از جمله در همین منطقه، نیاز هست به اینکه احترام، حرمت و کرامت زن بیشتر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است: فرزند زیاد، ازدواج تحمیلی، فرزند تحمیلی و عدم فرصت برای بازیافتن خود و هویت خود، از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زنهای خود را بیشتر ملاحظه کنند. زنهای بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی دارای کرامت و شجاعت و عزت است و این عزت باید حفظ شود. (3)

ص: 57

1- . در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در دیدار با نخبگان استان سیستان و بلوچستان (81/12/5)

3- . در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی (81/12/4)

ظلم به زن در صورت عدم نزاکت و دقت و تقوای لازم

مشکلات زن، ناشی از این ستم تاریخی و دیرین است که اگر امروز مردی خیلی با نزاکت، با اخلاق و خیلی مراقب باشد، ممکن است واقعاً در محیط زندگی و در معاشرت با زن خودش - در خانواده - به او ظلم نشود؛ و الا اگر مرد، آن نزاکت و دقت لازم، آن ملاحظه و تقوای لازم را در این جهت نداشته باشد، قاعدتاً به زنها ظلم میشود. مثلاً زن فاضل و شوهر بیسواد، این شوهر بیسواد به آن زن فاضل و دانشمند ظلم میکند. مورد زیادی وجود داشته است که مثلاً خانم، یک دکتر، یا یک فاضله است و آقا، یک مرد بیسواد است؛ باز آن مرد در محیط خانواده، به این زن ستم میکند. (1)

حرام بودن بی توجهی به زن قبلی در تعدد زوجات

یکی از خانمهای محترم و مطلع به بنده گفتند که در این استان (2) زنانی که مصداق «تدروها کالمعلقة» باشند، بسیارند. در قرآن میفرماید که: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ (3)»؛ زن را میانه ی زوجیت و بینونت نگذارید؛ زنی که نه او را رها میکنند، نه وظایف زوجیت را - از معاشرتهای گوناگون؛ رسیدگی، وظایفی که برای او باید انجام گیرد - نسبت به او انجام میدهند؛ این معلقه است. اینجا تعدد زوجات رایج است: «نو که آمد به بازار»، به قول معروف: «کهنه شود معلق!»؛ حالا ولودل آزار هم نشود. این نهی صریح قرآنی است: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»؛ یعنی حرام است. در باب تعدد زوجات هم حرف زیاد است و نمیخواهیم وارد آن حرفها شویم. آیه ی قرآن میفرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (4)؛ اگر ترسیدید - نه اینکه اگر عدالت نکرديد - که عدالت نکنید، یکی اختیار کنید؛ بیشتر حق ندارید. در

ص: 58

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (14/8/75)

2- . سیستان و بلوچستان

3- . سوره ی نساء، آیه ی 129

4- . سوره ی نساء، آیه ی 3

آیه ی دیگری میفرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ»⁽¹⁾؛ یعنی در محبت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»⁽²⁾. شعرا، گویندگان، محققان، اساتید دانشگاه و علمای محترم، این را فرهنگ کنید.⁽³⁾

ازدواجهای تحمیلی زودرس

من شنیده ام که در همین استان⁽⁴⁾ بعضی از پدران، فرزندان دختر خود را سنین زودرس اجبار به ازدواجهای تحمیلی میکنند، این درست عکس آن چیزی است که اسلام خواسته و گفته است. اگر چنین چیزی راست باشد، اگر در این استان یا بعضی استانهای دیگر، پدرانی دختران کم سن خود را مجبور کنند و بدون رضایت آنها، آنها را شوهر بدهند، حرکت در جهت تضعیف زن است حرکت بر خلاف حقوق زن است، چیزی است که قانون باید با آن مقابله کند.⁽⁵⁾

نادیده گرفتن خواست دختران؛ خلاف خواست اسلام

بی اعتنائی، اهانت، نادیده گرفتن خواست دختران در مسأله ی ازدواج و هرگونه ظلم و ستم به آنها، خلاف خواست اسلام است و در نظام اسلامی در محیط خانه ها نیز باید مانند همه جای دیگر عدالت برقرار باشد.⁽⁶⁾

تأثیر وجود عادات جاهلی در ظلم به زن در مناطقی از ایران

من شنیده ام که در بعضی از مناطق این استان، به زنان و دختران ظلم میشود. اسلام از آن مردی که به زن ظلم کند، متنفر و بیزار است. پیغمبر

ص: 59

1- . سوره ی نساء، آیه ی 129

2- . همان

3- . در دیدار با نخبگان استان سیستان و بلوچستان (81/12/5)

4- . سیستان و بلوچستان

5- . در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

6- . در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی (75/6/27)

خدا، مردی را که به زن یا دختر خودش ظلم کند، زشت می‌شمارد. چون زن از لحاظ جسمی ضعیفتر است، آیا این مجوز میشود که مرد با تکیه بر قدرت جسمانی به او ظلم کند؟! شنیده‌ام در بعضی از نقاط این استان، ازدواجهای تحمیلی صورت می‌گیرد! یعنی بدون رضایت و اجازه‌ی دختر، او را به خانه‌ی شوهر می‌فرستند؛ آن هم شوهری که فاصله‌ی سنتی زیادی با دختر دارد و او به ازدواج با وی راضی نیست. اسلام چنین ازدواجی را زشت می‌شمارد. برادران و خواهران عزیز من! اگر میخواهید برکات خدا بر شما نازل شود، باید اخلاق اسلامی و احکام الهی را رعایت کنید. پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در جامعه‌ای به نبوت مبعوث شد که مردم در آنجا نسبت به زنان و دختران جفا میکردند. آیات کریمه‌ی قرآن، به زبانهای مختلف تلاش کرد این عادت زشت را از میان مردم ببرد. نمیشود که ما بعد از گذشت چهارده قرن، مجدداً به همان عادات جاهلی برگردیم!

شنیده‌ام که گاهی بین دو قبیله، دعوا و خونریزی است. آن وقت برای اینکه نزاع متوقف شود، دختری از این قبیله را علی‌رغم میل و خواستش، به عقد پسری از آن قبیله در می‌آورند و آن دختر در قبیله‌ی شوهر خود بعنوان يك موجود غریب و مظلوم و توسری خور زندگی میکند! چنین کارهایی شایسته نیست. (1)

انواع ظلمهای فرهنگی به زنان

اگر چنانچه زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن برای احياناً کسب درآمد، برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کسی موجب این ظلم بشود، باید قانون و جامعه‌ی اسلامی با آن مقابله کند.

اگر چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند

ص: 60

بخاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود، به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا کند که از مایملک خود بطور مستقل و با اراده ی خود استفاده کند، این ظلم است. اگر زن در هنگام ازدواج، شوهری به او تحمیل بشود - یعنی خود او در انتخاب این شوهر نقش نداشته باشد و اراده و میل خود او مورد اعتنا قرار نگیرد - این ظلم است. اگر برای تربیت فرزند، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی میکند، چه در صورتی که از شوهر جدا میشود، نتواند از فرزند خود بهره ی عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد - مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد - اما نمیگذارند از این استعداد استفاده بکنند و آن استعداد شکوفا بشود، ظلم است.

ممکن است انواع ظلم در جامعه وجود داشته باشد، که این ظلمها باید برداشته بشود؛ اما در عین حال به مسؤولیت زن و مسؤولیت مرد که در قبال هم هر دو مسؤولیتی بعنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگریسته بشود. (1)

سرگرم کردن زن به جلوه گری؛ عامل انحطاط شخصیت زن

در رژیم گذشته با اینکه جمع کثیری از زنها، هم بیسواد بودند و هم از مسائل اجتماعی چیزی سرشان نمیشد؛ یعنی نمیگذاشتند چیزی سرشان بشود و هم به سرنوشت کشور بی علاقه بودند و اصلاً نمیدانستند که زن میتواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود اینها از لحاظ ظاهر، شبه اروپایی و گاهی هم روی دست زنهای غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان میکرد، خیال میکرد که این زن الان از يك کشور اروپایی و از يك محیط غربی وارد ایران شده است؛ اما اگر با او دو کلمه صحبت میکردی، میدیدی که يك خانم بیسواد و یا کم سواد است! زن

ص: 61

را وادار میکردند که به وسیله جلوه‌گری و جلب چشمها به سمت خود، برای خویش يك شخصیت کاذب درست کنند. این، برای زن انحطاط بود و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگتر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات گرم کنند و از او بعنوان يك ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته دقیقاً و با برنامه انجام میگرفت. (1)

محرومیت زن از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه

مشکل زن در جامعه‌ی ما این است که از لحاظ روابطش با مرد و نیز از لحاظ برخورداری اش از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه دچار نوعی محرومیت است. زن مظلوم است در جامعه‌ی ما، این يك حقیقتی است که باید برای آن يك فکری کرد. من حالا قبل از آنی که وارد این قضیه بشوم يك نکته‌ای را در کنار این عرض کنم و آن این است که؛ وقتی ما میگوییم زن در ایران و در جامعه‌ی ما مظلوم است، مبادا خیال کنید که زن در سطح جهان دچار این مظلومیت نیست، نه این بشدت اشتباه است. من میگوییم زن همین امروز در اواخر قرن بیستم و در حالی که در اجتماعات دوش به دوش مرد، علی‌الظاهر حرکت میکند، همین امروز در سطح جهان و در کشورهای مترقی و متمدن دنیا زن مظلوم است. (2)

عدم توجه به نقش زنان در تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی

در کشور ما برای زن علیرغم دستورات روشن اسلامی آن جایگاه شایسته و والا منظور نشده بود و میباید اعتراف کنیم که شأن بانوان در بسیاری از جوامع اسلامی علیرغم دستور اسلام يك شأن نامناسب با شخصیت آنهاست و انواع و اقسام ظلمها نسبت به بانوان در کشورهای اسلامی از جمله در

ص: 62

1- . در دیدار با جمع کثیری از زنان (68/10/26)

2- . در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (67/11/8)

کشور ما انجام میگرفت. شاید یکی از بزرگترین این ظلمها این بود که نقش زنان در يك تحوّل عظیم اجتماعی و سیاسی درست شناخته و دانسته نبود. کما اینکه امروز هم در بسیاری از کشورها و بالخصوص کشورهای جهان سوم و از جمله کشورهای اسلامی این شأن همچنان ناشناخته است. (1)

عقب ماندن زنان نسبت به مردان

دختری که مدرسه نرفته باشد، بیسواد میماند. این تقصیر پدر و مادر است که او را مدرسه نگذاشته اند. تقصیر آن محیط و جامعه ای است که به زن اجازه کار نمیداده است. نتیجه این شده که قدرت تحلیل در مسائل سیاسی - اجتماعی قدرت ذهنی و خلاقیت و فکری مردها در جامعه ی ما در مجموع، بیشتر از زنان باشد، در حالی که همانطور که گفتم استعداد زن ایرانی مثل استعداد مرد ایرانی استعداد برتر است، یعنی از متوسط جهانی بیشتر است. (2)

تحلیل اجتماعی علی (ع) از عقب ماندگی فکری - فرهنگی زن

باور نکنید که علی بن ابیطالب (علیه السلام) به زن اهانت بکند، این را باور هم نکنید. به زن اهانت نمیکند. آنچه که میفرماید ممکن است من و شما نفهمیم. معنایش را؛ خیال کنیم اهانت است. این «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ» (3) لازم نیست بگویم نه، این مال علی بن ابیطالب (علیه السلام) نیست، نه خیر هست. اما شما بفرمایید. در جامعه ی خود ما - نه حالا، حالا که زنها رفتند بالا، جست زدند را کار ندارم - تا چهار سال قبل از این آیا زن توی این جامعه، فرهنگش و مایه ی فکری اش به قدر مردهای جامعه بود؟ چرا نبود؟ برای خاطر اینکه نگذاشته بودند، میدان نداده بودند. و این در زمان علی بن ابیطالب (علیه السلام) هزار برابر

ص: 63

1- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

2- . در مصاحبه با مجله ی زن روز در خصوص نقش زن (66/12/13)

3- . نهج البلاغه، خطبه ی 80

این فاصله بیشتر بود. در زمان علی بن ابیطالب (علیه السلام)، علی ابن ابیطالب (علیه السلام) وارث آن وضعیتی بود که در آن دختران خردسال را زنده زنده زیر خاک کردند. برداشتنشان از زن این بود.

اصلاً زن را جزو مجموعه ی انسانیت به حساب نمی آوردند، پس نمیگذاشتند سواد پیدا کند، نمیگذاشتند معرفت پیدا کند، نمیگذاشتند استعداد در او بجوشد، ناگزیر این چه میشود؟ ناقصات العقول میشود. این زن آن زمان را میگوید؛ نه جنس زن را. و این راست است، این يك تحليل اجتماعي است علي (عليه السلام) میکند.

من اعتقادم بر این است که زن هنوز در جامعه ی ما آن فرصت را نیافته است که جست واقعی را بزند... کلاً شما نگاه کنید در سطح جامعه. هنوز توی جامعه ی ما زن کتک بخور است. هنوز حق خواندن و نوشتن ندارد، هنوز بهش اجازه نمیدهند درس بخواند، مدرسه برود یا چه بکند. پیداست که فرهنگ کافی را پیدا نمیکند. و اسلام گفته است «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ (1)»

همه جازن در کنار مرد. یعنی میخواهد زن را بکشاند به آن اعتلا. نه خیر، پس حضرت هیچگونه کم لطفی نسبت به زنها نکرده.

یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) که بهترین زنها را باهاشان معاشر بود، خبر نداشت که همه ی زنها ی جامعه ی مثل این چند تا دانه نیستند؟

اگر خبر داشت خب دارد اشاره به وضعیتی کنونی جامعه میکند. اتفاقاً این حرف مؤید من است. برای خاطر اینکه علی ابن ابیطالب زهرا را میدید و میگفت «نَوَاقِصُ الْعُقُولِ» زهرا (سلام الله علیها) را هم میگفت؟ خدیجه (سلام الله علیها)

ص: 64

را هم میگفت؟ مسلّم است که نه. نخیر. پس اشتباهتان همین است.

اگر زهرای اطهر (سلام الله علیها) نواقص الایمان و نواقص العقول باشد، شما بدان که ایمان کامل در همه ی تاریخ دیگر نبوده. عملاً توجیه ندارد.

میانگین زن با میانگین مرد، نه يك زن برجسته را با يك مرد پایین شما حساب کنید، نه بطور متوسط يك متوسط قشر زن را، جنس زن را با متوسط جنس مرد با همدیگر اینها را مقایسه نکنید، آن وقت خواهید دید در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنجوری بوده. (1)

وضعیت زنان جامعه ی زمان علی (ع)

اگر علیّین ابیطالب (علیه السلام) اشاره اش به زن آن زمان باشد، باز هم شما شك دارید به این. آیا زنی که در آن زمان تازه از زیر بار جاهلیت قبل از پیغمبر کمرش راست شد و بیرون آمده، واقعاً تربیتش، فرهنگش، اندیشه اش، رسایی اندیشه اش، قوت اندیشه اش، به قدر مردها بوده، مطمئناً نبود. ممکن است شما در بین چهره های ارزنده ی زمان علیّین ابیطالب چهره ی سه تا چهار تا زن را که به نام مشخصاً میبینید، در مقابل آن تعداد زیاد مردان مؤمن، این اهانت به زن نیست که زن را مظلوم قرار داده اند و نگذاشته اند که از لحاظ سطح معرفت آن پرواز لازم را بکند. (2)

کم بهرگی زن در نظر علی (ع)؛ واقعیت دوران انحطاط و اسارت زن

علی (علیه السلام) شاید نظر به واقعیت زمان خودش دارد که میگوید: «إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيْمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ (3)» یعنی کم بهره، کم بهره یعنی چه؟ این مال دوران اسارت و انحطاط زن است که زن کم بهره است،

ص: 65

1- . زمینه ی بعثت انبیاء از دیدگاه نهج البلاغه

2- . شناخت موضوعات نهج البلاغه (59/4/11)

3- . نهج البلاغه، خطبه ی 80

بهره ای از زندگی نمیبرد، اسیر است، زیر فشار است، محکوم به این است که آنچه میخواهد نتواند انجام دهد. محکوم به این است که آنچه میخواهد بفهمد نتواند بفهمد.

محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص العقل خواندن آنها

اما آنی که گفتند زن ناقص العقل است این نخواستند بگویند که زن خدای نکرده قوهی ادراک ندارد، هرگز، بسیاری از زنان از بسیاری از مردان سطح شعور و درکشان به مراتب بالاتر است.

دو احتمال درباره ی این هست که یکی از این دو احتمال را من اینجا ذکر میکنم و آن این است که نظر امیرالمؤمنین در «النِّسَاءُ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ خُطْبَهُ (1)» به طبیعت زن نیست، بلکه به زنی است که تحت تأثیر فرهنگ ستم آلود تمام طول تاریخ که نسبت به زنان این فرهنگ همیشه توأم با ظلم و ستم بوده ناقص بار آمده، در زمان امیرالمؤمنین زن در همه ی جوامع بشری، نه فقط در میان عربها، مظلوم بود، نه میگذاشتند درس بخواند، نه میگذاشتند در اجتماع وارد بشود و در مسائل سیاسی تبخّر پیدا کند. (2)

بیگانگی دختران تحصیلکرده از خانواده

اگر دانشگاهها خوب کار کنند روی مسأله ی تعلیم زنان، این خیلی تأثیر میگذارد. وزارت ارشاد هم همینجور. منتها عیب ما يك جا دو جا که نیست آخه، اگر من بخواهم حالا مفصل باز صحبت کنم. ببینید يك اشکال بزرگ کار ما این است. دخترهای تحصیلکرده ی ما از خانواده بیگانه میشوند. این

ص: 66

1- . همان

2- . پاسخ به سؤالات (60/4/6)

جزء همان چیزهای، عیبهای فرهنگ تزریق شده اروپایی است! یعنی دختر دبیرستانی و دانشگاهی گویی که مال این خانواده نیست قبل از اینکه ازدواج بکنند! مثل اینکه مال خانواده ی پدر و مادرش نیست. تو آن خانه دیگر کار نمیکند، تو آن خانه دیگر به پدر و مادر درست نمیرسد، این یکی از عیوب کار ماست. اصلاً پیچیده است، عیوبی که بر وضع زندگی فرهنگی - اجتماعی زنها تحمیل شده بسیار پیچیده است. از گذشته خراب بوده، ورود این فرهنگ متضاد غربی در زمان رژیم پهلوی هم به کلی به هم ریخته و کلاف سر درگمش کرده. پیدا کردن راه حل خیلی کار مشکل و پیچیده ای است، ولی خب ممکن است الان. (1)

4-1 - نحوه ی احقاق حقوق زنان

بازگشت زن و مرد به طراز اسلام

در ابتدا لازم میدانم این اعتقاد اسلامی خودم را بیان کنم که ما معتقدیم زن و مرد اگر بخواهند حیثیت اجتماعی شایسته ی خود را بازیابند بایستی به زن و مرد طراز اسلام تبدیل شوند. درست است که ستم تاریخی نسبت به زن بیش از مرد بوده ولی در بسیاری از جوامع، مردان نیز تحت ستم فراوان بودند. البته نه از ناحیه ی جنس زن بلکه از ناحیه ی نظامهای استعماری و فرهنگهای تحمیلی و روشهای سرکوبگرانه ای که به کلّ انسانیت اعمال میشد، پس میتوان گفت مرد هم مانند زن بخش عمده ای از شخصیت انسانی و واقعی خویش را در طول تاریخ از دست داده و از خود بیگانه شد و مرد نیز باید به حیثیت ذاتی خود بازگردانده شود. با توجه به این اصل، احساس میشود که هم زن و هم مرد بایستی به زن و مرد طراز اسلام بازگردند. (2)

ص: 67

1- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (66/12/13)

2- . در مصاحبه با ویژه نامه ی روز زن (60/2/5)

هدف: رسیدن زن به کمال، نه رقابت با مردان

برای تلاش فرهنگی و حقوقی در راه رسیدن زن به نقطه‌ی مطلوب، از لحاظ اجتماعی و از لحاظ فردی دو گونه هدف میشود تصویر کرد: یک هدف این است که ما برای رسیدن زن به کمال و جودی خود تلاش کنیم و مبارزه کنیم و بنویسیم و بگوییم. یعنی زن در جامعه، اولاً به حقّ انسانی و حقیقی خود برسد، ثانیاً استعدادهای او شکوفا بشود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل بشود؛ زن در جامعه بصورت انسان کامل در بیاید؛ انسانی که میتواند به پیشرفت بشریت و جامعه‌ی خود کمک کند و در محدوده‌ی تواناییهای خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدّل کند.

یک نوع هدف دیگر این است که ما از این گفتن و تلاش کردن و احیاناً مبارزه کردن بخواهیم یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود بیاوریم و دنیایی بر اساس رقابت بسازیم؛ کأنّ در جامعه‌ی بشری، مردان یک طرف قرار دارند، زنان هم در طرف دیگر قرار دارند، و اینها بر سر دستاوردی با هم نزاع میکنند و زن میخواهد در این قسمت بر مرد غالب و فائق بشود! آیا هدف این است؟

پس، دو دیدگاه در مورد هدف این تلاش و این حرکت یا اگر تعبیر کنیم این نهضت میتواند ترسیم بشود: هدف اول، هدف اسلامی است؛ هدف دوم، هدف کوتاه بینانه است، که در تلاشهایی که در کشورهای غربی میشود، ما ردّ پای هدف دوم را بیشتر مشاهده میکنیم. (1)

اول فرهنگ، بعد حق

یک بار یکی از اساتید طرح کردند گفتند بیایم راجع به حقوق زن روی یک کتاب کار بکنیم. ما یک مقدار بررسیهایی داشتیم، تحقیق داشتیم و اینها. من گفتم که زن جامعه‌ی ما را اول باید بهش فرهنگ داد، بعد حقّ

ص: 68

بهبش داد. الآن این حقّ به اصطلاح ناحقّی که داده میشود به خیلی از این به اصطلاح حرکت‌های این جوری این باعث میشود که تقصیر بیفتد روی دوش خانمها، در صورتی که خب آن کسی که به اصطلاح حقّی که لایقش نیست بهش داده میشود سزاوارش نیست، این سوءاستفاده هم میکند یا نمیتواند، استفاده ی نادرست میکند از حقّش، کما اینکه خیلی مسائلی پیش آمد که به اصطلاح برخوردارهایی پیش آمد.

ما مسأله ی درون جمعیتی را یا درون نظام را نمیتوانیم در این حدّ با آن برخورد کنیم، که ما «خیر الموجدین» بها بدهیم مثلاً این را. ولی تو مسائل بین المللی با شعار صدور انقلاب جهانی اسلام نمیشود به خیرالموجدین بسنده کرد دیگر چون این خیرالموجدین اصلاً آزمایش نشدند، جمعیتی که بصورت يك جمعیت نوپاست که درون خودشان هنوز با شعار وحدت زنان وحدت ندارند برخورد میشود؛ آن خانم چرا مصاحبه کرد، آن یکی چرا مصاحبه نکرد. من هم بروم مصاحبه کنم؛ یعنی واقعاً برخوردها این بود. مثلاً بعنوان مثال، حالا اینجا خودتان هستید، و بیرون نیست که بخواهیم طرح بکنیم، به خانم فیاض بخش، به خانم رهنورد اعتراض میکردند که شما چرا مصاحبه میکنید، خب این خیلی به اصطلاح خیلی زشت است. دعوا میشد سر به اصطلاح دیدگاهها و فلان اینها. خب ما آنجا ناظر بودیم و خون دل میخوریم دیگر. (1)

تلاش فرهنگی دلسوزانه ی هوشمندانه نه ساده لوحانه و عجولانه

شما هم بعنوان کسی که میخواهید از حقوق زن دفاع کنید، هدفتان را این قرار ندهید که خانمها حتماً وزیر بشوند. این چیزی نیست.

مسأله ی ما این است که زن شأن انسانی خودش را در جامعه ی ما باید هنوز پیدا کند. اصلاً مشکل ما این است. این را باید حل کرد. به زن باید

ص: 69

حتی خانمها در زمینه‌ی معنویات هم به خودشان جرأت نمیدهند که پا به پای مرد حرکت کنند؛ مثلاً ما مرد عابد، زاهد، ذاکر و آگاه به معارف دینی بیشتر از زن با این خصوصیات داریم؛ مثلاً مرد نماز شب خوان بیشتر از زن نماز شب خوان داریم؛ مردی که اهل دعا و ذکر باشد، از زن این چنینی بیشتر داریم. در خانواده‌های متدین که اهل این چیزها هستند، مردهایشان بیشتر از زنانشان پایبند این مسائل هستند. این یک نقیصه و یک عیب بزرگ است. باید این را برطرف کنید. گویا که زن برای خودش اصلاً این حد را نمیشناسد که پا به پای مرد پرواز کند.

این با وزیر شدن یک خانم مشکلش حل نمیشود. حالا ممکن است آن هم یک تأثیری داشته باشد اما مشکل اساسی با یک کار حقیقی حل میشود. یک تلاش فرهنگی دلسوزانه‌ی هوشمندانه باید، نه ساده لوحانه و عجولانه‌ای که گفتیم سرهمبندی ظاهر قضیه را یک جوری درستش بکنیم، آنجوری حل نخواهد شد. یک کار درست عمیق هوشمندانه‌ای لازم دارد. حالا خدا کند که این شورای فرهنگی بتواند، یعنی یک چهار تا مرد و زن، فرق نمیکند، بنشینند دور هم، درست مشکل را ارزیابی کنند. اصلاً ببینند مشکل چقدر اهمیت دارد. من تصور میکنم مثل این تخته‌ای که افتاده اینجا نگاه میکنند خیال میکنند که ده نفر میتوانند بیاورند بیرون، بعد که می‌کاوند میبینند که 10 برابر اینکه ظاهر است زیر زمین است، این اصلاً این جورها در نمی‌آید. باید درست بتوانند تقویم کنند مشکل را و بعد هم ببینند چطوری میشود برطرفش کرد. حالا- به هر حال جمهوری اسلامی جای خوبی است برای برطرف کردن اینها. یعنی آن جایی که بشود برطرف کرد، باز همین فضای اسلام است. (1)

کار فرهنگی بزرگ به کمک احکام قرآنی برای رفع ستم از زنان

درباره ی مسأله ی زن، حقوق زن، رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه های مناسب برای زنان کشورمان، لازم است کار فرهنگی بزرگی انجام گیرد. من امروز با این نیت این بحث را میکنم که به ایجاد این فضای فرهنگی کمک شود. اگر فضای فرهنگی جامعه در زمینه ی مسائل زن، شفاف شود و احکام اسلامی و نظرات قرآنی در این زمینه روشن گردد، راه هموار خواهد شد، برای اینکه بانوان کشور ما بتوانند به آن نقطه ای که برای يك زن، آرمانی و غایت مطلوب است، برسند. اگر چه بحث است، سخن است، گفتن است، اما در واقع عمل است؛ زیرا این گفتن، فضای فرهنگی جامعه را شفاف خواهد کرد و ذهنها را روشن خواهد نمود. (1)

رفع کمبود میدانها و فرصتها برای علم، معرفت، اخلاق و شکوفایی استعدادها

حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه ی اسلامی و در جامعه ی ما حتماً باید انجام بگیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی.

زن در همه ی جوامع از جمله در جامعه ی ما دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل میشود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست؛ این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است. (2)

باز شدن گرههای زندگی زنان با قوانین اسلامی

من یکی از کارهای اصلی خانمها را تصحیح فرهنگ عمومی جامعه

ص: 71

1- . در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی (76/7/30)

2- . در همایش بزرگ اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

نسبت به زنان میدانم؛ آن هم نسبت به گرفتاریهای اساسی جامعه‌ی ما در زمینه‌ی مسائل زنان - که این کار خیلی مشکل است - یکی هم مسأله‌ی قوانین است؛ همین مسائل عسر و حرج و امثال اینها؛ یعنی پیدا کردن گره‌ها و مشکلاتی که بطور روزمره در زندگی زن وجود دارد. مردی که زنش را می‌اندازد و می‌رود، اینجا عسر و حرج به آن معنا نیست؛ چون عسر و حرجی که شما می‌گویید، ناشی از ازدواج است. آن چیزی که میتواند شرعاً ازدواج را بهم بزند، عسر و حرجی است که ناشی از ازدواج باشد؛ این ناشی از رها کردن است؛ همان ایلاء که در قرآن چند آیه درباره‌ی آن وجود دارد. چند روز پیش از این در يك بحث فقهی، این نکته را به مناسبت مطرح کردم که بعضی از قدما فتوا داده اند که اگر مرد چهار ماه زندگی را رها کند؛ نه حاضر باشد زن را طلاق بدهد، نه حاضر باشد به معنای حقیقی کلمه با او زناشویی داشته باشد؛ حاکم شرع او را به قتل میرساند؛ یعنی يك مجازات به این سنگینی برای کاری که خیلی هم به چشم نمی‌آید؛ اما بعضیها ده سال است که زن و زندگیشان را رها کرده اند؛ گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است! به نظر من گره‌های ریزی که به وسیله‌ی قوانین اسلام باز میشود، اینها را باید دنبال کرد؛ این همان جایی است که حوزه‌های علمیّه باید نگاهی نو و نگرشی کاملاً منطبق با مسائل داشته باشند. (1)

حقوق زن بعنوان پرورش دهنده‌ی انسانهای والا

شما باید زن را با چشم يك انسان والا نگاه کنید؛ تا معلوم بشود که تکامل و حقّ و آزادی او چیست؟ زن را بعنوان يك موجودی که میتواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسانهای والا بشود نگاه کنید تا معلوم بشود که زن کیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید. خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل میشود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده

ص: 72

و آرامش و سکوتی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم بشود که زن چگونه کمال پیدا میکند و حقوق زن در چیست؟ (1)

استفاده ی خردمندان از تجربه ی دیگران در مورد زنان

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین میکند. هر روش خردمندانۀ عقلایی را هم اسلام میپسندد و قبول دارد. اگر تجربه ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده ی خردمندانۀ از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش میکنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال میکنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند. (2)

حرکت بر اساس بینش خردمندانۀ و شناسایی طبیعت زن

در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه های درست و عقلانی باشد. در هر حرکتی که به قصد احقاق حقّ زنان انجام میگردد، عیناً باید همین معنا ملا-حظه شود؛ یعنی باید هرگونه حرکتی، براساس یک بینش خردمندانۀ، مبتنی بر حقایق هستی، یعنی شناسایی طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیتهای و مشاغل اختصاصی زن، مسؤولیتهای و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه میتواند مشترک بین آنها باشد، انجام بگیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد. اگر

ص: 73

1- . در دیدار گروهی از زنان (71/9/25)

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

حرکتی، حرکت از روی انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه و چشم بسته بود، حرکت مضری خواهد بود.(1)

توجه به واقعیتهای آفرینش زن و مرد برای حل مشکلات

نظر اسلام درباره ی زن مبتنی بر واقعیتهای آفرینش زن و مرد و نیازهای آنان برای رسیدن به اوج کمال انسانی است و تردیدی نیست که با شناخت دقیق نظر اسلام و عمل صحیح به آن، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد، اما افسوس که بسیاری از مردم به سنن، عادات و سوغات فرهنگهای بیگانه بیشتر اهمیت میدهند و راه غلط و اشتباه نیز ادامه مییابد. بنابراین تلاش و تبلیغ و فعالیت بسیاری لازم است تا زن بتواند در جایگاه حقیقی خود قرار گیرد.(2)

لزوم توجه به سه مقوله ی تکریم زن، وظیفه زن و رفتار با زنان؛ در برنامه ریزیها

احترام زن و تکریم زن، يك مسأله است - که این حتماً باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، يك مسأله است؛ رفتار با زنان هم يك مسأله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیطهای کار برخورد میکنند. رفتار با زن باید احترام آمیز، محبت آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه ی زن، هم وظیفه ی نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه ریزی قرار بگیرد(3).

ص: 74

1- . همان

2- . در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

3- . در بیانات در دیدار جمعی از مداحان (92/2/11)

شما خواهرهای معلّم که مادران جسمی و روحی برای نسل آینده‌ی این مملکت هستید، تحقیقات و نظرات و بینشهای مطهری را در زمینه‌ی مسائل مربوط به زن، رویش دقت کنید، ببینید که بیش این انسان بزرگ، این مغز متفکر درباره‌ی زن چیه، درباره‌ی حجاب چیست؟ درباره‌ی پوشش زن چیست؟ درباره‌ی اختلاط زن و مرد چیست؟ مستدلترین و منطقیترین اندیشه‌ی ای که درباره‌ی زن، آن روز مطرح بود، اندیشه‌ی مطهری بود. البته نه اینکه راجع به زن دیگران آنهایی که اهل مسائل اسلامی بودند درست فکر نمی‌کردند، چرا، خیلی خوب فکر میکردند، خوب استدلال میکردند، توی کتابها هم هست، اما آنی که درست، نقطه‌های ضعفی را که مورد استفاده‌ی طراحان سیاسی استکباری و استعماری در دنیا و به تبع او در کشور ما قرار میگرفت میشناخت و در مقابل آن نقاط ضعف، فکر و اندیشه و ایده مطرح میکرد، مطهری بود. (1)

همسان دانستن ارزشها و شناسایی تکالیف ویژه‌ی زن

دنیا این (2) را باید بشناسد. شعار دادن به نفع زن در دنیا يك حرکت فریب آمیز است، مادامی که با این همراه نباشد. دفاع کردن از بی‌حجابی زن که امروز معمول شده در دنیا کسانی به نام روشنفکری و روشنگری این کار را میکنند، يك حرکت نفرت انگیز توأم با فریب است، يك دروغ است و هیچ‌علاجی هم مشکل را نخواهد کرد، دلیل از ارزشهای زن و حقوق زن نیست. باید بروند سراغ اینکه کاری بشود در جوامع بشری ارزشهای بشری بین اینها همسان دانسته بشود، تکالیف هم بین اینها یکسان توزیع بشود و

ص: 75

1- . در دیدار با وزیر و گروهی از خواهران دانشجوی مراکز تربیت معلّم (63/2/12)

2- . در دو مقوله زن و مرد صد در صد یکسانند... اولاً: ارزشهای انسانی و اسلامی است. ثانیاً: وظائف عمومی انسان در يك جامعه‌ی اسلامی... در وظائف اختصاصی آن جایی که زن و مرد وظائفشان می‌تواند تغییر پیدا کند، یعنی؛ دگرگون بشود با یکدیگر آن جا تفاوت دارند براساس آن تفاوت هم ترکیب آفرینش اینهاست.

تکالیف زن، تکالیف ویژه ی زن به زن و تکالیف ویژه ی مرد به مرد داده بشود. اگر اینها را ما شناسایی کردیم مشکل زن حل خواهد شد. شما در این سمینار روی این تلاش کنید، زن ایرانی و زن مسلمان باید گردش را برافراشته بگیرد و مدعی آن دنیایی بشود که با زن در طول این هفتاد، هشتاد سال اخیر بزرگترین جفاها را کردند و به لب پرتگاه رساندند. (1)

شناخت وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد؛ عامل رفع ظلم به زن

در تکالیف عمومی جامعه هم باز هیچ فرقی نیست؛ کار، علم، تلاش برای سازندگی جامعه، مجاهدت در راه خدا، انفاق به مال و جان، همبستگی و وحدت، هدایت، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر و بقیه ی وظایف اسلامی هم باز یکسان است. پس در دو چیز، در دو مقوله ی زن و مرد صددرصد یکسانند، در يك چیز نایکسان و ناهمسان. آن دو چیزی که صددرصد در آن یکسانند، اولاً: ارزشهای انسانی و اسلامی است. ثانیاً: وظایف عمومی انسان در يك جامعه ی اسلامی، وظایف عمومی انسان مسلمان. هیچ تفاوتی نیست، او هم باید با ظلم بستیزد و به عدل کمک کند، این هم باید با ظلم بستیزد و به عدل کمک کند. او هم باید به هم نوع خودش کمک کند، این هم باید بکند. آن هم باید برای اقامه ی دین و عدل تلاش کند، این هم باید بکند. او هم باید دانش بیاموزد این هم باید بیاموزد. او هم باید امر به معروف و نهی از منکر کند، این هم باید بکند. آن هم باید زمینه را برای ایجاد خوبیها هموار کند این هم باید بکند در هیچ وظیفه ی عمومی اسلامی که مال يك انسان مسلمان است بین اینها تفاوت نیست. در ارزشهای اسلامی هم که دیدیم در ایمان، در تقوا، در قرب به خدا، در اخلاق حسنه و تقوا و چیزهایی از این قبیل. در وظایف اختصاصی آنجایی که زن و مرد وظایفشان میتواند تغییر پیدا کند، یعنی دگرگون بشود، با یکدیگر آنجا تفاوت دارند، براساس آن تفاوت هم ترکیب آفرینش اینهاست. اینها را

ص: 76

اگر زن شناخت براساس اینها حرکت کرد و به اینها احترام گذاشت، ستم عمومی و تاریخی زن برطرف خواهد شد. (1)

روش محترمانه، مصلحت اندیشانه و عاقلانه ی اسلام نسبت به زن

روش اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به زن محترمانه، تکریم آمیز، مصلحت اندیشانه، عاقلانه و به نفع بشریت است و آنچه که غریبها در مورد زن اعمال میکنند، ناقض حقوق انسانی زن است. غریبها با هوچیگری و جنجال تلاش میکنند ما را از ادامه ی راه بر حق خود باز دارند؛ اما زنان مسلمان و باایمان و انقلابی ایران با عمل به احکام اسلام و وظایف اسلامی خود بر دهان تبلیغاتچیهای استکبار، خواهند کوبید. (2)

بازگو کردن تعالیم اسلام در مورد زن

اکنون نخبگان سیاسی و فکری در دنیای اسلام، وظیفه ی سنگینی بر عهده دارند. اندیشمندان مسلمان، پیام آزادی بخش اسلام را هرچه رساتر و شیواتر به گوش و دل آحاد مردم خود برسانند. هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را بدرستی تبیین کنند. تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون: حقوق بشر، آزادی و مردم سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض، مبارزه با فقر و عقب ماندگی علمی برای جوانان بازگو کنند. فریب رسانه ای غرب را درباره ی مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاحهای کشتار جمعی، برای همگان آشکار سازند. (3)

تبیین نظر اسلام در باب آزادی

اگر مفهوم حدود زن و وظایف زن در جامعه مشخص شود، ما هستیم که زبانمان سر دنیا دراز خواهد بود. اگر ما در باب آزادی هم نظر اسلام

ص: 77

1- . همان

2- . در دیدار عمومی خواهران در هفته ی زن (72/9/17)

3- . در پیام به کنگره ی عظیم حج (82/11/8)

را درست تبیین کنیم و تشریح کنیم، ما بازودار(1) نمیشویم در دنیا و پیش کشورهای دروغین و تقلبی و گمراه ساز میزنند. ما هستیم که زبانمان سر دنیا دراز است که چرا این آزادیها به انسانها داده نمیشود؟ و چرا به نام آزادی بر انسانها ظلم میشود و جفا میشود؟ لذا باید نظر اسلام در باب آزادی دانسته بشود.(2)

آگاهی و عمل به حقوق اسلامی؛ مانع ظلم به زن در خانواده

انس با کتاب و آشنایی با معارف، موجب آگاهی زن از حقوقی است که اسلام برای زنان مسلمان در خانواده قرار داده است و اگر بانوان ما راه مورد نظر اسلام را بیمایند، یقیناً آن ستمی که در طول تاریخ در جوامع مختلف بر زن رفته است، از بین خواهد رفت و اثری از آن نخواهد ماند.(3)

دنبال کردن روش اسلامی با جدیت و اهتمام کامل

ما خودمان بخاطر دستور اسلام طرفدار حقوق انسان هستیم؛ چرا که حقوق انسان، از اصول اسلام است. منتها آن چیزی را که آنها مطرح میکنند، یک فریب و دروغ میدانیم؛ آن از طرفداریشان از حقوق زن، این هم از طرفداریشان از حقوق بشر. مستکبرین و مستبدین و غارتگران عالم و بی اعتنایان به حقوق ملتها و نابودکنندگان منافع ملت‌های ضعیف و اشغالگران سرزمینهای کشورهای ضعیف امروز، پرچم دفاع از حقوق انسان و حقوق زن را در دست گرفته اند. معلوم است که ملت‌های مسلمان نمیتوانند به اینها اعتنا بکنند. مهم این است که شما زنان مسلمان به خصوص زنان جوان، دختران دانشجو و خانمها که به فعالیت‌های علمی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارید، این روش اسلامی را با جدیت و با اهتمام کامل دنبال کنید

ص: 78

1- . پر قدرت

2- . در خطبه های نماز جمعه ی تهران (65/9/14)

3- . در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

و آن را رها نکنید. تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه ی افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است. (1)

بحث نکردن در مورد تمایزات مسلم در فقه اسلامی

ما در اسلام قوانینی داریم که تبعیض بین زن و مرد را مشاهده میکنیم؛ مثل قانون ارث؛ «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (2). ممکن است از نظر کسانی این تبعیض مورد تردید قرار گیرد. البته همه ی شما مطمئناً مؤمن و متدین و پایبند احکامید؛ اما میخواهم پیشنهاد کنم بیاید آن چیزهایی را که در فقه مسلم اسلامی و در ظواهر قرآن و حدیث، بین زن و مرد تمایز قائل شده است، کنار بگذارید و روی اینها بحث نکنید؛ به خصوص آن چیزهایی که در قرآن مورد تصریح است. البته این به معنای آن نیست که شما از حقّ زن دفاع نکنید؛ بلکه به این معناست که احتمال بدهید همین موارد، دفاع از حقّ زن است. (3)

دوری از بحثهای انحرافی از قبیل دیه در مورد زن

بعضی کسان بعنوان اینکه از زن دفاع میکنند، به بحثهای انحرافی کشانده میشوند و بعضی از مسائل از قبیل دیه و امثال اینها را مطرح میکنند؛ در حالی که اینها بحثهای انحرافی است. نظر اسلام در مورد زن و مرد واضح و روشن است. همانطور که بیان شد، نظر اسلام در مورد خانواده کاملاً روشن است. اینکه کسی بیاید اینطور مسائل را مطرح کند، جز دور کردن راه و منحرف کردن ذهنها هیچ فایده ای ندارد و کار صحیح و منطقی نیست. بحثهای انحرافی نباید مطرح شود. این به نفع حرکت صحیح در اینباره نیست. (4)

ص: 79

1- . در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) (71/9/25)

2- . سوره ی نساء، آیه ی 11

3- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

4- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

نکته ی دیگر این است که ما در کشورمان شاهد هستیم که بعضی از فعالان زن و بعضی از مردها تلاش میکنند برای هماهنگ شدن با کنوانسیونهای جهانی مرتبط با زن، و با احکام اسلامی ور برونند و بازی کنند و کم و زیاد کنند؛ این غلط است. من نمیخواهم بگویم همه ی آنچه که در فقه ما در مورد احکام مربوط به زنان مطرح شده است، حتماً سخن آخر است؛ نه، ممکن است با یک تحقیقی در یک زمینه ای که بوسیله ی فقیه ماهر و مسلطی انجام بگیرد، فلان حکم فقهی که امروز در مورد زن وجود دارد، دچار تغییر شود؛ این اشکالی ندارد؛ این ممکن است و اتفاق هم افتاده. در همین مسأله ی ارث زن از زمین و غیر منقول - که خانم اشاره کردند - نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی خود ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده، عین قیمت آن زمین بلاشک حق همسر و زوجه است و ارث میبرد؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین در مسائل فقهی چنین چیزی امکان دارد که ما بگوییم این تغییر پیدا میکند؛ لیکن آنچه که باید در زمینه ی مسائل فقهی انجام بگیرد، کار فقهی به وسیله ی فقیه ماهر و مسلط به مبانی فقهی است؛ آن هم با نگاه به متد فقه، به شیوه ی استفاده ی فقاهتی؛ نه اینکه کسی برطبق میل خودش، برای انطباق با آنها، برای اینکه خودش را هماهنگ کند با فلان معاهده ی جهانی، فلان کنوانسیون جهانی - که فراهم آورندگانش با مردمی که در این سرزمین با مبانی اسلامی زندگی میکنند و اعتقاد به مبانی اسلامی دارند، اصلاً از لحاظ مبانی فکری متفاوتند - بیاید از گوشه ی احکام اسلامی بساید و ببرد؛ این کاملاً غلط است؛ اصلاً قابل دفاع نیست. بدون تردید آنچه که در احکام اسلامی و در فقه اسلامی مطابق مصلحت آمده است، همینهاست، و همین درست است؛ که با یک مذاقه و در بخشهای مختلف، این معلوم میشود. خواهران عزیز، کسانی که در زمینه ی مسائل زنان فعالند و فکر میکنند و کمبودهایی را ملاحظه میکنند، راه علاج را این نبینند که ما در احکام فقهی اسلامی تصرف کنیم؛ نه، احکام فقهی اسلامی آنجایی

که با تحقیق استنباط شده و منطبق با مبانی اسلامی است، کاملاً درست و مطابق با مصلحت است. نباید ما بخاطر اینکه در فلان مجمع جهانی، در فلان اجلاس بین المللی، فلان چیز تصمیمگیری شده و فلان کنوانسیون مثلاً جهانی به وجود آمده، ما بیاییم با نگاه تنگ نظرانه و آمیخته ی با رعب و مرعوبیت، در تفکرات خودمان و فقه خودمان تصرف کنیم؛ این هم به نظر من درست نیست. (1)

لزوم جلوگیری از ضعف و ستم زدگی زن در سطوح مختلف با تدوین قوانین و تحقق خلیات و آداب و سنن لازم

ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتها را گرفت. قوانین مهمی لازم است که باید وجود داشته باشد، خلیات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقق پیدا کند، آداب و سنن لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم زدگی نباشد؛ یعنی از مسائل کاملاً شخصی و خصوصی - یعنی مسائل جنسی - احتمال و امکان ستم زدگی زن و مظلومیت زن وجود دارد، تا مسائل عمومیتر مثل مسائل معاشرتی، مسائل خانوادگی؛ که در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده ام: احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر (2).

اهمیت اصلاح قوانین در موضوع زنان

نظر اسلام در مورد زنان واضح و روشن است و برای دفاع از زن باید از ورود به بخشهای انحرافی اجتناب شود. دفاع اخلاقی و قانونی از زن و به خصوص در داخل خانواده ها از طریق اصلاح و ایجاد قوانین، لازم

ص: 81

1- . در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (13/4/86)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

و ضروری است و باید کسانی که زن را در خانه مستخدم و بدون بهره از خودسازی معنوی تلقی میکنند، با قوت و شدت و در عین حال کاملاً منطقی و عقلانی برخورد شود. (1)

لزوم اصلاح بعضی قوانین

بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند. (2)

حل تدریجی و هوشمندانه مشکلات زنان با وضع قوانین

مسائل زنان خیلی زیاد است و در جامعه ی ما درباره ی زن به مرور در ذهنیت مردم ما رسوخ و رسوب کرده و به این آسانها زدودنی نیست. مسائل فرهنگی زنان باید بتدریج در سایه ی وضع قوانین بسیار هوشمندانه هموار شده و از حالت نابسامانی بیرون بیاید. این کار در مدت چند سال کوتاه حل نشده و در توان چند نفر معدود خانمهای در مجلس نیست. باید به مرور انجام بگیرد. (3)

احساس امنیت زن در خانه ی شوهر در پرتو قانون

اگر بتوانید به قوانین و مقرراتی برسید که وقتی زن در خانه شوهر است احساس امنیت بکند، خیلی خوب است. انسان دختری را با زحمت زیادی، با محبت و ملاحظت، با عشق به پدر و مادر پرورش میدهد، به سنّ جوانی میرسد، هنوز در خانه ی پدر و مادرش بیچه است بچه حساب میشود بعد خانه ی شوهر میرود، بعنوان خانمی که از او توقع فهمیدن همه چیز، توقع انجام دادن همه کار و توقع بلد بودن همه چیز هست! پس با اندک اشتباهی

ص: 82

1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . همان

3- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (66/12/13)

از او، مورد تعرض قرار میگیرد! این، نباید باشد. کاری کنید که زن وقتی به خانه ی شوهر میرود، در هر سنی که هست، احساس امنیت کند؛ احساس کند که میتواند زور نشنود. توجه میکنید! اگر بتوانید این را تأمین کنید، به نظر من بزرگترین قدم را برداشته اید. بتواند زور نشنود. اگر زور شنید، بتواند از حقّ خودش دفاع کند؛ امکانات قانونی در اختیارش باشد و بتواند از حقّ خودش دفاع کند.

اگر این بشود، به نظر من کار خیلی بزرگی انجام گرفته است. بیشترین همت و بیشترین دغدغه ی من، این است که این تأمین بشود. میبینم که این، الآن تأمین نیست! حتی در خانواده های مؤمن و خانواده های متّقی نیست! در خانواده های امروزی هم نیست.

خانم دکتری چند سال قبل از این، اینجا به ما شکایت کرده بود که شوهرش که سواد چندانی نداشته به این خانم دکتر زور میگفت؛ و این خانم دکتر نمیتوانست از خودش دفاع کند! این نمونه ها هست. متأسّفانه الآن اینگونه است. اگر بتوانید، این را با قوانین و مقرّرات جبران کنید. (1)

روشهای حلّ مشکلات بانوان مسلمان در خانواده

مهمترین مشکل بانوان، متأسّفانه مشکل درون خانواده و عائله است؛ آنجاست که متأسّفانه در مواردی حرمت بانوی مسلمان، شأن و حقّ بانوی مسلمان نادیده گرفته میشود! با استفاده از عواطف جوشان زنانه بانوی مسلمان، آنچه که حقّ و شأن اوست، از او دریغ میشود! این را باید اصلاح کرد؛ به این باید رسیدگی کرد.

من بارها گفته ام بخش مهمّی از این کار، بر عهده ی قانونگذاران است. بخش مهم دیگری به عهده ی خود زنان است. اولاً با تحصیلات، با کسب

ص: 83

معارف دین و علم فقط هم تحصیلات رسمی مطرح نیست با کتاب و با معارف آشنا بودن و با کتاب انس گرفتن امکان دارد و بخش عمده ای هم بر اثر آگاهی از آن حقوقی که اسلام برای زن مسلمان و برای زن در خانواده قرار داده است. اگر از این راهی که انگشت اشاره ی اسلام به آن اشاره میکند، استفاده بشود و آن راه پیموده بشود، یقیناً آن ستمی که در طول تاریخ در جوامع مختلف از جمله متأسفانه در جوامع مسلمان بر زن میرفته است، خبری نخواهد ماند و از بین خواهد رفت. (1)

برخورد قانونی و اخلاقی با متعذیان به زن در خانواده

جامعه، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حقّ خودشان میدانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش بینی بکند که باز همینجا من عرض بکنم، در کشورهای غربی علیرغم این همه شعاری که میدهند، هنوز نتوانسته اند این را تأمین بکنند. یعنی در داخل خانواده ها زنانی که از دست شوهرانشان کتک میخورند، دخترانی که از دست پدرانشان مجروح میشوند و کتک میخورند، فراوانند. آمارهای تکان دهنده و وحشت آوری هم در این زمینه وجود دارد؛ منتها در آنجا یک چیز دیگر هم هست، و آن قتل نفس است؛ راحت خون میریزند، راحت میکشند. کشتن، آن قبیحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیطهایی که از معارف الهی بویی نبرده اند، متأسفانه ندارد. کشتن زنان، یکی از بلیه های بسیار زشت و نفرت انگیزی است که در کشورهای غربی - خصوصاً بعضی کشورها مثل امریکا - رایج است. اینها خوشبختانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز موارد استثنایی، چنین چیزهایی پیدا نمیشود؛ اما به هر حال هرگونه ستمی، هرگونه تعدی جسمانی نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه بشود، تا در این زمینه جامعه ی اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد. (2)

ص: 84

1- . در دیدار با بانوان هرمزگان (76/11/29)

2- . در همایش خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

حلّ مسائل زن در خانواده؛ عامل فائق آمدن بر مسائل اجتماع

اگر زن داخل خانواده امنیّت روانی داشته باشد، امنیّت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ»⁽¹⁾، در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمّل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه ی اجتماع هم خواهد توانست.⁽²⁾

لزوم پشتوانه ی قانونی و ضمانت اجرایی در حمایت از زنان در خانواده

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سیّدة بیتها»⁽³⁾؛ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم السلام) آمده: «الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ كَيْسَاتٌ بِقَهْرٍ مَانَةٌ»⁽⁴⁾. در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، يك خدمتگزار محترم. میفرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان میفرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. اینها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد. ولی در عین حال تحقّق خواسته ی اسلام در خانواده، يك امری است که با این بیانات تمام نمیشود، حلّ نمیشود؛ احتیاج به پشتوانه ی قانونی، پشتوانه ی اجرایی و ضمانت اجرایی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای

ص: 85

1- . سوره ی بقره، آیه ی 228

2- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

3- . نهج الفصاحه، ص 615

4- . بحار الانوار، ج 100، ص 253

متممادی گذشته انجام نگرفته است. خانواده هایی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندیهای شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده. (1)

دفاع اخلاقی، قانونی و منطقی از زن

نکته ی دیگر که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، به خصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین همانطور که گفته شد - و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمیفهمند و زن را در خانه مستخدم مورد ستم مرد بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی میکنند و اینگونه هم عمل میکنند. باید با این فکر با قوت و شدت مقابله بشود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی. (2)

تهذیب و اخلاق؛ راه چاره ی زورگویی به زن

مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر تواناییهای بیشتری دارد، در مواردی از این تواناییها سوءاستفاده میکند و زورگویی میکند؛ این باید جلوی گرفته شود. این کار با قانون امکانپذیر است؛ البته همانطور که عرض کردیم، با تهذیب و اخلاق مردان هم امکانپذیر است. (3)

سواد و قانون؛ ابزارهای اقتدار زن

چون زن بطور متوسط، از لحاظ ترکیب جسمانی، به قوت مرد نیست، موجب شده است که این زورها گفته بشود، باید با معرفت و سواد از يك سو و قانون از سوی دیگر، جبران کرد؛ یعنی ابزارهای اقتدار باید در اختیار

ص: 86

1- . در دیدار جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

3- . در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (86/4/13)

این ابزارها از طرفی معرفت و سواد و اینهاست که مانع میشود از اینکه زن مورد ستم قرار بگیرد؛ از طرف دیگر قانون است. اگر این دو مورد تأمین شود، خوب است. زنها را وادار کنید به درس خواندن، دخترها را به تحصیلات عالی وادار کنید. وسیله ی ورود دخترها در مراکز عالی را از طرق قانونی فراهم و تسهیل کنید. اگر اینها شد، به نظر من همه چیز انجام گرفته است. (1)

لزوم پختگی در مبارزه با ستم تاریخی علیه زن

در طول زمان بر اثر جهالتها موضع هر يك (2) برای خود، مورد ملاحظه قرار نگرفته است؛ لذا مرد بخاطر اینکه قدرتمند و قوی بوده، زور گفته و ظلم کرده است، و زن يك ستم تاریخی دارد التفات میکنید قضیه، قضیه ی مبارزه با يك ستم تاریخی است؛ لذا اگر این مبارزه با عجله، با خام نگری، بدون تعمق و بدون ملاحظه اینکه میخواهیم چه کار بکنیم انجام بگیرد، بلاشک مبارزه را عقب خواهد انداخت، پیروزی این مبارزه را عقب خواهد انداخت لذا باید خیلی با پختگی، منتها دائم کار بشود. (3)

حلّ معضلات با ارائه ی راهکار اجرایی توسط خود زنان

عمده ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که میتوانید فکر کنید، اندیشه ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حلّ کنید و در مقام عمل راهکار اجرایی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد. البته در این جلسه بانوان محترم پیشنهادهایی هم دادند؛ بعضی از اینها کاملاً عملی است و دم دست است و میشود اجرا کرد، اقدام کرد، برای بعضی هم میتوان زمینه سازی کرد.

ص: 87

1- . در دیدار زنان نماینده ی مجلس (76/4/30)

2- . زن و مرد

3- . در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی (76/4/30)

به هر حال امیدواریم - ان شاء الله - جامعه ی زنان کشورمان جزو موفقترین جوامع باشند و دختران جوان ما - ان شاء الله - بتوانند در این زمینه ای که شما بوجود آوردید، گامهای بلندتری بردارند و روزه روز - ان شاء الله - به اهداف عالیه ی اسلامی نزدیکتر شویم. ان شاء الله این جلسه هم برکات خودش را در این عرصه باقی خواهد گذاشت. (1)

دوری از جلب نظر غربیها

اگر در کشور ما و جامعه ایرانی، کسانی نام زن و حقوق زن را از این جهت بیاورند که مجلات غربی، یا گزارشهای غربی، یا سیاسیون غربی، ایران اسلامی را متهم کرده اند به اینکه به حقوق زن نمیرسد، این غلط است. با این هدف نباید وارد این میدان شد؛ چون به انحراف و اشتباه خواهد انجامید. اگر ما با این قصد، وارد این میدان دفاع از زن شویم که از غربیها عقب نیفتیم، اشتباه خواهیم کرد. اگر به این قصد وارد شویم که آنها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد. اگر با این تصور و توهم وارد این میدان شویم که خیال کنیم آنها در این زمینه راه صواب پیموده اند و راه درست را پیدا کرده اند، بشدت اشتباه خواهیم کرد. با این هدفها و با این تئورها وارد این میدان نباید شد؛ چون مبتنی بر اشتباه است. متأسفانه امروز من میبینم بعضی از مقالاتی که بعنوان دفاع از زن نوشته میشود و بعضی از سخنانی که بعنوان احقاق حقوق بانوان بر زبان جاری میگردد، کاملاً از موضع انفعال است؛ چون غربیها اینطور گفته اند، چون اروپاییها اینگونه نوشته اند، چون به ما اینطور نسبت داده اند. اگر ما هم در مقام دفاع حرفی بزنیم و راهی را بپیماییم، این کاملاً منحرف کننده و اغواکننده است. ما باید ببینیم حقایقی که در عالم وجود دارد که بیشترین این حقایق هم در تعالیم اسلامی نهفته است، چیست؟ (2)

ص: 88

1- . در دیدار جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

ضرورت زدودن گرایش به فرهنگ غربی در دفاع از حقوق زن

اگر همان نظر حقیقی و لبّ الباب نظر اسلام درباره ی زن فهمیده و استخراج بشود، سزاوار است که حقیقتاً برایش مبارزه و تلاش کند و شعارش را بدهد. من خواهش میکنم در شعارهایی که داده میشود، آن چیزها را مطرح نکنیم. آن گرایش به فرهنگ غربی را مایه ی مبارزه ی خودتان قرار ندهید. چرا که اولاً ناموفق است، چون مردم گوش نمیکنند، خیلیها هستند که قبول ندارند، در جامعه، صاحب نظران و کسانی هستند که ممکن است این حرف را قبول نداشته باشند، آنها هم در مقابل قرار میگیرند، آنها هم میخواهند از حقوق زنان دفاع کنند. ثانیاً به جای اینکه همه با هم همدست بشوند و در جهت احقاق یک حقّ ضایع شده ی دیرین تلاش کنند، بنا میکنند به مبارزه کردن با همدیگر! آن جریان غلط هم به حال خودش جاری خواهد شد و به درد نمیخورد. ثانیاً مصلحت نیست، خدای متعال راضی نیست. انسان باید کاری بکند که خدا راضی باشد. غرض ما از این مبارزه و از این حکومت و از آنچه که الآن داریم انجام میدهیم، رضای خداست؛ اگر خدا راضی نباشد، میخواهیم هیچ چیز آن نباشد! انسان باید خدا را راضی بکند. ما چهار صباح اینجا زندگی میکنیم و نفس میکشیم، بعد میرسیم به جایی که در آنجا، تنها و اول و آخر، رضای خدا به درد انسان میخورد. انسان باید کاری کند که خدای متعال را راضی کند. این را هدف قرار بدهید. در کارها و تلاشهای خودتان قصد قربت کنید. برای خدا کار کنید. خدا هم کمک خواهد کرد. آن به اصطلاح شاخصه های فرهنگی غربی در مورد زن را وارد نکنید. (1)

دفاع غلط از حقوق زن با الگو قرار دادن زن غربی

من متأسفانه میبینم گاهی اوقات، کسانی که به زبان از حقوق زن دفاع میکنند، در دام اشتباهاتی واقع میشوند که به هیچ وجه به خیر زنها نیست! یعنی به زن غربی نگاه میکنند که ببینند او چگونه است، از او الگو بگیرند!

ص: 89

در حالی که اساساً بینش او با بینش اسلامی متفاوت است و بینش اسلامی از آن بینش، به مراتب راقیتر و به حال زن نافعتر است. ما نباید بخواهیم که از او یاد بگیریم. بعضیها هم حالت انفعالی پیدا میکنند. وقتی آنها میگویند که به زن ظلم میشود، اینها برای اینکه ثابت کنند در داخل کشور ما به زن ظلم نمیشود، حرفهایی میزنند و کارهایی میکنند و تظاهراتی نشان میدهند که مطلقاً ارتباطی به ستم به زن ندارد. فرض کنید بعضی از همین تخلفهایی که من شنیدم در بعضی از جاها، در امر ورزش زنان، وجود پیدا میکند - که واقعاً اینها تخلف است هیچ ارتباطی ندارد به اینکه میگویند به زن ظلم میشود. (1)

روش غلط غربیان و پیروانشان در دفاع از حقوق زن

آن کسانی که درباره ی زن، در دنیای غرب فکر کردند و حرف زدند و بعضی از مقلدین آنها در اینجا، متأسفانه راه را عوضی رفته اند؛ برای اینکه بتوانند به گفته ی خودشان از حقوق زن دفاع کنند! آن حقوق را بد میفهمند؛ نظر اسلام را بد تعبیر میکنند! و احیاناً از روی جهالت به روشنترین تفکر اسلامی انتقاد میکنند.

مشکل زن در جوامعی که زن مشکل دارد از جمله در جامعه ی خود ما که متأسفانه بانوان در میان خانواده ها، دچار مشکلاتی هستند با مسائلی که طرفداران به اصطلاح حقوق زن کارمندی، کارگری و مشاغل زن مطرح میکنند، برطرف نخواهد شد. آنچه که مورد نیاز جامعه ی زنان است، آن چیزی نیست که امروز بعضی از قلم به داستان و بعضی از منادیان تفکرات ضدّ اسلامی و غربی در ایران اسلامی بر زبان جاری میکنند! آنها همان اشتباهی را تکرار میکنند که زنان ما را در دوران حکومت طاغوت، به لبه ی پرتگاه رساند. مشکلات بانوان کشور، از این راهها برطرف نمیشود. (2)

ص: 90

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/8/14)

2- . در دیدار بانوان هرمزگان (76/11/29)

ده‌ها سال است درباره‌ی حقوق زن در سطح جهان بحث و تبلیغات و شعار و گاهی هم عمل مشاهده میشود. البته باید به یاد داشته باشیم که جهان غرب خیلی دیر به فکر احیای حقوق زنان افتاد. یعنی تا اوایل قرن بیستم، زنان در کشورهای اروپایی از حق رأی، از حق مالکیت و از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم بودند. ولی به هر حال از حول و حوش سالهای 1920 به بعد، این حرکت در دنیا اوج گرفت، سازمانهای زنان به وجود آمد، سخنگویی به نام زن سخن گفتند و کتابها و مقاله‌ها و مدافعات حقوقی بسیاری درباره‌ی زنان انجام شد. در این میان شخصیتهای برجسته‌ای از زنان؛ چه در صحنه‌ی سیاست مانند بسیاری از نمایندگان پارلمانها و مدیران بخشهای گوناگون جامعه و احیاناً وزرا و معدودی رؤسای کشورها که از میان زنان برجسته انتخاب شده بودند، این تصور را و این فکر را در جهان پدید آوردند؛ که مسأله‌ی زن و مشکل زن حل شده. از سوی دیگر، حضور زن در همه‌ی بخشهای گوناگون جامعه، همدوش مرد، در کنار مرد، با آزادی مرد و بدون هیچگونه حفاظی و حجابی و فاصله‌ای این اندیشه را باز هم تأیید کرد در ذهنیت جهان امروز که زن دوشادوش مرد همسان و همسنگ و هم‌تراز مرد از برخورداریهای زندگی برخوردار است. لذا امروز اگر این سؤال را مطرح کنیم، که آیا وضع زن در جهان، جهان متمدن چگونه است؟ پاسخی که در بدو امر به ذهن بسیاری از مردم - حتی زنان - میرسد پاسخی خوب و ستایش آمیز و مثبت است. اما در همین حال وقتی ما به اعماق جوامع گوناگون بشری - که در ضمن آنها جوامع مترقی و متمدن نیز هستند - مراجعه میکنیم میبینیم واقعیت اینجور نیست. (1)

لزوم طرح گفتمان «زن حقیقی» مد نظر اسلام بصورت تهاجمی و نه دفاعی

گفتمان اسلام «زن حقیقی» است؛ این گفتمان را همانطور که اشاره

ص: 91

1- . در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (67/11/8)

کردم، بایستی ما بصورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به ذرک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضر و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه ی بی حفاظی و بی حجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند میروند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف: از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارف زندگی و شغل و این حرفها. خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند. (1)

5-1 - نقش نهادها و سازمانها در ارتباط با زنان

لزوم ایجاد يك مركز عالی و ثابت با چشم انداز بلندمدت در حیطه ی همه ی فعالیتهای مربوط به زنان

یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه ی فعالیتهای گوناگونی که در زمینه ی زن و مسأله ی زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیریید تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه ی زن

ص: 92

1- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

مطرح است - بایستی يك شكل سیستمی پیدا کند، بایستی يك هندسه ی عمومی پیدا بکند. البته بعضی از گزارشهایی که به من دادند یا آنچه که اینجا گفته شد، اشاره ای به این میکنند که فکری در این زمینه شده، لکن به اعتقاد من باید يك کار جامعی در این زمینه انجام بگیرد. ما همه ی مسائل زنان را به يك شكل سیستمی کامل، با يك هندسه ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم؛ يك مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم انداز بلندمدت - که بنده به کار کوتاه مدت، در این زمینه ی مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و يك بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد، یعنی الان بسیاری از کارها هست که حتی خانمهایی که در این جلسه حضور دارید ممکن است بعضی از بعضی از کارهای دیگران اطلاع نداشته باشند. خب این همه بحمدالله ما زن فرزانه و نخبه داریم، در بخشهای مختلف، با نگاههای مختلف، از این مجموعه ی عظیم بایستی استفاده کرد. (1)

لزوم کار عملی و تشکیل کار گروههای تخصصی در مورد مسائل زنان

برای اینکه مسائل مربوط به زن مورد اهتمام قرار بگیرد مصاحبه و اینها خیلی کارگشا نیست. يك مقداری بنیانی تر باید کار کرد؛ گروه های کار بایستی تشکیل بشود در سطوح مختلف، يك گروه کار در سطح بالا بایست تشکیل بشود که اینها فهرست نسبتا جامعی از مسائل زن را طرح کنند، بعد هر فصلی را، هر بخشی را به يك گروه کار مستقل بسپارند و از اینها بخواهند که علاج جویانه و گره گشایانه مسائل را بررسی کنند و روی آنها پاسخ بگذارند. حتی يك سمینار هم کافی نیست. شاید سمینارهایی هم گذاشته شده درباره ی زن. سمینارها یعنی يك چند جلسه ی سخنرانی در حقیقت؛ سمینار به معنای واقعی خودش وجود ندارد. سمینار این است

ص: 93

که چند تا آدم بیایند آنجا و محفوظاتی، کلیاتی را ذکر بکنند. وقتی آن گروه‌های کار شش ماه، یک سال به صورت جدی و به عنوان یک کار اساسی بخش مربوط به خودشان را مطرح کردند و رویش بحث کردند و جوانبش را سنجیدند و مسائل اسلامی را در این زمینه به دست آوردند، آن وقت بر مبنای کار آنها یک سمینار میشود تشکیل داد برای هماهنگ کردن این نظرات و راهکارهایی که ارائه میدهند برای پیشرفت کار. میدانید ما بیش از آنچه که از جهت نظری در قضایا گیر باشیم، از جهت راه‌های عملی برایمان مسائل مبهم است. درباره‌ی مسائل زن از لحاظ نظری میشود خیلی حرف زد، اما کلی گویی خواهد شد. آن چیزی که میتواند مشکل ظلم به زن یا منزوی بودن زن یا عقب ماندگی زن نسبت به مرد یا به هر حال تعیین جایگاه عملی حقیقی زن در جامعه‌ی را مشخص بکند او یک کار عملی است، یعنی یک پیگیری عملی است، یک کار نظری صرفاً نیست، که بخواهد بنشیند آدم فکر کند رویش و یک فرد مثلاً نظر بدهد و کلیاتی را بیان بکند. علی‌ای حال شما اگر دنبال این قضیه هستید بایستی بروید سراغ تشکیل یک گروه کار.

معتقدم جامعه‌ی زنان اگر میخواهند دنبال این قضایا به صورت جدی باشند و در حقیقت یک ارشاد و هدایت و یک آینده‌ی خوبی را برای زن تدارک ببینند لازمه‌اش این است که دنبال تشکیل گروه‌های کاری یعنی گروه‌هایی که میگردند تا نقطه‌نظرهای خاص را در زمینه‌های مشخص معلوم کنند و راهکارها را ارائه بدهند؛ باید دنبال اینها باشند. (1)

لزوم محاسبه و مشخص کردن هدف در فعالیتهای مربوط به زنان

امیدواریم خداوند کمک کند، توفیق دهد و ما و شما را هدایت فرماید. ان شاء الله محصول کارهایتان را بطور صحیح و درست، در آینده ببینیم. البتّه

ص: 94

سفرهای خارجی هم که گفتید، خوب است؛ منتها باید حساب شده باشد. یعنی هر جا که می‌خواهید بروید، باید محاسبه کنید کاری که آنجا می‌خواهید انجام گیرد و هدفی که هست، مشخص باشد و سعی کنید به آن هدف برسید. عنصری را که انتخاب میکنید، عنصری باشد متناسب با آن مقصودی که شما در آن سفر دارید. آن خانمها هم بیایند اینجا، و ببینند که زنان ما با همین چادر مشکی و حجاب - که آنها خیال میکنند دست و پا گیر است - چه کارهای بزرگی را الحمدلله انجام میدهند. این، افتخار ماست. ان شاءالله که این افتخار، همیشه برای ما باقی بماند. (1)

ایجاد سازمانهای اسلامی زنان

تا آنجایی که من اطلاع دارم سازمان ویژه‌ی زنان بصورتی کاملاً صحیح و بهره‌ور وجود ندارد و چیزهایی هم که وجود دارد فکر نمیکنم که برای این منظور کافی باشد. لذا به خواهران پیشنهاد میکنم که در ایجاد سازمانهای اسلامی زنان بکوشند تا بتوانند جوانب گوناگون حقوق و مسائل و مشکلات زن را بررسی و رسیدگی نماید. (2)

سازمانها به دنبال احیای حقوق عرفی زن

سازمانهای زنان به اعتقاد من بیش از آنچه که امروز بخواهند دنبال تربیت زن حرکت بکنند، که معلوم هم نیست که این کار از آنها بریاید، باید بروند دنبال احیای حقوق زن؛ حقوق هم منظورمان آن چیزهایی نیست که به شکل قانون توی کتاب نوشته میشود، بلکه حتی حقوق عرفی، عرف، عرف ما در مورد زن يك ظلمهایی، جفاهایی دارد. آن سازمانها میتوانند اینها را يك خرده ای هموار کنند. (3)

ص: 95

1- . در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در مصاحبه با ویژه نامه ی روز زن (60/2/5)

3- . در مصاحبه با مجله ی شاهد بانوان (67/9/13)

همه جای دنیا همیشه مرد خودش را طلبکار و مسلط از زن، همیشه نه در يك برهه ای از تاریخ، همیشه هم نبوده. خودش را طلبکار دانسته يك مظلومیت تاریخی ای دارد زن؛ يك مقداری این را باید جبران کند، سازمانها راهش هم اول از همین تأمین این حقوق مدنی و خانوادگی زن هست، و حقوق اجتماعی زن نگاه کنند خلاها را ببینند که چیست، آنها را از طریق مجلس و دستگاههای رسمی و دولتی و اینها جبران کنند. این کار سازمانهاست. بیش از آنچه که کار تربیتی بخواهند کنند این کار از اینها برمی آید. و اما آنی که قبلاً سؤال کردید که راهش چیست؟ خوب گاهی واقعاً برنامه ریزی است، باید افراد وارد در امور تربیتی و مسائل فرهنگی بنشینند، حسابی مسأله را مورد مطالعه قرار بدهند و برایش برنامه ریزی کنند. چیزی هم نیست که بتوانم در دو کلمه بیان کنم. (1)

گره گشایی از کار زن در خانواده

البته مسأله ی خانواده خیلی مهم است؛ که واقعاً از کار زن گره گشایی کنید؛ ببینید گرههای عمده کجاست. یکی از مهمترین گرهها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده ها چه خبر است؛ خود شما هم میدانید و ببینید چه چیزی این نابسامانیها را به وجود می آورد؛ ریشه های آن را پیدا کنید و طرحهای بلندمدت بریزید، برای اینکه آن نابسامانیها برطرف شود. (2)

لزوم مبنای بودن نقش مادری و همسری در طرح ریزیها برای خانواده

مسأله ی مادری، مسأله ی همسری، مسأله ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده»

ص: 96

1- همان

2- در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (70/10/4)

مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما يك نقص است. کدبانوی خانه، شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی کنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم. (1)

انگیزه‌ی تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

جواب (2): مقدمات این مصوبه بحثهای قابل توجهی بود که حالا جزئیاتش من یادم نیست، لکن همه‌ی کسانی که در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در جامعه‌ی ما کار میکنند، خوب احساس میکنند که در زمینه‌ی فرهنگی باید کار فراوانی در مورد زنان و برای زنان انجام بگیرد... اگر ما بخواهیم زن ایرانی در حد شأن زن از نظر اسلام قرار بگیرد، باید بر روی مسائل زن و در مورد زن کار زیادی انجام بدهیم. يك دستگاه ویژه‌ای برای این لازم است؛ نمیشود این را به يك وزارت یا يك دستگاه مشترك سپرد. (3)

شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ مرکزی برای تدارك پشتیبانی معنوی و قانونی

هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به زن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تشکیل میشد، دقیقاً به همین نکات نظر بود. در آن جمع، جناب آقای احمدی و دیگر برادران هم شرکت داشتند. ما باید امروز ببینیم که زنان برای

ص: 97

1- همان

2- سؤال: یکی از مهمترین حرکت‌هایی که در مورد مسائل زنان در سال گذشته صورت گرفت مسأله‌ی تصویب تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان از سوی شورای عالی فرهنگی، ما سؤالمان این است از جنابعالی که ریاست این شورای انقلاب فرهنگی و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس چه انگیزه‌ای دست به تصویب چنین طرحی زد؟

3- در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (66/12/13)

حرکت در آن مسیر مطلوب اسلام برای زن، چه ابزار قانونی احتیاج دارند، چه تفکرات و تأملاتی بایستی انجام بگیرد، چه راهنمایی‌هایی باید بشوند، چه مراکز هدایتی باید به وجود بیایند؛ آن را بایستی برایشان فراهم کنیم و تدارك ببینیم. البته بایستی مرکزی باشد که این تدارکها و پشتیبانهای معنوی را تدبیر و اداره و دنبال کند منظورم پشتیبانهای مادی نیست؛ در پشتیبانهای مادی، همه با هم شریکند - آن مرکز، همین شورای فرهنگی - اجتماعی زنان است که شما خانمها عضو آن هستید.

شما بایستی به این مسأله فکر و تأمل کنید. با مجلس و دولت هم که رابطه دارید. به علاوه، خود شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوباتی را که لازم الاجراست، میگذرانند. از اوایلی که این شورا تشکیل شد، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) تصریح فرمودند که مصوبات این جلسه باید اجرا بشود. اصلاً این مجموعه ای که شما خانمها تشکیل داده اید، وصل به آن مرکز است؛ باید جدی فکر کنید و ببینید مشکلات زنان چیست. البته منظور، این مشکلات کوچک عمومی که باید در بخشهای مختلف اداری برطرف شود مثل مشکل بیمه و امثال آن نیست. اینها چیزهایی نیست که مجموعه ی خاصی به آنها رسیدگی کند.

شما باید ببینید، زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمّل این تکالیف، احتیاج به چه هدایت‌هایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است، برای اینکه آنها از حقوق اجتماعی و انسانی خود برخوردار بشوند؛ چه سازمان‌هایی حیثاً باید به وجود بیاید که بخشی از کارها را برعهده بگیرد. شما اینها را بررسی کنید؛ آن وقت به دستگاه‌های مختلف مثل مجلس، یا شورای عالی انقلاب فرهنگی توصیه کنید، تا مصوبه بگذرانند و این کارها انجام بگیرد. وقتی ما این مجموعه را نداشتیم، نداشتیم؛ ولی حالا که داریم، بایستی خیلی کار و حرکت بکند. (1)

ص: 98

امیدواریم خداوند کمک کند، توفیق دهد، و ما و شما را هدایت فرماید. ان شاء الله محصول کارهایتان را بطور صحیح و درست، در آینده ببینیم. البته سفرهای خارجی هم که گفتید، خوب است؛ منتها باید حساب شده باشد؛ یعنی هر جا که می‌خواهید بروید، باید محاسبه کنید کاری که آنجا می‌خواهید انجام گیرد و هدفی که هست، مشخص باشد و سعی کنید به آن هدف برسید. عنصری را که انتخاب می‌کنید، عنصری باشد متناسب با آن مقصودی که شما در آن سفر دارید. آن خانمها هم بیایند اینجا، و ببینند که زنان ما با همین چادر مشکی و حجاب - که آنها خیال میکنند دست و پا گیر است - چه کارهای بزرگی را الحمدلله انجام می‌دهند. این، افتخار ماست. ان شاء الله که این افتخار، همیشه برای ما باقی بماند. (1)

نیاز دنیا به مبانی کارگشا در حوزه ی زن و عقب ماندگی ما در بیان این مبانی

درباره ی مسأله ی زن و آنچه که پیرامون این مسأله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار يك عقب ماندگی ای هستیم که شما خانمها - بعضی از خانمهایی که صحبت کردید - اشاره کردید. عقب ماندگی در این قلمرو، از نوع عقب ماندگی در علم - که ما می‌گوییم دچار عقب ماندگی هستیم مثلاً - نیست؛ در اینجا اگر تعبیر میکنیم به عقب ماندگی، بخاطر این است که ما در زمینه ی مسأله ی زن، مسأله ی جنسیت، مسأله ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سدکن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب ماندگی از این جهت. در حالی که دنیا احتیاج دارد به مبانی و مفاهیم روشن فراگیر کارگشا؛ همچنان که ملاحظه کردید بعضی از خانمها گفتند که وقتی ما اینها را در دنیا مطرح میکنیم،

ص: 99

مورد استقبال قرار میگیرد؛ یا بعضی از خانمها گفتند که دستاوردهای علمی در زمینه های روانشناسی و غیره، احکام اسلامی را در مورد زن تأیید میکنند. خب، این يك گوشه ای از تواناییهای نظام فکری اسلامی در این مسأله ی حسّاس است؛ و ما این تواناییها را نتوانستیم درست بیان کنیم، تعریف کنیم. در خیلی از مناطق گوناگون فکری و قلمروهای فکری همین جور است؛ در خیلی از زمینه ها ما واقعاً نظر اسلام را درست نتوانستیم به دنیا منتقل کنیم. حالا اینکه میگویم «نتوانستیم»، این را نمیشود گناه نظام جمهوری اسلامی دانست؛ چون همان مقداری هم که کار شده است، به برکت نظام جمهوری اسلامی است و به برکت نفوذ فکر انقلاب و فکر امام و نام انقلاب و نام امام و اینها بود که بحمدالله تا حدودی گسترش پیدا کرد؛ لکن بیش از این باید ما کار کنیم، که نیاز داریم به این؛ که حالا عرض خواهم کرد. ما برای اینکه بتوانیم يك جبهه ی تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران - يك آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه ی مصوئیت سازی و تدافعی دارد. بنابراین هرچه شماها کار کنید برای اینکه این عقب ماندگی را جبران کنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نبایستی ما تعلل کنیم، توقف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع کننده را از اسلام در اختیار داریم، اما عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن(1).

سهام دستگاههای اجرایی در تعلیم زنان

بعضی از دستگاههای اجرایی که تناسبی با مسأله(2) دارند، میتوانند سهم باشند؛ مثلاً دانشگاه، وزارت ارشاد و وزارت آموزش و پرورش میتوانند

ص: 100

1- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

2- . تعلیم زنان

سهیم باشند؛ ولی اگر دانشگاهها روی مسأله ی تعلیم زنان خوب کار کنند، خیلی مؤثر خواهد بود، وزارت ارشاد هم همینطور است. (1)

نقش صددرصدی صدا و سیما در فرهنگسازی و تکریم زن با خصوصیات اسلامی

برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها میشنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداوسیما يك نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صدا و سیما يك نقش صددرصدی ای ایفا کند؛ میتواند؛ صدا و سیما میتواند آنچنان فرهنگسازی ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد. (2)

تبیین دیدگاه اسلام در زمینه ی روابط زن و مرد

وظیفه ی صدا و سیما در تفهیم درخشندگیهای فرهنگ اسلامی در همه ی زمینه ها، به خصوص در زمینه ی روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع آشکار میشود. صداوسیما مسؤولیت زیادی دارد. رادیو و تلویزیون يك دستگاه سرگرم کننده نیست، يك دستگاه آموزنده است. (3)

باید در صدا و سیما به گونه ای با مقوله ی زن برخورد شود که مکرمت و شأن خانوادگی او به درستی در جامعه ی تبیین شود. (4)

ص: 101

1- . در مصاحبه با مجله ی زن روز (66/12/13)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

3- . در دیدار با جمعی از پزشکان و پرستاران (68/9/15)

4- . در جمع مدیران و برنامه سازان صدا و سیما (75/5/10)

ارائه ی نقش زن با گوهر عفت و تأثیر او در خانواده، جامعه و انقلاب

ما بایستی زن را، هم با حجاب نشان بدهیم، هم سرشار از ارزشهایی که اسلام و انقلاب برای او در نظر گرفته است؛ یعنی نجابت و عفت زن. مهمترین مسأله، آن گوهر عفت زن، آن عنصر اصلی و رکن اساسی خانواده بودن، آن عضو اصلی و رکن اساسی فعالیت‌های جامعه بودن، آن تأثیر زن در رشد جامعه و رشد مردان، آن تأثیر زن در واقعیتهای گذشته ی ما - از قبیل انقلاب و جنگ و غیره - است. (1)

دوری از نقشهای پست کننده برای زنان در برنامه های صدا و سیما

در مورد مسأله ی زن نیز دو عیب اساسی در برنامه های گذشته صدا و سیما وجود داشت: یکی اینکه ارزش حجاب از بین رفته بود. از این بزرگتر، آن بود که نقشهای پست کننده به زن داده میشد. در عیب اول، يك ارزش زیر سؤال میرفته و پایمال میشده که آن، ارزش حجاب بوده است؛ اما در عیب دوم، گاهی همه ی ارزشهای بشری که برای زن مورد نظر میباشد، زیر سؤال میرفته است. چنانچه داستان عاشقانه ای نقل میشده، داستانی بوده است که زن در آنجا بالاخره همان نقش صهیونیست پسند و استکبار پسند خودش را دارا بوده است و غالباً و قاعدتاً در چهره ی يك مادر، يك همسر خوب و يك انسان کارآمد ارائه نمیشده است. باید این دو عیب برداشته شود. (2)

ارائه ی زن بعنوان جاذبه ی جنسی حتی با پوشش مجاز در بعضی فیلمها

يك وقت شما آقایان به من گفتید: در فیلمهایی که بعضی میسازند - چون امروز در جمهوری اسلامی، زن بی حجاب قهراً در فیلمها نمیتواند

ص: 102

1- . در دیدار با اعضای شورای سیاستگذاری صدا و سیما (69/12/14)

2- . همان

وارد شود - برای آن که بالاخره آن مسأله ی جاذبه ی جنسی را - که حسابش در جای خودش معین شده و درباره اش بحث شده است - بگونه ای در فیلمها وارد کنند، همان. زن چارقد بسته را بگونه ای وارد فیلم میکنند که آن مقصود را تأمین کند! زن، بالاخره در چادر هم زن است اگر کسی بخواهد زن را با جاذبه ی جنسی ارائه دهد، در چادر هم میتواند؛ چه رسد با روسری! آنها در فیلم خودشان، برطبق همان نسخه و سرمشق شناخته شده ی قدیمی که همواره در اروپا و فضای هنر غربی وجود داشته که «زن بایستی به شکل متهتر (1) وجود داشته باشد و جاذبه ی جنسی بایستی در فیلمها به شکل غالب باشد» عمل میکنند. حتی در بسیاری از آثار دیگر هنری هم، این کار انجام میشود. باری؛ به این طریق زن را بصورت رندانه ای وارد فیلم میکنند که اگر کسی به ظاهرش نگاه کند نمیتواند بگوید آقا این چادر ندارد و یا مثلاً روسری ندارد! دارد؛ اما دلبری و عیاری لازم برای این فیلم را هم بگونه ای، در آن داخل میکنند و به این طریق فیلم را از «محدوده ی مجاز» وارد «محدوده ی ممنوع» میسازند؛ منتها با پوشش مجاز! حالا ما دلمان میخواست فیلممان پرفروش شود که جوانان استفاده کنند. فیلم با این ترفند، پرفروشتر خواهد شد و بیشتر به نتیجه خواهیم رسید، که گوشه ای از آن جاذبه ی جنسی را ما هم به شکل نجیبانه تری، وسط بیاوریم. نتیجه، بیشتر مطلوب میشود. اما آیا این، تکلیف است؟ تکلیف این است؟ نه؛ تکلیف این نیست. تکلیف این است که ما اصلی را که به آن اعتقاد پیدا کردیم، پای آن را امضا کردیم - با خون هم امضا کردیم - رها نکنیم. (2)

مخدوش کردن جایگاه زن بعنوان عنصر جنسی در فیلمها

فیلمهایی درست میکنند که میبینیم سعی دارند يك عنصر جنسی از همین مقوله ی انحرافی، در آن حتماً گنجانده شود و جا بگیرد! این انحراف

ص: 103

1- . متهتر از فعل تهتر است؛ به معنای نادانستن (لغتنامه ی دهخدا)

2- . در دیدار با اعضای حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی (71/11/4)

است. این چرا به وجود آمده؟ این میشد نباشد. الآن هم میشود نباشد و باید جلوش را گرفت. یعنی شما باید سر این مسأله، خیلی قوی بایستید. صحبت این نیست که بگویند «آقا، مقدّس بازی در می آورید! حالا این دختر، در این فیلم، قدری رویش را بازتر گرفته؛ یا فرض کنید زیر ابرویش را برداشته. شما بیخودی مقدّس بازی و آخوندبازی در می آورید!» نه؛ قضیه این نیست که حالا یکی صورتش را نشان بدهد یا ندهد. قضیه این است که ما ذره ذره، از طریق هنر - آن هم این هنر مهم - يك قضیه ی به این مهمی را که اوجش آن است که عرض کردم «زن آنطور باید زندگی کند»، مخدوش میکنیم. (1)

کمبود کار فرهنگی

من خوفم این است که شما جوانهایی که حالا با يك شور و شوقی، با يك انگیزه ای و با يك فکر جوان زنده ی پرنشاطی مشغول این کارها شدید، توی این دعوها همین استعداد را هم صرف کنید که کی درستتر گفته، کی غلطتر گفته، کی نمیدانم درست عمل کرده، کی بد عمل کرده، خودتان هم چی، بمانید از وجودتان استفاده ی درست و حسابی نشود. من خواهش میکنم که شماها واقعاً يك جوری حرکت بکنید که کار اصلی انجام بگیرد. ببینید چی کم داریم ما، ما کار فرهنگی کم داریم. (2)

کار فرهنگی؛ کار اولی، لازمت و فوریت در مورد زنان

بیشتر سراغ کار فرهنگی بروید تا کار سیاسی. من مخالف کار سیاسی نیستم. من تحلیل سیاسی را لازم میدانم؛ چون تحلیل سیاسی هم يك کار فرهنگی است. التفات میکنید؟ البتّه حالا هم هیچ منعی نمیکنم. حرف من به معنای این نیست که منع کنم در فلان فعالیت یا ماجرا و کشمکش سیاسی وارد بشوید یا نشوید؛ نه. هر طور که مصلحت دانستید عمل کنید.

ص: 104

1- . در دیدار وزیر و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (71/9/4)

2- . در مصاحبه با مجله ی شاهد بانوان (67/2/28)

اما من بعنوان آدمی که در مسائل تبلیغی مختصر ورودی دارم، با ملاحظه‌ی جامعه و زن ایرانی و مجلات موجود زنانه و حوادث گوناگون و مقابله با این موجی که در دنیا هست، اینطور میفهمم که امروز کار اولی و لازمت و فوریت در مورد زنان، کار فرهنگی است. باید برای خانمها کار فرهنگی بشود. البته مجله خوب است؛ بسیار خوب است. سمینار و جلسه و از این قبیل خوب است؛ جلسات بین‌المللی خوب است؛ اما خوبترش، جلسات داخلی است. (1)

برکت کار فرهنگی درباره‌ی مبانی اسلام نسبت به مادران ایثارگر

میخواهید کارتان با برکت باشد، میخواهید حقاً و حقیقتاً یک سهم وافر را از بقا و دوام انقلاب بردوش بگیرید کار فرهنگی عمیق، خانمها را کتابخوان کنید، خانمها را اهل مطالعه کنید، بروید توی خانه‌های مردم، خانم شهید مسأله اش فقط این نیست که شما بروید تسلیش بدهید، سر سلامتی اش بدهید یا یک کمکی بهش بکنید، این نیست قضیه، یا آن مادری که پسر قطع نخاعی اش افتاده رو دستش، بچه‌ی 20 ساله را جوان 20 ساله را بایستی 30 سال 40 سال تا هر وقت که عمر دارد این خانم، این مادر، باید رو دست نگه دارد، زیرش را تمیز کند، زخمش را ببندد، پذیرایی کند، این مسأله اش با یک تسلی دادن من و شما که حل نمیشود، با کمک مادی مسأله‌ی این حل نمیشود، این جراحتش در دل است، قلب او مجروح است او را چه جوری شما درست میکنید ها! اینجاست که جای فکر است باید به او آن چنان منطقی، آن چنان بصیرتی ببخشید که او احساس کند که این جوان جانباز عطیه‌ی الهی است برای او. آن مادری که پسرش رفته میدان دیگر نیامده خیلی خوب ما تسلیش میدهیم او هم افتخار میکند، لبخند هم میزند، واقعاً هم افتخار میکند. اما تا وقتی یاد این جوان در دل اوست این

ص: 105

يك سؤال دارد او را بايد حلّ كنيد حلّش به چيست؟ حلّش به اين است كه براي او روشن كنيد، تشریح كنيد كه او چه خدمتی به اسلام کرده و فرزند او مثل علی اكبر چه منزلتی و چه شأنی دارد و گرفتن فرزند او در میدان جنگ به معنای دادن يك هدیه ی الهی به اوست، اینها را برایشان روشن كنيد، این با چی روشن میشود؟ این با دو كلمه حرف، نمیشود البته بعضی از خانمها احتیاج به این حرفها ندارند. بعضی از مادرها بعضی از همسرها آنها باید به ماها روحیه بدهند. خود من گاهی میروم خانواده ی شهدا مینشینم پهلوی خانواده، زن خانه و مرد خانه و جوان و پیر خانه می آیند حرف میزنند، من از حرف آنها روحیه میگیرم، آنها من را تقویت میکنند، بعضی این جوری اند. اما خوب ممکن است همه اینجور نباشند. پس شما کار اساسی تان عبارت است از کار فرهنگی، کار اسلامی، کار توجیهی و توضیحی نسبت به مبانی اسلام. (1)

كمك به ایستادگی زنان در مقابل هجوم دشمن

متأسفانه بعضی، حتی لباسهایشان خارجی است. طی يك یا دو سال، یکی دوبار به اروپا میروند یا کسی از کسانشان میروند و چند دست لباس برایشان میخرد و می آورد. آنها هم همین لباسها را میپوشند و در مجالس زنانه شرکت میکنند. این، ترویج فرهنگ غرب است. سیاست، مقدمه ی فرهنگ است؛ چون اگر مسأله ی فرهنگ حل شد، همه چیزشان تأمین میشود. آن فرهنگ را برداریم و به شکل لباس و به شکل مظاهر گوناگون بیاوریم اینجا؟! چرا؟

ما باید در مقابل این فرهنگ بایستیم. بحث لباس و مد و این قبیل مسائل، از این سنخ است. زنان ما احتیاج دارند كه این حرفها به آنها گفته

ص: 106

شود. خوشبختانه، هر چه هم که پیش رفته ایم، در این قضیه قویتر شده ایم. سابق بیشتر جنجال میکردند. حالا الحمدلله باور دارند و قبول کرده اند؛ یعنی فهمیده اند که جمهوری اسلامی اینگونه است. خودشان حساب کار خودشان را میکنند. بحمدالله نه آبروی ما در دنیا رفت، نه کوچک شدیم، نه انقلاب کوچک شد و نه امام کوچک شد. بلکه بخاطر همین ایستادنها، بزرگتر و درخشانتر شدند. باید در مقابل تهاجم دشمن ایستاد. به نظر من، «جمعیت زنان» کارش اینهاست: به زن شخصیت دادن؛ زن را در مقابل هجوم دشمن و هر چیز پست کننده جری کردن؛ تفهیم کردن به او که حق با توست. دشمن غلط میکند حرفی میزند و با جنجال و هیاهو دنیا را پر میکند! بیخود میگوید؛ دروغ میگوید! حق این است و این پیش خواهد رفت.

از شما این انتظار هست. یعنی کاری که من گمان میکنم امروز وظیفه ی يك مجموعه ی زنانه ی مؤمن و انقلابی و قوی هست، این است که باید به میدان بیایید و با تهاجمهای دشمن - به خصوص در زمینه ی زنان - مقابله کنید. (1)

آمادگی نظامی زنان

همه ی جوانان، پیران، زنان و مردان این کشور، برای دفاع از شرف و استقلال و اسلام و نظام جمهوری اسلامی آماده اند. هیچکس خیال نکند که جنگ تمام شد؛ بسیج هم تمام شد، ابداً. مگر جنگ که تمام میشود، نیروهای نظامی ارتش و سپاه هم تمام میشوند؟ نه، به فرموده امام (ره) «مملکت اسلامی، همه اش نظامی است». زن و مرد باید آمادگی نظامی داشته باشند و برای دفاع نظامی آموزش ببینند. (2)

ص: 107

1- . در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در مراسم ویژه ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) (69/9/5)

رعایت جهات ارزشی تأمین کننده ی آینده ی زنان

نقش زنان در انقلاب، يك نقش تعیین کننده بود؛ در جنگ، يك نقش تعیین کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاءالله تعیین کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. اینهاست که تأمین کننده و تضمین کننده ی این آینده است. (1)

تسلط قدرتهای جهانی؛ عامل گرسنگی و مرگ زنان و کودکان

فقر، گرسنگی و مرگ کودکان و زنان و ظلم حکام دیکتاتور نتیجه ی تسلط قدرتهای جهانی بر سازمانهای بین المللی و آنچه بر سر مردم آفریقای با برکت و امریکا و آسیا می آید، نتیجه ی حمایت قدرتهای مسلط جهانی از حکام این کشورهاست. (2)

کار قوی و باکیفیت در مسأله ی زنان؛ خدمت حقیقی به زنان عالم

ما در تقابل با تبلیغات معارض - از جمله تبلیغات فمینیستی - آنچنان که باید، کار درستی، کار قوی ای، کار پُر حجمی و با کیفیتهای بالا نکرده ایم. من از همینجا به دستگاههای تحقیقاتی، به پژوهشگاهها، به دانشگاهها، به حوزه های علمیّه و به صاحبانِ توجیه می‌کنم و از آنها مطالبه می‌کنم که در این زمینه کار کنند. مسأله، مسأله ی مهمی است. ما اگر در مسأله ی زن در کشور خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه ی زنان در همه ی دنیاست؛ خدمت حقیقی است به مجموعه ی زنان در همه ی عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سالها بعد بفهمند؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آنهاست. (3)

ص: 108

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (70/10/4)

2- . در افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه ی اسلامی (65/11/9)

3- . در دیدار با هزاران نفر از بانوان نخبه (86/4/13)

این جلسات هر کدام بذری را در يك سرزمین مستعدی میپاشد. آبیاری این سرزمین به عهده ی عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده اند، بعضی هم در فکر هستیم که - ان شاء الله - تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک میکند تا ببالد. ما خیلی عجله هم نداریم. البته مایلیم کارها سریع پیش برود - یعنی با تبلی و عقب ماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمیخواهیم شتابزده کار کنیم؛ میخواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دربیاید. ان شاء الله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسه ی قبلی - این نقش را ایفا خواهد کرد؛ من يك اطمینانی به این معنا دارم. (1)

گفتمان سازی در حوزه ی زن و خانواده

در حوزه ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بر زمین مانده الی ماشاءالله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیل شود، مرکز چنانی تشکیل شود - همه اش درست است؛ باید واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره ی ادامه ی کار این نشست در مورد مسأله ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه ی مسائل نظریه پردازی کارهای مهمی - ان شاء الله - انجام خواهد گرفت، هم در زمینه ی گفتمان سازی، و هم در زمینه ی نزدیک کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر بصورت گفتمان درآمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه ی آنها برطرف میشود. گفتمان يك جامعه ی مثل هواست، همه تنفسش میکنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش

ص: 109

رسانه ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است. (1)

خوب است يك کار بين المللی در زمینه ی زنان انجام بگیرد. (2)

ص: 110

1- . همان

2- . در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

زن؛ موجود درجه ی دوم در ادبیات غرب

اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده میشود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمیشود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات غرب، با شعر اروپایی، با ادبیات اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه های اروپایی آشنا هستند، میدانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و قبل از آن تا همین اواخر قرن فعلی، زن موجود درجه ی دوم بوده است. هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف میگویند. (1)

نگرش ظالمانه ی غرب به زن در عرصه ی کار، هنر و ادبیات

غربیها نه فقط در عرصه ی کار و فعالیت صنعتی و امثال آن بلکه در عرصه ی هنر و ادبیات هم به زن ظلم کرده اند. شما امروز نگاه کنید در آثار هنری، در داستانها، در رمانها، در نقاشیها و در انواع کارهای هنری آنها، ببینید که با چه دیدی به زن نگریسته میشود، آیا جنبه های مثبت و ارزشهای

ص: 113

1- . در دیدار با گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س)، (71/9/25)

والایی که در زن هست مورد توجه قرار میگیرد؟ آیا عواطف رقیق، مهر و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است، خوی مادری، روحیه ی نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجه است؟ یا جنبه های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی که البته این تعبیر غلط و نادرستی است؛ حقیقت مسأله، شهوت است نه عشق. آنها زن را اینطور خواستند پرورش و عادت بدهند. آنها زن را بعنوان يك موجود مصرف کننده، دست و دلباز و کارگر کم توقع و کم طلب و ارزان تلقی میکنند. (1)

بزرگترین حقکشی؛ مطرح شدن زن برای انتفاع مرد

در مورد مسأله ی اول که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که میخواهید مطرح کنید، میشود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که يك نامعادله ای را بتدریج به وجود آورده اند؛ يك طرف ذینفع، يك طرف مورد انتفاع؛ بشریت را اینجوری تقسیم کرده اند. طرف ذینفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این بطور آرام، با تدریج، با شیوه های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول دهها سال - که شاید به صد سال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمیتوانم بگویم و این مسأله قابل تحقیق است در جوامع غربی در درجه ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده شأن اجتماعی زن را اینجوری معرفی کردند، اینجوری تعریف کردند: زن بعنوان يك موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه ی نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جوری باشد که برای طرف ذینفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشمنواز باشد. به نظر من بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت، بزرگترین حقکشی که در زمینه ی مسأله ی زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن بعنوان يك طرف مورد انتفاع،

ص: 114

برای استفاده ی يك طرفِ ذینفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آنها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال میکنند. فرض کنیم اگر در يك جامعه ای مسأله ی آرایش زنان و تبرّج زنان در محیطهای عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در يك جامعه ای عربانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدایی در دنیا بلند نمیشود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرّج زن، آرایش نکردن زن در جامعه ی مطرح شود، دستگاہهای مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند میکنند، جنجال میکنند؛ این نشاندهنده ی این است که يك فرهنگی، يك سیاستی، يك راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال میشود و پایه اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند. (1)

محرومیت زنان از اخذ مدرک تحصیلی در گذشته ی نزدیک غرب

در همین کشورهای غربی تا چند سال قبل از این نه خیلی زیاد زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل میکردند، حق نداشتند که مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر در بعضی از کشورهای غربی، از جمله در انگلستان، یکی از مطبوعات یکی از کشورهای غربی که نمیخواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم، پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال 1917 یعنی مثلاً هفتاد سال قبل در حدّ دکترا تحصیلات عالیّه کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیل نداده اند! بعد سؤال میکند چرا مدرک تحصیل نداده اند؟ میگوید که چون تا سال 1947 در انگلستان به زنانی که تحصیل میکردند، مدرک تحصیلی نمیدادند و گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! اینها حالا آمده اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدّعی حقوق زن شده اند. در همان سالهایی که چنین حقارتهایی در فرهنگ غربی

ص: 115

مشاهده میشود، در ایران اسلامی، بانوی اصفهانی، اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول آن روز اسلام داشت؛ در اصفهان، حوزه ی تدریس فلسفه و فقه را دایر داشت، اسلام، این است. (1)

محرومیت زن از حق رأی و مالکیت حقیقی در غرب

شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند که تقریباً همه اش هم دروغ است تا دهه های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند؛ یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود، اموال او در اختیار شوهر بود!

عدم حق رأی زنان در دموکراسی غربی

اروپا و دنیای غرب، دنیای دموکراسی که این همه زبان درازی نسبت به اسلام کردند به این امور و به این اصول بسیار دیر رسیدند. حق رأی برای زن تا اوایل این قرن که الآن در آن هستیم در اروپا وجود نداشت. البته حق رأی کلاً برای جوامع اروپایی وجود نداشت، حتی بعد از رنسانس و نهضت صنعتی و علمی در اروپا. بعد از انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم تدریجاً حق داده شد به کارگران و زحمتکشان و دستگاہها، یعنی مردم، توده ی مردم، آحاد مردم که رأی بدهند و انتخاب بکنند بعد از انقلاب کبیر به آنها رأی (2) داده شد. بعد هم بتدریج در بعضی جاهای اروپا این رأی داده شد. در کشورهای اروپایی و در امریکا پس از جنگ اول جهانی به زنها حق رأی داده شد، یعنی تا 1918 پایان جنگ جهانی اول در امریکایی که دم از آزادی و دفاع از حقوق زن و اینها میزنند و در اروپا حق رأی به زنها داده نمیشد. یعنی زنها حق انتخاب کردن نداشتند و تازه بعد از 1918

ص: 116

1- . در اجتماع باشکوه زائران مرقده مطهر حضرت امام خمینی (ره) (76/3/14)

2- . حق رأی

که حقّ رأی به زنها داده شد به زنهاى بالاتر از 30 سال حقّ رأی داده شد. در فاصله ی بین دو جنگ جهانی در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله در فرانسه، در ایتالیا و همچنین در ژاپن زنها حقّ رأی نداشتند، تا پیش از سال 1940 در امریکای لاتین در هیچ کشوری زنها حقّ رأی نداشتند. در آنجایی هم که حقّ رأی به زنها داده شد به زنهاى 30 سال به بالا بعد از مدّتی زنهاى 21 سال به بالا و این اواخر در همین ده سال اخیر در بعضی از کشورهای دنیا حقّ رأی را به 18 سالگی رساندند.⁽¹⁾

عقب افتادگی غرب در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زن

در فرهنگ غربی نسبت به زن ظلم و جفا شده. از اوایل قرن بیستم مسأله ی حقّ زن، حقّ سیاسی زن، حقّ رأی زن، حقّ ورود در میدانهای اجتماعی و سیاسی در دنیای غرب مطرح شده قبل از او مطرح نبوده، در سالهای 1920 و 21 و 25 تا 30 و بعد از او بتدریج کشورهای مختلف در دنیا چه در اروپا چه در امریکای لاتین چه در سراسر جاهایی که تحت تأثیر فرهنگ غرب بودند بتدریج خانمها وارد میدانهای سیاسی شدند، حقّ رأی پیدا کردند و مسائل ویژه ی مردان را آنها هم تا حدودی به دست آوردند قبلاً چنین چیزی نبوده و غرب که در دادن حقّ انسانی زن به او اینقدر تأخیر دارد یعنی قرنهای متمادی بعد از آنی که ادیان الهی و بهتر از همه اسلام شخصیت کامل يك انسان را در حدّ اوّجش و کمالش تا هر جا که انسان بتواند پیش برود به زن داده مثل مرد؛ یعنی هیچ تفاوتی در شخصیت انسانی بین زن و مرد قائل نبوده و هیچگونه امتیازی بین اینها نگذاشته. قرنها بعد از این غرب تازه به فکر افتاده که به زن حقّ ورود در میدان سیاست و حقّ اجتماعی رأی دادن و احیاناً در دوره های بعد کاندیدا شدن برای مسندهای سیاسی و اجتماعی به زن چنین حقّی را اعطا بکند. با این تأخیر غرب وارد

ص: 117

میدان شده و در طول این مدت آنچنان حرکتی و روندی به این مسأله داده که بکلی او را از مسیر صحیح منحرف کرده. (1)

از نداشتن حق رأی و مالکیت تا بی پناه و رها شدن در جامعه

خواهران من! دنیای غرب، زن را به ابتدال کشاند. تا شصت، هفتاد سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی، زن فقط در سیطره ی مرد یا مرد خود و یا یک مرد دیگر مثل صاحب کارخانه و مزرعه میتوانست باشد و هیچ حقی از حقوق اصلی یک انسان در یک جامعه ی متمدن را نداشت. حق رأی و حق مالکیت و حق معامله نداشت. بعد آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند؛ اما در همان حال، تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه، رها و بی پناه گذاشتند. (2)

غریبها در زمینه ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده اند. (3)

تنبه دیر هنگام، شتابزده و جنجالی اروپا در مسأله ی زن

چرا بشریت همواره درباره ی مسأله ی زن و مرد کج فکر کرده است و میخواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه ی برداشتها و تحلیلهای و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد جایگاه غلطی است و نسبت به زن و مرد، نسبت غلطی است. حتی در تمدنهای خیلی بلند پایه ی دنیای باستان مثل تمدن روم یا ایران برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمیخواهم جزئیات و تفصیلات را بیان کنم و لابد خودتان میدانید و میتوانید هم مراجعه کنید.

امروز هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علیرغم همه ی این

ص: 118

1- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

2- . در جمع کثیری از زنان (68/10/26)

3- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

جنگالها و هیاهوها و ادعاهایی که در حمایت از زن و موضع انسانی او میشود، متأسفانه همین برداشت غلط وجود دارد و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیراروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله ی زن دیرتر تنبّه پیدا کردند. میدانید که تا دهه های دوّم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حقّ رأی نداشت. آنجاهایی هم که دموکراسی بود، زن حقّ صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه های دوّم یعنی از سالهای 1916 یا 18 به بعد آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حقّ اعمال نظر و تصرّف در سرمایه ی خود و حقوق اجتماعی مساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل اینکه میخواهد با جنگالهای دروغین، از لحاظ زمان، جبران این عقب افتادگی را بکند. البتّه در تاریخ اروپا، خانمهایی که ملکه میشدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم يك زن و زنان يك فامیل یا يك تیره یا يك طبقه، غیر از مسأله ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است. خانمهایی هم بوده اند که در سطوح بالا قرار میگرفتند و مثلاً ملکه ی کشوری میشدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آنها داده میشده است؛ اما «زن» اینطور نبوده و بر خلاف دیدگاههای ادیان که سالم و دست نخورده اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است. (1)

ظریفترین و مؤثرترین نقش در سیر بشریت بسوی کمال

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل میدهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقشهای دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حسّاسترین، ظریفترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقشها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را اینگونه آفریده. اگر

ص: 119

بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف کاریها و ریزه کاریها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. (1)

متهم بودن غرب در برخورد ذلیلانه با زن

من بارها به گویندگان و مبلغین عرض کردم که در مورد مسأله ی زن این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم، این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه میکنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند و با انصافی نمیتواند منکر بشود که این برای زن خوب است. ما زن را دعوت به عفت، صمیمیت، حجاب، عدم اختلاط و آمیزش بی حد و مرز میان زن و مرد، حفظ کرامت انسانی و آرایش نکردن در مقابل مردان بیگانه برای اینکه لذت ببرند، دعوت میکنیم. آیا اینها بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. آنها که زن را تشویق میکنند که خود را جوری آرایش کند که مردهای کوچک و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضاء کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین آوردند و تذلیل کردند. (2)

مسائل اصلی زندگی؛ تحت الشعاع سرگرمی مبتذل روابط زن و مرد

آنجا که صحبت از حضور زن در میدانهای اجتماعی و میدانهای زندگی و فعالیتهای گوناگون و منشأ اثر شدن در صحنه ی جامعه و جهان هست، آنجا این غرب است که بایستی جواب بدهد، پاسخگو باشد، چرا باید روابط زن و مرد در بخش عمده ای از دنیا بصورت يك سرگرمی مبتذل

ص: 120

1- . در سالروز ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) (84/5/5)

2- . در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) (71/9/25)

در بیاید که همه ی مسائل اصلی و جدی زندگی را احیاناً تحت الشعاع قرار بدهد؟ کما اینکه الآن اینجور است. (1)

مخالفت فرهنگ غرب با خویشتنداری جنسی

باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه ی ما احیاء بشود. مثلاً مسأله ی حجاب، يك مسأله ی ارزشی است. مسأله ی حجاب، مسأله ای است که اگرچه مقدمه ای است برای چیزهای بالاتر، اما خود يك مسأله ی ارزشی است. ما که روی حجاب اینقدر مقیدیم، بخاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک میکند تا بتواند به آن رتبه ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاههای بسیار لغزنده ای که سر راهش قرار داده اند، نشود.

درست نقطه ی مقابل این فرهنگ، همان فرهنگ رومی حاکم بر اروپای امروز است که با همه چیز کنار می آیند الا دو، سه چیز که یکی از آنها و شاید مهمترینش حفظ حالت حفاظ منضبط میان دو جنس زن و مرد؛ و به عبارت دیگر خویشتنداری در مقابل چیزی است که در غرب به آن آزادی جنسی گفته میشود. آنها در مقابل این اصل بشدت سرسختند؛ لذا از نظر آنها کسی که روی این مسأله تکیه بکند مرتجع است. اگر در کشوری، زنان با يك حدودی از مردان مجزا شدند، این میشود خلاف تمدن! راست هم میگویند؛ تمدن آنها که بر ویرانه های همان تمدن رومی بنا شده، چیزی جز این نیست؛ اما این از لحاظ ارزشی غلط است، عکسش درست است. (2)

پاسخگویی غرب درباره ی حقوق و حفظ کرامت زن

امروز جهان غرب است که باید به لحاظ نظری و عملی در این موضوعات به چالش کشیده شود و در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشد. جهان غرب باید درباره ی کشتار کودکان خردسال در فلسطین، درباره ی حقوق زن

ص: 121

1- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

2- . در دیدار جمعی از زنان پزشک متخصص و مسؤولان اولین کنگره ی حجاب اسلامی (70/10/4)

و حفظ کرامت او، درباره ی حقّ ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، درباره ی حقّ ملت‌ها در بهره‌گیری از ثروت‌های خود و حتّی درباره ی آزادی شهروندان خود پاسخگو باشد.

آیا ممنوعیت حجاب در برخی کشورهای اروپایی نشانه ی دروغ بودن اعتقاد به آزادی نیست؟ (1)

هدف غرب؛ هرزه شدن و عرضه شدن زن

شما میبینید در غرب با حجاب تدریجاً بصورت علنی دارد مخالفت میشود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر میکنند، این است که میگویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمیخواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب، مخالف آن است. حتّی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت میکنند؛ مشکل اساسی این است. (2)

فقدان آزادی و حجاب در حال و گذشته ی اروپا

آنها دروغ میگویند و مطلقاً به دموکراسی و آزادی و آرای مردم احترام نمیگذارند؛ نمونه اش ممنوعیت حجاب در مدارس برخی کشورهای اروپایی است. اجازه نمیدهند دختر محصّل با روسری به کلاس برود و درس بخواند.

در اروپا، این حفاظ و حجاب از قدیم نبوده، امّا در عین حال همیشه به زن ظلمهای مکرّر و مضاعفی میشده است. در اروپای قرنهای گذشته، آزادی زن - به معنای خاصّ روزگار ما - وجود نداشته؛ نه از لحاظ لباس

ص: 122

1- . در پیام به کنگره ی عظیم حجّ (82/11/8)

2- . در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

و ظواهر، و نه از لحاظ بقیّه ی جهات اخلاقی و غیره؛ لیکن آن حجاب و حفاظ هم نبوده؛ امّا درعین حال همان ظلمها هم میشده است. (1)

سلب آموزش و تحصیل زنان در غرب به جرم حجاب

اکنون امریکا و غرب مستکبر به این جمعبندی رسیده اند که کانون بیداری و ایستادگی در برابر نقشه ی حاکمیت آنان بر همه ی جهان، کشورها و ملت‌های مسلمان و بویژه در منطقه ی خاورمیانه است، و اگر با ابزار اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و سرانجام، نظامی نتوانند در چند سال آینده، نهضت بیداری اسلامی را مهار و سرکوب کنند، همه ی محاسبات آنان برای حاکمیت مطلق بر جهان و سیطره بر مهمترین منابع نفت و گاز که تنها وسیله ی محرکه ی ماشین صنعتی و برتری مادی آنان بر همه ی بشریت است، بهم خواهد ریخت، و کلان سرمایه داران غربی و صهیونیست که بازیگر پشت صحنه ی همه ی دولتهای مستکبرند، از اوج اقتدار تحمیلی خود ساقط خواهند شد.

از آزادی و حقوق اقلیتها سخن میگویند و حقّ آموزش و تحصیل را از دختران مسلمان به جرم پابندی به حجاب اسلامی سلب میکنند. (2)

اشتباه دنیای استکبار درباره ی ارزش زن

اشتباه میکند، دنیای استکباری سرشار از جاهلیت که خیال میکند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشمهای هرزه به او نگاه کنند و از او تمتّع بگیرند و او را تحسین کنند. (3)

ص: 123

1- . در پیام به کنگره ی عظیم حجّ (83/10/29)

2- . همان

3- . در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) (71/9/25)

در ایران باستانی زنهای اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زنهای افراد پایین و طبقات پست، نه، بی حجاب هم می آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکریم مال همه ی زنان است. این است نظر اسلام. آنها حالا شده اند طلبکار، ما شده ایم بدهکار! آنها بدهکارند؛ آنها باید بگویند چرا زن را مثل يك کالا وسیله ی شهوترانی قرار دادند. يك آماری را همین دیروز برای من نقل کردند - آمار مال يك هفته قبل است - که يك سوم زنهای دنیا از دست مردها كتك میخورند! به نظر من اشك انسان در می آید؛ این گریه آور است. و این بیشتر در کشورهای صنعتی است؛ در کشورهای فرنگی است و ناشی از همان خشونت‌های جنسی و مطالبات خشن جنسی است که مرد از زن دارد. این هوچگیریهای آنها در مورد زن است؛ آن وقت راجع به زن بحث میکنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آنها بی حجابی را اجباری میکنند، دختر دانشجو را تو دانشگاه راه نمیدهند، بخاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما میگویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده دری و بی احترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که اینها هوچگیریهای غرب است(1).

بی توجهی غرب به شخصیت و حرمت واقعی زن

ملت مسلمان ایران فرهنگ غرب را نمیپسندد و با آن فرهنگ تفاهم ندارد. ما معتقدیم که آنان علی‌رغم ترفندها و حیل‌های تبلیغاتی که به نام حمایت از زنان به راه انداختند، برای زنان شخصیت و حرمت واقعی قائل نیستند(2).

ص: 124

1- . در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد (1386/10/13)

2- . در دیدار با جمعی از بانوان کشور (73/9/2)

نگاه غرب به زن؛ نگاه منحط، ناقص و گمراه کننده

امروز غریبها خجالت نمیکشند و مسأله ی همجنس بازی را بعنوان يك ارزش مطرح میکنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانی اش میشیند، اما آنها خجالت نمیکشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه کننده و غلط. نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت بخش، کرامت بخش، رشد آفرین، استقلال دهنده ی به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکمترین ادله میتوانیم اثبات کنیم. (1)

ظلم به زن در تمدن غرب، علیرغم تبلیغات فریبر

امروز علیرغم تبلیغات فریبر تمدن غربی درباره ی سپردن نقشهای عمده به زن، زن همچنان گرفتار ستمی تاریخی و همه جایی است. (2)

ظلم به زنان در کشورهای غربی با همه ی ادعاهایی که نسبت به زنان دارند، اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. (3)

مفاهیم انسانی زن؛ تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی

امروز هم که دنیای تمدن غرب میخواهد آن عقب افتادگی بسیار ملامت انگیز خود در مورد مسأله ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران میکند. تصوّر من این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار میدهند؛ کماینکه از اول هم در اروپا همینطور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است. (4)

ص: 125

1- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (2/4/191)

2- . در دیدار با زنان مسلمان ایران و 9 کشور جهان (67/11/9)

3- . در جمع خواهران ارومیه (75/6/28)

4- . در دیدار با گروهی از زنان پزشك سراسر کشور (68/10/26)

دهها سال است که روی حقوق زن در دنیا شعار داده میشود و از چندین سال پیش که زنان در غرب حتی از ساده ترین حقوق اجتماعی محروم بودند، تعداد زیادی سازمان مربوط به زنان ایجاد شد و بحثهای زیادی در ارتباط با زن صورت گرفت و عده ای از زنان برجسته ی دنیا نیز در زمینه های سیاسی - فرهنگی به درجات بالایی رسیدند که این فکر را در جهان پدید آورده است که مسأله و مشکل زن، حل شده است و حضور زن در کنار مرد در بخشهای گوناگون جامعه بدون هیچ حفاظ، این اندیشه را تأیید کرده است. اما علیرغم این تبلیغات اگر ما به اعماق جوامع بشری که از جمله جوامع متمدن نظاره بکنیم میبینیم، واقعیت اینطور نیست و زن امروز همچنان در زیر بار ستم تحمیلی تاریخ قرار دارد. (1)

تعدی و اهانت به زن امریکایی، علیرغم شعار دفاع از حقوق زن

در چهره ای منافقانه و ریاکار شعارهای مردم پسند مانند حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر میدهند. در حالی که نام حقوق زن بر ضد جمهوری اسلامی تبلیغ میکنند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدی و سوء استفاده و اهانت است. (2)

آمار وحشتناک خشونت علیه زنان در غرب

در کشورهای غربی و از جمله امریکا که دم از تساوی حقوق زن و مرد میزنند آمار وحشتناکی از اعمال خشونت علیه زنان و سوء استفاده از زن در محیطهای مختلف وجود دارد؛ بنابراین با آنچه که در غرب اندیشیده شده است، مشکل زن قابل علاج نیست و با برداشتن حجاب از سر زن و اجتناب کردن از قیود شرعی، مشکل زن بدتر میشود، اما در مقابل آن، تلاش

ص: 126

1- . در کنگره ی بین المللی زن در انقلاب جهانی اسلام (67/11/8)

2- . در پیام به حجّاج بیت الله الحرام (77/12/28)

اسلام بر ایجاد محیطی سالم و مبتنی بر عقل و خرد است که در آن دست تطاول نسبت به ضعیف دراز نخواهد شد. (1)

سکوت مدعیان حقوق بشر در قبال تعرض به زنان در بوسنی

صربها و کرواتها اقوام مسلّحی هستند که غارت‌های شدید و کشتار کردند، نسبت به مردم مسلمان و مظلوم بوسنی، به غارت اموال و نیز تعرض به نوامیس آنان پرداختند و این در حالی است که مدعیان دفاع از حقوق بشر، حقوق زن، حقوق کودکان و حتی مدعیان حتی حمایت از حیوانات، تنها نظاره گر این جنایات بودند و تنها کاری که کردند با پوشش صلح طلبی، مانع از رسیدن اسلحه به مسلمانان تحت محاصره ی بوسنی شدند. (2)

نبود اخلاق و تهذیب؛ عامل بیشتر شدن ظلم به زن

شعارها و بافته های ذهنی غربیها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زنها میشده - که هنوز هم میشود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه ای از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم يك علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه ی اخلاق و قانون و تهذیب و تهذّب مردان است. اما امروز در غرب مطلقاً از این خبری نیست. آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهایی که الآن دارند میدهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهایی که ما اطلاع داریم، بیشتر است. بنابراین جلوی آن مشکل را هم نتوانستند بگیرند، از این طرف هم این همه ضایعه ایجاد کردند. (3)

ص: 127

1- . در دیدار گروهی از خواهران مسؤول، متخصص و هنرمند (74/8/22)

2- . در دیدار با مسؤولان و گروههای مختلف مردم (72/6/14)

3- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (13/86/4)

ارتباطات مبتذل؛ عامل دوری زن از مسائل اخلاقی و صحنه های سیاسی و فرهنگی

محتوای فرهنگ غربی مملو از اهانت به مقام زنان است. اکنون در بسیاری از مناطق دنیا مسأله ی ارتباطات زن و مرد بصورت مبتذل و سرگرم کننده درآمده و همین باعث دور شدن زن از مسائل اخلاقی و حضور فعال در صحنه های سیاسی و فرهنگی شده است و طبیعی است که اسلام با چنین مسأله ای مخالف است. (1)

زنان شکنجه گر در زندان ابوغریب؛ نشانگر فراموشی معنویت در فرهنگ غرب

شما میبینید يك مرد یا يك زن، با ظاهر آراسته و با شکل کاملاً مطلوب، که اگر کسی این مرد را در خیابان یا این زن را در يك فروشگاه ببیند، هیچگونه احساس بدبینی ای نسبت به روش اخلاقی آنها ندارد؛ اما همین مرد و همین زن در زندان ابوغریب بغداد به يك گرگ درنده تبدیل میشوند. زیرا این ظاهر انسانی تمیز، مرتب، ادکلن زده و و کراوات و پاپیون بسته، يك سگ وحشی خوابیده است. عکسهایی که از زندان ابوغریب منتشر شد، خواب رفته ترین لایه های اجتماعی جوامع غربی را هم تکان داد و بیدار کرد. شکنجه گر، يك زن - با احساسات لطیفی که يك زن باید داشته باشد - شکنجه شده، چندین مرد عراقی؛ جرم، مورد سوءظن قرار گرفتن؛ همین! و شکنجه، در حدّ اعلامی شناخت؛ و جامعه ای که این جنایت را مرتکب شده است، يك جامعه ی پیشرفته ی علمی، صنعتی، مدنی، پُرادعا و مدّعی رهبری بشریت! وقتی رگه ی هدایت معنوی و جریان متفقد فرهنگی سالم در جامعه ای غایب بود، نتیجه این میشود؛ گناه بزرگ تمدن غربی همین بود. (2)

ص: 128

1- . در کنگره ی بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (66/11/17)

2- . در دیدار با طلاب و اساتید مدرسه ی علمیّه ی آیت الله مجتهدی (83/3/21)

اینها توانسته اند با کمک ابزارهای پیشرفته ی تبلیغاتی و ارتباطاتی - با همین تلویزیون، با همین هنر، با همین هالیوود، با همین بازیهای اینترنتی و رایانه ای، با همین ارتباطات سریع در دنیا - سر بشریت را کلاه بگذارند. ادعای تمدن میکنند، اما تمدن ندارند؛ واقعاً وحشی محض هستند. قبلاً گفتم؛ خانم جوان مرتب منظمی وقتی در خیابان راه برود، میگویند آزار او به مورچه هم نمیرسد؛ اما شما ناگهان این خانم جوان را در زندان ابوغریب پیدا میکنید؛ با دست خودش مرد عراقی را شکنجه میکند و قهقهه سر میدهد و با خونسردی آدم میکشد! يك وقت کسی عصبانی میشود و آدم میکشد؛ نه، اینها با خونسردی و در حال قهقهه آدم میکشند و ادعای دموکراسی هم میکنند! اینها با جبارترین حکومتها، حکومتهای کودتایی، حکومتهای نظامی و حکومتهایی مثل حکومت محمدرضا پهلوی، در عین استبداد، چون در خدمت آنها و منافع آنها هستند، نه تنها مخالفت نمیکنند، اصلاً از آنها حمایت هم میکنند. (1)

2-2 - التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب

جوابگویی غرب به اهل اندیشه بخاطر حرکت به سمت برهنگی

نظام اسلامی در برخورد با مسأله ی زن از دنیا جلو است، دنیا باید جواب بدهد به انسانهای اهل اندیشه و مغزهای فعال و فهیم که چرا به نیمی از موجود بشری به چشم يك شئی ای که از آن باید تمتع برده شود نگاه میکنند و فضای شهوت آلود به وجود می آورند، همه ی محیطها را بدینوسیله از معنویت و سلامت می اندازند، آنها باید جواب بدهند. غرب باید جواب بدهد که چرا بر خلاف طبیعت انسانی به سمت برهنگی پیش رفته است، جوامع را اینجور متلاشی کرده است. خانواده ها را از بین برده است، بر خلاف فطرت انسانی عمل کرده است. (2)

ص: 129

1- . در دیدار با علما و روحانیان استان همدان (83/4/15)

2- . در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (74/9/16)

ما وقتی به نام زن سخن میگوییم و به دفاع از زن میپردازیم، چه شعارهایی را مطرح میسازیم، چه چیزی را مطالبه میکنیم و برای چه چیزی تلاش مینماییم؟ این هم خیلی مهم است. در اینجا هم روش اسلامی - یعنی آن چیزی که از مباحث اسلامی درباره ی زن و تعاریف اسلامی و معارف اسلامی میشود فهمید - با آن چیزی که امروز در غرب وجود دارد، متفاوت است. آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه ی اول آزادی زن است. آزادی، معنای وسیعی را شامل میشود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم يك قيد و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوء استفاده ی کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه میکشد و هم شامل آزادی از قوانینی است که زن را در مقابل شوهر، متعهد میکند. آزادی، به همه ی این معانی میتواند باشد. کما اینکه در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواستها هست، که بعضی با یکدیگر بکلی متناقضند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است یعنی آزادی از قيد و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار بگیرد نه آزادی به معنای صحیح آن؛ لذا شما ببینید جزو حرفهایی که در دنیای غرب زده میشود، مسأله ی آزادی سقط جنین است که این نکته ی بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد؛ اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمّر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه ای است که در غرب غالباً مطرح میشود؛ لذا میگویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در يك مطالبه ی صحیح و مبارزه ی صحیح، هدف نمیتواند این معنای وسیعی باشد که يك بخش آن قطعاً مضرّ

است؛ اگر چه ممکن است بخشهای مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسبتر، صحیحتر و گره گشایتر گشت. (1)

مفهوم آزادی زن در غرب

وقتی که در محیط غرب، آزادی زن گفته میشود - با توجه به فرهنگ غرب و برداشت غرب از مسأله ی زن - به هیچ وجه به معنای این نیست که زن آزاد باشد درس بخواند؛ یا زن آزاد باشد در فعالیت سیاسی ورود پیدا کند؛ یا زن آزاد باشد برای اینکه بتواند با اموال خود کار کند. اصلاً مراد از آزادی زن این نیست. آزادی زن، یعنی آزادی جنسی؛ آزادی بی بندوباری؛ زن بتواند در آن چیزهایی که منتهی به مسائل جنسی و شهوانی است، آزادانه رفتار کند و دیگران هم بتوانند با زن آزادانه برخورد کنند. مفهوم آزادی زن در غرب این است. آنها میگویند در ایران اسلامی، آزادی نیست. آری؛ به این معنا البته که آزادی نیست. (2)

نگاه التذادی به زن؛ ریشه در فرهنگ اروپایی

در مغرب زمین، تفکر و درکی نسبت به زن وجود دارد که خاستگاه و زادگاه آن، همان اروپاست. به هر جای دیگر هم رفته، از اروپا رفته است. البته این نکته هم وجود دارد که صهیونیستها فرهنگ غلط برخورد با زن و برداشت از جنس زن را ترویج میکنند. ممکن است اینطور باشد؛ اما صهیونیستها به وجود آورنده ی آن نیستند. صهیونیستها، به اصطلاح، استفاده کننده و بهره برداری کننده از این روحیه و این فرهنگ به حساب می آیند. این فرهنگ، از آن اروپاست. ما وقتی به تاریخ اروپا نگاه میکنیم و هر چه عقب میرویم، این فرهنگ در کتابهای تاریخ اروپا، به خصوص در کتابهای هنری و رمانهای مربوط به وضع مغرب زمین، کاملاً برجسته

ص: 131

1- . در همایش بزرگ خواهران، به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . در دیدار با ائمه ی جمعه ی سراسر کشور (79/7/11)

است. برخورد آنها با زن، برخورد ویژه ای است. برخوردی است که اسلام آن را رد میکند. بر مبنای این فرهنگ غلط، جنس مرد اجازه پیدا میکند که از جنس زن، به هر شکلی التذاذ ببرد. اصلاً هدف این است. این، از فرهنگ روم قدیم و امپراطوری روم، به شکل‌های مختلف، از آن وقت وجود دارد. يك وقت زنی از طبقه ی اشراف است؛ این نسبت و این رابطه با او، در يك سطح است. يك وقت يك زن رعیت است؛ يك وقت زنی فقیر است؛ يك وقت زنی بیسواد است؛ برخورد با هر يك متناسب با حال اوست. البته بدیهی است که این نحو سوء استفاده از زن، گاهی همراه با نوعی تملق گفتن نسبت به اوست. اما این تملق گفتن، به هیچ وجه به معنای احترام و تکریم واقعی نیست. این، اهانت واقعی است که مثالهای روشن و واضحی دارد و نمیخواهم وارد آنها شوم. بعضی از آنها شاید از تأدب هم خارج باشد. چه، اینها واقعیاتی است. من خواهش میکنم شما خانمها به این قضیه فکر کنید و آن مثالهای روشن و واضح را پیدا کنید و به زنان تفهیم نمایید. (1)

افزایش زن آزاری با جوشش شهوت جنسی در غرب

اساس فرهنگ غرب این است که زن را بعنوان يك کالا، بعنوان يك وسیله ی تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریص بر عریان گرایی به این جهت است. در غرب، زن آزاری در طول صد سال و دو بیست سال گذشته افزایش پیدا کرده است، کاهش پیدا نکرده است. آزادی جنسی و بی بند و باری جنسی در غرب موجب نشده است که دیگر شهوت بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتد. قبلاً اینجور تبلیغ میکردند، میگفتند بگذارید زن و مرد در جامعه روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی کم بشود؛ عملاً معلوم شد که قضیه بعکس است. هر چه آزادی روابط زن و مرد در جامعه بیشتر بشود، با وضعی که به وجود آوردند، حرص شهوانی بشر بیشتر میشود. (2)

ص: 132

1- . در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (2/04/191)

در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها میخواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمیخواهد زن عالم باشد؛ آنها میخواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه‌ی اجتماعی باشد، ولی اسلام نمیخواهد؛ قضیه این نیست اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، میبینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همینطور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است. الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاییده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم اینطور بود که زن وسیله‌ای برای تکلیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را میخواهند؛ حرف اصلی غربیها این است. (1)

بساط آزادی غربی؛ قراردادن زن بعنوان ابزار لذت جویی مردان

بساط آن چیزی که امروز بعنوان آزادی زن در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است، بر این پایه است که زن را در معرض دید مرد قرار بدهند تا مردان از آنها تمتعات جنسی و لذت ببرند و زن‌ها وسیله‌ی التذاذ مردان بشوند. آنها به این، آزادی زن میگویند. آیا این آزادی زن است؟ آن کسانی که در دنیای جاهل، غافل و گمراه غربی ادعا میکنند طرفدار حقوق بشر و حقوق زن هستند، در حقیقت ستمکاران به زن هستند. (2)

سلب حجاب و عفاف به اسم آزادی

اگر شما بگویید این ستم بر زن در کشورهای غربی، اروپایی، امریکا

ص: 133

1- . در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) (70/8/22)

2- . در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن (71/9/25)

وارد نمیشود، بحثی نداریم باید تحقیق کنیم. واقعیت این است که چنین ستمی وجود دارد. اگر بگویید این ستم قابل برطرف کردن نیست، ما این را رد میکنیم. ما تفکر اسلامی را داریم که ستم را بر زن تقبیح میکند و منفور می‌شمارد. مجبوریم سراغ راز قضیه بگردیم چرا؟ اگر بگوییم همین آزادی گونه چیزی، این چیزی که اسمش را آزادی زن گذاشتند - که ما بطور قاطع با این نامگذاری مخالفیم - که در غرب وجود دارد که این اسمش آزادی نیست. آنچه که در غرب ترویج میشود و در جهان سوم هم بشدت روی آن کار میشود؛ آن برداشتن حفاظ و حجاب میان زن و مرد است، آمیختن زن و مرد است، عریان کردن زن از پوشش حجب و عفاف است که فطری اوست. و باید زحمت بکشند آن را از او بگیرند، تلاش میشود برای سلب این، این اسمش آزادی نیست. اگر این را کسی دلیل بشمارد بر اینکه امروز وضع زن در دنیا خوب است این را ما بشدت انکار میکنیم؛ زیرا که برای زن مسأله ی اول این نیست که در خیابان و محیط اجتماعی و رفت و آمدها و مراکز گوناگون در کنار مرد و با مرد باشد یا نباشد. (1)

ظلم و تحقیر زن در غرب به اسم آزادی

از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربیها درباره ی مسأله ی زن در کشور میگویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسأله ی زن، از غرب طلبکاریم؛ ما مدعی غربیم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم میکنند، زن را تحقیر میکنند، جایگاه زن را پایین می آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسؤلیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار میدهند؛ آنها باید جواب بدهند. (2)

ص: 134

1- . در کنگره ی بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام در تالار تئاتر شهر (67/11/8)

2- . در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

آن روز که اروپاییها تازه صنایع را به وجود آورده بودند (اوایل قرن نوزدهم) و سرمایه داران غربی و کارخانجات فراوان را اختراع کرده بودند، احتیاج به نیروهای کار ارزان، بی توقع و کم در دسر داشتند و لذا زمزمه آزادی زن را بلند کردند؛ برای اینکه زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه ها بکشانند و بعنوان يك کارگر ارزان از او استفاده نموده و جیبهای خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیاندازند. امروز آنچه که بعنوان آزادی زن در غرب مطرح است، دنباله ی همان داستان و ماجراست. لذا ظلمی که به زن در فرهنگ غربی شد و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخی بی سابقه است. در گذشته ی تاریخ هم به زن ظلم شده است؛ اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه گیر مخصوص دوران اخیر است و ناشی از تمدن غرب است که زن را بعنوان وسیله ی التذاذ مردان معرفی کرده اند و اسمش را گذاشتند آزادی زن! در حالی که در واقع آزادی مردان هرزه بود برای تمتع از زن. (1)

نام دروغین آزادی بر نگاه اهانت آمیز غرب به زن

يك مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه ی مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن يك نگاه اهانت آمیز است. اسم آن را آزادی میگذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. غربیها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه ی جنایات خود نامهای زیبا گذاشتند. اگر قتل کردند، اگر غارت کردند، اگر به بردگی کشیدند، اگر ثروتهای ملتها را مصادره کردند، اگر جنگهای تحمیلی میان ملتها به وجود آوردند و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه ی اینها نامهای خوش ظاهر و فریبنده گذاشتند؛ نام آزادی طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهتگیری

ص: 135

1- . در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن (71/9/25)

فرهنگ غربی نسبت به زنان است، يك نام دروغین است؛ این، آزادی نیست. (1)

نگاه ابزاری به زن؛ چشم نواز بودن برای مرد

همیشه به شکل غلطی در نظامهای طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همینجور است. حالا عدّه ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظامهای غربی، شخصیت‌های برجسته و محترم و پاکیزه ای ممکن است در بیایند، لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت آمیز است. از نظر غرب، علّت اینکه شما نباید توی چادر باشید، نباید حجاب داشته باشید، این نیست که آزاد باشید. شما دارید میگویید من با حجاب هم آزادی دارم. او چیز دیگری مورد نظرش است؛ زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، میخواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لُفّاف تعارف آمیز این را بپوشانند و اسمهای دیگری رویش بگذارند. (2)

بهره برداری نفسانی و سوء استفاده از جاذبه ی فیزیکی زن

در جهان امروز که زن، تنها بعنوان يك وسیله و ابزار برای تأمین تمایلات شهوانی استفاده میشود، لازم است دیدگاههای اسلام در مورد مسائل زن و بویژه در مورد مسأله ی حجاب و روابط این دو جنس تدوین شود و به دنیا فهمانده شود که جمهوری اسلامی که از اسلام می آموزد و با آن حرف میزند چه میگوید. بدون شك آنچه که در دنیا بویژه در غرب بعنوان آزادی زن مطرح میشود، چیزی جز سوق دادن این قشر به سمت بهره برداریهای نفسانی نیست. در فرهنگ فاسد غرب به زن میدان نمیدهند

ص: 136

1- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (19/4/12)

2- . در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (77/7/28)

که استعدادهایش شکوفا شود؛ آنها میخواهند از خصوصیات فیزیکی زن و جاذبه ای که این جنس از نظر فیزیکی دارد سوء استفاده کنند. اسلام آن روزها که حقوق مختلفه زن را مطرح کرد و تعالیم را ارائه داد، زن در ظلمت تاریخ فرو رفته بود، اسلام نوری بود که در ظلمت تاریخ درخشید. (1)

حرفهای جذاب بر مبنای جنس زن؛ وسیله ی التذاذ برای جنس مرد

آنهایی که به حجاب و به جدایی مرز معاشرت زن و مرد بشدت اعتراض میکنند، یکی از مهمترین حرفهایشان این است که شما زن را محدود میکنید، نمیگذارید که زیباییهای خودش را در معرض دید افراد قرار بدهد، زن زیباست میخواهد زیبایی خودش را نشان بدهد، میخواهد جاذبه های خودش را در منظر دید افراد بگذارد. این يك حرف پذیرفته شده در دنیا است که باید زن جاذبه های خودش را در اختیار دید مردان بگذارد، این معنایش چیه؟ آیا این معنایش این نیست که در اعماق ذات آن فرهنگ اروپایی همان برداشت قدیمی و باستانی تمدن رومی از زن مستتر است و وجود دارد؟ زن هنوز آن است، اسلام اینجا راه پیدا نکرده. در دیدگاه فرهنگ غربی با همه ی این هیاهویی که راه میاندازند و با همه ی این بوق و طبعی که بر سر مسائل زن و حقوق زن زدند و میزنند وقتی به اعماق بیش آنها شما مراجعه میکنید میبینید که بله باز هم در عمق وجدان و احساس خودشان زن را بعنوان يك وسیله ی التذاذی برای مرد میخواهند، نه زن را برای همسر خودش، جنس زن را برای جنس مرد و این بزرگترین اهانت به زن است. (2)

بزرگترین ضربه و اهانت به زن در سیاستهای غربی

عقیده ی من این است که بیشترین جریمه ی غرب در مسأله ی زن

ص: 137

1- . در پیام به مناسبت سمینار کوثر (65/11/30)

2- . در دیدار با عده ای از پرستاران و گروههایی از خواهران به مناسبت روز پرستار (65/10/15)

و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با يك جمله و دو جمله نمیشود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام میدهد. همین فمینیستهای افراطی هم - که خب، لایه های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه میزنند. حالا - من حیث لایشعر که میگوییم، نگاه خوشبینانه است - یعنی اینهایی که دست اندرکارند، ظاهراً نمیفهمند چه کار دارند میکنند - احتمال دارد سیاستگذارانی، برنامه ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها میفهمند دارند چه کار میکنند؛ کما اینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صهیونیسم کاملاً پیش بینی شده. یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهري برای استفاده ی شهوانی مرد قراردادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحّت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه میکند، میبیند عملاً همین کار را میکنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام میدهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند میکنند. زن را ضایع میکنند. یعنی آنچنان رسم و عرف و عادت لایتخلف شده که کسانی جرأت نمیکند برخلاف آن رفتار کنند. در يك مجلس رسمی، يك مرد باید با لباس رسمی بیاید؛ پایون بزند، یقه اش بسته باشد، آستینش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارك بپوشد، نه اجازه دارد تی شرت بپوشد؛ اما يك خانم در همان جلسه ی رسمی، حتماً بایستی بخشهای مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده ی کامل بیاید، محلّ اشکال است؛ اگر بدون جذابیتها بیاید، محلّ اشکال است؛ اگر آرایش نکرده بیاید، محلّ اشکال است! این شده عرف. افتخار هم میکنند. در غرب، به خصوص در امریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکانندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه ها و مجلات هم تبلیغ میشود، هیچکس هم اعتراض نمیکند! این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را

میگویم، و کشورهای که دنباله رو آنهایند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که دارند میزنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه‌ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر میبرد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است. (1)

وسيله ی التذاذ و شهوترانی؛ بزرگترین اهانت به زن

در مسأله‌ی زن هم موضع شما تدافعی نیست؛ تهاجمی است. آنها اعتراضشان به ما این است که چرا زنهایتان حجاب دارند؛ چرا حجاب اجباری است. خود آنها هم بی حجابی را اجباری کردند؛ این به آن در! اما مسأله‌ی آنها در قضیه‌ی زن خیلی بیشتر از این حرفهاست. زن در فرهنگ و دنیای غربی به ابتذال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. اینکه زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه به شانه، بشینند، جبران آن لطمه‌هایی را که غربیها به زن وارد کرده اند، نمیکنند. از زن بعنوان یک وسیله‌ی التذاذ و شهوترانی استفاده کرده اند. آنها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا مردها او را پسندند؛ این بزرگترین اهانت به زن است. شما حرف دارید و در این قضایا مدعی هستید. (2)

بالاترین اهانتها به زن در تمدن غرب

در طول تاریخ، زن همیشه مظلوم واقع شده حتی در تمدنهایی که معتقدند زن و مرد دارای حقوق برابرنند، به زن بالاترین اهانتها شده است. طراحان تمدن و فرهنگ حاکم بر جوامع غربی با دیدگاههای مادی خود از انسان جز غرایز مادی شان چیزی نمیفهمند. (3)

ص: 139

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه (5/25/83)

3- . در دیدار با گروهی از بانوان (63/12/21)

بعضاً دیده میشود که زن در جامعه ی غربی به نحوی از انحاء تکریم میشود. مثلاً وقتی ستاره های سینما، هنرپیشه ها و زنان زیبای مسابقات زیبایی را احترام میکنند، این، از آن نوع تکریم است. تکریم در مقام اهانت؛ اهانت به شکل تکریم، که مثالهای واضحی در زندگی خصوصی افراد دارد و انسان میتواند آن را پیدا کند و بفهمد که «اهانت در شکل تکریم» و «تکریم در شکل اهانت» یعنی چه. تکریم با معنای اهانت، یکی از مشکلات قضیه است. (1)

جلوه گری زن؛ تجلیل یا تحقیر

دنیای فاسد غرب خواستند زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم نواز باشد. این شد شخصیت برای يك زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ غرب مست دیوانه ی از همه جا بیخبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را بعنوان این تجلیل از زن علم کرد؛ يك عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای يك زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. (2)

خیانت آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان

ما از دنیا طلبکاریم. دنیا که عرض میکنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا خطاب میکنیم و میگوییم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده ای با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن

ص: 140

1- . در دیدار با عده ای از پرستاران (65/10/15)

2- . در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه (89/2/1)

و دامن زدن به آتش زیاده رویهای جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه، با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان. (1)

تشویق به آرایش و تبرج در مقابل مرد؛ نشانه‌ی مردسالاری غربی

یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا میگویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری، لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق میکنند، البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره مند نبودند، از دورانهای قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربیها هم مظهر اعلاای این بودند. (2)

جلوه‌گری و زیبایی‌فروشی زن؛ مقبولتر از تفکر، علم و اخلاق او

امروز خانمهای بزرگ، متفکر، اندیشمند، عالم، با اخلاق، خوب در دنیا زیادند، در این حرفی نیست، اما نگاه فرهنگ و تمدن رایج دنیا به زن، آن نگاه نیست. شما بروید پرسید از با فرهنگترین انسانهایی که در محیطهای غربی زندگی میکنند، ببینید از کدام بیشتر خوشش می‌آید، از آن زن عالم فاضل مخترع مکتشف توانای بر مثلاً یک معجزه‌ی علمی اما بدون داشتن هیچیک از جذابیتهای زن غربی پسند، یا یک خانم بیسواد بی فرهنگ اما دارای آن جذابیتها یک ستاره‌ی مثلاً فرض کنید فلان جور سینما، ببینید کدام را در میزان وجدان خودش ترجیح میدهد. این حقیقت تلخی است که امروز دنیا به آن دچار هست که زن در فرهنگ غربی قیمت واقعی خودش را ندارد، برای زن خودنمایی و جلوه‌گری و زیبایی‌فروشی، یک شرط حتمی شخصیت است. (3)

ص: 141

1- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (13/86/4)

2- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

3- . در دیدار با عده‌ای از پرستاران (65/10/15)

تمدن غرب از یکسو زن را مانند بیشتر ادوار تاریخ، طرف ضعیف و مغلوب در مجموعه ی خانواده و جامعه دانسته و نگهداشته و از سوی دیگر با تحمیل فرهنگ برهنگی، دست تطاول جنس مرد را به شخصیت وی گشوده و با کمال تأسف او را در موارد زیادی در حدّ يك وسيله ی التذاذ تنزل داده است. (1)

خیانت و ضرر فرهنگ غرب؛ بی بند و باری و ابتذال زنانه

غریبها درباره ی جنس زن باید پاسخگو باشند، آنها به زن خیانت کردند، تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی و سیاسی و فکری دیده میشود، مال خود زنهاست. هر جا اینجور چیزها پیش می آید، در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم پیش آمده است. مال خود زنهاست. آنچه که غریبها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه گذار این خشت کج و بنای کج بود، بی بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده اند. داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده اند. مکرر در مطبوعات امریکایی و اروپایی میزان بالای زن آزارها و شکنجه ها و بی مهریها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق موجب شده است که خانواده سست شود. بنیان خانواده متزلزل شود، زن و مرد در داخل خانواده خیانت به یکدیگر برایشان خیلی مهم شمرده نشود، این گناه نیست؟ با این فرهنگ از همه دنیا هم طلبکارند. در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان نباید در موضع مدافع قرار بگیرد، باید از خودش دفاع کند. باید توضیح بدهد، اما غلبه و سلطه ی سرمایه داری و رسانه های مستکبر جبار غربی قضیه را برعکس میکنند. آنها میشوند طلبکار، آنها میشوند مدافع حقوق زن به قول خودشان در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غریبها هم مسلماً متفکرانی، فلاسفه ای، انسانهای صادق

ص: 142

و صالحی هستند که صادقانه فکر میکنند و حرف میزنند. آنچه که من میگویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه اوست. (1)

حاصل سیاست غرب؛ ابتلاء به همجنس گرایی و سوء استفاده جنسی از زن

الآن مسأله ی همجنس گرایی در دنیای غرب یکی از ابتلائات است. البته به رو نمی آورند؛ اما حقیقت قضیه این است که امروز برای اندیشمندان و آنها یکی از دردهای بزرگ و غیر قابل علاج شده است؛ چاره ای هم ندارند. آنطور حرکت کردن، آنطور ادبیات پرده درانه و عریان در زمینه ی مسائل جنسی و ارتباط زن و مردم را به میان آوردن، آنطور جنس زن را - یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای کار، به میدان کشاندن، از لبخند او، از زیباییهای او، از جسم او، از چهره ی او برای ترویج فلان جنس بی ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد؛ طبیعی است. این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاستهای غربی کرده اند؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست؛ مربوط به سیاستهای جدیدی است که از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمیتوانم عرض کنم - در دنیا رایج شده. شما ادبیات کشورهای اروپایی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه که در قرن بیستم و در نوشته ها و ادبیات قرن بیستم، انسان میبند نسبت به زن، آنها پیگیری کرده اند. آن روز نگاهشان، نگاه نجیبانه تر، شرم آلودتر و متناسبتتر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم میشود این کار سیاسی حالا - از طرف صهیونیستها بوده، از طرف دستگاههای استعمارگر بوده؛ اینها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همینطور بتدریج روز به روز شدت پیدا کرده تا به وضعی که امروز ملاحظه میکنید، رسیده. بنابراین دنیای غرب باید پاسخگو

ص: 143

باشد؛ چون به زن ضربه زده اند؛ به حقوق زن تجاوز کرده اند؛ ارزش زن را تنزل داده اند؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده اند. این مطلبی است که ما داریم. (1)

ارتباط راحت زن و مرد در اجتماع؛ بزرگترین ضربه برای زن

يك چیزی در غرب هست که این چشمها را پر میکند و آن اینکه در جامعه، زن و مرد از لحاظ رفتارهای اجتماعی، با هم تفاوتی ندارند؛ یعنی همچنانکه در يك جلسه، مردی وارد میشود، سلام علیکم و احوالپرسی میکند و جزو جمعیت میشود! زن هم با همان راحتی وارد میشود و جزو جمعیت میشود. یعنی هیچگونه تبعیضی در رفتارها از این جهت، بین زن و مرد وجود ندارد. توجه کردید! این، چشم همه را میگیرد. انسان میبندد يك وضع خوبی است؛ همه هم از این وضع خوششان می آید. یعنی حتی آن کسانی که به دلایل منطقی با این مخالفند، میبینند چیز بدی نیست! در يك مجموعه، مثل دو بیگانه به هم نگاه نمیکنند، مثل خواهر و برادر که در خانه وارد میشوند، با هم سلام و علیک دارند و زندگی میکنند! زن و مرد در غرب، اینگونه با هم برخورد میکنند. این، يك نقطه ی مثبت، ولی سطحی و ظاهری است؛ در کنار این، نقاط منفی فراوانی وجود دارد.

کسی که قطعاً به او ظلم میشود، زن است؛ زیرا مردی که همسر این زن است، با زنهاى متعدّد دیگری ارتباطات عاطفی و جنسی دارد. ارتباطات کاملاً خودمانی و صمیمی دارد که کمتر از آن را با عیال خودش ندارد! این برای زن بزرگترین ضربه است. (2)

معاشرت یکسان زن و مرد در غرب؛ عملی فریبنده و نادرست

غریبها به لحاظ رفتار و معاشرت، میان زن و مرد تفاوتی قائل نیستند

ص: 144

1- . در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (13/04/86)

2- . در دیدار با زنان نماینده ی مجلس (76/4/30)

که ظاهر این کار، فریبنده و باطن آن منفی و نادرست است. اسلام وجود حجاب بین زن و مرد و رعایت برخی محدودیتها را در این زمینه ضروری میدانند، اما با ظلم و ستم نسبت به زن و استفاده های ظالمانه از زنان که در کشورهای غربی و به خصوص امریکا و برخی از کشورهای اروپایی به مراتب شدیدتر است، مبارزه و مقابله میکند. (1)

التذاذ از زن در جامعه؛ عامل تزلزل خانواده و بی حرمتی به زن

در غرب بنیاد خانواده متزلزل است و روابط سرد، میان زن و شوهر حکمفرماست و از سوی دیگر در سطح جامعه ی غربی نیز زن بعنوان يك شخصیت مستقل بلکه بعنوان وسیله ای برای التذاذ مردان است و روال کلی بر این است که زن در این جوامع از هیچ تکریم ویژه ای برخوردار نیست و عرف فرهنگ غرب چنین چیزی را اقتضا میکند. (2)

تَلذُّذ از زن در اجتماع و زن آزاری در خانواده

این غریبهایی که میبینید اینقدر جنجال میکنند و سر مسأله ی زن اینقدر بازی در می آورند، همینجا گرفتارند. میگویند ما احترام زن را نگه میداریم. بله احترام زن را توی مجالس رسمی و توی فروشگاهها و خیابانها نگه میدارند آن هم به معنای تَلذُّذ از او. اما توی خانواده هم شوهر با زنش همینطور است؟ چقدر زن آزاری، چقدر کتک زدن زنها به دست مردها، چقدر فاجعه آفرینی در داخل خانه، قلدرمایی و... (3)

3-2 - سوء استفاده ی اقتصادی از زن در غرب

صدور اَدْعَانامه علیه غرب پول پرست در اهانت به زن

يك بازنگری در شخصیت زن بایستی بشود، يك اَدْعَانامه علیه کسانی که

ص: 145

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/5/14)

2- . در دیدار عمومی خواهران در هفته ی زن (72/9/17)

3- . در خطبه ی عقد (79/6/28)

در طول این دهه های اخیر در دنیا با سیاستهای غلط خودشان یا مغرضانه خودشان نسبت به زنان اهانت کردند بایستی صادر بشود و متهم در این ادعانامه در درجه ی اول فرهنگ غربی و سردمدارانش هستند. آنوقتی غرب، غرب پول پرست، غرب سرمایه پرست، غرب مادی ب فکر حق مالکیت برای زن افتاد و حق کار کردن که کارخانه ها احتیاج پیدا کردند به کارگر زن. قبل از این چنین حقی در اروپا به زن داده نمیشد. آنوقتی مسأله ی حق رأی را برای زنان در محیطهای اروپای رایج کردند که کمپانیهای رأی سازی که به اتکای قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی جامعه را در دست داشتند احساس کردند که به آراء زنان احتیاج دارند و ناچارند که آراء آنها را مورد استفاده قرار بدهند یعنی آنچه انجام گرفته تابع روح ماده پرستی بود و این فرهنگ غربی است متأسفانه. فرهنگ غربی اینجوری است. ما با فرهنگ غربی هیچ دشمنی بخصوصی نداریم. به مناسبت اینکه مال يك نقطه ی دیگر عالم است یا به هر دلیل دیگر، ما در فرهنگ غربی ممکن است نقاط مثبتی هم پیدا کنیم آن نقاط مثبت را قبول خواهیم کرد. اینجوری تلقی نشود که ما نشستیم فقط برای انتقاد کردن از فرهنگ غربی. نه ما برای اثبات حقانیت آن فرهنگی که اسلام ارائه میکند احتیاج به این نداریم که این یا آن را تخطئه بکنیم اما انصاف را وقتی مطالعه میکنیم در آنچه که واقع شده و در جامعه ی انسانی رفته از قبل این فرهنگ غربی وقتی مطالعه میکنیم و نگاه میکنیم احساس میکنیم که حقیقتاً عناصر مضرّ و مخربّ فراوانی در این فرهنگ هست، با او مبارزه میکنیم و مهمترینش آن چیزهایی است که مربوط به زن هست. (1)

زن؛ قربانی تمدن صنعتی غرب

اصلاً در دنیای صنعتی، وارد کردن زن در صحنه های اجتماعی تا حدود زیادی انگیزه های اقتصادی داشت. همینطور که میدانید و این در کتابها و

ص: 146

مقالات و نوشته هایی که درباره ی زن نوشته شده تحلیل شده، سالهاست حالا دهها سال است که این مسأله گفته شده و جزو واضحات است. علت اینکه در انگلیس و در فرانسه و در کشورهای غربی کلاً برای زن حقوقی شناختند که تا اوایل قرن نوزدهم برای زن حقوقی قائل نبودند و زن مقهور مطلق دست مرد بود در تمدن اروپایی. علت اینکه برای او حقوقی شناختند، حق رأی، حق مالکیتی، حق تصرفی این بود که او میتواند یک بازوی کاری ارزانی باشد برای این صناعی که تازه به شکوفایی داشت میرسید، یعنی زن در حقیقت قربانی تمدن صنعتی شد در اروپا. این یک چیزی است که کاملاً روشن و مشخص است. (1)

نداشتن حق مالکیت زنان در غرب تا اوایل قرن بیستم

تا اوایل این سده یعنی تا دهه های دوم و سوم همین قرن میلادی در کشورهای غربی، زنان مالکیت به معنای حقیقی نداشتند! یعنی زنی که شوهر میکرد بدون اجازه شوهرش نمیتوانست در ثروت خود تصرف بکند. این را با احکام اسلامی مقایسه کنید که زنان را مستقل میداند. مگر شوهر حق دارد که به زن بگوید تو در مال خودت این کار را نکن، این کار را نکن، این تصرف را نکن؟ در اسلام چنین حقی به شوهر داده نشده است. (2)

نیاز به کارگر ارزان؛ عامل اعطای حق مالکیت به زن در غرب

بانوان گرامی؛ بخصوص زنان جوان که میخواهند در این زمینه ها فکر بکنند، درست توجه کنند. نکته ی مهم این است که حتی آن وقتی که در اروپا برای زن حق مالکیت معین شد طبق بررسی موشکافانه جامعه شناسان خود اروپا بخاطر این بود که کارخانه ها که تازه بساط تکنولوژی مدرن و صنعت در غرب به راه افتاده بود، احتیاج به کارگر داشتند، اما کارگر کم بود؛

ص: 147

1- . در سمینار نقش زن در جامعه ی در دانشگاه تربیت معلّم (64/12/10)

2- . در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) (76/3/14)

احتیاج به کارگر زیادی داشتند، برای اینکه زنان را به کارخانجات بکشاند و از نیروی کار آنها استفاده کنند، که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان میدادند؛ لذا اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است!⁽¹⁾

غرب و ممنوعیت حق تصرف زنان در اموال خود

ما از دنیای غرب، که آمدند زن بشری را در طول دوره های گذشته تا امروز اینقدر مورد تحقیر قرار دادند، طلبکاریم. شما ببینید در اروپا و در کشورهای غربی، تا اندکی پیش، زنان حقوق مالی مستقلی نداشتند. من يك وقت بدقت آمارش را استخراج کردم و در صحبتی ظاهراً در نماز جمعه ی چهار، پنج سال پیش از این بود⁽²⁾ آن را مطرح کردم. مثلاً تا اوایل قرن بیستم، با همه ی آن ادعاهایی که شده است، با آن کشف حجاب عجیب و غریبی که در غرب روز به روز هم بیشتر شده، با آن اختلاط جنسی بی نهایت و بی مهار که خیال میکنند این احترام کردن و ارزش دادن به زن است در عین حال زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده، آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر، مالک دارایی خودش نبوده است. یعنی زنی که ازدواج میکرد، ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود، خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند، تا اینکه بتدریج حق مالکیت و حق کار، تا اوایل قرن بیستم به زنان داده شد. یعنی این مسأله ای که جزو اولی ترین حقوق بشری است، از زن دریغ داشتند؛ اما فشار و تکیه بیشتر را روی آن مسأله ای گذاشتند که درست نقطه ی مقابل مسائل ارزشی واقعی است که در اسلام به آن اهتمام شده است. اینکه ما حالا در باب حجاب این همه تأکید داریم، علتش این است.⁽³⁾

ص: 148

- 1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)
- 2- . در خطبه های نماز جمعه (65/5/10، 65/5/17، 65/5/31، 65/7/18، 65/8/9)
- 3- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی (70/10/4)

زن؛ وسیله ی سوداگری سرمایه داری غرب

موضوع زن در طول سالهای متمادی دستمایه ای شده است در دست سوداگران همه ی ارزشهای انسان در دنیا و در رسانه های جمعی عالم. آن کسانی که نه برای زن، نه برای جنس انسان، نه برای کرامتهای انسانی، جز در محاسبه با پول ارزشی قائل نیستند، که متأسفانه در تمدن کنونی مغرب نقش مهمی را در همه ی عرصه ها ایفا میکنند؛ مسأله ی زن را هم برای خودشان در میدانهای مختلف بصورت يك سرمایه، بصورت يك وسیله سودگرای درآوردند. روی آن بحث میکنند، فرهنگسازی میکنند، تبلیغ میکنند، ذهنهای مرد و زن همه ی دنیا را بر سر دوراهی يك وسوسه و گمراهی بزرگ قرار میدهند. (1)

ارزشگذاری به آرایش، مد و تفاخرها جهت جذب منافع مادی شرکتها

خوشبختانه زنان ما این را نشان دادند که هنگام مبارزه میتوانند محور مبارزه قرار گیرند. این را، هم در دوران انقلاب و هم در دوران جنگ و تا امروز نشان داده اند. آنچه در این میان جایی ندارد یا جای زیادی ندارد، پرداختن به ارزشهای پوچ و خیالی و بیهوده است؛ چیزهایی که متأسفانه در جوامع زنان دنیا، به آنها خیلی اهمیت داده میشود. مسائلی مانند آرایشها و لباس پوشیدنها و مدها و تفاخرها و غیره، ارزشهای پنداری و پوچند. غرب و دستگاهها و شبکه های صهیونیستی و کسانی که میخواهند از این طریق شرکتهای خودشان را پولدارتر کنند و به فکر منابع و منافع مادی خودشانند، سر زنان و مردان را با این ارزشها گرم میکنند؛ اما در جوامع اسلامی، به این چیزها اهمیت کمتری داده میشود. (2)

گزارش تکان دهنده ی رشد تجارت و قاچاق زنان

مسأله ی سست شدن بنیان خانواده - گزارشهای تکان دهنده ای که يك

ص: 149

1- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان (79/6/30)

2- . در دیدار با جمعی از پرستاران (74/7/12)

نمونه اش را یکی از خانمهای محترم اینجا اشاره کردند - مسأله ی آمار گریه آور و تأسّف بار تجارت زنان. امروز در دنیا طبق گزارشی که داده شده است - که این گزارش به نظرم گزارش سازمان ملل است؛ گزارش يك مرکز رسمی است - سریع الرشدترین تجارتهای دنیا، تجارت زنان و قاچاق زنان است. بدترین کشورها هم در این زمینه، چند تا کشورند؛ از جمله رژیم صهیونیستی است. (1)

4-2 - موقعیت خانوادگی زن در فرهنگ غرب

خانواده؛ نقطه ی ضعف غرب

غرب رندانه از زیر بار طرح مسأله ی خانواده در می رود. توی همه ی بحثهایی که اینها میکنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه ی ضعف غرب است. مسأله ی زن را مطرح میکنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسیدن به این مسأله، لازم است. (2)

ناکامی زن در اساسیترین و فطریترین نیازهایش

مشکل اصلی زن این نیست که چرا نمیگذارند در منظر مردان دیوانه جلوه گری و دلربایی کند، مشکل اصلی زن این است که در اساسیترین و فطریترین نیازهایش، یعنی نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبت نسبت به نزدیکانش اینطور دچار ناکامی و وحشیگری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در آن دنیا وجود دارد. حالا - شما ملا - حظه کنید آیا دنیای غرب که زنها را تشویق کرده بتدریج که پوشیدگی را و حفاظ و حجاب عفت میان او و بیگانگان را از او بگیرد آیا به او خدمت کرده؟ زن را در حدّ يك کالا پایین آوردند و به او اهانت کردند. (3)

ص: 150

1- . در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (90/3/1)

2- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

3- . در سخنرانی مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (11/8/67)

امریکاییها باورشان آمده که رهبر بشریتند! الآن در خیابانهای نیویورک و واشنگتن و جاهای دیگر، آدم معمولی نمیتواند شب هنگام بدون اسلحه در خیابانها راه برود! امنیتشان در این حد است. امروز در آن کشور آفت زده ی معنوی، کودکان در خانه ها از دست پدرخوانده هایشان امنیت جنسی ندارند! اخلاقشان در این حد است. امروز زن آزاری و زیر کتک کشتن زن، در هیچ جای دنیا بقدر امریکا نیست. امروز جنایت در مورد کودکان - چه بصورت کشتن و چه بصورت جنایات و فجایع جنسی - در هیچ جا به اندازه ی امریکا نیست. بچه های دوازده، سیزده ساله در خیابانهای امریکا، اسلحه میندند، سیگار میکشند و عرق میخورند! آن وقت اینها ادعا میکنند که میخواهیم بر دنیا رهبری کنیم! این شرم آور نیست؟! (1)

ضرب و شتم، خشونت و وحشت همسر در جامعه ی امریکا

يك مقاله ای در یکی از مجلات امریکایی در همین اواخر منتشر شده بود که يك آمار عجیبی در این مجله بود - مجله ی نیوزویک - مربوط است به دوازده دسامبر 88 - دو ماه قبل از این - يك گزارش مفصل و مشروحی نوشته که من بعضی از آمارهایش را آوردم اینجا برای شما بخوانم. اساساً پدیده یعنی پدیده ی کتک زدن همسر آنقدر در جامعه ی امریکایی متأسفانه رایج است که يك عنوان يك واژه «وای داتری» وجود دارد، یعنی؛ کتک زدن زن، کتک زدن همسر، چیزی که ما از تصوّرش هم وحشت میکنیم. آنقدر شکایتها در این زمینه به دادگاههای امریکا زیاد شد که متفکرین جامعه روی این قضیه شروع کردند به بحث و این گزارش را این مجله در این باب نوشته، حالا من دو سه تا از ارقامش را میخوانم، که شما تعجب کنید. نوشته در امریکا هر سال بیش از يك میلیون و هشتصد هزار نفر از زنان خانه دار شدیداً و در موارد زیادی تا سرحد مرگ بوسیله ی شوهرشان مورد

ص: 151

ضرب و شتم قرار میگیرند. این چیزی است که وجود دارد، سالانه بیش از یک میلیون و هشتصد نفر، اینها آنهایی اند که می آیند شکایت میکنند، خیلیها هم هستند که میترسند و شکایت نمیکنند. در همین مقاله نوشته در 14 از کلّ زندگيهای زناشویی نوعی ضرب و شتم و خشونت و وحشیگری و ترس و وحشت حکمفرماست. در همین مقاله نوشته، بیست درصد از زنانی که برای جراحیهای اورژانس به بیمارستانها و کلینیکها مراجعه کردند؛ قربانیان خشونتهای خانوادگی بوده، این یعنی انسان وقتی که میخواند و اطلاع پیدا میکند از این آمار، میبندد حقیقتاً دنیای جاهلیت آنجاست! چه فرقی است میان آن مردی که دخترش را در جاهلیت در کودکی زیر خاک میکرد، با آن مردی که همسرش را تا حدّ مرگ کتک میزند؟(1)

آمار وحشت آور از خانواده های امریکایی

من آماری را در یک مجله ی امریکایی یکی دو سال قبل خواندم؛ حقیقتاً آمار ستمهای مرد در داخل خانواده ی امریکایی وحشت آور بود. البته میدانید امریکاییها از جهاتی، از لحاظ به اصطلاح رهایی و باز بودن، حتی از اروپاییهای سنتی بهترند، از انگلیس و فرانسه و اینها مقداری باز و راحتتر هستند. همین حالت گشایشی که در فرهنگ غربی مشاهده میشود، در امریکا بیشتر از کشورهای اروپایی است؛ در عین حال در آنجا به زن خانه، اهانت، ظلم و کتک، زیاد است. در آن آماری که من دیدم، نوشته بود که این، آمار کسانی است که جرأت کردند و آمدند شکایت کردند، و بسیاری هستند که جرأت شکایت نمیکنند!(2)

آمار حیرت انگیز شکایت زنان از شوهران در امریکا

در غرب با همه ی ادعاهای در مورد تکریم زن و با همه ی تشریفات دروغین و ظاهری که بعنوان تکریم انجام میگیرد که در واقع اهانت است

ص: 152

1- . در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (67/11/8)

2- . در دیدار با زنان نماینده ی مجلس شورای اسلامی (76/4/30)

ارتباطات زن و شوهرها در داخل خانه‌ها تأسّف آور است، یا روابط زن و شوهر که در خانواده‌های بسیار ارتجاعی و متعصّب ما وجود دارد؛ مثل کتک زدن زن و سیاه کردن بدن زن و کشتن زن برای خاطر چیزهای کوچک که معمول است، اینها موجب تأسّف است. من آماری را دو سه سال پیش در یکی از مجلّات امریکایی خواندم. تعداد زنهایی که از شوهرانشان به خاطر همین چیزها شکایت کردند، رقم حیرت‌انگیزی را نشان میداد که حاکی از واقعیتهای موجود در دنیای دروغگوی غرب نسبت به زن است و این یکی از موانع ترقّی و تکامل است. (1)

مظلومیت زن در طول تاریخ

در طول تاریخ، همیشه زن مظلوم واقع شده. حتّی در آن جاهایی که در آن تمدّنها و فرهنگهایی که اعتقادشان این بوده که زن و مرد حقوق مساوی و برابری دارند، که این تمدّن کنونی غرب میراث بر همان افکار آنچنانی است. هم آنها بیخود میگفتند و دروغ میگفتند هم اینها دروغ میگویند؛ در تمام این دورانها به زن اهانت شده. همیشه زن کتک خورده، دشنام شنیده، از شوهر، از پدر، از برادر، بصورت يك چیز عادی و معمولی. (2)

تشریفات ظاهری و دروغین غرب بعنوان تکریم مقام زن

خضوع زن در مقابل مرد، چیزی است که امروز در غرب وجود دارد. میخواهند زن را خاضع کنند. البتّه خاضع کرده‌اند؛ نه اینکه میخواهند بکنند. در این روش، زن را در رفت و آمدها جلوتر از مرد میاندازند و تعارف میکنند که خانم جلوتر از آقا برود. اما این، ظاهر قضیه است؛ باطن قضیه، درست عکس این است. بعد شگفت آور است که با همین ادّعاهایی که در مورد زن دارند و با همین به اصطلاح تشریفات ظاهری و دروغینی که

ص: 153

1- . در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در دیدار با گروهی از بانوان کشور (63/12/21)

بعنوان تکریم انجام میدهند - و در واقع اهانت است - ارتباطات زن و شوهر در داخل خانواده ها، واویلاست. (1)

مظلومیت خانگی زن در دنیای بظاهر آزاد

البته در دنیای آزاد، آنجایی که بظاهر آزادیهایی وجود دارد، هر چند که اشکالاتی از ناحیه آزادیها به وجود آمده که ناشی از دست پنهانی توطئه گران علیه عفت و عصمت بشر است، اما در آنجا نیز به حقوق زن ظلم میشود. آنجا به خصوص در محیطهای داخل خانواده و در آن اعماق جامعه، زن کاملاً مظلوم است. نگاه نکنید به آنچه که از چهره ی زن در تلویزیون و در تشکیلات دولتی دیده میشود؛ در داخل جوامع باز هم زنان مظلوم هستند. الان در جامعه ی امریکایی به آن مردی که با همسر خود مهربان و خوب باشد شدیداً احترام میگذارند. اصلاً مسأله ی خانواده برایشان يك مسأله ی مهمی است و این ناشی از این است که از ناحیه ی بی احترامی به زنان ضربه خورده اند. و در آنجا این ظلمها وجود دارد. اما در مجموع وقتی نگاه میکنید، ببینید که بخاطر اینکه این نظامهای علی الظاهر يك نظامهای دور از استبداد جلوه داده بشوند، در موارد خاصی يك مقدار فرصتهایی به زن داده میشود. البته آن نظام، خود نظام ظالمانه ای است. (2)

در زندگیهای خانوادگی و محدود و در برخوردها و روابط شخصی هم آنچنان که ادعا میشود در محیطهای غربی رعایت حال بانوان نمیشود. (3)

ظلم به زن در خانه با وجود بی پروایی در جامعه

بعضیها ظاهری هستند، به محیط اجتماعی در غرب نگاه میکنند، ببینند که زنان می آیند و بدون هیچ پروایی ول میروند. خیال میکنند که

ص: 154

1- . در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (71/2/15)

2- . در مصاحبه با مجله ی شاهد بانوان (67/2/28)

3- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

اینها در داخل خانواده هم همینطور بی پروا حرکت میکنند، این اشتباه است، در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم میشود. اسلام جلوی این را میگیرد. اگر در جامعه مان در این زمینه کمبودی باشد باید جلوی آن گرفته شود و حمایت قانونی از زن با کمال قوت و شدت انجام بگیرد. البته در محیطهای اجتماعی فعالیتهایی وجود دارد که زنان در آن فعالیت دارند. (1)

آزادی بی قید و شرط در ارتباط با نامحرم و اسارت شوهر

ما میگوییم در معاشرت زن با مرد، باید حدودی رعایت شود. اما در عین حال که این حدود باید رعایت شود، زن آزاد است. با پدرش که برخورد کند، آزاد است. با شوهر، آزاد است. با برادر، آزاد است. یعنی هیچ مردی رابطه ی برتری، به معنای قوه ی قاهره، نسبت به زن ندارد. نه شوهر، نه پدر، نه برادر. در عین حال، در معاشرتها، بین زن و مرد مرزی باید وجود داشته باشد. اما در آن فرهنگ، درست به عکس است. زن در معاشرتها، بی قید و شرط، آزاد است. یعنی با نامحرم میتواند در اتاق خلوتی میگساری کند. این، از لحاظ عرف فرهنگ غربی اشکالی ندارد. اما همین زن، برده ی شوهرش است و اگر شوهر اجازه ندهد که او با پدرش حتی، سلام و علیک کند، مجبور است تسلیم او باشد. ببینید! این، درست نقطه ی مقابل نظر اسلام است. (2)

تصویر مظلومیت زن در ادبیات غرب

به نمایشنامه های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه میشود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه های این فرهنگ و آثار آن، امروز

ص: 155

1- . در جمع خواهران ارومیه (75/6/28)

2- . در دیدار گروه نمایش صدا (71/10/29)

هم باقی است.

در همان نمایشنامه هایی که اشاره کردم، آنچه که شما میبینید، همین است؛ دختری است که مجبور به ازدواج شده است، زنی است که از طرف شوهر به قتل رسیده است، خانواده ای هستند که زن در آن در نهایت فشار است. آنچه که هست، از همین قبیل است. این، ادبیات غربی است. تا اواسط قرن کنونی، همین فرهنگ ادامه داشته؛ اگرچه از اواخر قرن نوزدهم میلادی، حرکتی به نام آزادی زنان شروع شده است. (1)

شوهر؛ مالک مال و جان زن

در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج میکرد و به خانه ی شوهر میرفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار میگرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده او به او رسیده بود، متعلق به شوهر میشد. این چیزی است که غربیها نمیتوانند آن را انکار بکنند؛ این در فرهنگ غربی بوده. در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه ی شوهر میرفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت. لذا شما در داستانهای غربی و در اشعار اروپایی بسیار میبیند که شوهر بخاطر يك اختلاف اخلاقی، همسر خود را میکشد و کسی هم او را ملامت نمیکند! دختر در خانه ی پدر، حق هیچگونه گزینشی را نداشت. (2)

مقایسه ی ازدواج دو زن اشرافی در اسلام و غرب

نمایشنامه های شکسپیر، داستانهای تاریخی است که او آنها را به این شکل زیبا در آورده و غالباً هم از دیدگاه خود آنها، «ارزشی» است. نمایشنامه های شکسپیر، همین «تاجر ونیزی» یا آن یکی «اتللو»، همه اش

ص: 156

1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . در همان

آثار ارزشی است؛ منتها ارزش غربی. مثلاً «رام کردن زن سرکش»، یکی از همان نمایشنامه های ارزشی است. در این نمایشنامه، از دیدگاه شکسپیر، همه ی ارزش و اهمیت زن به این است که مطیع و برده ی مرد باشد. خانمها خوب است تعدادی از نمایشنامه های شکسپیر را اگر نخوانده اند، بخوانند تا ببینند که زن در چشم غربیها چیست؟! از دیدگاه آنها، مرد سرور زن است! در همین نمایشنامه ی اتللو، اتللو کیست؟ اتللو یک سیاهپوست بی اصل و نسب است و طرف مقابلش یک خانم اشرافی است به نام دزدمونا. زن، خانمی اشرافی و زیبا، و مرد، یک سیاه گردن کلفت که در جنگ مهارت به خرج میدهد و سرباز خوبی است. به مجردی که اتللو سیاهپوست، شوهر دزدمونای اشرافی میشود، دیگر زن باید به او بگوید «سرور من». بعد هم مرد، اینقدر حق دارد که زن را به دست خودش خفه کند؛ برای اینکه سوءظنی به او پیدا کرده است. توجه میکنید؟ حالا اینها را مقایسه کنید با اسلام. در اسلام این مسائل و این خبرها نیست. بله؛ در اسلام هم ازدواج یک دختر اشرافی زیبای با اصل و نسب را با یک پسر زشت بی اصل و نسب، که همان داستان معروف «جویر» است، داریم. اما این دختر، وقتی که به همسری جویر در می آید، شوهر «سرور او» نمیشود. در «اتللو» به مجردی که زن اشرافی به همسری سیاهپوست در می آید، مرد «سرور» زن محسوب میشود. این نگرش به زن را ملاحظه کنید! در آن دیدگاه، زن، همه ی ارزشش به این است که مرید و برده و مخلص و مطیع در بست شوهر باشد. اینها نشان دهنده ی نگرش غربیها نسبت به زن است و چقدر هم نگرش بدی است!⁽¹⁾

تغییر نام خانوادگی زن در خانه ی شوهر در فرهنگ غرب

امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج میکند و به خانه ی شوهر میرود، حتی نام خانوادگی او عوض میگردد و نام خانوادگی مرد میشود. زن تا

ص: 157

1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل میشود. این رسم غریبه‌است؛ در کشور ما اینطور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ میکنند؛ ولو بعد از ازدواج. آن، نشانه‌ی همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است. (1)

تغییر نام به نام شوهر؛ ریشه در بی‌اعتنایی به شخصیت زن

در میان کشورهای اروپایی، زن حق تصرف در مال خود را نداشت. زنی که ازدواج کرده بود، بطور طبیعی اختیار اموالش دست شوهرش بود. این هم که معمول شده است میبینید وقتی زن ازدواج میکند، اسمش عوض میشود - اسم زن، نام زن، هویت زن کانه عوض شد؛ نام فامیلی شوهر بطور طبیعی روی او می‌آید - این رسم ما نیست؛ این رسم آنهاست. این همان در سایه نگه داشتن و بی‌اعتنایی کردن و ناچیز شمردن زن است. آنها برای اینکه زن بتواند در معلومات، در اکتشافات، در مسائل زندگی و حتی در محیط خانواده، دارای شخصیت و هویتی باشد، چندان سینه چاک نمیکنند. آزادی مورد نظر آنها اساسش آن است که عرض شد. (2)

آزادی بی‌قید و شرط معاشرت؛ عامل متلاشی شدن خانواده در غرب

یک افراط این چنین، در مقابل یک تقریب هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در آن چنان فضاها به وجود می‌آید، طبعاً دچار تقریبهایی میشود، لذا شما میبینید، در طول چند ده سال، آنچنان بی‌بندوباری و فساد در غرب به وسیله‌ی آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد. الآن دلسوزان و مصلحان، انسانهای خردمند و با انگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته

ص: 158

1- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور (79/7/11)

نمی‌توانند هم جلوی آن را بگیرند. بعنوان اینکه می‌خواهند به زنان خدمت بلکه، بزرگترین ضربه را به زندگی زن وارد آوردند. چرا؟ بخاطر اینکه با بی بند و باری، با اشاعه ی فساد و فحشا، با آزادی بی قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیاد خانواده متلاشی شد. مردی که می‌تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت بکند، زنی که می‌تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، اینها در خانواده، نه يك شوهر خوب و نه يك همسر خوب و زن خوب خواهند بود؛ لذا بساط خانواده متلاشی شد. (1)

غربت خانواده در غرب بر اثر بی‌اعتنایی

یکی از مشکلات دنیای غرب که بتدریج پایه های تمدن غرب را مثل موریانه می‌خورد و علیرغم پیشرفتهای صنعتی و علمی اش مشرف به سقوط و هلاکت است - البته در بلندمدت - همین قضیه ی بی توجهی به خانواده است. نتوانستند خانواده را حفظ کنند. در غرب، خانواده، غریب، مورد بی‌اعتنایی و تحقیر شده است. (2)

یکی از گناهان کبیره ی تمدن غرب نسبت به بشریت، این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد. تشکیل خانواده را کوچک کرد، مثل لباس که عوض میکنند. (3)

پیامدهای ازدواجها در غرب

در جوامع غربی جوانها، دوره ی نشاط جوانی و تُندی احساسات و غرایز را آزادانه میگذرانند و وقتی به خانواده و به ازدواج میرسند که در واقع بخش زیادی از میل طبیعی آنها و غرایز آنها فرو نشسته است. آن شوق

ص: 159

1- . در اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

2- . در خطبه ی عقد (79/11/17)

3- . در خطبه ی عقد (78/1/22)

و محبت و عشقی که باید در اعماق روح زن و شوهر جایگزین شود، در اینها نیست یا کم است. (1)

زندگیهای قراردادی فاقد انس و گرمی خانوادگی

خانواده ها، آنجا گرم نیستند. خانواده اصلاً آنجا واقعیت ندارد. يك مرد و زن با هم توی يك فضایی زندگی میکنند اما از هم جدايند. آن نشست و برخاستهای خانوادگی، آن محبتهای خانوادگی، آن انسههای فراوان به هم، اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، اینها دیگر نیست. دو نفرند بصورت قراردادی که فقط در يك خانه ای زندگی میکنند. اسمش هم هست که با عشق شروع میشود. (2)

عدم تبادل عاطفی و زندگی رقت بار در مقیاس خانواده

در دنیای غرب با اینکه بسیاری از آنها از علم و ثروت و سیاستهای قوی در صدر حکومتها برخوردار هستند، لیکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده، زندگی بسیار رقت باری است. این اجتماعات فامیلی، اینکه بزرگترهای فامیل و کوچکترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبت و رزند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده ها با هم یگانه و یکی باشند، اینطور چیزهایی که الآن بین ماها رایج و معمولی است، در غرب از این چیزها خبری نیست. چقدر زنها تنها زندگی میکنند. زنی که تنهاست، صبح برمیخیزد تنهاست. نه انسی، نه همسری، نه فرزندی، نه نوه ای، نه خویشاوندی که با او گرم بگیرد. انسانها در محیط اجتماعی، تك زندگی میکنند. غالباً تنها هستند. چرا؟ چون محیط خانوادگی در آن جوامع فراموش شده است. (3)

ص: 160

1- . در خطبه ی عقد (76/11/9)

2- . در خطبه ی عقد (78/1/22)

3- . در خطبه ی عقد (72/10/20)

امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را بشدت گرفته و آنها را به وضعیتی نامطلوب شدید دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غربیها و به خصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج میبرند؛ بخاطر اینکه متأسفانه غرب، خانواده؛ یعنی کانونی را که برای مرد و زن و به خصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده است. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی میکنند. بسیاری از مردان، زن مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواجها در اولین سالهای پیدایش از بین میرود.

خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کمتر در غرب دارند. آن خانواده‌ای که پدربزرگ، مادربزرگ، نوه‌ها، خویشاوندان، پسرعموها، دخترعموها و سایر شعبش با هم باشند، هم را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند، امروز در غرب بسیار بسیار کمیاب است. زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراطهای قبلی انجام گرفت، بر جامعه‌ی بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد. (1)

از هم پاشیدگی خانواده؛ نتیجه‌ی راه غلط زنان غربی

در گذشته، وضع زنان غربی اینطور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - بخصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روزبه روز بدتر شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط را شروع نمودند، فکر نمی‌کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور

ص: 161

و جامعه‌ی آنها، دچار چنین وضعی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت تیر ببندد، یا چاقوی ضامن دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابانهای نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! وضعشان به اینجا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیت این گونه میشود. (1)

متلاشی شدن خانواده‌ها؛ مشکل بزرگ امروز دنیای غرب

فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده هاست، افزایش فرزندان بیهویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی بمرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سختترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت. (2)

مایه‌ی التذاد مرد شدن به نام آزادی زن، عامل ویرانی خانواده

یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع میگذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغگویی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همینجور است. آنها متأسفانه فرهنگ رایج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند

ص: 162

1- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

2- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (91/4/21)

که یکی از مهمترین وظایف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظایف - این است که جلوه‌گری کند، زیباییهای خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمیتین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه تر و عریانتر بیایند، اشکالی ندارد! این عادت است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابله را گذاشته اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزبه روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسأله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ی خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود. (1)

آزادی جنسی و بی‌عفتی؛ عامل تزلزل بنیان خانواده

در دنیای غرب و به خصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است. چرا؟ علت این است که در آنجاها آزادی جنسی و بی‌بند و باری جنسی زیادتر است. وقتی بی‌عفتی رایج شد، یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده، در واقع یک چیز بی‌معناست: یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است. لذا از نظر عاطفی از هم جدا میشوند. حالا ظاهراً جدایی بینشان نیست اما به هم علاقه و دلپستگی ندارند. (2)

ص: 163

1- . در دیدار جمعی از مدّاحان (92/2/11)

2- . در خطبه‌ی عقد (80/12/9)

زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. اینجور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه‌ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. (1)

بی هویتی فرهنگی و فساد؛ نتیجه‌ی تزلزل خانواده

امروز متأسفانه در غرب، انسان مشاهده می‌کند که کم‌کم کانونهای خانوادگی پس از دیگری دارد از هم میپاشد و از بین می‌رود. آثارش هم همین بی‌هویتی فرهنگی و فساد است که امروز دچارش شده‌اند. روز به روز هم دارد بیشتر میشود و بقایای آنچه را که داشته‌اند دارد از بین می‌رود. (2)

تزلزل بنیان خانواده؛ عامل نابودی تدریجی جامعه

در دنیای غرب بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل میشوند، زود هم منهدم میشود. فساد و فحشا روزبه‌روز بیشتر میشود، اگر این اتفاق بطور کامل بیفتد، آن جامعه به بلایات عظیمی دچار خواهد شد البته اینطور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف 5 سال یا 10 سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را بطور کلی منهدم و نابود میکند، ثروتهای علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین میبرد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است. (3)

تحوّل منجر به سست شدن روابط خانوادگی؛ نشانه‌ی پسرفت

اگر شما میشنوید که در برخی از کشورهای غربی، فرزند و پدر در

ص: 164

1- . در دیدار با جمعی از اقشار مختلف مردم قم (86/10/19)

2- . در خطبه‌ی عقد (77/4/18)

3- . همان

يك شهر زندگی میکنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمیپرسد، خانواده ها دور هم جمع نمیشوند، کودکان از عطفتهای پدرانه و مادرانه برخوردار نمیشوند، زن و شوهرها جز به موجب يك قرارداد موقت - يك قرارداد قانونی بسته شده است - کنار هم نمیشینند؛ زن يك جا کار دارد، مرد يك جا کار دارد، آخر کار این، ساعت هشت شب است، آخر کار آن، ساعت ده شب است، بعد يك قرار این با يك دوستی دارد، او قرار با يك همکاری دارد؛ اگر اینها را شما میشنوید که در جایی هست و اگر اینها واقعیت دارد، اینها دیگر نشانه های پسرفت است. آن تحوّل که به این چیزها بینجامد، مورد تأیید ما نیست. ما تحوّل میخواستیم که بین پدرها، مادرها، خانواده ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ تا چهل خانه آن طرفتر را شما همسایه ی خود بدانید؛ این خوب است. محیط، محیط تراحم و تعاطف باشد. (1)

غرب؛ تشنه ی پیام مربوط به خانواده

من در يك سخنرانی در سازمان ملل حدود يك ساعت و اندی راجع به خانواده صحبت کردم. بعد به من اطلاع دادند که تلویزیونهای امریکا با اصراری که در سانسور کردن و خراب کردن حرفهای ما دارند، روی این صحبتها تکیه کرده و آن را چند بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشته اند. فقط بخاطر گفتن يك کلمه درباره ی خانواده.

یعنی پیام متضمّن مسأله ی خانواده، امروز برای غرب يك پیامی است مثل آب خنك گوارا؛ چون کمبود آن را حس میکنند. (2)

تنهایی، غریبی و ولگردی؛ حاصل نبود خانواده

چقدر زنهایی که تا آخر عمر تنها زندگی میکنند. مردهایی که تا آخر

ص: 165

1- . در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای سمنان (85/8/18)

2- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

عمر تنها زندگی میکنند. غریب و بی انس زندگی میکنند. چقدر جوانانی که بخاطر نبود خانواده، ولگرد میشوند. در آنجا یا خانواده نیست یا اگر باشد، مثل نبودن است! (1)

گسستگی اعضای خانواده از هم

در غرب فرزندان که نمیدانند پدر و مادرهایشان چه کسانی هستند، زیادند. زنان و مردانی که باهم اسماً زن و شوهرند ولی سالهای متمادی از همدیگر هیچ اطلاعی ندارند فراوانند، زنانی که خاطرشان جمع باشد تا آخر عمرشان، تا دوران پیری آنها، سایه ی این مرد بر سرشان هست و با هم زندگی خواهند کرد، کمند. مردانی که خاطرشان جمع باشد که این همسرشان که مورد علاقه شان هم هست، فردا نمیگذارد برود سراغ يك زندگی مستقل، کم هستند. (2)

اضطراب در غرب و فرو پاشی خانواده

الآن دنیای اروپا و امریکا را نگاه کنید ببینید اینها چقدر دچار اضطرابند. چقدر ناآرامی دارند. چقدر دنبال آرامش میگردند. چقدر مصرف قرصهای مسکن و خواب آور زیاد است، چقدر جوانها به کارهای بی قاعده دست میزنند، موها را بلند میکنند، لباسهای تنگ میپوشند برای این است که از وضع جامعه ناراحتند. عصبانی و خشمگین اند. میخواهند خودشان را به آرامش برسانند؛ آخرش هم با ناکامی میمیرند. پیرمردها و پیرزنها در خانه سالمندان میمیرند. بچه هایشان همراهشان نیستند. زنهایشان از آنها خبر ندارند. زن و شوهر از هم دورند. (3)

ص: 166

1- . خطبه ی عقد (79/4/22)

2- . خطبه ی عقد (75/5/11)

3- . خطبه عقد مورخ (74/1/22)

دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا میکند و با وعده های توهم آمیز بیرون میکشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه ی جامعه، بی پناه و بی دفاع میکند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز میکند، هم زن را تضعیف میکند، هم خانواده را نابود میکند، هم نسلهای آینده را به خطر میاندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد میکند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روز به روز هم دارد بیشتر میشود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیلهای خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر میشود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمیشود؛ اینها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان میدهد؛ و نشانه های این بحرانهای اخلاقی در غرب الآن دارد بروز میکند. (1)

دامن زدن به شهوت؛ چاله ی خطرناک و گریز ناپذیر پیش روی تمدن غرب

من اطلاع دارم و خوانده ام در نوشتجاتی، در مطبوعاتی، در کتابهایی که اندیشمندان غربی بتدریج دارند احساس ترس و احساس دهشت میکنند از این وضعیّت؛ که حقّ با آنها است، منتها دیر فهمیدند؛ دامن زدن به مسأله ی شهوت - که متمرکز بود روی مسأله ی زنها؛ و امروز میبینید که در دنیا بدتر از اینها دارد میشود، این مسأله ی همجنس بازی و همجنسگرایی و این ازدواجها و خانواده های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می آید؛ اینها چاله های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره میکنند و پیش میبرند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر اینها را در خواهد آورد؛ حالا این نیمه ی راه است، نیمه ی سراسیمگی است. البتّه به نظر من قادر هم نیستند جلوی آن

ص: 167

را بگیرند. یعنی مشکل آنها از این حرفها گذشته است. من چند سال پیش - هفت، هشت، ده سال قبل از این تقریباً - در مطبوعات کشورهای خارجی دیدم و خواندم و شنیدم که امریکاییها دارند دنبال میکنند که از کتابهای فلان نویسنده ی مثلاً رمان نویس خانواده نویس - که رمانهایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای اینکه بکشاند جهت فیلمسازی و فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خوب، یک کارهایی هم کرده اند، دارند هم میکنند؛ اما اینها مثل یک جریانهای باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند؛ و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد. ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک «مصوبیه ما» ای (1) داریم - بخاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دستکم گرفت، بایستی این را به جد اهمیت داد. در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسأله ی جاذبه ی جنسی و خطر جاذبه ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت (2).

زوال تمدن غرب بخاطر قوانین ابلهانه ی جنسی

مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد، این قانونهای ابلهانه و خباثت آمیزی که اینها در زمینه ی مسائل جنسی دارند میگذرانند، اینها را به ته درّه دارد حرکت میدهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست؛ اینها محکوم به سقوطند. تمدن غربی چه بخواهد، چه نخواهد - دیگر قادر نیست جلوی این سقوط را بگیرد. ترمز این وسیله بریده است، جاده هم بشدت لغزنده و سراسیمه است. اینها گناه کردند آن وقتی که ترمز را بردند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند؛ لذا محکوم به شکستند. زوال

ص: 168

1- . چیزی شبیه مصوبیت

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

تمدن‌ها، مثل سر برآوردن تمدن‌ها، يك امر تدریجی است - يك امر دفعی و فوری نیست - و این تدریج دارد اتفاق می افتد و گمان نمیکنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این نسل دور بماند؛ خواهند دید که چه اتفاقی می افتد. (1)

نادیده گرفتن نقش مادری و تضعیف نقش خانواده؛ خیانت بزرگ غرب به زنان

هرجا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هرجا سخن از بی اعتنائی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام میدهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است. (2)

محرومیت زن از بروز مهر و عطف مادری

در غرب سستی بنیان خانواده بحدی نگران کننده شده است که فریاد رهبران جوامع به آسمان رسیده است. غرب به زن اجازه نمیدهد که بطور طبیعی مهر و پیوند و عواطف مادری خود را بروز داده و با آن رشد کند. (3)

5-2 - ترویج فرهنگ غرب در روابط زن و مرد

مردواره کردن و وسیله‌ی التذاذ جنسی قرار دادن زن؛ دوبخشی برجسته‌ی گفتمان غرب در مورد زن

گفتمان غرب در مورد زن، يك گفتمان کاملاً حساب شده‌ی سیاسی

ص: 169

1- . در دیدار جمعی از مدّاحان (92/2/11)

2- . همان

3- . در دیدار با زنان مسلمان ایران و 9 کشور جهان (67/11/9)

است؛ یعنی آن روزی که این فکر و این گفتمان درباره ی زن، در غرب آغاز به کار کرد و شروع کرد، یک محاسبه ی دقیقی پشت این وجود داشت. این البته بعنوان خبر نیست که من از روی اطلاع و با استناد به اخبار بگویم، اما مؤیدات واقعی ای دارد که این تحلیل را تقویت میکند؛ یعنی از آغاز رنسانس در غرب و به دنبال آن حضور صنعت و پیدایش صنعت جدید در غرب، بتدریج این گفتمان غربی رشد پیدا کرد؛ و اوجش در روزگار ما است که البته این اوج همراه خواهد بود با انحطاط و نزول و ان شاءالله سرافکنندگی و فروپاشی این گفتمان.

گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن، این یک بخش مهم از این گفتمان است؛ یک بخش دیگر هم زن را وسیله ی راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی، این هم یک بخش دیگر از گفتمان غربی است در مورد زن. این مسأله ی فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فراورده های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها میرسد. (1)

انفعال در برابر گفتمان غربی مرد واره کردن زن

مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. میبینید ما الان افتخار میکنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخشهای اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی

ص: 170

منع نمیکنم، نفی نمیکنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس جمهور مثلاً یا بخشهای مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخشهای اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دُور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. خیلی خب، یک خانمی است، ارزشهایی داشته، تواناییهایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسؤوَل در بخشهای اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت طلب و مجاهده کار در میدانهای گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه های سیاسی انقلابی فعالیت میکنند - گوینده اند، نویسنده اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده ی زن، این تعداد معاون بخشهای مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این افعال در مقابل آنها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟ (1)

فرهنگ برهنگی و فساد، مخالفت با فضایل و ارزشها

فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزشها و درخشندگیها و فضیلتهای انسانی است. فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراطوران قدرت است. با این فرهنگ، درصددند نسل بنی آدم را از همه فضایل انسانی

ص: 171

تهیدست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمیشود. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی قید و شرط زن و مرد با هم است که یکی از پایه های اصلی فرهنگ غربی میباشد و از روز اول، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره ی فضائل انسانی بنیانگذاری شد. آنها که دلشان برای انسانیت نسوخته است. بزرگترین ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی، از آن صاحبان بزرگترین کارخانه ها و معادن و منابع و عظیمترین ثروتهاست. (1)

ترویج عدم واسطه و فاصله بین زن و مرد در معاشرتها

در غرب ارتباط بی بندوبار زن و مرد يك كار رایج است و عدم حجابی و واسطه و فاصله ای بین زن و مرد در معاشرتها، يك كار معمولی است. نمیگوییم که در کشورهای غربی، همه مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمیکنیم، چنین تهمتی نمیزنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آنجا يك فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، يك امر مباح و مجاز و بی قید و شرط است. بعضی از کشورهای غربی، در این قسمتها خیلی هم پیشرفته اند و زندگی خودشان را به شکلهای شرم آوری در آورده اند و البته پشیمانند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه ریزان و مدیران کشورهای غربی در آن گیر کرده اند و واقعاً برایشان مشکل درست کرده است. غرب، این فرهنگ و این خصلت و خو و عادت را به تمام کشورهای دیگر هم صادر کرد. در کشورهای دیگر، چنین فسادى نبود. در کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیراسلامی شرق هم چنین چیزی وجود نداشت؛ این را غربیها وارد کردند. (2)

ص: 172

1- . در دیدار با ائمه مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران (68/9/15)

2- . در خطبه های نماز جمعه (69/1/10)

دشمنان ملت ایران بیش از آنچه به توپ و تفنگ و این چیزها احتیاج داشته باشند، به اشاعه ی بنیانهای فرهنگی فاسدساز نیاز دارند. در خبرها خواندم که یکی از مسؤولان يك مركز مهم سیاسی در امریکا گفته به جای انداختن بمب، دامنه‌های کوتاه برایشان بفرستید! راست میگوید؛ اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی رویه ی زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راههایی کشاندند که غریزه ی او هم بطور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده ی از توپ و تفنگ علیه يك ملت نیست. فساد، يك ملت را به خودی خود ضایع و باطل میکند و آینده ی او را تباه میسازد. امروز خود امریکاییها از آینده ی خودشان دارند میترسند؛ من این را در بعضی از مقالات روشن بینانشان میبینم؛ مربوط به الآن هم نیست؛ شاید ده پانزده سال است که این پدیده در امریکا پیدا شده. کسانی از صاحبنظرهای اینها نسل امروز امریکا و رشد فساد در آن را میبینند؛ رواج همجنس بازی، نابودی خانواده، کثرت کودکان خیابان خواب و رشد جنایت کودکان و نوجوانان را مشاهده میکنند؛ میدانند که این وضعیت حتی کشوری با تمدن امریکایی را، با این همه پیشرفت علمی و فناوری، در آینده ای نه چندان دور به زمین خواهد زد؛ لذا دارند هشدار میدهند. از مدتها پیش توصیه ی آنها این بوده است - و حتی به هالیوود و جاهای دیگر هم فشار می آورند - که در تلویزیونها به جای نمایش فیلمهای شهوتناک و خشونت بار، فیلمهای خانوادگی را نمایش بدهند، که رمانهایش هم منتشر شده است. حتی اسم نویسنده ها را هم ذکر کرده اند. البته حرکت و مسیر آنها در جهت فساد به نقطه ای رسیده که قابل پیشگیری نیست و نمیتوانند جلوی این فساد را بگیرند. ممکن است مختصری به تأخیر بیندازند، اما نمیتوانند جلوی آنها را نمیتوانند بگیرند. لیکن ما میتوانیم؛ ما هنوز با آن سراشیبهایی خطرناک خیلی فاصله داریم. (1)

غریزه های زنانگی ای که مثل همه ی غرایز در جای خود خوب است اما استعمار فرهنگی و استعمار اخلاقی و تربیتی خواسته از این غرایز استفاده کند برای به تباهی کشاندن عالم و آدم، این خودنماییهایی که شما میبینید زنان در همه جای دنیا میکنند. اصلاً زن را با این خاصیت میخواهند به دنیا نشان بدهند. البته این خاصیت در زن هست، این غریزه در همه ی انسانها مخصوصاً در زنان، عیبی هم ندارد، جزئی از طبیعت اوست و برای یک چیز خوبی است، برای یک مقصود درستی است. مثل همه ی غرایزی که در وجود انسانی هست، اصلش خوب است اما به انحراف کشاندن آنها یا تشدید کردن آن غرایز چقدر مضرّ و آتش افروز است. این غریزه هم همینجور است و دنیا روی این انگشت گذاشت و طراحان سیاستهای تربیتی اخلاقی و فرهنگ استعماری روی این کار کردند و از زن این موجودی را که شما در دنیا دارید میبینید و تا دیروز توی کشور خودمان هم میدیدید به وجود آوردند. (1)

نقش صهیونیسم در اشاعه ی فساد و فحشا

تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صد و پنجاه سال پیش، شروع به برنامه ریزی و اشاعه ی فساد و فحشا کرده اند. آنها زنها را از عقّت بشری خارج ساختند؛ بطوری که حتّی زندهای اروپا و امریکا هم، بشدّت پنجاه سال اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضائل انسانی نبوده اند! زنان کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دوردست که جای خود دارد. همچنین مردها را به فساد و راحت طلبی و تنبلی و عشرت جویی و مصرفگرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی وا داشتند. (2)

ص: 174

1- . در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (63/11/7)

2- . در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان و پرستاران (68/9/15)

با ملت ما هم قبل از سلطنت خاندان منفور پهلوی این کار را شروع کرده بودند؛ ولی در جریان سلطنت آن رژیم منحوس، این روند را شدت بخشیدند. استعمار و استکبار در دوران سلطنت این خانواده مزدور و دست نشانده، در اشاعه ی فرهنگ غربی در جامعه زیاد کوشیدند و متأسفانه موفق هم شدند. امروز، اگر تمایلات برخی خانواده های ایرانی داخل کشور را به انجام آن آداب و اطوار و لباس و معاشرت ببینید، نتیجه ی تعلیمات همان معلّمان رذل و خائن غربی است که در طول دهها سال در این کشور نفوذ و رشد یافته است. با اینکه انقلاب آمد و تحوّل عظیمی در فرهنگ و ذهنیت مردم به وجود آورد، با این حال، بسیاری از افرادی که هنوز دلشان در هوای کیفیت زندگی غربی است، متأسفانه از مفاسد زندگی غربی که لجن آلوده و فاسد است و در آن، هیچ يك از بنیانهای اصیل بشری همچون خانواده و شخصیت انسانی زن و مرد سالم نمیماند، اطلاعی ندارند. (1)

شکست در ترویج فرهنگ منحصّ غرب

میخواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ میخواهند این چیزها را به وسیله ی زنان رواج بدهند. هر جا با این هدفگیری غریبه مخالفت بشود، فریادشان بلند میشود! اینها کم طاقت هم هستند! همین مدّعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته ی خودشان تحمل نمیکنند.

همه جای دنیا را هم توانسته اند تحت تأثیر قرار بدهند؛ مگر محیطهای اسلامی واقعی را. شما اگر به دنیای فقیر آفریقا و امریکای لاتین و شرق آسیا و هر جا که جوامعی هستند، مراجعه کنید، خواهید دید که آنجا هم

ص: 175

توانسته اند همان الگوهای خودشان - همان طور آرایش کردن، همانطور مصرف کردن و همانطور ملعبه شدن زن - را رواج بدهند. تنها جایی که تیر آنها به نشان نخورد، محیطهای اسلامی است، و مظهر آنها جامعه ی بزرگ جمهوری اسلامی است؛ لذا بشدت با این مبارزه میکنند. (1)

ص: 176

1- . در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (70/8/22)

لزوم درك صحيح نظر اسلام در مسائل زنان

اسلام در مورد زن معارف بسیار خوبی دارد. همانطور که گفتیم شخصیت زن را در سه محیط در سه مرحله، هم در جهان آفرینش در مجموعه ی خلقت هم بالا-خره در محیط اجتماعی و جامعه و هم در محیط خانواده در هر سه مرحله اسلام روی شخصیت زن تبیین بسیار شرافتمندانه و والا و پرارزشی دارد و ما امروز اگر بخواهیم به زنان جهان کمک بکنیم که اسلام شایسته است که چنین کمکی را بکند، باید نظر اسلام را در زمینه مسائل مربوط به زن بدرستی درك کنیم و آن را بررسی کنیم و آن را به دنیا عرضه کنیم. (1)

دید جامع و کامل اسلام به زن

هر نقصی که در وضع زن در جامعه ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به آن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تشکیل میشد، دقیقاً به همین نکات نظر بود. (2)

ص: 179

1- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زن (69/10/16)

نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - يك نگاه فوق العاده متعالی است.

هم در مسأله ی خود زن، هم در مسأله ی خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، يك نگاه درجه ی دو است؛ نگاه اول و درجه ی يك، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است.

جنسیت يك امر ثانوی است، يك امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمیکند. حتی کارهایشان با هم متفاوت است. (1)

درک دیدگاههای اسلام بدون افراط و تفریط

وقتی که به صحنه ی تفکرات عالم نگاه میکنم و بینش اسلام را مشاهده مینمایم، به روشنی درمیابم که جامعه ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله ی زن و رابطه ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاههای اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آنها را ارائه کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدنهای مادی امروز نسبت به زن عمل میشود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را بصره و صلاح زن و کلّ جامعه نمیشماریم. اسلام میخواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان به حدّ اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری بعنوان يك عضو - حدّ اعلای فایده و ثمر را داشته باشد. همه ی تعالیم اسلام از جمله مسأله ی حجاب، بر این اساس است. (2)

ص: 180

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (68/10/26)

نظریه پردازی در موضوع زن، بر مبنای آیات قرآن

در همین زمینه ی مسأله ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست؛ آیات کریمه ی قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسأله ارتباط پیدا میکنند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد میشود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه ها و مجموعه های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در بیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه ی سی ساله ای را با خود دارد - زیاد شده اند. البته شماها هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلاتش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه میکنند، زیاد میپرسند، در موضوعات مختلف زیاد میخواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد. (1)

نظریه پردازی در زمینه ی الگوی مترقی زن و خانواده

ما باید در این بررسیها، از داراییهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه ی زن و خانواده میشود استخراج کرد. اینها نظریه پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد. (2)

طبیعت الهی زن؛ مملو از لطافت و زیبایی و به دور از نقش تشریفاتی

جوهر ذات يك انسان اگر تعالی و روشنایی و شفافیت پیدا کند، همه

ص: 181

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- . همان

چیز در مقابل او کوچک میشود و قدرت او بر همه ی کارهای دیگر، برای او تأمین میگردد.

آن که در او جوهر دانایی است *** بر همه کاریش توانایی است(1)

زن به يك جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛ جایگاهی که دون شأن متانت و سکینه و آرامش روحی اوست. در طبیعت الهی زن، آنچنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که میتواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد - به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش ببرد.(2)

محدودیت‌های اسلامی؛ عامل رشد فکری، علمی و عملی زنان

در نظام اسلامی محدودیتی که به وجود می آید، که این محدودیت بر طبق فطرت انسانی زنانه است؛ هم برای مردها محدودیت است، به يك کیفیت؛ هم برای زنها به کیفیت دیگری محدودیت است، کمک کننده به این است که نیروهای آنها هرز نرود و حتی المقدور در جهت درستی به کار بیفتند؛ که آن وقت نتیجه اش میشود رشد فکری و علمی و عملی در جامعه ی زنان، که امروز شاهدش هستیم.(3)

معنای واقعی تکریم، توجه به بعد خانوادگی و اجتماعی زن

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه میکند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه میکند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیتهای عمومی مردم منع کند. عده ای بد و یا

ص: 182

1- . مخزن الاسرار، نظامی گنجوی

2- . در دیدار با اقشار مختلف مردم (84/3/25)

3- . در دیدار با زنان نخبه (86/4/13)

كج فهميدند؛ يك عده ي مغرض هم از اين كج فهمي استفاده كردند؛ كآئه يا بايد زن، مادر خوب و همسر خوبي باشد يا بايد در تلاشها و فعاليتهاي اجتماعي شركت كند؛ قضيه اينطوري نيست؛ هم بايد مادر خوب و همسر خوبي باشد، هم در فعاليت اجتماعي شركت كند. فاطمه ي زهرا (سلام الله عليها) مظهر چنين جمعي است؛ جمع بين شؤن مختلف. زينب كبرى (سلام الله عليها) نمونه ي ديگر است. زنهای معروف صدر اسلام و زنهای برجسته، نمونه های ديگرند؛ اينها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهميدن مفهوم تكريم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزيهاي القا شده ي بعنوان تكريم زن در تمدن غرب؛ اينها با هم آميخته شده و يك جريان غلط ذهني و فكري به وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزيز و مكرم و محور مديريت دروني خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه ي انس و سكينه و آرامش است. كانون خانواده - كه حوضچه ي آرامش زندگي پُرچالش و پُر تلاش هر انساني است - به وجود زن آرام ميگيرد و سكينه و اطمينان پيدا ميكند. آن وقت نقش او بعنوان همسر، بعنوان مادر، بعنوان دختر خانواده، هر کدام يك فصل طولاني در تكريم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه ي ارزش و كرامت زن در نظر اسلام، بازنويسي و بازگويي و بازييني كرد. (1)

هويت زن؛ چشمه جوشان عاطفه و صبر براي تربيت انسان

زن با نقاط قوت زنانه ي خود - كه خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ايمان عميق، همراه با استقرار ناشي از اتكا به خداوند، و همراه با عفت و پاكدامني - كه فضاي پيرامون او را نورانيت ميبخشد - ميتواند در جامعه يك نقش استثنائي اين گونه ايفا كند؛ هيچ مردی قادر به ايفاي چنين نقشي نيست. مثل كوه استواري از ايمان، در عين حال مثل چشمه ي جوشاني از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه ي صبر و حوصله و عاطفه ي خود

ص: 183

سیراب میکند. انسانها در چنین آغوش پُربرکتی میتوانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمیکرد. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غریبها نمیتواند آن را بفهمد. کسانی که از دین و معنویت بهره ای نبرده اند، نمیتوانند چنین عظمتی را درک کنند. آنهایی که شاخصه ی زن را در زیور و آرایش و سبکسری و بازیچه قرار گرفتن در دست مردان میدانند، نمیتوانند اساس هویت زنانه را در منطق اسلام و در نظر اسلام درک کنند.⁽¹⁾

حرکت به سمت آرمانگرایی با دید واقع بینانه نسبت به زن

اسلام نسبت به زن، مرد و همه خلایق، يك دید واقع بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچکس بیش از تمکّش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر این است؛ يك بنای واقعی و منطقی است. در دعای سحرهای جمعه، فقره ای است که بیان میکند: «(وَ جَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كَفَايَةً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ)»⁽²⁾؛ یعنی آن چیزی که خدای متعال منت گذاشته است و به کسی داده، در حدّ کفایت است، برای اینکه حقوق الهی را ادا کند. اصلاً شناخت واقعیات هر کس، متناسب با همان توقعی است که از او وجود دارد. پس، اسلام به نیازها و خواهشها و طبایع بشری و غیربشری اهتمام ورزیده، اصلاً به آنها نظر کرده و حکم الهی را داده است؛ اما به معنای آن نیست که آرمانی برای انسانها ندارد. ما محکوم و اسیر زندان طبیعتیم و در چارچوب قوانین طبیعت حرکت میکنیم؛ اما آیا در این چارچوب که ما حرکت میکنیم، هدفی در مقابل ما نگذاشته اند که بگویند باید به این سمت حرکت بکنید؟ آرمانگرایی در اسلام و گرایش به سمت قلّه ها و اوجها و آرمانها، يك چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه ی خلایق، باید در این سمت

ص: 184

1- . در دیدار با اقشار مختلف مردم (84/3/25)

2- . بحارالانوار، ج 87، ص 277

حرکت کند. این با گرایشهای غلیظ و درلاک چیزهای صددرصد شخصی و بی ارزش رفتن نمیسازد. البته در نظام اسلامی، بایستی آنها ریشه کن بشود. این گرایش به مصرف و تجمل گرایی و امثال آن، که در جوامع جاهلی رشد داده میشود، باید در جامعه ی اسلامی ریشه کن میشد یا لااقل در حدّ متوسّطی قرار میگرفت و افراطی در آن نمیشد؛ اما متأسّفانه الآن ملاحظه میشود که قشرهایی از مردم، باز سرگرم همان سرگرمیهای گذشته اند، که باب جوامع دور از اسلام و دور از معنویّت و حقیقت است. این، غلط است. (1)

اعطای حقوق و شخصیت کامل به زن در اسلام

ما در زمینه ی حقوق زن، نه تنها در مقابل فرهنگ غربی احساس خجلت و شرمندگی نمیکنیم، بلکه نسبت به آن روح طلبکارانه داریم و معتقدیم که در فرهنگ غربی به زنان ظلم زیادی شده است. از سال 1920 به بعد در کشورهای غربی بتدریج خانمها وارد صحنه ی اجتماع و سیاست شدند و این در حالی است که 14 قرن پیش اسلام به زن حقوق و شخصیت کاملی اعطا نموده و تفاوت و امتیازی بین مرد و زن قائل نشده است. (2)

مقایسه ی رفع ابهام و حلّ مسائل در سه قلمروی حضور زن از نظر اسلام

قلمروی حضور زن، سه جا است، یکی قلمروی تکامل انسانی؛ نظر اسلام این است که: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ» - ده صفت اساسی مرد و زن، بدون هیچگونه

ص: 185

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (69/10/16)

2- . در کنگره ی بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (66/11/18)

تمایزی - اَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا(1)». فرض کنید در این زمینه، نظر اسلام را بجوییم و تبیین کنیم. قلمروی دوم حضور اجتماعی زن - فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظیر آن - یعنی حضور زن در جامعه است، در این زمینه، هم نظر اسلام را تبیین کنیم. سوم، نقش زن در عائله - در خانواده - است. نظر اسلام را در این مورد نیز تبیین بکنیم.

گویندگان و محققین، در این زمینه نظرات اسلام را بیان میکنند، ما هم مطالبی گفته ایم. دیگران هم میگویند و خوب هم هست. به نظر ما این هم از جمله مباحث بسیار خوب است. در اینجا است که بین نظریات اسلام و مدعیات غربی مقایسه میشود که ببینیم اسلام در این زمینه های سه گانه چه میگوید و غریبها چه میگویند؛ که حَقّاً و انصافاً نظر اسلام در این زمینه، برای زن و برای جامعه، بمراتب بهتر، قویتر و مفیدتر از همه ی حرفهایی است که در دنیا مطرح است و گفته میشود. پس ببینید نوع دوم عبارت است از مطالبی که در قلمروهای گوناگون، در باب تبیین نظر اسلام بیان میشود. این هم خوب است. این کارها هم انجام بگیرد، بسیار بجاست. در این زمینه ممکن است ابهاماتی باشد که لازم است کسانی بنشینند، بحث کنند و نظر بدهند؛ که آن وقت این بحثهایی که اخیراً به مباحث فقهی هم راه پیدا کرده است - بحث در مورد قضاوت زنان، تصدّی مناصب گوناگون اجتماعی و سیاسی به وسیله ی زنان - در این زمینه میگذرد. همه ی اینها هم خوب است. نوع سوم که به نظر من روی آن باید متمرکز بشویم - که اگر این را درست نکنیم، آن بحثهای قبلی هم به کار مسأله ی زن نخواهد آمد - مسأله ی مشکلات زن است. زن در جامعه چه مشکلاتی دارد؟ مهمتر از آنها، زن در عائله و در زندگی خانوادگی، دچار چه مشکلاتی است؟(2)

ص: 186

1- . سوره ی احزاب، آیه ی 35

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (14/8/75)

نارساییها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره ی مسأله ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه میگوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال میخواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، میفرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (1)». در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را میشود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام الله علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی يك زن، او را به اینجا میرساند. البته نقطه ی مقابله هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای اینکه خدای متعال بدترین انسانها را مثال بزند، میفرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِمْرَأَتَ نُوحٍ وَ إِمْرَأَتَ لُوطٍ (2)». باز هم دورا مثال میزند که بدترین انسانها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آنها را مثال نمیزند؛ زن نوح و زن لوط را مثال میزند. این عنایت به جنس زن و توجه به اوجهای گوناگون و حسیضهای گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن میخواهد به نگرش غلط مردم آن روز دنیا که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیره العرب که

ص: 187

1- . سوره ی تحریم، آیه ی 11

2- . سوره ی تحریم، آیه ی 10

دخترانشان را زیر خاک می‌کردند، و چه مردم امپراطوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران اشاره کند. (1)

نظر اسلام مبتنی بر آفرینش زن و نیازهای او برای رسیدن به کمال

در نظام اسلامی علیرغم بسیاری از کوتاهیها، در مراکز که مقیدند از نظر اسلام پیروی کنند، بینش بسیار روشن و خوبی نسبت به زنان هست؛ بینش بسیار متعالی و نزدیک به حقیقت، بلکه در مواردی عین حقیقت است. اگر به سنتهای غلط و عادات نادرست نگاه نکنیم، نظر اسلام - آنچه که لب اسلام است - درباره ی زن، مانند نظر اسلام درباره ی مرد، مبتنی بر اعتنا به واقعیهایی است که آفرینش زن و مرد و نیازهای آنها ایجاب میکند، تا بتوانند خود را به اوج کمال انسانی برسانند. (2)

2-3 - مبارزه ی اسلام با ظلم تاریخی به زن

غلبه ی خورشید معرفت اسلام بر جاهلیت حاکم بر جهان

همیشه سالهای گذشته، وقتی مسأله ی مبعث و خاطره ی بزرگ بعثت مطرح میشده است، هم ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه ی آن بعثت عظیم نبوی دانسته، هم این سؤال لااقل در ذهنهای افرادی از مردم - از خواص و اهل نظر - پیش آمده است که راز پیشرفت اسلام در آن روزگار غربت معرفت و عمومیت جهل، که همه دنیا را پر کرده بود، چه بود. فقط در منطقه ی عربی نبود که جاهلیت حاکم بود. در دو امپراطوری عظیم آن روز - یعنی امپراطوری ایران ساسانی و امپراطوری روم - همین جاهلیت وجود داشت؛ در آن مناطق هم از عدالت خبری نبود؛ در آن مناطق هم تبعیض بود. در همین ایران، درس خواندن و معرفت آموختن، مخصوص به طبقاتی بود و عامه ی مردم

ص: 188

1- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی (70/10/4)

2- . در دیدار با جمعی از بانوان استان هرمزگان (76/11/29)

حقّ نداشتند درس بخوانند. برده داری به بدترین شکلش، معامله با ضعفا به بدترین شکل، مسأله ی زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت ترین و تحقیرآمیزترین شکل. همه جا جاهلیت بود؛ همه جا معرفت غریب بود. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دلها و ذهنها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقّی انسانی با سرعت پیش رفت. نیم قرن از دوران بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای آباد عالم، در حیطه ی تصرّف اسلام قرار گرفت. این چیز کمی نیست. هر جا اسلام رفت، توده های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست اینطور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدّن اسلامی را پایه گذاری کند که این تمدّن اسلامی، حتّی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تألّف و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؛ اینها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ این، موضوع يك بحث خیلی طولانی است. محقّقان و نویسندگان روی این مسأله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند. (1)

اسلام و تحوّل در شخصیت زن

این مقداری که من صحبت کردم، خیلی خیلی کمتر از این است که بتواند آن چهره ی والا و عظیم الشان و منور و فرشته صفت را ترسیم بکنیم. حالا این زن محصول چیه؟ این مال چه زمانی است؟ این را درست برگردید و بهش توجّه بکنید. این حوادث شصت سال بعد از هجرت اتفاق افتاده؛ شصت، هفتاد سال بعد از ظهور اسلام. ظهور اسلام همزمان است با آن زمانی که، با آن دورانی که زن در نهایت انحطاط و بدبختی و فساد و ذلّت و ناتوانی غوطه میخورده در همه جا، نه فقط در منطقه ی عرب نشین، در

ص: 189

1- . در دیدار با کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) (78/8/15)

ایران هم همینجور بوده، در روم هم همینجور بوده، دو تا امپراطوری بزرگ دنیا، دو جامعه ی متمدن آن روز. بالاترین مقامی که زن در این جوامع داشته این بوده که يك كالای لوکس و يك عروسک زیبا برای قدرتمندان جامعه باشد، این آن سطح بالا و اوج پرواز زن بوده. حالا آن زنی که کنیز میشد، آن زنی که زنده، زنده به گور میشد، آن زنی که در خانواده و در فامیل يك عنصر زیادی به حساب می آمد. حالا آنها بماند، آن زنی که بالا میرفت و اوج میگرفت و دیگر در بالاترین حد يك زن در آن دنیا قرار میگرفت، آن خانمی بود که به خاطر جمالش یا بخاطر يك ظرافتی یا به خاطر يك هنری، مطبوع طبع و منظور نظر يك آدم قدرتمند پولداری، يك سلطانی، يك امپراطوری قرار میگرفت، او این خانم را از اوج ذلت میکشید می آورد بالا، همانطور که يك عروسک زیبا را که هیچ ارزشی هم ندارد، يك جسم بیجان است، وقتی قشنگ است با پول گزافی میخرند، می آورند سر طاقچه مینشانند، همینطور این زن را می آورد در صدر هم مینشانند، البته همان خانم گاهی اوقات دستور میداد، وزیر مجبور بود به حرف او گوش فرا بدهد اما این به خاطر شخصیت آن خانم نبود، به خاطر شخصیت آن مردی بود که این خانم منظور نظر او قرار گرفته بود، همین. اما دانش، بینش، اخلاق، اوج معنویت، تحوّل درونی، شخصیت انسانی والا، ابدا. از آنچنان جامعه ای، در میان آنچنان وضعی، تحوّل اسلامی، زنی مثل زینب را پدید آورد، امروز همان معجزه را اسلام میتواند انجام بدهد. (1)

ارزشگذاری اسلام در مورد زن

فرصت یادبود ولادت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) فرصت مغتنمی برای زنان مسلمان است تا هویت زن مسلمان و ارزش والای زنان در نظر اسلام و در پرتو نظام اسلامی مورد توجه و مداقه قرار بگیرد. اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم میکرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و

ص: 190

فکر و ارزشهای انسانی، هم در میدان حضور سیاسی، هم از همه بالاتر در عرصه ی خانواده. زن و مرد ناگزیر اجتماع کوچکی به نام خانواده دارند که اگر در جامعه ای ارزشگذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه ای که به زن ستم میشود، داخل خانواده است؛ در هر سه عرصه اسلام ارزشگذاری کرده است. (1)

برخورد اسلام با سنتهای غلط نسبت به زنان

اسلام با سنتهایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، دو جور رفتار میکند؛ بعضی سنتهای غلط را بکلی از بین میبرد و آن سنت را بکلی نابود میکند چون سنت غلطی است مثل اینکه عربها قبل از اسلام، دختران خودشان را نگه نمیداشتند یا بیشتر ملت‌های غیر مسلمان جنس زن را تحقیر و اهانت میکردند! اسلام این سنت را بکلی از بین برد؛ چون بکلی غلط بود. اما اسلام بعضی از سنتها را از بین نبرده است؛ کالبد سنت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج. (2)

دلیل اظهارات پرجوش پیامبر (ص) در مورد زن

ما بایستی برویم سراغ اینکه بینیم، علت این ستمی که همیشه در طول تاریخ به زن شده است، چیست؟ در زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم شده است و پیغمبر با این ستم مبارزه میکرد. اینکه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این همه راجع به زن حرف زده است، بخاطر مبارزه ی با این است؛ والا اگر میخواستند فقط مقام زن را بیان کنند، این اظهارات پراحساس و پرجوش لازم نبود. این احساسات حاکی از این است که پیغمبر میخواهد با چیزی مبارزه کند و آن عبارت است از آن ستم که میشد و پیغمبر در مقابل آن ایستاده است. این همه که در روایات نبوی و روایات ائمه (علیهم السلام) در

ص: 191

1- . در دیدار با زنان و دختران مسلمان کشور (79/6/30)

2- . در صحن مطهر حرم امام رضا (ع) (77/1/1)

زمینه‌ی معاشرت با زن و در داخل خانه حرف هست، بخاطر مقابله با این است. متأسفانه تا زمان ما هم ادامه داشته است. البته مخصوص جامعه‌ی ما هم نیست. این را هم همه باید توجه داشته باشند که این ستم در دنیا وجود دارد؛ بلکه در دنیای غرب، به شکل بسیار بدتری است. (1)

پاسخ دادن به برداشت غلط و مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن

اینجا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال میزد. نه، در همه‌ی قرآن، وقتی که میگوید: «صَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا» (2) یا «صَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا» (3)، در هر دو مورد از زن مثال میزند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام میخواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله‌ی زن را - که در طول تاریخ هم وجود داشته است - تصحیح کند. (4)

مبارزه با عادات و آداب غلط خرافی بعضی از اقوام نسبت به زن

من طبق گزارشها اطلاع پیدا کردم که هنوز در گوشه و کنار این استان (5) و در بعضی جاها، عادات غلط و جاهلی نسبت به زن مسلمان وجود دارد؛ عاداتی که زن را از استقلال و شخصیت خود و از کرامتی که اسلام برایش معین کرده است، محروم میکند. در دوران نظام اسلامی، اینطور زواید فکری و خرافات، قابل قبول نیست. من از بانوان - که در درجه‌ی اول خود بانوان باید بخواهند که بر طبق سیره‌ی اسلامی با آنها عمل شود - و همچنین از

ص: 192

1- . در دیدار گروهی از زنان پزشك سراسر کشور (75/8/14)

2- . سوره‌ی تحریم، آیه‌ی 11

3- . سوره‌ی تحریم، آیه‌ی 10

4- . در دیدار با گروهی از زنان پزشك سراسر کشور (68/10/26)

5- . خوزستان

همه ی برادران - چه برادران عرب، چه برادران بختیاری و لر، یا برادران دیگر - خواهش میکنم که اگر در میان آنها عادات و روشهای غلطی از گذشته نسبت به زنان باقی است، آن را کنار بگذارند، تا خواهران هم بتوانند در میدانهای اجتماعی وارد شوند، تحصیل علم و معرفت کنند، خانواده ها را آباد کنند، فرزندان با معرفت و با کمال و عاقل و آینده سازی را تربیت کنند، یا در هر میدان دیگری که میخواهند یا میتوانند، فعالیت نمایند. این، آن چیزی است که اسلام خواسته است و به فضل پروردگار بایستی در نظام جمهوری اسلامی تأمین شود. (1)

مقابله با نگاه انحرافی و تحقیرآمیز نسبت به زن

من مکرر در جمعهای دانشجویی و در جمعهای جوان گفتم که در قضیه ی زن، ما در مقابل ادعاهای غریبهها دفاع نمیکنیم، ما حمله میکنیم و غرب باید از خود در قضیه ی زن دفاع کند، نه اسلام، برای این است. اسلام برخلاف آنجوری که همیشه در نظامهای طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه میکردند، به زن شخصیت میدهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه میخواهند مشخص بکنند، نمونه ی زن معین میکنند. «وَصَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (2)»؛ این نفر اول، «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» (3)، نفر دوم؛ نمونه برای الَّذِينَ آمَنُوا، دو زن. نمونه برای الَّذِينَ كَفَرُوا هم دو زن: «امْرَأَتَ دُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهُمَا (4)». یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار میدهد. میشد يك مرد انتخاب بکنند، نه، این در مقابله ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده. (5)

ص: 193

1- . در دیدار اجتماع مردم اهواز (75/12/18)

2- . سوره ی تحریم، آیه ی 11

3- . سوره ی تحریم، آیه ی 12

4- . سوره ی تحریم، آیه ی 10

5- . در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (88/7/28)

کوبیدن اندیشه های جاهلی با بالا کشیدن زن نسبت به مرد در قرآن

در سوره ی مبارکه ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا» ها میگوید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ دُكِّرَ أَوْ أُنْثِيَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ (1)». مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی يك جا برای کوبیدن همین اندیشه های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا میکشد؛ که يك چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمیکند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ (2)». نمودار کفار، این دو تا زنند: «امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا (3)» تا آخر. «وَ صَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (4)»؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها يك نمودار، يك مجسمه، يك نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی میکند: یکی «امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» - إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ (5). تا آخر - دَوْم «وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا (6)». اصلاً چیز عجیبی است. (7)

3-3 - شأن انسانی زن از نظر اسلام

نگاه انسانی اسلام به زن

اسلام با نظر کرامت به زن نگاه میکند. همه ی خصوصیات انسانی میان

ص: 194

- 1- . سوره ی آل عمران، آیه ی 195
- 2- . سوره ی تحریم، آیه ی 10
- 3- . همان
- 4- . همان
- 5- . همان
- 6- . سوره تحریم، آیه ی 12
- 7- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/4)

زن و مرد مشترك است. يك انسان قبل از آنی که اّتصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متّصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. (1)

زن؛ پیشگامان حرکت معنوی انسان

در زمینه ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، می‌فرماید: «وَصَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (2)»؛ از يك زن مثال می‌زند. آنجایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ (3)». در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر میشود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت میکنند و پیش می‌روند؛ هر دورا ذکر میکنند. این بتِ مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه بوسیله مردان و حتی بوسیله ی زنان پرستیده میشد، اسلام در این آیات میشکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را يك امر لازم و يك مسأله ی زنده معرفی میکند. شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه اش هم دروغ است - تا دهه های اوّل این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ

ص: 195

1- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (2/4/191)

2- . سوره ی تحریم، آیه ی 11

3- . سوره ی احزاب، آیه ی 35

عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ (1)» زنها می آمدند با پیغمبر بیعت میکردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هرچه که آنها رأی دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زنها هم بیعت میکنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت میکنند. غریبها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را میکنند! در زمینه مالکیت نیز همینطور؛ و در زمینه های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است. (2)

اسلام؛ پیشگام در دفاع از حقوق زن

متفکرین مسلمان در قرن اخیر، در دهه های اخیر به خصوص چه در ایران چه در جای دیگر، وظیفه ی خودشان دانستند که از زن دفاع کنند، حقیقت زن، شخصیت زن، استعدادهای نهانی موجود در زن، چه آنهایی که با مرد در آن استعدادهای شریک است، چه آن استعدادهایی که او دارد و مرد ندارد، نسبت به این چیزها زنها را آشنا کنند و از حقوق زن دفاع کنند. البته میدانید که اسلام، پیشگام در این دفاع بود و آن کسانی که صحبت کردند درباره ی زن اندیشیدند و گفتند، آنها از اسلام آموختند که اسلام به آنها یاد داد که در وجود زن، چه گوههایی نهفته است. اینها حرف بود، حرفهایی که درباره ی زن، متفکرین اسلامی قبل از انقلاب گفتند، بعد از انقلاب هم بارها و بارها چه وجود مبارك امام و چه کسانی که در این زمینه ها سخن گفته اند درباره ی زن حرفهای زیادی زدند. (3)

رازهای طرح دو زن بعنوان نمونه ی ممتاز در صحنه ی انسانیت

قرآن کریم، وقتی میخواهد نمونه ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند،

ص: 196

1- . سوره ی ممتحنه، آیه ی 11

2- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان (79/6/30)

3- . در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (61/11/14)

آن را از میان مردان ذکر نمیکنند؛ از میان زنان ذکر میکند: «وَصَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (1)». خدای متعال در اینجا، دو زن را بعنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر میکند. یعنی در صحنه ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی میخواهد نمونه ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیتهای علمی و دینی نمیکنند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می آورد که یکی از آن دوزن، زن فرعون است. «إِذْ قَالَتْ رَبِّ لِي لِي عَذَابٌ بِيْتًا فِي الْجَنَّةِ (2)»؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمیروند. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمیتواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیونها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می آورد، راه فرعون را ترك میگوید و راه خدا و راه حق را انتخاب میکند. لذا بعنوان يك موجود و يك انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه ی بنی نوع بشر انتخاب میشود. زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «وَمَرْيَمَ إِتَتْ عِمْرَانَ (3)»، مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده ی همه ی مردم شهر و منطقه ی خود، مثل کوه می ایستد و کلمه الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست میگیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می افکند. این دوزن، دنیا را نورباران میکنند. این، نشاندهنده ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه ی انسانها، از اولین و آخرین جمع شده اند؛ وقتی خدای متعال میخواهد دو انسان را

ص: 197

-
- 1- . سوره ی تحریم، آیه ی 11
 - 2- . همان
 - 3- . سوره ی تحریم، آیه ی 12

از مجموع همه ی انسانها انتخاب کند و بعنوان مثل و نمونه، آنها را معرفی کند، دوزن را انتخاب میکند؛ نه دو مرد را و نه يك مرد و يك زن را. در این کار، رازهایی است. (1)

پیامبر اسلام (ص) و حقوق انسانی زنان

در دوران حکومت اسلامی، زنی در مدینه به دیدن پیامبر آمد. اصحاب دیدند که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نسبت به این زن خیلی اظهار محبت کرد و احوال خود و خانواده اش را پرسید و با کمال صمیمیت و محبت با او رفتار کرد. بعد که آن زن رفت، پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای رفع تعجب اصحاب فرمودند که این زن در زمان خدیجه (دوران اختناق و شدت در مکه) به منزل ما رفت و آمد میکرد. لابد در زمانی که همه، یاران پیامبر را محاصره کرده بودند و خدمت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همسر مکرم پیامبر نمی آمدند، این خانم آن وقت با خدیجه رفت و آمد میکرد است. در روایت هم ندارد که این زن مسلمان شده بود، نه، احتمالاً این زن هنوز هم مسلمان نبود، اما به صرف اینکه در گذشته چنین خصوصیتی داشته و چنان صمیمیت و محبتی را ابراز میکرده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سالها بعد از آن، این حقیقت را رعایت میکردند. (2)

ارزشگذاری به اصالت زن

ما باید در مورد مسأله ی زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسأله ی ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن يك ارزش والاست؛ يك اصل است. به هیچ وجه تشبیه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی آید؛ همچنان که برای مردها تشبیه به زنان ارزش به حساب نمی آید. هرکدام نقشی دارند، هرکدام جایی دارند، جایگاهی دارند

ص: 198

1- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

2- . در خطبه های نماز جمعه (68/7/28)

و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آنها در آفرینش حکیمانه ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود؛ این مسأله مهم است. (1)

پرهیز از سطحی نگری به احکام اسلامی در مورد زنان

بیاید آن چیزهایی را که در فقه مسلم اسلامی و در ظواهر قرآن و حدیث، بین زن و مرد تمایز قائل شده است، کنار بگذارید و روی اینها بحث نکنید؛ بخصوص آن چیزهایی که در قرآن مورد تصریح است. البته این به معنای آن نیست که شما از حق زن دفاع نکنید؛ بلکه به این معناست که احتمال بدهید همین موارد، دفاع از حق زن است، برداشتها مختلف است. الآن ملاحظه میکنید که این خانم درباره ی طلاق دیدگاهی را درست نقطه ی مقابل دیدگاه رایج مطرح میکنند؛ در صوتی که تا الآن بحث بر سر این بوده است که ما جلوی طلاق را بگیریم؛ الآن همه ی دنیا هم همین را میگویند.

در صورتی که ایشان میگویند ما بیاییم بگوییم طلاق در شرایطی خیلی هم خوب است؛ برای خاطر اینکه گاهی اوقات طلاق در زندگی وجود دارد؛ در حالی که ظاهراً صیغه ی طلاق جاری نشده است. من میگویم شما از کجا میدانید که در مسأله ی ارث - که ممکن است به نظر بعضی برسد که به زن ظلم میشود - دیدگاه مترقی و فکور و عمیقی پیدا نشود که نشان بدهد اتفاقاً این هیچ ظلم نیست؛ یا همینطور در قضیه ی طلاق و قصاص و قضایای دیگری که وجود دارد؟ بالاخره قرآن است، سخن خداست، حکمت الهی است، حکمت نبوی است؛ شوخی که نیست. نمیشود به آسانی گفت که ما اینطور میفهمیم؛ نه پشت این آیات، حکمتهایی وجود دارد. گفت: «چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست». حالا اهل دل کجا، خالق دل کجا؟ بنابراین نمیشود گفت من اینطور میفهمم؛ نه. این را کنار بگذارید و به مسائل دیگر پردازید. (2)

ص: 199

1- . در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (86/4/13)

2- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

اروپایی که امروز ادعا میشود زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش در همین اروپا، به زن اجازه داده نمیشد که در مال شخصی خودش تصرف کند.

در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد یا نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد، فرقی نمیکند، او میتواند ثروت و مال و اندوخته ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. (1)

4-3 - برابری و تفاوت میان زن و مرد

عدم تفاوت بین زن و مرد در طی مراتب معنوی و حقوق اجتماعی و فردی

خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده اند، انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) می آفریند که امام عسکری یا امام هادی (علیهما السلام) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - میفرمایند: «نحن حجج الله علی خلقه و فاطمة حجة الله علینا». فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا است، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. يك چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته های عالم خلقتند. در این جاده ی تکامل و تعالی، آن که حرکت میکنند، انسان است. در حقوق اجتماعی، فرقی

ص: 200

بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. (1)

عدم تفاوت زن و مرد در تقرب الی الله و کمالات

اما در زمینه ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، يك زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه شان، رتبه های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه ی شریفه ی سوره ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم بخاطر همین است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ (2)». از اسلام تا ذکر، يك فاصله ای است. يك سلسله مدارك متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا میکند «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً (3)». همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند. در سوره ی مبارکه ی آل عمران، بعد از آن «ربنا» ها میگوید: «فَاسْتَجِبْ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ (4)» مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. (5)

عدم تفاوت در ارزش انسانی زن و مرد

اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد نمی بیند. جنسیت زن و مرد، کوچکترین

ص: 201

1- . در دیدار جمعی از مداحان (92/2/11)

2- . سوره ی احزاب، آیه ی 35

3- . همان

4- . سوره ی آل عمران، آیه ی 195

5- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

تأثیری ندارد. نه در جوهر انسانیت آنها تفاوت و اختلافی وجود دارد، نه در حقوق اساسی آنها هیچگونه اختلاف و تفاوتی هست: او هم آزاد است، این هم آزاد است؛ او هم حق انتخاب دارد، این هم حق انتخاب دارد؛ او هم تکلیف دارد، این هم تکلیف دارد؛ او هم میتواند درجات عالی انسانی را طی کند، این هم میتواند طی کند؛ او هم حق فراگرفتن علم را دارد، این هم حق فراگرفتن علم را دارد؛ او هم وظایف سنگین جهاد فی سبیل الله را بر دوش دارد، این هم وظایف سنگین جهاد فی سبیل الله را بر دوش دارد - جهاد، هم بر زن واجب است، هم بر مرد؛ جهاد فقط شمشیر زدن که نیست، انواع و اقسام جهاد هست؛ بعضی از انواع جهاد از شمشیر زدن و به جبهه رفتن بسیار هم مشکلتر است؛ حال ممکن است بعضی از انواعش برای این میسر باشد، برای او میسر نباشد؛ اما به هر حال جهاد فی سبیل الله، هم بر زن و هم بر مرد واجب است. (1)

عدم تفاوت در فعالیتهای مختلف اجتماعی

میان مرد و زن در اجازه ی فعالیتهای متنوع در همه ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد میتواند درس بخواند، زن نمیتواند؛ مرد میتواند درس بگوید، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت سیاسی کند، زن نمیتواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. (2)

عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری

هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضائلی که يك انسان و يك فرد میتواند به آن فضائل آراسته شود. لذا فرقی بین زن و مرد نیست.

ص: 202

1- . بخشی از جلسه ی 124 تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

نشانه اش هم در درجه ی اول فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه ی بعد از ایشان است. (1)

عدم تفاوت زن و مرد در عروج و سقوط انسانی

شما میبینید خدای متعال برای اینکه نمادی در مقابل چشم بشر قرار دهد، يك زن را انتخاب میکند. میتوانست يك مرد را انتخاب کند؛ مردان بزرگ که بسیار بودند؛ اما يك زن را انتخاب میکند. این معنا دارد. در مقابل آن مردم جاهلی که خیال میکردند بین زن و مرد فرقی هست، قرآن میگوید: «وَ صَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (2)»؛ زن فرعون را بعنوان نمونه ی مؤمنان مثال میزند. میتوانست حضرت موسی را مثال بزند، اما زن فرعون را مثال میزند؛ «إِذْ قَالَتْ رَبِّ إِنَّ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». در طرف بدی نیز همینطور است: «وَ صَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ (3)»؛ زن نوح و زن لوط را بعنوان نمونه های بدی مثال میزند؛ یعنی در میدانهای انسانی و تکامل و تعالی، از طرف عروج و سقوط، از طرف تکالیف و حقوق، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ اینها دو موجود انسانی هستند. (4)

عدم تفاوت مرد و زن در ارزشهای معنوی و اسلامی

قبل از اسلام هم الگوهایی بودند، همین آیه ای که خواندم «وَ صَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ (5)» زن فرعون با اینکه در نامساعدترین شرایط اجتماعی و اخلاقی و فکری رشد کرده، اما آن نمونه ی برجسته ای است که قرآن بعنوان مؤمن او را معرفی میکند. شما ببینید چقدر شخصیت مؤمن غیر از پیغمبران در طول تاریخ وجود داشته، يك زن را انتخاب میکند قرآن

ص: 203

1- . در دیدار با گروهی از زنان پزشك سراسر كشور (68/10/16)

2- . سوره ی تحریم، آیه ی 11

3- . سوره ی تحریم، آیه ی 10

4- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

5- . سوره ی تحریم، آیه ی 11

و معرفی میکند، «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا»: خداوند ارائه میدهد نمونه ای، «لِلَّذِينَ آمَنُوا»: برای مؤمنان، «إِمْرَأَتِ فِرْعَوْنَ»: زن فرعون. این نشاندهنده‌ی همین ارزشهای والای انسانی و الهی است که در زنها تجلی پیدا میکند. در اسلام هم که فاطمه‌ی زهرا آمد که برترین زنان تاریخ شد و یکی از برجسته‌ترین انسانهای آفریده در طول تاریخ، بزرگ الهی و پیغمبران. خب این چی را به ما یاد میدهد؟ اسلام به این وسیله به ما میفهماند؛ که زن از لحاظ ارزشهای الهی و انسانی با مرد تفاوتی ندارد، از لحاظ اینکه يك زنی در اوج خود، در اوج پرواز خود به کمال به کجا میتواند برسد؟ نگاه کنیم ببینیم، میتواند به همان جایی برسد که برترین و بالاترین مردان در پرواز معنوی خودشان میتوانند برسند - بدون هیچ تفاوتی امیرالمؤمنین در ردیف بزرگترین اولیاء الهی است. تمام ارزشهای معنوی و اسلامی برای زنان همینجور است در قرآن «إِنَّ الْأُمَمَ لَمِینَ وَالْمُسَدِّمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرَاتِ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمَاتِ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرَاتِ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ (1)» هر جایی که ارزش معنوی ای را برای مرد می آورد، برای زن هم عین همان را با همان تعبیر می آورد؛ این دو موجود پروازشان با هم است، یکسان است، از لحاظ ارزشهای معنوی هیچ تفاوتی ندارد، این همان است. از لحاظ تکالیف هم، تکالیف اجتماعی هم، با هم تفاوتی ندارند. (2)

برابری فرصتهای عروج برای زن و مرد

تکالیف الهی که فرصتهای عروج انسانند و بوسیله‌ی این تکالیف است که انسان میتواند عروج پیدا کند، [هم بر زن هم بر مرد واجب] است. همه‌ی اینها بدون هیچگونه تفاوتی، در مقابل زن و مرد یکسان گشوده

ص: 204

1- . سوره‌ی احزاب، آیه‌ی 35

2- . در مراسم بزرگداشت روز زن در استادبوم آزادی (67/11/8)

است. لذا شما ملاحظه میکنید که قرآن در مواردی زیاد، زن و مرد را با هم می آورد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا(1)». اینجا مردها نمیتوانند بگویند که ما این امتیاز یا این ترجیح را داریم، یا زن بگویند که چرا به مرد این ترجیح داده شده است؛ نخیر. در همه ی اینها زن و مرد یکسان مورد ملاحظه ی الهی قرار میگیرند.(2)

برابری زن و مرد از جنبه ی الهی و تکامل انسانی

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته میشود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل میشود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصه ی پیکره ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه ی بشری و جنبه ی الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در قرآن آن وقتی که میخواهد راجع به انسانهای خوب یا انسانهای بد مثل بزند، از زن مثل می آورد: «صَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ(3)». در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال میزند؛ «امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ». در هر دو جا، مثال و نمونه ی کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر میکند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن میگوید.(4)

برابری زن و مرد در ارزشهای معنوی و معرفتی

در بینش اسلام زن از نظر معرفت، اندیشه، فکر و قرب به خداوند مانند

ص: 205

- 1- .سوره ی احزاب، آیه ی 35
- 2- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)
- 3- .سوره ی تحریم، آیه ی 10
- 4- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

مرد است و به هیچ وجه نباید با زن با افراط و تفریط و دون شأن او برخورد کرد. زن و مرد دارای وظایف و مسؤولیتهای مشترک و نیز اختصاصی هستند که باید بدقت شناخته و تبلیغ شود. (1)

برابری زن و مرد در پیمودن مراحل تکامل معنوی و مادی

از نظر اسلام زن باید به مثابه ی يك عنصر انسانی تمام مراحل کمال انسانی را بپیماید که همانطور که میدانید کمال انسانی حد ندارد و در هیچ جا متوقف نمیشود. زن بعنوان يك دانشمند، بعنوان يك مخترع و مبتکر، بعنوان يك فیلسوف، بعنوان يك عنصر فعال سیاسی، بعنوان يك عنصر فعال دولتی و اداری، بعنوان يك انسان خدمتی که به خدمات اجتماعی اشتغال دارد، بعنوان يك معلم، بعنوان يك پزشک، به همه ی عناوینی که يك مرد میتواند با آنها امتیاز پیدا کند زن میتواند امتیاز پیدا کند البته با چند استثنای محدود که در اسلام مشخص شده از جمله حق قضاوت؛ مثلاً اما از نظر اسلام در ضمن اینکه در جامعه ی اسلامی همه ی این معانی برای زن وجود دارد فراتر و والاتر از همه ی آنها آن معنویّت و اوج روحی و عرفانی انسان است که تقریباً به خداست که او زن و مرد به هیچ وجه نمیشناسد و زن و مرد بصورت یکسان میتوانند درجات معنویات و تکامل را بپیمایند و به خدا نزدیک بشوند که از نظر اسلام این اوج شخصیت هر انسان است. (2)

برابری زن و مرد در فرایض دینی

میان مرد و زن و میان همه ی قشرهای اجتماع، در این تکلیف و فریضه ی عمومی (3) فرقی نیست و در این آیه ای که تلاوت کردم ده صفت را خدا برای پیروان امت اسلام می‌شمارد که اولش اسلام یعنی تسلیم در برابر خداست و آخرش ذکر و یاد خدا. و در همه ی اینها میان مرد و زن فاصله ای نمیگذارد

ص: 206

1- . در دیدار با مدیران و برنامه سازان صدا و سیما (75/5/9)

2- . در کنگره ی جهانی زن (66/11/17)

3- . روزه داری ماه مبارك رمضان

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ (1)» مردان مسلم و زنان مسلم، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان صادق و زنان. (2)

همردیفی مقامات معنوی و درجات انسانی زن و مرد

خواهران من! موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسأله ای است که از دیرباز در میان جوامع و تمدنهای مختلف مطرح بوده است. همیشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگی در عالم، به همان اندازه که به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگترین کارهای آفرینش را بطور طبیعی برعهده دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولیدمثل و تربیت کودک، در دست زنان است. پس مسأله ی زنان، مسأله ی مهمی است و از دیرباز، در جوامع، در بین متفکرین و در اخلاق و عادات گوناگون ملتها وجود داشته است. اسلام يك موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشدارى به همه ی مردم عالم داده است. اسلام، مردانى را که بخاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت میگرفتند و زن را مورد آزار و احياناً تحقیر قرار میدادند، بکلی سرجای خود نشانند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (3)» مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متعبد، زن متعبد.

پس، در اسلام همه ی این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ چه مرد باشد و چه زن، «فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً (4)». (5)

ص: 207

- 1- . سوره ی احزاب، آیه ی 35
- 2- . خطبه های نماز جمعه (59/4/13)
- 3- . سوره ی احزاب، آیه ی 35
- 4- . سوره ی نحل، آیه ی 97
- 5- . در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) (73/7/20)

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ (1)» همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (2)». این، صحنه‌ی اول است که در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است؛ اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد میتواند به عالیترین مقامات از لحاظ معنوی برسد، زن هم میتواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد میتواند به حدّ علی بن ابیطالب (علیه السلام) برسد و زن میتواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) برسد.

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره احزاب فرق نمیکند، چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت، چه خشوع، چه تصدّق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند. (3)

ابعاد گوناگون جهاد و مبارزه‌ی زن

مسأله‌ی شخصیت بعنوان یک مسلمان، بعنوان یک انسان در جامعه، خب خود همین ابعاد گوناگونی دارد علم آموزی، چه علمی؟ چگونه؟ در چه شرایطی؟ با چه انگیزه‌ای؟ این قابل بررسی است. بعد جهاد، جهاد بر زن هم مثل مرد واجب است. یک نوع جهاد فقط هست که مخصوص مردهاست، آن جهاد ابتدایی تعرضی. آنجایی که دشمن حمله میکند بر مرد و بیمار و صحیح و سفیه و هر کسی که مکلف است لازم است که دفاع

ص: 208

1- . سوره‌ی احزاب، آیه‌ی 35

2- . همان

3- . در دیدار با زنان خوزستان (75/12/2)

بکند؛ بنابراین جهاد بر زن واجب است، علاوه بر این جهاد که حضور در میدان جنگ فقط نیست، جهاد در عرف اسلامی به معنای مبارزه است. همان بار فرهنگی و همان مفهومی که کلمه ی مبارزه در فارسی متداول ما دارد، جهاد همان بار را و همان مفهوم را در عربی دارد. جهاد غیر از قتال است. قتال یعنی پیکار با سلاح، جنگ مسلحانه. جهاد یعنی مبارزه، که شامل مبارزه ی مسلحانه میشود، شامل مبارزه ی منفی میشود، شامل مبارزه ی اقتصادی میشود، شامل مبارزه ی فرهنگی میشود، شامل مقاومت های قهرمانانه میشود، همش مبارزه است. در میدان وسیع جهاد زن چه کارهایی باید انجام بدهد و ابعاد گوناگون جهاد او چگونه است؟ (1)

ایفای نقش یکسان در پیشرفتهای علمی و اجتماعی

ما معتقدیم زنان در هر جامعه ی سالم بشری قادرند و میباید فرصت پیدا کنند که در حدّ سهم خود، تلاش و مسابقه ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. (2)

امکان پرش بینهایت برای زن و مرد

در جهان بینی اسلام اگر من جهان بینی اسلام را میشناسم، بنده از اسلام میفهمم که از لحاظ استعدادها و از لحاظ امکان پرش - پرش بینهایت - میان زن و مرد هیچ فرقی نیست و قرآن وقتی میخواهد مثال بزند برای مؤمنین، از يك زن مثال میزند «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٌ فِرْعَوْنٌ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (3) این همه مؤمن. (4)

ص: 209

1- . در سمینار نقش در جامعه ی در دانشگاه تربیت معلّم (64/12/10)

2- . در دیدار با گروهی از زنان پزشك سراسر کشور (68/10/26)

3- . سوره ی تحریم آیه ی 11

4- . زمینه ی بعثت انبیاء از دیدگاه نهج البلاغه

اقتضای نظام اتم خلقت در خصوصیات زن و مرد

ما باید زن را زن، مرد را مرد نگه داریم، تا این مجموعه کامل بشود؛ والا اگر مرد را در همه ی خصوصیات و خلقیات و رفتارها و وظایف و کارها، به زن تبدیل کردیم و زن را تبدیل به مرد کردیم اگر یکی از این دو کار را کردیم کار غلطی کرده ایم. «فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ (1)»، این تغییر خلق الله که در قرآن هست، این است. یعنی ما آن نظام اتم خلقت را که لازم است در این مجموعه، جنسی با این خصوصیات باشد و جنسی با آن خصوصیات، تا همدیگر را تکمیل کننداز بین برده ایم. (2)

رعایت عدالت محض میان زن و مرد از نظر اسلام

برای اسلام، جنس - زن بودن و مرد بودن - مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجه است، مطرح است، که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم بخوبی میشناسد. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است. (3)

زن و مرد؛ دو جنس مکمل یکدیگر

من مکرر میبینم که خانمها وقتی با من روبه رو میشوند، نگرش فمینیستی

ص: 210

1- . سوره ی نساء، آیه ی 119

2- . در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (80/7/14)

3- . در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

را نسبت به مسائل زنان رد میکنند؛ اما متأسفانه در عمل، حرفها و گرایشها، همان باد فمینیستی است که اینها را میکشانند! چرا جنس ستیزی کنیم؟ آن شاعر بسیار برجسته ی زمان ما - رهی معیّری - که غزلسرای بسیار خوبی است و من از غزلهایش خیلی خوشم می آید، شعری علیه زنان سروده بود که از وقتی من این شعر را از او شنیده ام، اصلاً دلم چرکین شده است. يك نفر به زن اینگونه نگاه میکند؛ نقطه ی مقابلش هم یکی بیاید و زن گرای افراطی کند - ولو مردستیزی هم نکند - این هم غلط است. زن و مرد دو جنسند؛ خدای متعال اینها را آفریده تا مکمل هم باشند؛ تا با تفاهم و سکون و آرامشی که اینها ایجاد میکنند، جامعه ی اسلامی وجود داشته باشد. هر کدام از زن و مرد وظیفه ی اختصاصی دارند. زن - چه بخواهیم، چه نخواهیم - جنسی است که باید جنبه ی لطف و آرامش و رحمت و سکون را در جامعه تأمین کند. بچه ی پسر همیشه شیطانتر از بچه ی دختر است؛ آنهایی که بچه دارند، این را میدانند. خدای متعال در این جنس این گنجینه را گذاشته که هم خود زن و هم خود مرد به آن احتیاج دارند؛ ولی ما بیاییم این گنجینه را از او سلب کنیم و جنبه ی ستیزه گری مردگرایانه را به او منتقل کنیم. این کار چه لزوم و فایده ای دارد و چه افتخاری برای زنان به وجود می آید؟ (1)

توجه اسلام به زن و مرد از منظر انسانی و حقوقی

نظر اسلام به دو جنس را از دو منظر میشود مورد ملاحظه قرار داد: يك منظر، منظر اصل انسانیت، جوهر انسانیت، حقیقت انسانیت و چیزهایی است که بر این جوهر و حقیقت مترتب میشود؛ چه در نفس انسان، چه در سرنوشت انسان، چه در راهی که انسان را به آن سرنوشت و به آن درجات رفیعه ای که يك انسان میتواند به آنها برسد، میرساند، چه آنچه که مربوط به حقوق اساسی انسان است؛ مثل حقّ آزادی او، حقّ تعقل او، حقّ تکلیف

ص: 211

او - که به معنا، تکلیف هم يك حق است - حق اختيار و اراده ی او، هم اسلام از منظر بعضی از عوارض و لواحق و شرایط خاص زندگی از لحاظ جسمانی از لحاظ وضع تکالیف اجتماعی و امثال اینها به زن و مرد نگاه میکند. (1)

برجستگیها و امتیازات و برتری متقابل زن و مرد نسبت به هم و برابری کلی آنها

جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن يك هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیات کیان طبیعی شان که خدای متعال خلق کرده، يك امتیازاتی جانب زنانه دارد، يك امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال يك مقدار خصوصیات را به این جنس داده، يك مقدار خصوصیات را به آن جنس داده؛ يك برجستگیها و ارزشهایی این دارد، يك برجستگیها و ارزشهایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزشهای معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی يك مردی مثل علیبن ابی طالب میشود، يك زنی مثل فاطمه ی زهرا میشود؛ يك مردی مثل عیسی میشود، يك زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر. پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان جور که هست، زن واقعی، مؤثث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزشهایی میتواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسفانه شدیم. (2)

ص: 212

1- . بخشی از جلسه ی 124 تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (92/2/21)

بر اساس دیدگاه الهی و اسلامی، زن و مرد هر یک وظایفی اساسی را در قلمرو اختصاصی حیات خود بر عهده دارند که باید به آن عمل کنند. اما در عین حال هر دو در یک پهنه وسیع با مشارکت، هماهنگی و اعمال توانایی‌های خود مسئولیت‌هایی را به انجام می‌رسانند. (1)

برابری در ارزش‌های انسانی، تفاوت در وظایف تخصصی

اسلام میان زن و مرد برابری را از لحاظ ارزش‌های انسانی قبول دارد ولی از لحاظ وظایف اختصاصی نه. اسلام به زن نقش خاص خود را قائل است که به هیچ وجه کوچکتر از نقش مرد نیست. باید توجه نمود که ترکیب جسمانی و روانی زن، او را برای تکالیف خاصی آماده کرده است. این تکالیف عبارت است از آن چیزی که زن و مرد از آن مرز از هم جدا شده‌اند. (2)

توجه به تفاوت طبیعت زن و مرد

صدای مرد، کلفتتر از صدای زن، قد او بلندتر از قد این و استخوان او درشتتر از استخوان زن است. خصوصیات خلقت مرد هم، خصوصیات مسلط و فعال است، خصوصیات زن، خصوصیات نرمش و انعطاف و انجذاب است. لذا شما اگر در تعبیرات اسلامی ملاحظه کنید، درباره‌ی زن، درست همان تعبیرات واقعی وجود دارد. «إنما المرأة ريحانة وليست بقهرمانة(3)». زن گل است - ریحانه یعنی گل - انسان با گل چه کار میکند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر با گل کشتی بگیرید، گل پژمرده میشود. اگر گل را گل بشناسند و برخورد گلانه با آن بکنند، مایه‌ی زینت و مؤثر است، و وجود خودش شاخص و بارز خواهد بود. «و لیست بقهرمانه»، قهرمانه

ص: 213

1- . در دیدار با جمعی از بانوان مسؤول و متخصص و هنرمند کشور (74/8/22)

2- . در دیدار با زنان مسلمان ایران و 9 کشور جهان (67/11/8)

3- . بحار الانوار، ج 100، ص 253

به معنی قهرمانی که به فارسی می‌گوییم، نیست؛ بلکه تعبیر عربی است که از فارسی گرفته شده است. قهرمان - بطور خلاصه یعنی مباشر امور، سرکارگر. یعنی در خانه ی شما، زن را بعنوان مباشر امور خودتان ندانید، خیال نکنید که شما رئیسی هستید، کارهای خانه، بچه ها و امثال آن، به عهده ی يك سرکارگر است؛ سرکارگر هم این خانم است، و باید اینگونه عمل کنیم! نه قضیه اصلاً این نیست. ببینید برخورد حقیقی و مستقیم به سوی طبیعت زن است. زن که نمیتواند طبیعت خودش را فراموش کند. اصلاً مصلحت هم نیست که فراموش کند؛ برای خاطر آنکه نظام اتم مؤثر این طبیعت، این وضع مؤثر است. این لازم است؛ و الاً اگر این جنس را واقعاً چه از لحاظ خصوصیات به آن جنس دیگر تبدیل کردیم، از کمال کاسته ایم. غیر از این است؟ (1)

تفاوت طبیعی زن و مرد

خدای متعال طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشتها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن يك سنگ از زمین خیلی خوبند، اما اگر بخواهند يك جواهر خیلی ریز را لمس کنند، معلوم نیست بتوانند بردارند. (2)

تفاوت اندیشه و احساسات زن و مرد

گرچه زن از لحاظ ترکیب عقلی، ضعیفتر از مرد نیست، گاهی خیلی هم قویتر است - البته اندیشه ی زنانه، با اندیشه ی مردانه فرق دارد. نوع احساسات زنانه با احساسات مردانه فرق دارد. هر کدام برای کاری درست شده است. اینها در وجود افراد، به ودیعه گذاشته شده است - بعضی از جاها، مثلاً در مواجهه با يك مسأله ی علمی، فکر زنانه و مردانه تفاوتی ندارد؛ ولی در اداره ی زندگی تفاوت دارد. (3)

ص: 214

1- . در دیدار با زنان نماینده ی مجلس شورای اسلامی (78/4/30)

2- . مراسم عقد و ازدواج (81/6/6)

3- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (75/8/14)

از لحاظ پاره‌ای از تکالیف و از لحاظ آن جایی که مرز بین زن و مرد است، چرا تفاوت‌هایی دارد. زن برای يك وظیفه‌ی ویژه‌ای و مرد برای وظیفه‌ی ویژه‌ی دیگری آفریده شدند و شکل گرفتند. شما به شکل زن و مرد هم که نگاه کنید - به ترکیب جسمانی آنها به خصوصیات عاطفی و اخلاقی آنها - خیلی خوب می‌فهمید که این دو تا برای دو تا کارند برای يك کار نیستند؛ براساس همین کار و وظیفه‌ای هم که اینها به عهده‌شان محوّل شده امکانات و ابزارهای لازم در اختیارشان قرار گرفته. این دو تا کار هم هیچکدام از آن دیگری پایینتر یا بالاتر نیست. فرض بفرمایید يك ابزار، یا يك چکش ظریف کوچک بادقّت ساخته شده را شما با يك پتک مثلاً مقایسه کنید، پتک ارزشش بیشتر است یا این چکش ظریف؟ نمیشود بگوییم پتک، نمیشود بگوییم که چکش ظریف. هرکدامی ارزش خودشان را دارند، آنجایی که پتک به کار می‌آید این چکش را اگر بیاوریم کاری از آن ساخته نیست، آن جایی هم که به این چکش که ما احتیاج داریم اگر پتک بیاوریم جز ضرر اثر دیگری نخواهد داشت؛ هرکدام برای يك کاری. آفرینش الهی است؛ این را برای این کار، آن را برای آن کار آفریده، این مرز بین زن و مرد. (1)

حکمت الهی در تفاوت آفرینش زن و مرد

اگر جوامع بشری شناخت درستی از جایگاه زن و مرد در طبیعت بشری به دست آورند و آن را درست به کار ببرند، نظام کامل الهی تحقّق پیدا خواهد کرد و در این نظام، هر موجودی فایده و جودى خود را آنچنان که باید خواهد بخشید، به کسی ظلم نخواهد شد، هیچ استعدادی زایل نمیشود و بشریت از فیض همگنی، همکاری و همایش صحیح زن و مرد بهره‌های فراوانی خواهد برد. در نظام الهی، زن و مرد حقّ ندارند خود را واجبتر،

ص: 215

ضروریتر و مفیدتر از دیگری بدانند و با این نگاه همه در يك سطح قرار میگیرند. نقش واحد زن و مرد در چرخه ی زندگی بشر مبتنی بر انجام کار با هدف تکمیل عالم وجود در نظام حیات بشری خواهد بود و این مهم همان دیدگاه حکمت الهی در آفرینش زن و مرد است. (1)

تفاوت حقوق زن و مرد بر اساس طبیعت، فطرت و مصالح جامعه

نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً بر اساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است. البته کارهای خوبی هم شده است؛ امروز هم باید با زبان امروز این کار بشود، و الا در گذشته هم در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته است و اگر کسی مطالعه و توجه کند، به همین اذعان و تصدیق هم خواهد رسید. (2)

تفاوت وظایف زن و مرد بر اساس خلقت

برای این دو جنس (3)، واقعیتهایی وجود دارد؛ مثلاً شیر دادن به بچه يك تکلیف بر دوش زن است. زن باید بچه را شیر بدهد، مرد که نمیتواند شیر بدهد. یا فرض بفرمایید حضانت کودک، يك تکلیف و يك حق است - هم تکلیف است، هم به يك معنا حق است - که مربوط به زن است. یا مثلاً نان آوری خانواده يك تکلیف بر دوش مرد است. زن اگر همه ی ثروت دنیا را هم داشته باشد، وظیفه ندارد که مخارج خانه و هزینه های زندگی را از جیب خودش بدهد. مرد باید این کار را بکند. اینها ناشی از واقعیتهای دو

ص: 216

1- . در دیدار با بانوان مسؤول، متخصص و هنرمند کشور (74/8/22)

2- . در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر (76/7/30)

3- . زن و مرد

جنس است؛ یعنی خدای متعال این دو جنس را برای مصالحشان، برای بقای نسل، برای آبادی این عالم، برای اداره ی صحیح عالم طبیعت، به دو گونه ی مختلف جسمانی و احساسی آفریده است. زن و مرد از لحاظ احساسی و از لحاظ جسمانی، بر حسب وظایفی که بر دوش آنهاست، دو گونه خلق شده اند. این وظایف بر اساس آن واقعیتهاست. این واقعیتهای طبیعی - اعم از جسمانی یا احساسی - در نوع تکالیفی که متوجه به آنهاست و همچنین بعضاً نوع حقوقی که اینها دارند - مثل حق نفقه و کسوة که زن نسبت به مرد دارد - تأثیر میگذارد. حق نفقه و کسوه مربوط به فقر و ضعف زن نیست که چون نمیتواند کار کند، باید آن را دریافت کند؛ نه، ممکن است زن بتواند کار کند، پول هم گیر بیاورد، اما موظف نیست يك ريالش را در زندگی مشترك زن و شوهری خرج کند. اگر بخواهد، میتواند در جای دیگری خرج کند و هیچ اشکالی هم ندارد؛ اما مرد چنین حقی را ندارد. این نگاه اسلام به زن و مرد، ناشی از ترتیب طبیعی آنهاست. (1)

فلسفه ی تفاوت زن و مرد در کار و اشتغال

باید به يك نکته ی کاملاً واضح توجه شود و آن وجود تفاوت در ترکیب جسمی زن با ترکیب جسمی مرد است، این تفاوت بیخود نیست. خدای متعال که حکیم است و هر دو را آفریده، این تفاوت را هم گذاشته است. البته در آن زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، انسانی و اسلامی همانطور که گفتیم هیچگونه تفاوتی ندارند اما در مرحله کار با یکدیگر فرق دارند. مثلاً مردها بتایی میکنند، آیا ما برای اینکه زن و مرد حقوقشان برابر باشد و اهانت به زن نشود باید بگوییم زنان هم بروند عملگی و بتایی کنند. اصلاً این کار برای زن مناسب به نظر نمی آید. (2)

ص: 217

1- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . در مصاحبه با مجله ی زن روز پیرامون نقش زن (66/12/13)

این هنری نیست که زن کار مردانه را تقلید کند؛ نه، زن يك کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشكوك موج ضدّ ارزشی را در دنیا به راه انداخته اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود اینها میخواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود يك مرد! این را کسر شأن زن میدانند که چرا فلان کارها را مرد میکند، زن نکند! این کسر شأن است؟ نگاه به این مسأله، نگاه غلطی است. این را عیب میگیرند که چرا شما میگویید زن، زن است؛ مرد، مرد است. خب، مگر اینطور نیست؟ شما دلتان میخواهد که ما بیاییم بگویم زن، يك مرد است؛ آن وقت يك مرد مصنوعی؛ کپی دوّم مرد! این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن این است که يك زن باشد؛ يك زن کامل، يك مؤنث کامل. در مقام ارزشگذاریها و الا اگر نگاه کنیم، این ارزش - يك زن کامل بودن - از يك مرد کامل بودن کمتر که نیست، در مواردی قطعاً بالاتر و بیشتر هم هست. ما چرا این را از دست بدهیم؟ (1)

فلسفه ی «مردانگی» گفتن و «زنانگی» نگفتن

اگر بگویید که فلان کس مرد، مردانه است و در کارها مردانگی دارد، همه خوششان می آید از مردانگی؛ يك چیزی نیست که کسی بدش بیاید. البته بسیاری ندارند و بعضی دارند. حالا چرا این را مردانگی گفتند و آیا زنها مثلاً نمیتوانند این صفت را داشته باشند؟! چون جوانمردی است، جوانزنی نگفته اند؟! مردانگی گفتند، زنانگی نگفته اند؛ آیا این اهانت به زن است؟ نه! يك ویژگیهایی در این مردانگی هست که غالباً این ویژگیها از جنس مرد و از مردان ساخته است. توی نشانه ها و ویژگیهای مردانگی، یکی مثلاً این است که انسان برود از ضعفا مثلاً حمایت کند؛ يك آدم ضعیفی، يك مظلومی، يك بچه ای، يك در راه مانده ای، این را بروند از او حمایت

ص: 218

کنند. این حمایت از جنس مرد بیشتر بر می آید تا از جنس زن، که زن بخاطر ویژگیهای جسمی و عاطفی و روانی که دارد، یک مقداری این کارها برایش مشکلتر است. فرض کنید که توی تاریخ قهرمانهایی که از نوع زن بودند، چند تا بیشتر نیستند که شما اگر بشمارید، توی قهرمانهای زن، کم چهره ی مشخص وجود دارد؛ در حالی که در مردها مثلاً چهره های بیشتری بوده؛ بنابراین در این مردانگی گفتن و زنانگی نگفتن، این یک اهانت و جسارتی به جنس زن نیست! صفتی که اسمش مروّت است، یعنی آن حالتی که اسمش مروّت و مردانگی است، عبارت است از مجموعه ی صفاتی که این صفتها به حسب ترکیب جسمی و عاطفی و روانی در مرد بیشتر از زن است. البته در زن هم پاره ای از ویژگیها وجود دارد که اگر مجموعه ی اینها یک نامی بخواهد پیدا کند، باید زنانگی اسمش باشد. مثلاً فرض کنید که عاطفه ی فراوان، مهربانی زیاد، دقت در کارها - مخصوصاً کارهایی که به ظاهر کوچک است، احیاناً خیلی اثرهای بزرگی دارد - اگر بخواهند مجموعه ی این کارها را اسمش را بگذارند یک چیزی، باید بگویند زنانگی و صفت بسیار خوبی هم هست؛ در منطقه ی خودش، در جای خودش بسیار صفت ممدوح و عالی. فلان کس مثل یک مادر مثلاً از فلانی پذیرایی کرد؛ نمیگویند مثل یک پدر پذیرایی! پدر پذیرایی نمیکند. مثل یک زن مهربانی کرد؛ نمیگویند مثل یک مرد مهربانی کرد! صفت ممدوحی است. (1)

غلبه ی ضمیر مذکر بخاطر نقش ظاهری و بیرونی مرد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است، «یا ایها الذین آمن» نیست؛ یعنی صیغه ی امنوا، صیغه ی مردانه است، نه صیغه ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالا نمیخواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوییم مردم؛ از مرد میگیریم،

ص: 219

1- . در سخنرانی با عنوان «مکارم الاخلاق، صفت مروّت»

نمیگوییم زَنَم؛ در انگلیسی « HUMAN »، چرا « MAN »؟ این نشانه‌ی این نیست که غلبه‌ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرّفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقیتر بگویید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات میشود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ بخاطر همین خصوصیات، نه بخاطر ترجیح (1).

تقسیم کار بین زن و مرد بر حسب تفاوت امکانات و زمینه‌ها

از نظر اسلام، در همه‌ی فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری، زن و مرد دارای اجازه‌ی یکسان و مشترک هستند. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمیکند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمیکند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن میتواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، میتواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد. (2)

کسب مقامات عالی کشوری برای زنان بجز رهبری، ریاست جمهوری و قضاوت

جواب (3): باید بگوییم ما در این مورد چیز نگفته‌ای نداریم. اولاً زنها این

ص: 220

1- در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (90/10/14)

2- در اجتماع زنان خوزستان (75/12/20)

3- سؤال: خوانندگان مجله‌ی محجوبه که مجله‌ی زن مسلمان است، دائماً سؤال میکنند وضع زن

سؤال را از ما نباید بکنند؛ زیرا زنها حداقل 50 درصد این انقلابند چرا که 50 درصد ملت ما زنها هستند و زنها حضورشان در صحنه از مردها کمتر نبوده و حتی در مواردی هم بیشتر بوده است. ما در جواب زنهاى خارجى باید بگوئیم بر طبق تعالیم اسلامى زن را نیمی از بشریت میدانیم که نیم دیگرش مرد است، بدون هیچگونه تمایزی. شما به قرآن کریم نگاه کنید ببینید هر جا تکلیفی یا پاداشی وجود دارد زن و مرد با هم ذکر میشوند «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ (1)». البته ما در باب حقوق مدنی تفاوتی بین زن و مرد داریم که این تفاوتها با مقایسه با واقعیتهای آلوده به ستمی که در سراسر جهان میان زن و مرد وجود دارد، هیچ است. یعنی امروز در دنیای متمدن و به طریق اولی در دنیای غیر متمدن تفاوتها و تبعیضهایی میان زن و مرد وجود دارد که در اندیشه و شریعت اسلامی این تفاوتها نیست و آنچه در قانون مدنی هست خیلی خیلی نسبت به آنچه در آن جاها میگذرد (واقعیتهایی که قانون هم نیست) کمتر است. ما معتقدیم يك زن میتواند مقامات عالی کشوری را متصدی شود جز در مورد رهبری که شرط مرد بودن دارد، بخاطر مرجعیت تقلید و فقاہت و جز در مورد رئیس جمهور، همچنین قضاوت که در قضاوت هم قاضی باید مرد باشد. اما در بقیه ی مسائل و مشاغل کشوری و مسؤولیتهای عظیمی که وجود دارد، زن و مرد علی السواء، بدون هیچگونه تمایزی میتوانند سهم باشند. (2)

ص: 221

1- . سوره ی احزاب، آیه ی 35

2- . در مصاحبه با نشریه ی انقلاب اسلامی (اسفندماه 60)

خدای متعال بر اساس مصالح و حکمی و برای جفت و جور شدن زندگی زن و مرد، يك ترتيب طبيعى را به وجود آورده است تا آنها بتوانند دنيا را با هم اداره کنند. کارهایی را بر عهده ی زن و کارهایی را بر عهده ی مرد گذاشته؛ حقوقی را برای زن و حقوقی را برای مرد گذاشته است. مثلاً حجاب زن سختگیرانه تر است تا حجاب مرد. البته مرد هم در مواردی باید حجاب را رعایت کند و بخشی از جسم خودش را بایستی محجّب قرار دهد؛ اما در مورد زن این معنا بیشتر است. چرا؟ چون طبیعت و خصوصیت و لطافت زن، مظهر زیبایی و ظرافت در خلقت قرار داده شده است و اگر بخواهیم جامعه، متشنج و خراب و آلوده نشود و در آن فساد به وجود نیاید، بایستی این جنس را در پوشش نگه داشت. در این جهت، مرد بطور مطلق مثل زن نیست و آزادی بیشتری برای مرد وجود دارد. این ناشی از وضع طبیعی اینهاست و آنچه که در دیدگاه الهی از تنظیم اداره ی عالم وجود دارد. (1)

عامل تفاوت ديه ی زن و مرد

یکی از چیزهایی که عامل تفاوت زن و مرد است، مسأله ی مال و اقتصاد است، که در جاهایی این تأثیر میگذارد؛ اما در مسأله ی قصاص، دو چیز وجود دارد: اول، جان در مقابل جان است. در اینجا بین این دو جنس هیچ تفاوتی وجود ندارد. زن مرد را بکشد، مرد زن را بکشد؛ باید قصاص شوند. هرگز گفته نمیشود که اگر مرد زن را کشت، حکمش چنین است؛ اگر زن مرد را کشت، حکمش چنان است؛ نخیر، هر دو حکمشان قصاص است و باید قصاص شوند؛ یعنی از دیدگاه اهمیت نفس - «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (2)» - هیچ فرقی بین زن و مرد وجود

ص: 222

1- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . سوره ی مائده: آیه ی 32

ندارد. از جنبه‌ی مالی بین زن و مرد اختلاف وجود دارد؛ چون برای مرد يك امتیاز مالی قرار داده شده است. این امتیاز مالی که برای مرد قرار داده شده، در مقابل تکلیف مالی ای است که بر دوش مرد وجود دارد؛ نه فقط در امر خانواده، بلکه چون تولید مال و ثروت عمدتاً بوسیله‌ی مرد انجام میگیرد. این ربطی به ارزش انسانی ندارد.

مرد برای ورود در میدانهای اقتصادی و مالی است؛ نه اینکه زن حق ندارد؛ چرا، ولی زن گرفتاری دارد؛ زن زایمان دارد، شیر دادن دارد، ظرافت جسمانی دارد، ظرافت روحی دارد، ظرافت احساسی دارد، در هر میدانی نمیتواند وارد شود، طاقت هر برخوردی را ندارد. اینها در ناحیه‌ی مالی و اقتصادی و فعالیت‌های مربوط به آن، برای زن محدودیتهایی ایجاد میکند؛ اما مرد این محدودیتهای را ندارد و اصلاً برای این است که بار مسائل اقتصادی را بر دوش بکشد.

اگر مثلاً خواستند برای نگهداری بچه امتیازی قائل بشوند، آنگاه برای زن امتیاز قائل میشوند؛ اگر خواستند برای شیر دادن امتیاز قائل شوند، برای زن امتیاز قائل میشوند؛ در امر دیه، بین دیه‌ی مرد و دیه‌ی زن، تفاوت وجود دارد؛ اما نه بخاطر اینکه قیمت مرد بیشتر از زن است؛ نه. قصاص در مورد همه هست - نفس در مقابل نفس - اما چون در میدان مسائل مالی، مرد عمدتاً فعال و منشأ مال و تولید ثروت است، دیه‌ی او با زن متفاوت است. البته همه‌ی اینها مبنی بر غلبه است؛ والا ممکن است زنی هم پیدا شود که از چند نفر مرد گردن کلفتتر باشد! مثل آن خانم محترمی که در صدر اسلام به آن شاعر گفت بلند شو این یهودی را بکش؛ اما شاعر ترسید و به گوشه‌ی ای رفت؛ آن وقت خود آن خانم بلند شد و عمود را در دست گرفت و زد یهودی را از بین برد و آن شاعر بیچاره در آنجا از ترس میلرزید! از این قبیل هم داشته ایم و داریم؛ در زمان ما و در گذشته هم بوده؛ اما اینها موارد غالبی نیست. احکام عمومی بر اساس موارد نادر وضع نمیشود، بر اساس غلبه و

موارد غالب وضع میشود. بنابراین از لحاظ جنبه ی انسانی قضیه - که ارزش نفس است - زن و مرد یکسانند؛ اما از جهت ارزش مالی و مادی - که به نقش عمومی مرد در زمینه ی تولید ثروت مربوط میشود - اینها با هم متفاوتند. (1)

حکمت و معرفت عظیم در تفاوت دیه ی مرد با زن

آیا تفاوت دیه ی مرد با زن، ناشی از این است که اسلام برای جنس مرد نسبت به جنس زن رجحانی قائل است؟ آیا اسلام میخواهد با این کار زن را تحقیر کند؟ آیا آنطور که دشمنان اسلام تبلیغ میکنند، دو جنسی به معنای دو مرتبه بودن و دو درجه بودن انسانیت است، یا نه، مسأله این نیست؛ موضوع به حکمت و معرفت عظیم و وسیعی بر میگردد که بشر هم وقتی تأمل کند و به گوشه هایی از آن معرفت برسد، آن را با همه ی وجود تصدیق خواهد کرد؟ البتّه الآن جای بحث مفصّل در این خصوص نیست - به خصوص که ما در این بحث فقهی قصد این را نداریم - و نمیخواهیم درباره ی حکمت الهی بحث کنیم؛ لذا اشاره ی مختصری میکنیم و میگذریم. اما بدانید این مسأله، جزو مسائلی است که مهم است و معتقدان به اسلام و عالمان اسلامی، بحث فراوان و بیان حقایق بسیاری را در اینجا دارند، که متأسفانه کوتاهی میشود و این بحثها نمیشود؛ دشمن هم بالاخره از هر منفذی که بتواند اعتقاد مردم را سست کند، برای تاخت و تاز استفاده میکند. بر خلاف آنچه که از طرف دشمنان گفته میشود، معنای این حکم (دیه ی زن) و امثال آن - که تعدادی حکم اینگونه در فقه اسلامی داریم - این نیست که فقه اسلامی، فقه مذکر است. میگویند فقه اسلامی، فقه مذکر است و زنها در آن مغفول شده اند! نخیر، اینطوری نیست. (2)

ص: 224

1- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . همان

چرا ارث زن نصف مرد است؟ اگر آن هم بهتان جواب بدهم جا دارد پرسید خب چرا زن يك شوهر بیشتر نمیتواند بکند در يك زمان، اما مرد چهار تا زن میتواند بگیرد؟ اگر آن هم جواب بدهم باز سؤال میکنید که چرا زن نمیتواند شوهرش را طلاق بدهد اما شوهر میتواند زنش را طلاق بدهد؟ چند تا سؤال است دیگر، نیست؟ خب حالا بنده زحمت خودم و شما را کم میکنم؛ برای فهمیدن همه ی این موارد با همدیگر چندین کتاب نوشته شده. یکی از بهترین این کتابها کتاب آقای مطهری است، کتاب زن از نظر اسلام، يك همچین چیزی هان؟!... نظام حقوق زن در اسلام.

از جمله ی کتابهایی که باز این موضوع را بیان کرده، کتاب تفسیرالمیزان است؛ در جلد مربوط به سوره ی نساء، که حالا جلد چندم میشود نمیدانم من، فارسی اش را میتوانید پیدا کنید، در ذیل آیات مربوط به زن؛ آن جا مفصل ایشان بحث کرده. از جمله ی کتابهایی که این موضوع را بحث کرده کتاب اسلام و نابسامانیهای روشنفکران، که مال محمّد قطب است به گمانم، یا سیّد قطب است یا محمّد قطب است، مال یکی از این دو تا. (1)

تجدید نظر در بعضی مسائل فقهی

بعضی از این وظایفی که در فقه، مسلم دانسته شده - مثل مسأله ی افتاء - قابل خدشه است. ما نمیتوانیم خیلی تصدیق کنیم که شرط مفتی، مرد بودن است. شاید در بعضی از مسائل اصلاً بایستی زن فتوا بدهد. بعضی از مسائل وجود دارد که موضوع آن را من و شما که مردیم، قادر به فهمیدنش نیستیم. هر چند هم که تشریح کنند، موضوع برای ما روشن نمیشود؛ موضوع را زن میتواند تشخیص دهد. شاید انسان قائل شود که در این موارد متعین است که در مسائل مربوط به زنان، زن فتوا بدهد. علی ایّحال، نمیخواهیم آنچه را که در فقه در مقام اختلاف بین زن و مرد

ص: 225

گفته شده، مسلمات فرض کنیم؛ نه. بعضی از آنها مسلم است - مثل همین مسأله ی دیه - بعضی هم واقعاً مسلم نیست و قابل تجدید نظر است؛ مثل مسأله ی فتوا، قضاوت و حتی مسأله ی امامت جماعت؛ که بعضی از بزرگان مثل امام رضوان الله علیه، برای زنها - آنطور که در ذهنم هست - حق امامت جماعت قائل نبودند؛ ولی ما این حرف را قبول نکردیم. بنابراین، اینطور نیست که آنچه در فقه بعنوان اختلاف احکام زن و مرد وارد شده است، ما آن را بطور مطلق قبول کنیم و قابل خدشه ندانیم؛ نه. بعضی از آنها قابل خدشه است؛ بعضی هم واقعاً قابل خدشه نیست. (1)

3-5 - خصوصیات زن مسلمان

ایمان آگاهانه؛ در صدر شخصیت زن

وقتی ما در ارزیابی شخصیت زن سراغ دانش و تجربه و تخصص و دیگر چیزهایی که امروزه در فرهنگهای جهانی برای زن ارزش محسوب میشود میرویم، در صدر این دید، بایستی روح ایمان آگاهانه را جستجو کنیم. (2)

پاسداران واقعی اسلام در همه ی ابعاد

زن و مرد سعی کنند خود را مجهز کنند. زن و مرد سعی کنند اسلام را با همه ی ابعادش، با همه ی قدرتش، با همه ی چهره هایش، با چهره ی معنویّت و فضیلتش، با چهره ی قدرت و اقتدار نظامی اش، حفظ کنند. زن و مرد سعی کنند پاسداران واقعی اسلام باشند. اگر ما فقط به نیروی مادی اکتفا کنیم، از آشنایی و آگاهی از اسلام فراموش کنیم، انقلاب ما يك بعدی خواهد شد. آن کسانی که انقلابهای يك بعدی را کردند، در دنیا با همه ی داعیه هایشان امروز در ماندند. (3)

ص: 226

1- . در تدریس درس خارج فقه و اصول (79/12/7)

2- . در کنگره ی جهانی زن و انقلاب جهانی اسلام (66/11/17)

3- . لزوم فراگیری ایدئولوژی اسلامی (تاریخ ندارد)

بعضی خیال میکنند انسانی که مشغول عبادت میباشد، يك عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمیتواند يك انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال میکنند کسی که اهل سیاست است چه زن و چه مرد و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمیتواند يك زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمیتواند يك مرد خانه و دگانه و زندگی باشد. خیال میکنند اینها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد، در شخصیت انسان کامل، کمک کننده هم است. (1)

پیشرفت در ارزشهای معنوی، مسائل اجتماعی و سکونت در خانواده

هویت اسلامی این است که زن در عین اینکه هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ میکند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ میکند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده ی خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روزبه روز پیشرفت کند و هم در زمینه ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به اینجا منتهی

ص: 227

میشود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان بامعرفت، در همه ی این میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافتها و رقتهای خود را حفظ میکند؛ هم از حق خود دفاع میکند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی میکند و شخصیتهای برجسته ای را نشان میدهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد؛ این میشود الگویی برای زنان. (1)

مجموعه صفات با ارزش برای زن مسلمان

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم و در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند. در میدان جهاد و مبارزه (از هر نوع آن) پیشقدم باشد. نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش، بی اعتنا باشد. عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه ی بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه دل آرام مرد، شوهر و فرزندانش باشد. مایه ی آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پر مهر و پر عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسانهای بی عقده، خوش روئی و سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا بکنند. مردان و زنان و شخصیتهای جامعه را به وجود بیاورد. مادر از هر سازنده ای، سازنده تر و با ارزشتر است. بزرگترین دانشمندان ممکن است يك ابزار بسیار فوق پیچیده الکترونیکی و موشکهای قاره پیما را به وجود بیاورند، وسایل تسخیر فضا را به وجود بیاورند ولی هیچکدام از اینها اهمیت این را ندارد که کسی يك انسان والا به وجود بیاورد. و چنین کاری تنها از مادر ساخته است. این، آن الگوی زن اسلامی است. (2)

ص: 228

1- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان (79/6/30)

2- . در دیدار با گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) (71/9/25)

امروز زن ایرانی مسلمان در مقابل دنیایی که سخن حق را گاهی نمیفهمد و گاهی عمداً کتمان میکند باید احساس کند رسالتی دارد و پیامی دارد، باید این را برساند این شما هستید زنان فرهنگی عالم محصل علم و تربیت شده اسلام که باید حامل این روحیه باشید میان زنان کشور. (1)

نشان دادن هویت و حقیقت فرهنگی زن مسلمان

در میان این منجلاب فساد فرهنگی، زن مسلمان میتواند سر بکشد میتواند حضور خودش را و حقیقت خودش را و هویت زن اسلامی خودش را برای همه آشکار کند. و امروز ما میتوانیم امیدوار باشیم که همچنانی که یک روز اسلام توانست در آنچنان فضای فرهنگی فاسد و غلطی، زنی مثل زینب را به وجود بیاورد که الگو و نمونه ی یک انسان بزرگ است نه فقط یک زن، یک زن برجسته، امروز هم میتواند تعالیم اسلام و فرهنگ اسلامی در میان این جنجال غوغاگرانه ی جوّسازانه ی غرب، نمونه ی یک زن مسلمان کامل و بزرگ را به وجود بیاورد و ما احتیاج به این داریم. امروز دنیا احتیاج دارد به اینکه زن مسلمان هویت و حقیقت فرهنگی خودش را نشان بدهد. (2)

دلیل برتری زن ایرانی؛ تربیت اسلامی

مجموعه ی زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که میرسد، کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی جلو هستند. وقت جهاد که میرسد، فرزندان خودشان را به دست خود به جبهه میفرستند. وقت خانه داری و تربیت اولاد که میرسد، کدبانوهای خانه داری اند. همه ی اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است. اینها تربیت اسلامی است. اینها همه امیدبخش است. (3)

ص: 229

1- . در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (74/9/16)

2- . در دیدار با عده ای از پرستاران و گروههایی از خواهران به مناسبت روز پرستار (65/10/15)

3- . در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان (76/9/29)

زن مسلمان؛ فرائد از اسارت زر و زیور

زن مسلمان بالاتر از این حرفه‌است که اسیر زر و زیور و طلاجات و این چیزها بشود. نمیخواهیم بگوییم اینها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم که شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما در وضعی زندگی میکنند که محتاج کمک هستند، کسانی بروند هی پول بدهند، طلا بخرند، زینت بخرند، وسایل رنگارنگ زندگی بخرند و در انواع و اقسام روشها و منسهای زندگی اسراف کنند. این الگوی زن مسلمان است. این یکی از آن میدانهایی است که ما در مقابل دنیای استکباری مدعی هستیم. (1)

دوری از اختلاط و جلب نگاه مردان

زنهای مؤمن در جامعه‌ی ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند. ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانید. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمیشود و خود را وسیله‌ای برای جلب چشم مرد نمیداند و خود را بالاتر از این میدانند؛ زنی که شأنش را عزیزتر از این می‌شمارد که خود را عریان کند و با صورت و مو و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آنها را اشباع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قلّه‌ای میدانند که در اوج آن فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بزرگترین زن تاریخ بشر قرار دارد. آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده تمدن غربی و روشهای توطئه آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند. (2)

زن ایرانی؛ پاکتر از راهبه و شجاعتر از سرباز

زن ایرانی راهبه نیست اما از راهبه پاکتر است و طیبه و طاهره است؛

ص: 230

1- . در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور (71/9/25)

2- . در دیدار با جمع کثیری از زنان (68/10/26)

سرباز نیست اما بقدر سرباز میدان جنگ شجاعت دارد و با اینکه جهاد در میدانهای رزم بر او واجب نیست، اما به قدر يك جهادگر در راه خدا تلاش میکند و در تمام صحنه ها حضور دارد.

ص: 231

فهرست آیات قرآن کریم

متن آیه سوره شماره آیه صفحه

لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بقره 85 228

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ... آل عمران 194، 195، 201

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا... نساء 59 3

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ نساء 79 11

وَلَا ضِلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ... نساء 210 119

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ... نساء 58، 129، 59

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ... مائده 223 32

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ... نحل 207 97

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... احزاب 64، 35، 186، 194، 201،

204، 205، 207،

208، 221

إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ... ممتحنه 196 11

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ تَحْرِيمِ 187 10، 192، 193،

194، 203، 205

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا... تَحْرِيمِ 187 11، 192، 193،

194، 197، 203

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ... تَحْرِيمِ 193 12، 194، 197

ص: 233

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النَّسَاءَ... امیر المؤمنین (ع) 63، 66

الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا پیامبر اسلام (ص) 85

الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ... امیر المؤمنین (ع) 85، 213

وَ جَعَلَ مَا امْتَنَ بِهِ عَلَيَّ... دعا 184

ص: 234

فهرست اسامی اشخاص

عیسی بن مریم(ع): ۲۱۲	آسیه، همسر فرعون: ۱۹۷، ۲۰۳
فاطمه زهرا(س): ۳۰، ۳۴، ۶۱، ۶۵، ۶۷	احمدی: ۹۷
۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱	امین، سیده نصرت بیگم (بانوی امین):
۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۵۸	۱۱۶
۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۰۱	پهلوی، محمدرضا: ۱۲۹
۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۹	جویری: ۱۵۷
۲۳۱	خامنه‌ای، سیدعلی حسینی: ۲۸
فرعون: ۱۹۷، ۲۰۴	خدیجه بنت خویلد(س): ۱۹۸، ۶۵
فیاض بخش، نفیسه: ۶۹	خمینی، سید روح‌الله مصطفوی: ۲۷
کاشانی، سیده: ۳۳	۲۲۶، ۱۹۶، ۱۰۷، ۱۰۰، ۹۸، ۳۴، ۲۸
لوط(ع): ۱۸۷	رهنورد، زهرا: ۶۹
محمد قطب: ۲۲۵	زینب بنت علی(س): ۱۳۳، ۱۸۳
محمد بن عبدالله، رسول اکرم(ص): ۶۰	۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۲۹
۶۵، ۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸	سید قطب: ۲۵۵
مریم عذرا(س): ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۱۲	شکسپیر، ویلیام: ۱۵۷، ۱۵۵
مطهری، مرتضی: ۷۵، ۲۲۵	علی بن ابیطالب، امام علی(ع): ۶۳، ۶۴
معیری، محمدحسن (رهی معیری): ۲۱۱	۶۵، ۶۶، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۲
موسی بن عمران(ع): ۱۸۷، ۲۰۳	علی بن حسین، علی اکبر(ع): ۱۰۶



نقش و رسالت زن (۴)

نظامی گنجوی، ابومحمد ایاس بن واعظزاده: ۱۰۹
یوسف: ۱۸۲
نوح (ع): ۱۸۷
همسر لوط: ۱۸۷
همسر نوح: ۱۸۷، ۲۰۳





مکانها

فهرست مکانها

بغداد: ۱۲۸	آسیا: ۱۰۸
بلوچستان: ۵۷	آفریقا: ۱۰۸، ۱۷۶
بوسنی: ۱۲۷	آمریکا: ۵۵، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۶
بیت الله الحرام: ۱۲۶	۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۵۱-۱۵۳
پادگان امام حسن مجتبی (ع): ۱۰۷	۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶
تالار تأثرشهر: ۳۷، ۱۳۴	آمریکای لاتین: ۱۱۷، ۱۷۶
تهران: ۵۰	ارمیه: ۱۲۷
جزیره العرب: ۱۸۷	اروپا: ۴۱، ۴۶، ۴۹، ۵۵، ۱۰۳، ۱۰۶
خاورمیانه: ۱۲۳	۱۱۶-۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۴۶-
خراسان رضوی: ۳۵	۱۴۸، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۰۰
خراسان شمالی: ۳۶	اروپای شمالی: ۱۳۸، ۱۶۳
خوزستان: ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۰	استادیوم تختی: ۵۹
۲۰۲، ۲۲۰	اصفهان: ۱۱۶
دانشگاه تربیت معلّم: ۳۰، ۱۴۷، ۲۰۹	انگلستان: ۴۱، ۱۱۵، ۱۵۲
رژیم صهیونیستی: ۱۵۰	اهواز: ۱۹۳
روم: ۴۸، ۵۰، ۱۱۸	ایتالیا: ۱۱۷
زاهدان: ۵۸	ایران: ۴۸، ۵۰، ۷۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۴
زندان ابوغریب: ۱۲۸، ۱۲۹	۱۳۱، ۱۸۸، ۱۹۰

- ژاپن: ۱۱۷
 سازمان ملل: ۹۲
 سمنان: ۱۶۵
 سیستان و بلوچستان: ۵۸، ۵۹
 شرق آسیا: ۱۷۶
 صحن مطهر امام رضا(ع): ۱۹۱
 صدا و سیما: ۳۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۲۰۶
 غرب: ۳۳، ۳۹-۴۱، ۹۱، ۹۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰-۱۲۷
 ۱۲۹-۱۳۱، ۱۳۴-۱۳۶، ۱۳۸-۱۴۰
 ۱۴۳-۱۴۵، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷-۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۲، ۲۱۳
 فرانسه: ۴۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۴۷
 فلسطین: ۱۲۱
 قطر: ۵۷
 قم: ۱۲۹، ۱۶۴، ۲۲۹
 کشورهای اسکاندیناوی: ۱۳۸
 لندن: ۱۶۲
 مازندران: ۵۵
- مجلس شورای اسلامی: ۴۵، ۴۶، ۵۲، ۷۳، ۷۹، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۹۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴
 مدرسه‌ی علمیه آیت‌الله مجتهدی: ۱۲۸
 مدینه: ۱۹۸
 مرقد مطهر امام خمینی: ۱۴۷
 میدان معلم یاسوج: ۶۰
 نماز جمعه‌ی تهران: ۷۸، ۱۱۷
 نیویورک: ۱۵۱، ۱۶۲
 واشنگتن: ۱۵۱
 ورزشگاه آزادی: ۵۲، ۵۶، ۶۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۶
 وزارت ارشاد: ۴۰، ۱۰۰، ۱۰۱
 وزارت امور خارجه: ۱۳۹
 وزارت آموزش و پرورش: ۱۰۰، ۱۷۴
 هرمزگان: ۳۲، ۵۹، ۷۴، ۷۸، ۸۴، ۹۰
 ۱۸۸
 همدان: ۱۲۹
 یزد: ۱۲۴

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

